

# پنجر اقتصاد

کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال پنجم ● شماره ۱۵ ● پاییز ۱۴۰۱ ● ۱۶۴ صفحه ● ۵۰ هزار تومان



## زیر خط فقر آبی

- + جمعیت و آب؛ رابطه‌ای که باید از نو شناخت
- + وصف الحال منابع بی رمق آب
- + پازل مدیریت بحران
- + خطر بیابانی شدن

با مطالبی درباره سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

گفت‌وگو با «سیدمهدی طیب زاده» رییس اتاق کرمان

### بناگاه‌های بزرگ اقتصادی استان کرمان نقش موثری در توسعه استان ایفا نکرده‌اند

مقاله‌ای از دکتر «سعید کریمی نسب» عضو هیئت علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

### توسعه و آینده پژوهی علوم زمین و معدن در استان کرمان

مقاله‌ای از دکتر «محمدحسین فروزان‌فر» عضو هیئت علمی گروه گردشگری مجتمع آموزش عالی بم

### آینده‌نگاری در گردشگری استان کرمان

گفت‌وگو با «مسعود خوانساری» رییس اتاق تهران

### تجارت آزاد؛ دربردارنده بهبود تولید و توسعه صادرات

گفت‌وگو با دکتر «علی شمس اردکانی» رییس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران

### شحنه مردم آزار

گفت‌وگو با «مجتبی کاروان» رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق ایران

### اولین مهم، دستیابی به ثبات اقتصادی است





اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان



[www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)

[sepehr@kccim.ir](mailto:sepehr@kccim.ir)

۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸

۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸

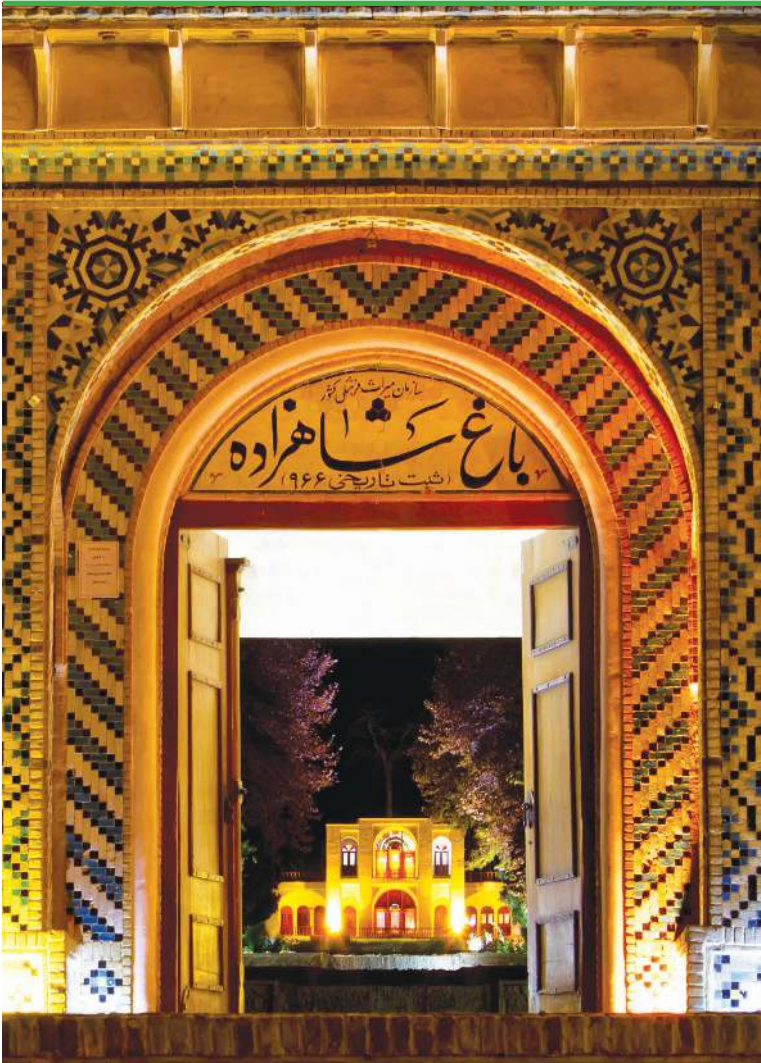
۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ (فضای مجازی)

Kccima



با اسکن بارکد بالا با ما در ارتباط باشید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● باغ شاهزاده ماهدان - کرمان | عکس: فرزاد گوری ●

### حدیث

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم):  
الْبِرْكَةُ عَشْرَةٌ اجْزَاءُ تِسْعَةٌ اعْتَابُهَا فِي التَّجَارَةِ:  
برکت ده قسمت است  
و نه قسمت آن در تجارت است.  
(بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۱۸)

از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر تحصیلی (۱۴۰۱/۰۷/۲۷)

## توقع نخبه‌های ما



یکی از موارد حمایت این است که چه نخبه‌ای که در ایران درس خوانده، چه نخبه‌ای که در خارج درس خوانده و آمده ایران — داریم از این قبیل، کم هم نداریم نخبه‌هایی که در خارج درس خوانده‌اند و به جایی رسیده‌اند و حالا آمده‌اند ایران — دو توقع دارند؛ این دو توقع را برآورده کنیم برایشان: یک توقعشان اشتغال مناسب با دانششان است؛ یک توقعشان امکان ادامه‌ی تحقیقات است؛ ارتباط با مراکز علمی دنیا؛ این دو توقع نخبه‌های ما است، توقع زیادی نیست. بنده اطلاع دارم که نخبه‌ای می‌خواهد در هیئت‌علمی دانشگاه وارد بشود، [ولی] با انواع و اقسام ترفندها جلوییش را می‌گیرند و نمی‌گذارند؛ چرا؟ چرا از این نخبه استفاده نمی‌کنید؟ بعضی از نخبه‌های ما — نخبه‌های برجسته — بیرون درس خوانده‌اند، آمده‌اند اینجا به امیدی که بتوانند کار کنند، [اما] بر اثر همین رفتارها برگشته‌اند رفته‌اند! دیده‌اند اینجا نمی‌شود زندگی کرد. خب من چه توقعی بکنم از این جوان؟ باید حمایت کرد. در این زمینه هر چه خرج کنیم، این هزینه نیست، سرمایه‌گذاری است. وزرای محترم حتماً در این زمینه کار کنند، تلاش کنند. نگذارید نخبه از دانشگاه مایوس بشود؛ حالا حداقلش این است که بتواند در دانشگاه وارد بشود، جایگاهی پیدا کند. بعضی‌ها سنگ نخبه را به سینه می‌زنند، مرتب می‌گویند نخبه‌ها نخبه‌ها، اما در عمل نخبه را مایوس می‌کنند، ناامید می‌کنند، مانع‌تراشی می‌کنند. به نظر من در مورد ارتباط با مراکز علمی دنیا هم وزارت خارجه می‌تواند فعال باشد، می‌تواند کمک حسابی بکند.



اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان |  
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |  
سال پنجم | شماره پانزدهم | پاییز ۱۴۰۱ | ۱۶۴ صفحه |

## سپهر اقتصاد کرمان

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /  
رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طبیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده /  
سرمدیر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده /  
طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: اطلس - قم /

نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /  
کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ /  
www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir /

«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.



استفاده از مطالب مندرج در این نشریه به شرط ذکر منبع «فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان اتاق بازرگانی کرمان» بلامانع است.

شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹

برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴



## سیاست گذاری

گفت‌وگو با دکتر «علی شمس اردکانی» رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران  
شحنه مردم‌آزار

۸



گفت‌وگو با «مجتبی کاروان» رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق ایران  
اولین مهم، دستیابی به ثبات اقتصادی است

۱۲



یادداشتی از دکتر علیرضا شکیبایی عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان  
ساختار ضد تولید در ایران

۱۸



یادداشتی از دکتر مسعود جمالی کارآفرین صادرکننده و رئیس انجمن مدیران صنایع اصفهان  
افول ایران در شاخص‌های کسب‌وکار همزمان با قوانین حمایتی دولت

۲۰



یادداشتی از محسن جلال پور تحلیل‌گر و فعال اقتصادی  
توسعه بینش توسعه

۲۲



یادداشتی از محمدحسین اکبری رئیس کمیسیون بانگ، بیمه و مالیات اتاق کرمان  
حذف معافیت مالیات بخش کشاورزی، تهدید یا فرصت؟

۲۴



یادداشتی از رضا پدیدار رئیس کمیسیون انرژی و محیط‌زیست اتاق تهران  
راهبردهای انرژی در برنامه هفتم توسعه

۲۶



## تولید

گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب زاده» رئیس اتاق کرمان  
عدم کارکرد موثر؛ بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان کرمان نقش موثری در توسعه استان ایفا نکرده‌اند

۳۰



گفت‌وگو با «منوچهر توستی» عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی اراک  
تولید یک امر انتزاعی نیست

۳۴



مقاله‌ای از یلدا راهدار عضو هیئت‌ریسه سازمان ملی کارآفرینی ایران  
فراز و فرود تولید و عوامل فرسایش بخش صنعت

۳۹



مقاله‌ای از دکتر محمد دانشی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی یزد و مشاور صنعت غذا  
چشم‌انداز صنعت غذا

۴۲



مقاله‌ای از دکتر سعید کریمی نسب عضو هیئت‌علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان  
توسعه و آینده‌پژوهی علوم زمین و معدن در استان کرمان

۴۸



مقاله‌ای از محمدرضا کریمی شاهرخی کارشناس ارشد معدن و صنایع فلزی  
ریسک سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی

۵۳



گفت‌وگو با دکتر «سید عبدالرضا جعفری صدر» فعال حوزه گوهرسنگ‌ها  
قدر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری

۵۸



یادداشتی از شهلا عموری رییس اتاق اهواز  
کشاورزی دقیق؛ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

۶۴



گفت‌وگو با «محمدرضا پورخاتون» دبیر شورای هماهنگی امور فنی جهاد کشاورزی استان کرمان  
ضایعات محصولات کشاورزی

۶۶



مقاله‌ای از بتول علیزاده کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان  
نقش کسب‌وکارها در پایداری روستا

۶۸



## بازرگانی و خدمات

گفت‌وگو با «مسعود خوانساری» رییس اتاق تهران  
تجارت آزاد؛ دربردارنده بهبود تولید و توسعه صادرات

۷۴



گفت‌وگو با «پرهام رضایی» رییس اتاق البرز و نایب‌رییس اتاق مشترک ایران و هند  
بخش خصوصی و بهبود فضای کسب‌وکار خارجی

۷۸



گفت‌وگو با دکتر «مجتبی خردیار» مدیرواحد استراتژی آژانس برندسازی The  
برند خوب؛ هویت خوب

۸۲



مقاله‌ای از شرکت مدیریت صادرات تات  
پیامد دسترسی بخش خصوصی به بازارهای بین‌المللی

۸۸



مقاله‌ای از الهه شبرنگ‌زاده کارشناس ارشد اقتصاد  
بررسی سهم استان کرمان در سپرده‌های بانکی

۹۲





مقاله‌ای از وحید سلطانی‌نژاد مدرس حوزه رمز ارزها

ریسک‌های تجارت در بازار رمز ارزها

۹۷



مقاله‌ای از دکتر محمدحسین فروزان‌فر عضو هیئت‌علمی گروه گردشگری مجتمع آموزش عالی بم

آینده‌نگاری در گردشگری استان کرمان

۱۰۰



مقاله‌ای از دکتر محسن پورخسروانی دانشیار ژئومورفولوژی دانشگاه شهید باهنر کرمان

ظرفیت‌های اقتصاد گردشگری در بیابان لوت

۱۰۴



## جامعه

مقاله‌ای از دکتر حسین وحیدی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری‌های پیشرفته

اکولوژی صنعتی؛ چالش‌های تبدیل شهرک‌های صنعتی به اکو پارک‌های صنعتی در ایران

۱۰۸



مقاله‌ای از دکتر زهرا سلطانی کارشناس اجتماعی شرکت مدیریت منابع آب ایران

جمعیت و آب؛ رابطه‌ای که باید از نو شناخت

۱۱۳



گفت‌وگو با دکتر «محمد مهدی احمدی» عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی آب دانشگاه شهید باهنر کرمان

وصف‌الحال منابع بی رمق آب

۱۱۶



گفت‌وگو با دکتر «صادق کریمی» دانشیار اقلیم‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

بازل مدیریت بحران

۱۲۰



مقاله‌ای از دکتر علی جان آبکار عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان

خطر بیابانی شدن

۱۲۸



مقاله‌ای از دکتر نیما جهان‌بین عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

آینده شهرنشینی در کرمان

۱۳۲



یادداشتی از مرجان شاکری کارشناس محیط‌زیست

شهر دوست‌دار محیط‌زیست

۱۳۷



## رویدادها

- در همایش مسئولیت‌پذیران اجتماعی چه گذشت

- خلاصه‌ای از رویدادهای اتاق در پاییز ۱۴۰۱ / ۱۵۰

۱۴۱

# قاعده بازی توسعه

## سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
و رئیس شورای سیاست گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان



اصولاً کشورها در مسیر توسعه در اولین گام با شناسایی و فراهم نمودن ارکان و الزامات اساسی شامل فضای اقتصاد کلان، نهادها، زیرساخت‌ها، محیط کسب‌وکار، بستر جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و نیروی انسانی، بر مبنای ظرفیت‌های خود هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کنند و تحقق اهدافی چون افزایش کارایی بازارهای کالا و کار، تقویت بهره‌وری، توسعه بازارهای مالی، تقویت اقتصاد خلاق و نوآور را به‌صورت مستمر رصد، پایش، بازنگری و اصلاح و به سمت تحقق توسعه تنظیم می‌کنند. نکته مهم این‌که کشورهای پیشرو در تعریف اهداف توسعه از توجه صرف به رشد اقتصادی به سمت‌وسوی توسعه همه‌جانبه و پایدار گذار کرده‌اند و امروز همه جوانب اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی یک جامعه همگام باهم و در ساختاری یکپارچه مورد توجه سیاست‌گذاران توسعه قرار می‌گیرد.

اما در کشور ما اتکای به منابع تجدید ناپذیر، مسیر توسعه را در اولین گام یعنی شناسایی ارکان و الزامات دچار چالش‌های اساسی کرده است. برگشت عایدی حاصل از نفت به بودجه جاری کشور، ساختارهای توسعه را بدون توجه به نقش‌آفرینی بخش خصوصی بنا نهاده و همین بی‌توجهی کل قاعده بازی را بر هم زده است و نمود این رویکرد در کیفیت اجرای قوانین حمایتی و تسهیل‌گر بخش خصوصی، رقابت غیرمنصفانه دولت با بخش خصوصی و ورود به بنگاه‌داری، ضعف عزم جدی بر تسهیل فضای کسب‌وکار، وجود ساختارهای ضد توسعه بخش خصوصی در حوزه‌های بانک، مالیات و بیمه و بسیاری موارد دیگر به وضوح قابل مشاهده است. ظرفیت‌های بی‌شمار طبیعی از جمله منابع غنی معدنی نیز که می‌توانست ظرفیت بالقوه مطلوبی برای توسعه‌یافتگی باشد، متأسفانه خود به دامی برای توسعه کشور تبدیل شده است؛ چرا که اولاً سرمایه‌بر بودن این صنایع زمینه ورود دولت به بنگاه‌داری را فراهم کرده و نوع رابطه بخش خصوصی با دولت را تعریف و جهت‌دهی می‌کند، دوم این‌که به دلیل اشتغال‌زایی پایین و به‌واسطه دستمزدهای بالا ظرفیت زیادی برای توسعه نابرابری ایجاد می‌کند، سوم این‌که حاشیه سود بسیار زیاد و حجم درآمدی بالا آن‌ها را به کانون رانت جویی، تمرکز قدرت سیاسی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های توسعه‌ای تبدیل می‌کند و در نتیجه منابع مالی و سرمایه‌گذاری‌ها نیز به سمت این صنایع منحرف شده و سایر عرصه‌های کسب‌وکار جذابیت خود را از دست می‌دهند.

به نظر می‌رسد باید رویکرد توسعه در کشور بازنگری شود و از وضعیت فعلی که اقتصاد را در خدمت دولت و شرکت‌های بزرگ خصولتی قرار داده است و عدالت را به‌مثابه محصول و پسماند رشد اقتصادی تبیین کرده به نگاه توسعه‌ای همه‌جانبه، متوازن، پایدار و بر پایه ظرفیت‌ها و منابع انسانی تغییر جهت‌دهیم تا منابع طبیعی، ثروت و قدرت بازتوزیع شده و یک سیستم جهانی درون‌زا و خوداتکای اقتصادی ایجاد شود؛ سیستمی که متکی به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی است، اما با رویکرد تصاحب بازارهای

جهانی با اقتصادهای جهان در تعامل است. نکته‌ای که باید توجه کرد این است که هدف اصلی توسعه در نهایت باید انتفاع مردم به معنای بهبود کیفیت زندگی آن‌ها باشد. افزایش درآمد و توسعه اشتغال ضروری است، اما این دو، فقط وسیله‌ی توسعه هستند که اتفاقاً خیلی از اوقات در کشور ما به‌اشتباه به‌عنوان هدف مورد توجه قرار می‌گیرند. دولت و حکمرانی باید به دنبال تکثیر تعاملات بین اجزای مختلف اکوسیستم توسعه اعم از سازمان‌ها، بخش خصوصی، انجمن‌ها، کارگزاری‌ها و ... باشد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۹ اصل حکمرانی مطلوب را شامل: ۱. مشارکت به معنای سهیم شدن مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری جامعه، ۲. شفافیت و سهولت دسترسی مردم به اطلاعات، ۳. پاسخگویی مسئولان در برابر مردم، ۴. تخصیص عادلانه منابع بین مردم، ۵. اثربخشی و کارایی اقدامات، ۶. قانونمندی، ۷. پذیرا بودن و انتقادپذیر بودن مسئولان، ۸. جهت‌گیری هماهنگ تمام نهادها، سازمان‌ها و مردم و در نهایت ۹. نگاه راهبردی مسئولان و مردم مبتنی بر چشم‌انداز بلندمدت می‌داند. به عبارتی حکمرانی مطلوب با تنظیم درست تعاملات دو بازوی اصلی: اول، دولت به‌عنوان بسترساز و تسهیل‌گر و دوم، بخش خصوصی به‌عنوان عاملیت توسعه از طریق جلب مشارکت و توانمندسازی مردم و نیز نهادسازی مؤثر تحقق توسعه همه‌جانبه، اثربخش، درون‌گرا و برون‌زا را تضمین می‌کند. با این رویکرد سیاست‌گذاران کشور باید سمت‌وسوی تولید و اقتصاد که در شرایط فعلی متکی بر استفاده از سرمایه‌های طبیعی هستند را به‌سرعت تغییر دهند و با حمایت از تشکلهای کارکردی، نهادهای مدنی و بخش خصوصی توانمند، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خود را بر تقویت سرمایه‌های انسانی، تکمیل زنجیره‌های ارزش، افزایش بهره‌وری و تقویت زیرساخت‌های نوآوری و فناوری متمرکز نمایند. ♦♦



# سیاست‌گذاری



ریاست جمهوری اسلامی ایران

سخنگوی دولت

Presidency of the Islamic Republic of Iran  
Spokesperson of the Government



- + شحنة مردم‌آزار
- + اولین مهم، دستیابی به ثبات اقتصادی است
- + ساختار ضد تولید در ایران
- + افول ایران در شاخص‌های کسب‌وکار همزمان با قوانین حمایتی دولت
- + توسعه بینش توسعه
- + حذف معافیت مالیات بخش کشاورزی، تهدید یا فرصت
- + راهبردهای انرژی در برنامه هفتم توسعه



گفت‌وگو با دکتر «علی شمس اردکانی» رییس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران

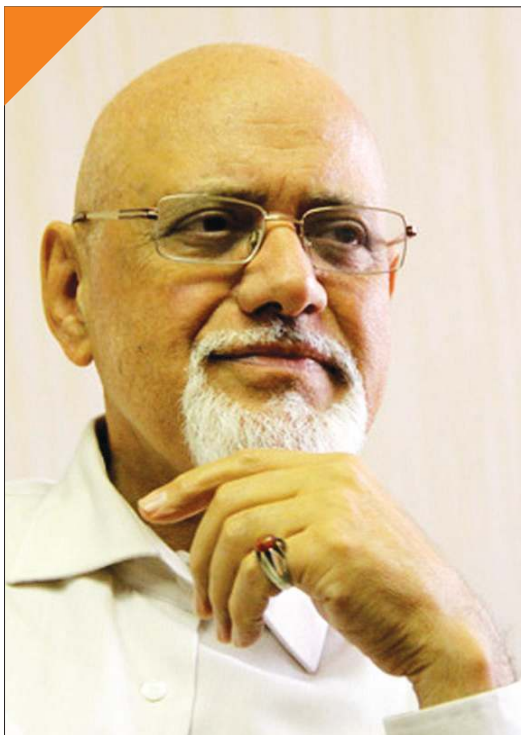
## شحنه مردم آزار

بروکرات‌ها خود را مالک دولت و ملت می‌دانند و میلیون‌ها نفر که کارشان مزاحمت برای تولیدکنندگان است، قهرمان انحراف مصارف ارزهای صادراتی هستند. قانون حمایت از تولید در عمل اجرا نمی‌شود، اگرچه بی‌عملی و عمل نکردن به قانون نیز چون عمل خلاف قانون، جرم است. اگر بخش ارزی به جای هزینه‌های جاری، صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شود، پول ملی در مقابل چاپ پول تضعیف نمی‌شود و در هزینه‌های جاری بروکراسی گردش پیدا نمی‌کند و به چاپخانه تورم نمی‌رسیم. تنها حرف زدن از کارآفرینی؛ سال تولید تکنولوژی و ... بدون مؤاخذه حتی یک نفر که مانع سرمایه‌گذاری است، کافی نیست. مهاجرت سرمایه‌های مالی و فکری از کشور، خود علامتی برای سرمایه‌گذاران خارجی است که ایران را برای سرمایه‌گذاری انتخاب نکنند.

وقتی سرمایه‌گذاری‌های جدید در ایران سودی متناسب با سرمایه‌گذاری در کشورهایمانند افغانستان، پاکستان یا امارات ندارد، جبران استهلاک سرمایه نیز صرف نمی‌کند و حتی با شتاب بیشتری از سرمایه‌گذاری نوع اول به سمت رشد منفی حرکت می‌کند. عدم سودآوری سرمایه، ممانعت‌های بروکراتیک در قبال سرمایه‌گذاری مانند همین بازی مجوزها از عواملی هستند که بر نرخ فرار سرمایه تأثیرگذارند. بروکراسی در ایران، ملت را مایه‌خور کرده است.

مشروح گفت‌وگو با دکتر علی شمس اردکانی، رییس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران را مطالعه نماییم.





◆ آسان‌سازی دریافت مجوزهای کسب‌وکار و حذف مسائل قانونی مزاحم و زائد از چرخه این مجوزها یکی از دغدغه‌های مهم در سرمایه‌گذاری است؛ چه سرمایه‌گذاری داخلی و چه جذب سرمایه خارجی، تا این مرحله چه گام‌های مؤثر و عملی در این جهت برداشته شده است؟

همان‌طور که می‌دانید اجرای مراتب پیش‌نیازهای هر کاری واجب‌تر از خود نیازهاست؛ برای مثال اگر کسی بخواهد نماز بخواند پیش‌نیاز آن وضو است، پیش‌نیاز وضو هم طهارت و پیش‌نیاز همه این‌ها نیت نیکو است.

با جدیت اتاق بازرگانی و همکاری مجلس، قانونی تحت عنوان «حمایت از تولید» تصویب شد. در این قانون صریحاً ذکر شده باید مزاحمت‌های بروکراتیک از جلوی بخش خصوصی به‌خصوص فعالان اقتصادی برداشته شود و برای این منظور دولت بایستی در تصویب مقررات و اخذ تصمیمات اجرایی از طریق اتاق بازرگانی از بخش خصوصی و تشکل‌ها نظرخواهی کند، اما در عمل این قانون اجرا نمی‌شود.

در اجرای قوانین دو نمونه جرم داریم؛ یک جرم ناشی از عمل خلاف قانون و دیگری ناشی از بی‌عملی و عمل نکردن به قانون است. در حوزه‌های مختلف از جمله آب، برق، گاز، اعتبارات، سپرده و... خلاف این قانون عمل می‌شود؛ برای مثال می‌دانیم که وظیفه صادرکنندگان این است که ارزش حاصل از صادرات را در سامانه ملی ارائه کنند، مقرراتی را بانک مرکزی قرار داده که می‌گوید ارزش از منشأ خارج یک ارزش خاصی است که دین ارزش را باید خود آن شخص حقیقی یا حقوقی پرداخت کند، حالا شرکتی که صادرات داشته و می‌خواهد این «ارزش» را منشأ خارج را صرف خرید ماشین‌آلات کند، البته نه همان روزی که معامله کرده است، ولی در مقابل کارمندان بانک با بهانه‌های مختلف یک روز می‌گویند «ارزش نداریم» یک روز می‌گویند «بیا معادل ریالی آن را بگیر و معادل ریالی هم به نرخ ناکجاآباد»؛ مثلاً نرخ دلار امروز در بازار ۳۶ تومان هست ولی می‌خواهند ۲۷ تومان به او بفروشند.

اما دولت و مجلس هم باید ارزش‌های حاصل از صادرات و در رأس آن صادرات نفت را برای هزینه تولید و سرمایه‌گذاری تخصیص دهند و از هر نوع مصرف ارزش‌های صادراتی در بودجه‌های جاری خودداری کنند.

در مجموع مشکل اصلی در سیستم بروکراتیک کشور این است که بروکرات‌ها خود را مالک دولت و ملت می‌دانند و میلیون‌ها نفر به‌صورت کارمند به دولت، بانک‌ها و سازمان‌ها آویزان هستند و ۹۰ درصد کارشان مزاحمت برای تولیدکنندگان است. قهرمان انحراف همه مصارف جاری کردن «ارزش‌های صادراتی» هم این بروکرات‌ها هستند.

پیشنهاد مشخص بنده این است که ممانعت از کسب‌وکار را

به‌عنوان قانونی که جرم است، اجرا کنند؛ یعنی اگر کارمندی در دولت، بانک یا سازمانی این جرم را مرتکب شد برای همیشه از خدمات دولتی معلق شود.

◆ سال‌هاست که اقتصاد کشورمان درگیر رکود تورمی است، چه عواملی موجب عدم سرمایه‌گذاری کافی برای رهایی از این بیماری اقتصادی است و چگونه می‌توانیم تحرک لازم در جمع اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی داشته باشیم؟

۲۵ سال پیش من به‌عنوان دبیرکل اتاق ایران پیشنهاد دادم، یک قِران از پول فروش کالاهای ذخایر ملی که در رأس آن نفت است نباید در بودجه جاری خرج شود و کل پول چه ارزش و چه ریال در صندوق‌های سرمایه‌گذاری ذخیره شود. بخش ریالی فقط صرف گشایش اعتبار یعنی LC ریالی برای تولید کالاهای ساخت ایران شود؛ برای مثال در ایران سالی سه میلیون بخاری گازی، پنج میلیون یخچال و غیره خریداری می‌شود، تصمیم گرفته شود که هر سه ماه یک‌بار از سازمان ملی سرمایه‌گذاری برای تولیدکنندگان ایرانی این کالاها LC ریالی باز شود. بخش ارزی هم صرف سرمایه‌گذاری برای کالاهای سرمایه‌ای وارداتی شود. در این صورت پول ملی در مقابل چاپ پول تضعیف نمی‌شود و در هزینه‌های جاری بروکراسی گردش پیدا نمی‌کند. علت اصلی تورم این است که بخشی از پول صادرات مس، آهن، فولاد و مواد پتروشیمی

در مجموع مشکل اصلی در سیستم بروکراتیک کشور این است که بروکرات‌ها خود را مالک دولت و ملت می‌دانند و میلیون‌ها نفر به‌صورت کارمند به دولت، بانک‌ها و سازمان‌ها آویزان هستند و ۹۰ درصد کارشان مزاحمت برای تولیدکنندگان است. قهرمان انحراف همه مصارف جاری کردن «ارزش‌های صادراتی» هم این بروکرات‌ها هستند.

پیشنهاد مشخص بنده این است که ممانعت از کسب‌وکار را به‌عنوان قانونی که جرم است، اجرا کنند؛ یعنی اگر کارمندی در دولت، بانک یا سازمانی این جرم را مرتکب شد برای همیشه از خدمات دولتی معلق شود.

می‌کنند، مثل مواد خوراکی و پوشاک را وارد می‌کنند. به گفته وزارت نفت برای این کالاها روزی ۱۲ میلیون لیتر سوخت قاچاق می‌شود و این میزان سوخت آن طرف لیتری یک دلار به فروش می‌رسد، ولی اینجا با خرج و مخارج مربوطه لیتری ۲۰۰۰ تومان خریداری می‌شود و با اختلاف این دو عدد و سود حاصل از آن کالای قاچاق وارد می‌کنند. من می‌دانم که قاچاقچیان چه کسانی هستند ولی دولت و نظام باید به‌صورت جدی جلوی آن‌ها را بگیرد، جرم قاچاقچیان سوخت هزار برابر جرم‌های دیگر است. این آقایانی که باتوم دستشان است باید توی سر قاچاقچیان سوخت که همچنین قاچاقچی کالای وارداتی هم هستند، بزنند.

یکی از تولیدکنندگان تقلیدی تعریف می‌کرد: کسانی که از ترکیه قاچاق وارد می‌کنند، کالاهای مارک ایشان یعنی مارک تولیدکننده ایرانی را مارک ترکیه می‌زنند و در داخل کشور ارزان‌تر از کالای وی می‌فروشند. در واقع قاچاقچیان از طریق سوخت قاچاق، سود بادآورده نصیبشان می‌شود، به‌طوری که به‌وسیله آن سود، کالاهای تُرک خریداری می‌کنند و در ایران زیر قیمت خریداری شده می‌فروشند. قاچاق در قاچاق!!؟

بنابراین مشکل مشخص است و باید دنبال حل آن باشند و آقایانی هم که نقد و بحث می‌کنند حتی آن‌هایی که شاگرد من در دانشگاه امام صادق بودند، اقتصاد را درست متوجه نشدند.

طبق قانون و طبق شرع، «سرمایه‌گذار له الغنم» است؛ به عبارتی سرمایه‌گذاری که مطمئن است سودی نصیبش نمی‌شود، سرمایه‌گذاری نمی‌کند و پول خود را در بانک یا در کشوری دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند. مهاجرت سرمایه‌های مالی و فکری از کشور، خود علامتی برای سرمایه‌گذاران خارجی است که ایران را برای سرمایه‌گذاری انتخاب نکنند؛ بنابراین ما باید تمام موجبات فرار سرمایه و مغز را از بین ببریم و کاری کنیم، البته این موضوع زور و هل دادن نمی‌خواهد تنها عقل می‌خواهد.

### ◆ چرا امروزه استهلاک سرمایه از سرمایه‌گذاری‌های جدید پیشی گرفته است؟

وقتی که یک عده‌ای نماز بی‌وضو می‌خوانند، بعد از اینکه متوجه می‌شوند نماز بی‌وضو باطل است، دیگر همان نماز بی‌وضو را هم نمی‌خوانند. وقتی سرمایه‌گذاری در کارهای جدید در ایران، سودی متناسب با سرمایه‌گذاری در کشورهای مثل افغانستان، پاکستان یا دبی ندارد، لذا جبران استهلاک سرمایه نیز که یک نوع سرمایه‌گذاری است؛ یعنی سرمایه‌گذاری از نوع دوم است، وقتی سرمایه‌گذاری از نوع اول صرف نکند، سرمایه‌گذاری از نوع دوم هم صرف نخواهد

به‌خصوص نفت صرف امور جاری کشور می‌شود و در مقابل بخش ارزی، پول چاپ می‌شود؛ یعنی «چاپخانه تورم». اقتصاددان بزرگ، «میلتون فریدمن» برنده جایزه نوبل اقتصاد عقیده دارد «چاپ پول در مقابل ذخایر ملی عبارت از دزدی تومری از جیب طبقات متوسط است»؛ بنابراین بایستی جرم انگاری تومری را قانونی کنیم تا دولت‌ها حق چاپ اسکناس و یا تبدیل دلار نقدی به اسکناس ایرانی را نداشته باشند. در ضمن مسبب آن بروکرات‌های بانک مرکزی، سازمان برنامه و رفیق‌هایشان هستند که در مجلس نشسته‌اند و بودجه ارزی برای دولت تصویب می‌کنند که خود این، یک خطای بزرگ اقتصادی است.

### ◆ پیش‌بینی‌پذیر بودن اقتصاد، نقطه عطف در علاقه به سرمایه‌گذاری است، برای برطرف کردن عدم قطعیت از آینده اقتصاد چه باید کرد؟

باید مشوق‌هایی که در قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری درج شده است را جدی بگیریم؛ برای مثال یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌ها در بخش انرژی، بخصوص در انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی خورشیدی است. با توجه به اینکه ایران یکی از بهترین نقاط دنیا برای تولید انرژی خورشیدی است انرژی خورشیدی در ارتفاع بیش از ۱۰۰۰ متر از سطح دریا بهترین بازدهی را دارد. در ماهان کرمان به‌واسطه سرمایه‌گذار خارجی، نیروگاه خورشیدی مکران با ظرفیت ۲۰ مگاوات احداث شده است، اما متأسفانه بروکرات‌های بانک مرکزی و وزارت نیرو با هم متحد شده و علی‌رغم اینکه بازگشت سرمایه‌ی سرمایه‌گذار و حمایت از آن در ایران ثبت شده و از سوی دولت تأیید شده بود، بازگشت ارز انجام نشد و سرمایه‌گذاران خارجی در بخش انرژی از ایران فرار کردند. این موضوع جرم و جنایت بزرگی است که تاکنون یک نفر هم بابت آن توبیخ نشده است.

در مجموع برای اینکه سرمایه‌گذاری در ایران رونق بگیرد، اول باید جلب و حمایت سرمایه تکنیکال خارجی را روان کنیم، در این صورت اصطلاحاً سرمایه‌گذاری خارجی در شکم خود انتقال تکنولوژی را هم خواهد داشت. تنها حرف زدن از کارآفرینی، سال تولید تکنولوژی و ... بدون مؤاخذه حتی یک نفر که مانع سرمایه‌گذاری است، کافی نیست؛ برای مثال بنده صدها بار با صدای بلند گفته‌ام که مافیایی به نام تولید برق حرارتی علیه منافع ملی ایران وجود دارد و در موضوعات محیط زیستی پرونده‌سازی می‌کند. این مافیا با اتحاد با هم در وزارت نیرو، سازمان توانیر و سازمان توزیع برق مانع شکل‌گیری انرژی خورشیدی شده‌اند، همین‌طور قاچاقچیان سوخت در مقابل قاچاق سوخت، کالاهایی که ایجاد کار

بنده صدها بار با صدای بلند گفته‌ام که مافیایی به نام تولید برق حرارتی علیه منافع ملی ایران وجود دارد و در موضوعات محیط زیستی پرونده‌سازی می‌کند. این مافیا با اتحاد با هم در وزارت نیرو، سازمان توانیر و سازمان توزیع برق مانع شکل‌گیری انرژی خورشیدی شده‌اند، همین‌طور قاچاقچیان سوخت در مقابل قاچاق سوخت، کالاهایی که ایجاد کار می‌کنند، مثل مواد خوراکی و پوشاک را وارد می‌کنند.

کرد. برای مثال اگر حوضی در خانه داشته باشیم که سوراخ شده باشد با وجود سیستم لوله‌کشی دنبال تعمیر حوض نیستیم؛ یعنی کسی که لوله‌کشی دارد نه حوض را آب می‌کند و نه آن را تعمیر می‌کند، چون ساختن حوض صرف نمی‌کند؛ یعنی سرمایه‌گذاری نوع اول صرف نمی‌کند پس سرمایه‌گذاری درجه دوم یا نوع دوم که تابع نوع اول است وقتی نوع اول رشد منفی دارد، نوع دوم نیز رشد منفی خواهد داشت. البته سرمایه‌گذاری نوع دوم شتاب منفی بیشتری نسبت به نوع اول دارد.

#### ♦♦ چاره نرخ بالای فرار سرمایه از کشور چیست؟

عدم سودآوری سرمایه، ممانعت‌های بروکراتیک در قبال سرمایه‌گذاری مانند همین بازی مجوزها از عواملی هستند که بر روی نرخ فرار سرمایه تأثیرگذارند. اگر آثار «فرانس کافکا و

ماکس وبر» را بخوانیم، هر دو نویسنده

به‌خوبی در نوشته‌هایشان نقش بروکرات‌ها در

بی‌عملی مردم را نشان داده‌اند؛ برای مثال فرانس کافکا در کتاب «مسخ» ترجمه صادق هدایت آورده است که آدم‌هایی که فعالند را اینقدر اذیت می‌کنند که مسخ می‌شوند به اینکه کاری انجام ندهند و ساکن باشند.

یک واژه در حکایت «شحنه مردم‌آزار» در گلستان سعدی به نام «گزیر» به معنی کارمند دولت آمده است. جالب است که سعدی ۷۰۰ سال پیش متوجه بلایی که بروکرات‌ها بر سر مردم می‌آورند، شده بود.

#### حکایت «شحنه مردم‌آزار» گلستان سعدی:

گزیری به چاهی درافتاده بود/ که از هول او شیر نر ماده بود بداندیش مردم به جز بد ندید/ بیفتاد و عاجزتر از خود ندید همه شب ز فریاد و زاری نخفت/ یکی بر سرش کوفت سنگی و گفت: تو هرگز رسیدی به فریاد کس/ که می‌خواهی امروز فریادرس؟ همه تخم نامردمی کاشتی/ بین لاجرم بر که برداشتی که بر جان ریشتم نهد مرهمی/ که دل‌ها ز ریشتم بنالد همی؟ تو ما را همی چاه کندی به راه/ به سر لاجرم در فتادی به چاه دو کس چه کنند از پی خاص و عام/ یکی نیک‌محضر، دگر زشت‌نام یکی تشنه را تا کند تازه حلق/ دگر تا به گردن درافتند خلق اگر بد کنی چشم نیکی مدار/ که هرگز نیارد گز انگور بار نپندارم ای در خزان کشته جو/ که گندم‌ستانی به وقت درو درخت زقوم ار به جان‌پرووری/ مپندار هرگز کز او بر خوری رطب نورد چوب خرزهره بار/ چو تخم افکنی، بر همان چشم دار در مجموع باید جرم «ممانعت از فعالیت اقتصادی» تبدیل به



«جرم قانونی» شود و برای کارمندانی که در سازمان‌ها مانع می‌شوند، مجازات تعلیق از کار در نظر گرفته شود. در واقع آن‌ها مثل معلمینی هستند که سر کلاس درس نمی‌دهند و چرت می‌زنند. به قول سعدی:

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریزیای را

#### ♦♦ در مجموع به ترتیب مهم‌ترین اشتباه یا اشتباهات ما در

#### فرآیند سرمایه‌گذاری چیست؟

منابع ملی سرمایه‌های بین نسلی هستند. یک سرمایه‌گذار می‌داند که چگونه پول خود را در بازار خرج کند، به‌طوری که از یک تومان، یک قران سود نصیبش شود، ولی زمانی که ببیند یک تومان آن، ۹ قران می‌شود و سود نصیبش نمی‌شود و این موضوع تکرار شود، این شخص سخی است یعنی کسی که تصمیم‌های اقتصادی اش عقلایی نیست و در بازار به آن «مایه خور» می‌گویند.

بروکراسی در ایران، ملت ایران را مایه‌خور کرده و پول نفت که سرمایه ملی است را «پیش‌خور» می‌کند و هر روز جوان‌های نسل بعدی ناامیدتر، بیکارتر و فراری‌تر هستند و دلیل آن هم بروکرات‌ها هستند که از دولت حقوق می‌گیرند و ضد ملت عمل می‌کنند. ♦♦





گفت‌وگو با «مجتبی کاروان» رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق ایران

## اولین مهم، دستیابی به ثبات اقتصادی است

مطابق با آمار مربوط به اثر تجمیعی رشد سرمایه ثابت در دو دهه اخیر، این نتیجه به دست می‌آید که تاکنون هیچ‌گونه تجمیع و رشدی در تشکیل سرمایه ثابت صورت نگرفته است، لذا با توجه به کاهش سرمایه‌گذاری در دهه اخیر تولید و درآمد سرانه کشور نیز کاهش می‌یابد. صنعت بانکداری هم بنا به ماهیت خود، همواره با تهدیدهای فراگیر و زنجیره‌ای روبه‌رو بوده و به‌عبارتی مبتلابه اثر «دومینو» است. در کل وضعیت کفایت سرمایه بانکی مناسب نیست و نمی‌توان به میزان مورد انتظار، زمینه تأمین سرمایه برای تولید و رشد اقتصادی را فراهم آورد، اگرچه جلوگیری از رسوب غیرمولد سرمایه با پرداخت به‌موقع تسهیلات موردنیاز فعالان اقتصادی، خود پیش‌شرط توسعه پایدار کشور به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین عامل جلوگیری از رسوب سرمایه در بانک‌ها، شفافیت، ثبات اقتصادی و بهبود شاخص‌های اصلی اقتصادی همچون تورم و نرخ ارز است. درزمینه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی، در بسته‌های سرمایه‌گذاری و قراردادهای جدید موارد مختلفی در نظر گرفته شده است که ریسک سرمایه‌گذاری را تا حدی می‌پوشاند، اما شرایط کلی حاکم بر اقتصاد کشور و تحریم‌ها و عدم اتصال کشور به شبکه پولی جهانی مشکلات فراوانی را ایجاد کرده است.

مجتبی کاروان، رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق ایران همچنین می‌گوید که رتبه ایران در تولید ناخالص داخلی سرانه به روش برابری قدرت خرید در دنیا در سال ۲۰۲۲، ۸۵ است. این به معنی رفاه کمتر هر ایرانی از منظر قدرت خرید نسبت به ۸۴ کشور قبل از خود است. راهکار اصلی عبور از سوداگری در اقتصاد و دادن اصالت به تولید، پرهیز از احکام دستوری و پیروی از قواعد بازار است. شرح کامل گفت‌وگو با مجتبی کاروان را در ادامه می‌خوانیم.



◆ روند تشکیل سرمایه در ایران را چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟

همه نظریات توسعه بر اهمیت انباشت سرمایه و تکنولوژی استفاده از آن (بهره‌وری) تأکید داشته‌اند، اما آمارهای تشکیل سرمایه وضعیت مناسبی را در کشور نوید نمی‌دهد. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از مرکز آمار و بانک مرکزی میزان تشکیل سرمایه از ۱۲۹ میلیارد دلار در انتهای دهه ۸۰ به ۴۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ تقلیل یافت و کاهش شدیدی در سرمایه‌گذاری ایجاد شد. البته با وجود وضعیت منفی سرمایه‌گذاری در دهه ۹۰ و دو اکت شددید پس از دو مرحله تحریم در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، تشکیل سرمایه از ۵۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ به ۷۲ میلیارد دلار در سال سرمایه‌گذاری ۱۴۰۰ افزایش یافت، هرچند با رقم سرمایه‌گذاری ۱۱۸ میلیارد دلاری در سال ۱۳۹۰ فاصله زیادی دارد.

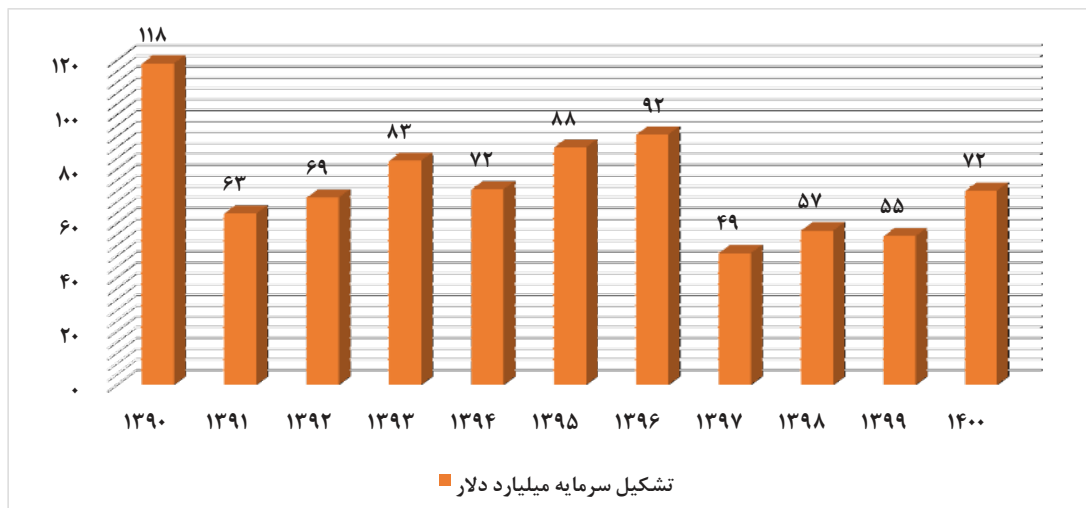
مطابق با آمار مربوط به اثر تجمیعی رشد سرمایه ثابت در دو دهه اخیر، این نتیجه به دست می‌آید که از سال ۱۳۸۵ تاکنون هیچ‌گونه تجمیع و رشدی در تشکیل سرمایه ثابت صورت نگرفته است. به‌طورکلی موارد زیر قابل‌تأمل است:

- میانگین رشد سالانه منفی ۷٫۹ درصدی سرمایه‌گذاری ماشین‌آلات طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸،
- متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ۷٫۵ درصد در دهه ۱۳۸۰ و منفی ۱٫۴ درصد در دهه نود (دهه سقوط اقتصاد)،
- رکود سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات در سال ۱۳۹۱ و دو سال متوالی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ (تشدید تحریم‌ها).

◆ این روند در کشورمان چه آینده‌ای برای تولید و درآمد نشان می‌دهد؟

چگونگی دستیابی به رشد اقتصادی موضوع اصلی بحث و پژوهش‌های اقتصادی از زمان انتشار کتاب «ثروت

ملل» آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ بوده است. در یک نگاه ساده‌سازی شده، سرعت و میزان تبدیل نهاده‌های تولید به محصول، رشد و توسعه را ترسیم می‌نماید که در قرن اخیر تکنولوژی و فناوری نیز به این معادله اضافه شده است. یکی از این نهاده‌ها انباشت سرمایه است و سایر نهاده‌ها نیز با انباشت سرمایه گسترش می‌یابد؛ فلذا با توجه به کاهش سرمایه‌گذاری در دهه اخیر تولید و درآمد سرانه کشور نیز کاهش می‌یابد.



نمودار ۱- تشکیل سرمایه (منبع: مرکز آمار و بانک مرکزی)

استانداردهای  
بانک مرکزی  
حاکمی از آن است  
که نرخ کفایت  
سرمایه بانکیها  
باید ۸ درصد  
باشد، اما در  
حال حاضر از  
مجموع ۱۹ بانک  
و موسسه اعتباری  
که در بازار سرمایه  
حضور دارند و  
صورت‌های مالی  
آن‌ها در دسترس  
عموم مردم  
است، این نسبت  
برای ۷ بانک  
آینده، دی، شهر،  
پارسیان، سرمایه،  
گردشگری و  
ایران زمین منفی  
است. نسبت  
کفایت سرمایه  
در بانک‌های  
خاورمیانه،  
کارآفرین و  
پاسارگاد بالاتر از  
۸ درصد است و  
وضعیت خوبی  
دارند.

### ◆ سلامت نظام بانکداری ما چقدر است و این بانک‌ها چه نقشی در تأمین سرمایه، تولید و رشد اقتصادی دارند؟

نظام بانکی سالم هنگامی در کشوری محقق می‌شود که تک‌تک نهادهای مالی فعال در بازار پول آن کشور سالم باشند و از شاخص‌های مالی مناسب بویژه، سرمایه کافی (نسبت مناسب کفایت سرمایه)، سودآوری و مدیریت ریسک قوی

برخوردار باشند و در این زمینه، مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی اعمال نظارت عالی و پایش مداوم عوامل یادشده می‌باشد. صنعت بانکداری بنا به ماهیت خود همواره با تهدیدهای فراگیر و زنجیره‌ای روبه‌رو است و از این ویژگی در ادبیات بانکداری به اثر «دومینو» یاد شده است و هیچ بانکی هم از خطرات آن در امان نیست. برای ارزیابی مناسب بودن فعالیت بانک‌ها باید از شاخص کفایت سرمایه استفاده نمود.

استانداردهای بانک مرکزی حاکی از آن است که نرخ کفایت سرمایه بانک‌ها باید ۸ درصد باشد، اما در حال حاضر از مجموع ۱۹ بانک و موسسه اعتباری که در بازار سرمایه حضور دارند و صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس عموم مردم است، این نسبت برای ۷ بانک آینده، دی، شهر، پارسین، سرمایه، گردشگری و ایران زمین منفی است.

نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های خاورمیانه، کارآفرین و پاسارگاد بالاتر از ۸ درصد است و وضعیت خوبی دارند. همچنین سه بانک سینا، بانک سامان و بانک ملت نیز دارای نسبت کفایت سرمایه نسبتاً استاندارد هستند. بر اساس تازه‌ترین اطلاعات منتشر شده در سامانه کدال و مقایسه آن با صورت‌های مالی سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که بانک‌های سامان و ملت که در سال قبل دارای نسبت کفایت سرمایه به ترتیب ۲،۱۵ درصد و ۷،۱۱ درصد بودند در سال مالی ۱۴۰۰ موفق شدند تا این نرخ را به استانداردهای مدنظر بانک مرکزی نزدیک کرده و آن را به ترتیب به ۸،۴۵ درصد و ۸،۲ درصد افزایش دهند. این نرخ برای بانک‌های قرض‌الحسنه رسالت، پست‌بانک، اقتصاد نوین، تجارت، صادرات و اعتباری ملل مثبت است، اما تا نرخ استاندارد ۸ درصد فاصله زیادی دارد. متأسفانه شرایط برای بانک‌های آینده، دی و پارسین بسیار نامطلوب پیش رفته است، زیرا نرخ کفایت سرمایه آن‌ها در قیاس با سال ۱۳۹۹ بدتر شده است. نسبت کفایت سرمایه بانک آینده در سال ۹۹ حدود ۱۲۲ درصد منفی بود که در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۵۷ درصد منفی رسید. این نسبت در بانک دی طی سال ۹۹ برابر با منفی ۳۱ درصد بود که در پایان سال گذشته به منفی ۳۹ درصد تغییر یافت. این نرخ برای بانک دی طی سال‌های ۹۸ و ۹۷ به ترتیب منفی ۵۳ درصد و منفی ۳۰ و نیم درصد بود. بانک پارسین هم که در سال ۹۹ با نسبت کفایت سرمایه منفی ۵،۵۱ درصد مواجه بود در سال ۱۴۰۰ این نرخ را به منفی ۷،۷۷ درصد تغییر داد. بانک صادرات نیز در سال ۹۹ این نسبت را منفی ۵ صدم درصد اعلام کرده بود و در سال ۱۴۰۰ آن را به ۲ و نیم درصد مثبت رساند. پس در کل در سال ۱۴۰۰ از ۱۹ بانک تنها ۶ بانک از نسبت کفایت سرمایه مناسب برخوردار هستند که حاکی از آن است که در کل وضعیت کفایت سرمایه بانکی مناسب نیست و

نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

نام بانک یا موسسه اعتباری	۱۴۰۰ (برحسب درصد)	۱۳۹۹ (برحسب درصد)
بانک خاورمیانه	۱۳،۱	۱۲،۱
بانک کارآفرین	۱۰،۹۸	۱۰،۸۳
بانک پاسارگاد	۹،۷	۱۰،۳
بانک سینا	۸،۷	۸،۱
بانک سامان	۸،۴۵	۲،۱۵
بانک ملت	۸،۲	۷،۱۱
بانک قرض‌الحسنه رسالت	۴،۹	۱،۱۷
پست‌بانک	۳،۸۹	-۱،۱۴
بانک اقتصاد نوین	۳،۸۲	۴،۰۵
نام تجارت	۲،۹۲	۲،۳۶
بانک صادرات	۲،۵	-۰،۰۵
اعتباری ملل	۱،۲۵	۱،۴۵
بانک ایران زمین	-۰،۴۳	-۰،۳
بانک گردشگری	-۳،۸۶	-۴،۱۲
بانک سرمایه	-۶	-۷
بانک پارسین	-۷،۷۷	-۵،۵۱
بانک شهر	-۱۹،۳	-۳۱،۱۵
بانک دی	-۳۹	-۳۱
بانک آینده	-۱۵۶،۹	-۱۲۱،۹



بنابراین نمی‌تواند به میزان مورد انتظار، زمینه تأمین سرمایه تولید و رشد اقتصادی را فراهم آورد.

### ◆ چگونه می‌توان از رسوب سرمایه در بانک‌ها جلوگیری کرد؟

مهم‌ترین ارگان در تأمین مالی بخش‌های تولیدی، تجاری، مصرفی و حتی دولتی در ایران بانک‌ها هستند، بنابراین توسعه و بهبود فعالیت‌های بانکی بویژه اعطای تسهیلات به همراه نظام بانکی کارآمد، نقش عمده‌ای در توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور خواهد داشت. اعطای تسهیلات اعتباری به مشتریان از مهم‌ترین وظایف بانک‌ها به‌شمار می‌رود. بانک‌ها در هر کشوری پس از جمع‌آوری منابع مالی، این منابع را به بخش‌های مختلف اقتصادی تخصیص می‌دهند. در حقیقت این اقدام بانک‌ها، بخش‌های مختلف اقتصادی را در هر کشور در انجام بهتر وظایفشان تقویت می‌کند و نهایتاً زمینه لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم می‌آورد.

به‌طور کلی می‌توان گفت طی سال‌های اخیر، تأمین اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در قالب یکی از دغدغه‌های اقتصادی و به‌عنوان ضروری‌ترین هدف برای مدیریت کشور و برنامه‌های اقتصادی مدنظر قرار گرفته است. در این بین، بازارهای پولی و مالی اهمیت فراوانی در نظام اقتصادی کشورها دارند و از الزامات مهم دستیابی به رشد پایدار محسوب می‌شوند. در واقع بازارهای پولی و مالی، منابع تأمین اعتبار برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی هستند. دریافت وام و اعتبار و انتقال پول از یک فرد به فرد دیگر یا از یک نهاد به نهاد دیگر نقشی اساسی در تأمین اعتبار فعالیت‌های مختلف اقتصادی دارد. از سوی دیگر اعتبار و وام، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و فرصت‌های شغلی جدید تأثیر می‌گذارد.

در مجموع باید گفت که فلسفه تأسیس بانک‌ها، جذب نقدینگی سپرده‌گذاران به‌منظور تأمین مالی فعالان بخش‌های مختلف در راستای سرمایه‌گذاری تولید، اشتغال و در نهایت بهبود اقتصاد کشور بوده که این مهم به‌طور مکرر مورد تأکید

مسئولان واقع شده است. در مسیر دستیابی به اهداف فوق هدایت صحیح وجوه و ایجاد چرخه نقدینگی و جلوگیری از رسوب غیرمولد آن از الزامات بانکی است. بنابراین پرداخت به‌موقع تسهیلات موردنیاز فعالان اقتصادی، پیش‌شرط توسعه پایدار کشور به‌شمار می‌رود.

مهم‌ترین عامل در جلوگیری از رسوب سرمایه در بانک‌ها، شفافیت و ثبات اقتصادی و بهبود شاخص‌های اصلی اقتصادی همچون تورم، نرخ ارز و ... است. براساس نرخ تورم که طی دو سال گذشته بیشتر از ۴۰ درصد بوده است، امکان برنامه‌ریزی مناسب و افزایش سرمایه‌گذاری وجود ندارد. همچنین نرخ ارز دارای نوسانات شدید است که باز منجر به عدم ثبات در تولید می‌گردد. در این شرایط فعالیت‌های دلالی رونق می‌گیرد و سرمایه‌ها جذب بخش تولید نخواهد شد.

### ◆ ارزیابی شما از جایگاه تولید ناخالص داخلی ایران در بین کشورهای جهان چیست؟

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود میزان تولید ناخالص داخلی ۱۹۲ کشور جهان از جمله ایران در سال ۲۰۲۲ را پیش‌بینی کرده است. این نهاد بین‌المللی انتظار دارد تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس شاخص قدرت خرید در این سال به یک‌هزار و ۶۰۰ میلیارد دلار برسد که این رقم ۱۵۰ میلیارد دلار نسبت به سال قبل افزایش خواهد یافت. ایران در آمارهای صندوق بین‌المللی پول با اقتصاد یک‌هزار و ۵۹۹ میلیارد دلاری خود در سال ۲۰۲۲ به‌عنوان بیست و یکمین قدرت بزرگ اقتصادی جهان در این سال شناخته شده است. بر این اساس اقتصاد ایران از اقتصادهای ۱۷۱ کشور دیگر دنیا بزرگ‌تر بوده و فقط ۲۰ کشور، تولید ناخالص داخلی بیشتری نسبت به ایران در این سال خواهند داشت. البته بر اساس آمار بانک جهانی رتبه ایران از لحاظ میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار در بین کشورهای جهان ۵۰ است. همین‌طور داده‌های صندوق بین‌المللی پول نشان

#### مهم‌ترین عامل

در جلوگیری از

رسوب سرمایه

در بانک‌ها،

شفافیت و ثبات

اقتصادی و بهبود

شاخص‌های

اصلی اقتصادی

همچون تورم،

نرخ ارز و ... است.

براساس نرخ تورم

که طی دو سال

گذشته بیشتر از ۴۰

درصد بوده است،

امکان برنامه‌ریزی

مناسب و افزایش

سرمایه‌گذاری

وجود ندارد.

همچنین نرخ ارز

دارای نوسانات

شدید است که باز

منجر به عدم ثبات

در تولید می‌گردد.

در این شرایط

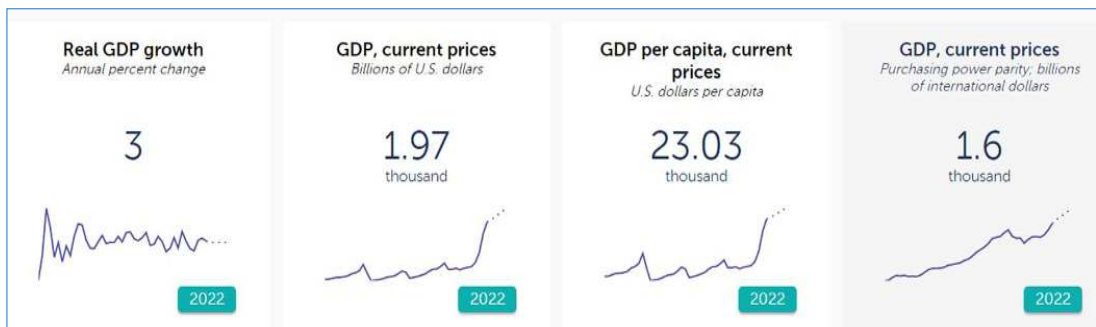
فعالیت‌های دلالی

رونق می‌گیرد و

سرمایه‌ها جذب

بخش تولید

نخواهد شد.



هدف از پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور رشد و توسعه اقتصادی، افزایش فرصت‌های شغلی، اخذ و توسعه فناوری و مهارت‌های مدیریتی و ارتقای کیفیت تولیدات و افزایش توان صادراتی کشور است.

از سال‌ها قبل چهارچوب قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی بوده است. در راستای انجام اصلاحات در ساختار اقتصادی کشور، مجلس طرح قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی با عنوان قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی را پیشنهاد نمود که به تصویب رسید. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی امکان سرمایه‌گذاری در کلیه حوزه‌های فعالیت اقتصادی در ایران را فراهم می‌سازد. در حقیقت هیچ عرصه‌ای به‌جز حوزه‌های مربوط به تسلیحات، مهمات و امنیت ملی بر روی سرمایه‌گذاری خارجی مسدود نمی‌باشد. بر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی به دو طریق زیر قابل انجام است:

الف) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کلیه حوزه‌های مجاز برای بخش خصوصی ایرانی از طریق مشارکت مستقیم در سرمایه شرکت‌های ایرانی چه در طرح‌های جدید یا در شرکت‌های موجود.

ب) سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی به شکل ترتیبات قراردادی که امکان انجام هر نوع سرمایه‌گذاری تعریف شده در قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، به‌جز سرمایه‌گذاری مستقیم را فراهم می‌سازد. گرچه ترکیباتی که در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به رسمیت شناخته شده‌اند، محدود به ترتیبات مشارکت مدنی، بیع متقابل (Back Buy) و انواع روش‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (Bot) می‌باشند، اما هر یک از ترتیبات فوق خود به انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به انواع مختلف روش‌های ساخت، تملیک، بهره‌برداری و انتقال (Boot)، ساخت تملیک و بهره‌برداری ساخت، اجاره و انتقال (BLT)، بازسازی، بهره‌برداری و انتقال (Rot) و نظایر آن‌ها و همچنین ترتیبات تأمین مالی پروژه‌ای و تقسیم سود اشاره نمود. در بسته‌های سرمایه‌گذاری خارجی و قراردادهای جدید موارد مختلفی در نظر گرفته شده است که ریسک سرمایه‌گذاری را تا حد ممکن پوشانده است، اما شرایط کلی حاکم بر اقتصاد کشور و تحریم‌ها و عدم اتصال کشور به شبکه پولی جهانی مشکلات فراوانی را در این راستا ایجاد کرده است. زمان‌بر بودن دریافت مجوزها در کنار مشکلات نقل‌وانتقال ارز و پول ملی و یا بسته شدن حساب‌های

می‌دهد که با توجه به جمعیت بیش از ۸۰ میلیونی کشور ما، رتبه ایران در تولید ناخالص داخلی «سرانه» به روش برابری قدرت خرید در دنیا در سال ۲۰۲۲، ۸۵ است. این به معنی رفاه کمتر هر ایرانی از منظر قدرت خرید نسبت به ۸۴ کشور قبل از خود است.

### ♦ چرا از قابلیت‌هایمان در اقتصاد جهان استفاده نمی‌کنیم و خود را پشت تحریم‌ها پنهان می‌کنیم، دهه‌های گذشته نیز حکایت از همین وضع دارد؟

بالاترین رشد سرمایه‌گذاری ماشین‌آلات با رقم ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۶ در دهه نود بوده است، درست در زمانی که تحریم‌ها برداشته می‌شود؛ فلذا با وجود تحریم‌ها امید چندان به افزایش سرمایه‌گذاری نیست و تحریم اثر مهمی در آینده در استفاده از قابلیت‌های کشور دارد. چون تحریم‌ها سبب ایجاد شرایط نااطمینانی می‌شود که اثر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری دارد.

اما لازم به ذکر است که از سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۸، منابعی در حدود هزار و ۴۲۶ میلیارد دلار به‌صورت مستقیم با وجود تحریم‌ها برای کشور فراهم بوده است. به غیر از منابع مستقیم، منابع غیرمستقیم برای کشورمان فراهم بوده که حاصل تفاوت استخراج نفت و گاز از بخش صادرشده آن است که به مصارف گوناگون داخلی تعلق می‌گیرد. برای دوره زمانی شروع تحریم از ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۵ مستندات ترازنامه انرژی نشان می‌دهد که صادرات هزار و ۲۷۳ میلیارد دلار است. با این احتساب، مجموع منابع مستقیم و غیرمستقیم فراهم بوده، تنها در دوره تحریم‌ها معادل ۲ هزار و ۶۹۹ میلیارد دلار می‌شود. مقام معظم رهبری در اول فروردین ۱۳۹۳ به نکته‌ای مهم اشاره کرده‌اند که فقط با تسلیحات یک ملت قوی نمی‌شود. سپس بیان کردند که سه عنصر مهم است و نخست به اقتصاد اشاره کردند. حال پرسش این است که آیا واژه آمریکا و کشورهای ثروتمند غرب از روسیه که قدرت نظامی دارد، بیشتر است یا از چین که قدرت اقتصادی دارد؟ پاسخ یقیناً مشخص بوده و آن‌هم، چین است. درخصوص ایران باید پرسید آیا تقویت قدرت اقتصادی و دستاوردهای ما با این همه منابع در دسترس منطبق است یا خیر؟ پاسخ یقیناً منفی است.

♦ آیا در سرمایه‌گذاری خارجی بسته‌های مشخص سرمایه‌گذاری که به طرف خارجی اطمینان لازم را بدهد ارائه کرده‌ایم که موفق نبوده است؟ یک بسته سرمایه‌گذاری مشخص برای پیشنهاد به طرف خارجی چه مشخصاتی باید داشته باشد؟

#### ایران در

آمارهای صندوق بین‌المللی پول با اقتصاد یک‌هزار و ۵۹۹ میلیارد دلاری خود در سال ۲۰۲۲ به‌عنوان بیست و یکمین قدرت بزرگ اقتصادی جهان در این سال شناخته شده است.  
بر این اساس اقتصاد ایران از اقتصادهای ۱۷۱ کشور دیگر دنیا بزرگ‌تر بوده و فقط ۲۰ کشور، تولید ناخالص داخلی بیشتری نسبت به ایران در این سال خواهند داشت. البته بر اساس آمار بانک جهانی رتبه ایران از لحاظ میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار در بین کشورهای جهان ۵۰ است.



اصلی‌ترین مسئله در این زمینه نوسانات ارزی و تحریم‌ها هستند. تا زمانی که وضعیت مناسبی در مورد تحریم‌ها و حل آن برنامه‌ریزی و اجرایی نشود، نمی‌توان دورنمای مناسبی از افزایش صادرات و جهت‌گیری در این زمینه دید. همین‌طور از منظر رقابت‌پذیری، افزایش کیفیت تولیدات داخلی، همکاری‌های استراتژیک با کشورهای دوست و ایفای نقش مناسب در زنجیره ارزش جهانی می‌تواند راهگشای مناسبی در شرایط فعلی برای کشور باشد.

#### ◆ چگونه می‌تواند اصالت به تولید برگردد و سوداگری غیراقتصادی شود؟

این‌که چه سازوکارهایی موجب بروز شرایط سوداگری شده است، بحثی چندجانبه است، از فشارهای خارجی، تحریم و عدم پاسخگویی به انتظارات مردم گرفته تا مشکلات نهادهای اقتصادی و ناتوانی در مدیریت هماهنگ بخش‌های اقتصادی، همه مواردی است که مؤثر بوده‌اند. راهکار اصلی اما پرهیز از احکام دستوری و پیروی از قواعد بازار است. به دلیل متوازن نبودن افزایش نقدینگی سالانه با افزایش تولید کالا و خدمات، افزایش قیمت‌ها و تورم بالا قابل پیش‌بینی است. از طرفی عدم افزایش نرخ ارز بر اساس نرخ تورم سالانه در سال‌های گذشته و ناتوانی از ادامه این سیاست موجب افزایش انفجاری نرخ ارز می‌گردد و به‌تبع آن نرخ‌های چندگانه ارزی و تورم بالا در کنار عدم تعادل عرضه و تقاضا منجر به افزایش سوداگری شده است. فلذا تلاش در راستای ایجاد حکمرانی خوب، پرهیز از بخشنامه‌ها و قوانین خلق‌الساعه، شفاف بودن قواعد و به‌تبع آن پرهیز از رانت‌های ویژه و فسادهای ناشی از آن موجب تقویت بخش خصوصی، حرکت مناسب قیمت‌ها و جلوگیری از سوداگری می‌گردد. ◆◆

سرمایه‌گذاران از جمله ریسک‌های جانبی سرمایه‌گذاری در کشور است. ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری مشترک از طریق کنسرسیوم‌ها در کنار ارائه مجوزهای بی‌نام و تضمین بازگشت و انتقال درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری به‌طور دقیق باید در بسته‌های سرمایه‌گذاری خارجی گنجانده شود تا تحریم‌ها و ریسک‌های فعالیت در محیط اقتصادی کشور تا حد ممکن کاهش یابد.

#### ◆ چرا تولید در کشورمان در ۵ سال اخیر در جهت صادرات نبوده است؟

هر بنگاه اقتصادی به‌منظور برنامه‌ریزی تولید و صادرات در جهت استمرار حضور در بازارهای هدف صادراتی، می‌بایست قدرت برنامه‌ریزی داشته باشد. لذا اولین مهم، دستیابی به یک ثبات اقتصادی است که به‌منظور دستیابی به آن می‌بایست سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در راستای حفظ ارزش پول ملی و کنترل تورم تدوین و اجرایی گردد. با توجه به تورم سالانه غیرقابل‌اجتناب و تا رسیدن به یک تراز تجاری مثبت، لازم است به میزان تورم در هر سال، برای کالاهای صادراتی با توجه به نوع آن، جواز صادراتی در نظر گرفت تا ارزش پول ملی حفظ گردد. این مهم اصلی حیاتی در عدم ایجاد تورم منفی ارزش پول ملی است که در صورت ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز در شرایط تراز تجاری منفی در طی چند سال و عدم بالا بردن جواز صادراتی به‌تناسب نرخ تورم با توجه به نوع کالا، مجدداً شاهد شک کاهشی ارزش پول ملی خواهیم بود. توسعه روابط با کشورهای مختلف بخصوص کشورهای منطقه با حفظ تمامیت ارضی و منافع ملی با ایجاد و اعمال سیاست تعاملی از ضرورت‌هایی است که با تحقق آن صادرکننده در کشور هدف احساس ارزش و احترام می‌نماید.



# ساختار ضد تولید در ایران

## ♦ دکتر علیرضا شکیبایی

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان



ایران در مسیر رشد، توسعه و تقویت تولید، راهبرد و سیاست‌های زیادی را در دولت‌های متفاوت به کار گرفته تا رشد اقتصادی را در یک ساختار تولید مدرن شکل دهد. این تلاش بیش از هفت دهه از طریق صرف منابع زیادی (بیش از دو هزار میلیارد دلار) به‌طور مستمر ادامه دارد. در این مسیر و در ادوار گذشته همواره با بی‌ثباتی و نوسانات زیاد روبه‌رو بوده‌ایم. عوامل رشد و تولید یا از طریق منابع یا از طریق بهره‌وری قابل تأمین هستند. برای پی بردن به علت بی‌ثباتی و نوسانات رشد و تولید در ایران همواره این سؤالات مطرح است؛ آیا شوک‌های خارجی مثل تحریم، سیاست‌گذاری اشتباه یا ساختارهای اقتصاد ایران، علت نوسانات یا بی‌ثباتی است؟

در این مقاله سعی در بررسی عامل سوم، ساختارهای اقتصادی را داریم. اقتصاد ایران در دوره مدرنیته و صنعتی شدن خود با اتکا به منابع نفتی به‌عنوان یک عامل برون‌زا، از طریق تمرکزگرایی بالا، برنامه‌های اقتصادی خود را با ساختارهای جدید و سنتی با هم اجرا نموده است. برخی از مشکلات این ساختار عبارتند از:

### بیماری هلندی

#### ابتدا در هلند

#### شناسایی شد که

#### مشاهده شد با

#### افزایش صادرات

#### منابع طبیعی،

#### بخش تولیدی

#### داخلی برخلاف

#### انتظار، رقابت

#### خود را از دست

#### می‌دهد. در این

#### بیماری پس از

#### ورود درآمد ارزی

#### به داخل و تبدیل

#### به نقدینگی و

#### تقاضا، شاهد

#### تورم خواهیم بود.

**بیماری صنعت زدایی (هلندی):** بیماری هلندی ابتدا در هلند شناسایی شد که مشاهده شد با افزایش صادرات منابع طبیعی، بخش تولیدی داخلی برخلاف انتظار، رقابت خود را از دست می‌دهد. در این بیماری پس از ورود درآمد ارزی به داخل و تبدیل به نقدینگی و تقاضا، شاهد تورم خواهیم بود. از آنجاکه رشد قیمت‌ها در بخش‌های غیرقابل‌مبادله بیشتر و سریع‌تر نسبت به بخش‌های تولیدی و کارخانه‌ای است، شاهد انتقال منابع از بخش تولیدی به بخش‌های غیرقابل‌مبادله مثل زمین، مسکن، خدمات و... توسط بخش خصوصی می‌باشیم. این موضوع منجر به ورود و دخالت دولت برای تشویق و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی می‌شود. دولت با ایجاد محرک و تشویق از طریق یارانه تولید، یارانه صادرات، محدودیت واردات، افزایش مالیات بر واردات (تعرفه) و بعضاً کاهش ارزش پول ملی سعی در ایجاد و نگهداری بنگاه‌های اقتصادی یا حمایت از تولید داخلی، خارج از روند طبیعی خود می‌نماید. این رویه منجر به ایجاد تعداد زیاد بنگاه‌های تولیدی وابسته

به یارانه در مقیاس کوچک و بدون توجیه اقتصادی می‌شود که ساختار تولید کشور را شکل می‌دهند (بنگاه‌های خصوصی با مقیاس کوچک و بنگاه‌های بزرگ خصوصی برای دریافت امتیازهای دولتی). اغلب این بنگاه‌ها رقابت ناپذیرند و همواره با بهره‌وری پایین و هزینه‌های صعودی مواجه‌اند.

برای جبران هزینه‌ها، افزایش قیمت‌ها به‌صورت مستمر، مورد درخواست شرکت‌ها می‌باشد. تورم ناشی از افزایش هزینه و قیمت تمام شده موج دوم تورم در این فرآیند است (تورم ناشی از فشار هزینه).

دولت به دلیل اهمیت تورم و حل آن کنترل بازار و قیمت‌ها را به‌صورت مستقیم و دستوری تحت سیاست تنظیم بازار به عهده می‌گیرد. یکی از اقدامات تنظیمی دولت در این شرایط اجازه واردات برای کنترل تورم است. واردات بی‌رویه و بی‌برنامه، بنگاه‌های داخلی را با ورشکستگی روبرو می‌کند؛ یعنی دولت از طریق واردات و قیمت‌گذاری دستوری به پدیده ضدتولید، ضدصنعت، ضدکشاورزی کمک کرده است که تحت عنوان تولیدزدایی یا صنعت زدایی در ادبیات اقتصادی مشهور است.

## ساختار بودجه

بودجه سند مالی دخل‌وخرج دولت است که توسط مجلس تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ می‌گردد. ناترازی بودجه و کسری آن به دلیل بزرگ بودن دولت و افزایش هزینه‌های غیرقابل‌اجتناب آن همواره به‌عنوان یکی از مشکلات اقتصاد ایران می‌باشد. از آنجاکه در اقتصاد منابع محدود است، افزایش هزینه‌های دولت یعنی انتقال منابع از بخش خصوصی به بخش دولتی که با بزرگ شدن دولت و کوچک ماندن بخش خصوصی همراه است، شرایط را برای بخش خصوصی تنگ‌تر نموده و سهم دولت را در اقتصاد بالا می‌برد. از آنجاکه در ساختار بودجه دولت، بدون توجه به عملکرد، بودجه اختصاص می‌یابد؛ لذا عدم کارایی، عدم بهره‌وری و فساد گسترده به وجود می‌آید و اقتصاد ایران بهره‌چندانی از منابعی که در اختیار دولت می‌گذارد، نمی‌برد (رشد اقتصادی پایین و نرخ بیکاری بالا)؛ به‌عبارت‌دیگر حیف و میل منابع در ساختار دولتی منجر به کاهش اثرات آن‌ها در تولید و رشد کشور خواهد شد. دستگاه‌های دولتی بدون توجه به عملکرد و نتایج، تبدیل به واحدهای هزینه شده‌اند. ردیف‌های دریافت‌کننده (اعتبار هزینه‌ای در قانون ۱۴۰۰ شامل ۱۰۵۵ ردیف می‌باشد که هر ردیف ترکیبی از یک دستگاه یا برنامه می‌باشد) این دستگاه‌ها بعضاً به‌صورت موازی و به‌سرعت منابع را هدر می‌دهند.

## تبصره‌های حمایتی بودجه

همان‌طور که اطلاع دارید دولت باهدف کمک به اشتغال و تولید، همه‌ساله منابع یارانه‌ای در قالب تبصره‌های بودجه در کشور توزیع می‌کند. از آنجاکه در اجرای این تبصره‌ها انحرافات اساسی و گسترده‌ای وجود دارد به‌جای ایجاد اشتغال و تولید، ما شاهد انحراف منابع به فعالیت‌های غیر مولد، غیر تولیدی و حتی خروج سرمایه از کشور هستیم.

## ساختار بانکی

در ایران شبکه گسترده بانکی با خلق پول و تورم با استفاده از منابع بانک مرکزی و سپرده‌های دولتی بدون رعایت ضوابط بانکی مبادرت به امر بنگاه‌داری، ایجاد و خرید واحدهای تجاری و مسکونی و دیگر سرمایه‌گذاری‌های غیر مولد با انگیزه کسب سود بیشتر می‌ورزد؛ لذا شبکه بانکی نه‌تنها در تأمین مالی بنگاه‌های بخش خصوصی کمکی نمی‌کند بلکه خود به‌عنوان رقیب، منجر به کاهش انگیزه‌بخش خصوصی در فعالیتهای مولد می‌گردد.

## ساختار مالیاتی

مالیات ضمن تأمین بودجه دولت می‌تواند اثرات اقتصادی از جمله افزایش تولید و سرمایه‌گذاری را دنبال کند. اگرچه سهم مالیات در اقتصاد ایران در مقایسه با دیگر کشورها کم است، ولی به دلیل معافیت‌های گسترده و فرار مالیاتی، فشار مالیاتی بر شرکت‌ها است، به‌طوری‌که مالیات بر شرکت‌ها بالاترین سهم را در بین پایه‌های مالیاتی در ایران دارد. این موضوع منجر به انتقال و هدایت منابع به بخش‌های غیر مولد ایران می‌شود.

## نظام توزیع کالا

نظام توزیع کالا در ایران هنوز سنتی است. در این ساختار با تعداد زیاد واحدهای توزیعی با هزینه حمل‌ونقل بالا، ناکارایی و هزینه بالای سهم توزیع که از جیب تولیدکننده و مصرف‌کننده تأمین می‌شود روبه‌رو هستیم. ساختارهای مدرن توزیع مثل فروشگاه‌های زنجیره‌ای، فروشگاه‌های بزرگ متصل به بخش تولید، حمل‌ونقل تخصصی و پیشرفته از جمله راهکارهای بهبود این نظام هستند. مشکلات تولیدکننده اغلب به خاطر تحت تسلط بودن شبکه توزیع است که با تمایل به واردات، بخش تولید را تهدید می‌کند یا سهم بالایی برای سهم توزیع دریافت می‌کند. ♦♦



## دولت به دلیل

اهمیت تورم و

حل آن کنترل

بازار و قیمت‌ها را

به‌صورت مستقیم

و دستوری تحت

سیاست تنظیم

بازار به عهده

می‌گیرد. یکی از

اقدامات تنظیمی

دولت در این

شرایط اجازه

واردات برای

کنترل تورم است.

واردات بی‌رویه

و بی‌برنامه،

بنگاه‌های داخلی

را با ورشکستگی

روبرو می‌کند؛

یعنی دولت از

طریق واردات

و قیمت‌گذاری

دستوری

به پدیده‌ی

ضدتولید،

ضدصنعت،

ضدکشاورزی

کمک کرده است

که تحت عنوان

تولیدزدایی یا

صنعت زدایی در

ادبیات اقتصادی

مشهور است.

# افول ایران در شاخص‌های کسب‌وکار

## همزمان با قوانین حمایتی دولت

### سهولت کسب‌وکار به عمل نیاز دارد، نه حرف



#### ♦ دکتر مسعود جمالی

کارآفرین، صادرکننده و رییس انجمن مدیران صنایع اصفهان

دولت‌ها در جای‌جای جهان برای داشتن اقتصادی پیشرو و فعال، بخش خصوصی و کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ را مورد حمایت قرار می‌دهند تا این کسب‌وکارها بتوانند رشد کنند و توسعه مطلوب را به دست آورده و در نهایت کشور را در مسیر رشد اقتصادی یاری کنند.

در ایران اما همیشه حرف با عمل فاصله‌ای بسیار دارد و از این رو شاهد آن هستیم که با وجود قوانین و دستورالعمل‌های متعدد برای تسهیل و حمایت از کسب‌وکارها، فعالان اقتصادی همچنان با مشکلاتی فراوان دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در این یادداشت سعی بر آن است برخی از اقدامات تسهیل‌کننده کسب‌وکار در کشور به همراه پیامدهایشان را مورد بررسی قرار دهیم.

#### نگاه به این درگاه

##### حکایت از آن

دارد که چنین

سازوکاری بیشتر

به یک ویترین

شباهت دارد تا

یک تسهیل‌کننده؛

چراکه جدا از

ایرادات فنی،

صدور مجوز

در این درگاه به

حدی پیچیده

شده که بسیاری

از فعالان

اقتصادی دریافت

مجوز را کلاً کنار

گذاشته‌اند؛

#### اجرای درگاه ملی مجوز کسب‌وکار

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که دولت اخیراً به اجرا رسانده، اجرای درگاه ملی مجوز کسب‌وکار است که با استفاده از این سازوکار دیگر نیازی به گذراندن چرخه‌های دیوان‌سالاری وجود ندارد و کسب‌وکارها می‌توانند با مراجعه به این درگاه مجوز مربوطه را درخواست و پس از صدور آن، کسب‌وکار خود را آغاز کنند، اما نگاه به این درگاه حکایت از آن دارد که چنین سازوکاری بیشتر به یک ویترین شباهت دارد تا یک تسهیل‌کننده؛ چراکه جدا از ایرادات فنی، صدور مجوز در این درگاه به حدی پیچیده شده که بسیاری از فعالان اقتصادی دریافت مجوز را کلاً کنار گذاشته‌اند؛ به عبارتی این درگاه از فعالان اقتصادی و صنعتی مدارک و مستنداتی را می‌خواهد که برای تهیه هر یک از آن‌ها باید یک دور کامل در دستگاه دیوان‌سالاری کشور بگردند و این مسئله کاملاً با هدف حذف امضاهای طلایی و نظارت واحد بر مجوزهای کسب‌وکار مغایرت دارد.

مسئله دیگر این‌که بسیاری از دستگاه‌ها هنوز درگاه ملی مجوزها را به رسمیت نشناخته‌اند و از آن برای صدور مجوزها استفاده نمی‌کنند. از این رو بسیاری از فعالان صنعتی و اقتصادی این درگاه را بیشتر از آنکه سهولت بخش باشد، عاملی برای ایجاد موانع جدید در راه‌اندازی کسب‌وکارها می‌دانند، همین مسئله به‌خودی‌خود گواه از مشکلات جدی این اقدام دارد.

#### معافیت‌های مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان و صادرکنندگان

بخش دیگری که دولت برای تسهیل کسب‌وکارها در نظر گرفته، حمایت‌های مالیاتی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به معافیت‌های مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان و صادرکنندگان اشاره کرد. این روند اما دو چالش بزرگ در پیش دارد، یکی دانش‌بنیان شدن و دیگری صادرکننده شدن. همان‌طور که



بانک‌ها در پرداخت وام، همین نرخ‌های بهره چشمگیر است. این در شرایطی است که در کشورهای توسعه‌یافته، نرخ سود تسهیلات پرداختی به کسب‌وکارها چندان سنگین نیست و برای سهولت امر، فرصت پرداخت اقساط نیز متنوع است، اما در کشور ما چه بسایرند کسب‌وکارهایی که به دلیل عدم توانایی در پرداخت اقساط وام‌های بانکی با قیمت‌گذاری‌های ناعادلانه به استثمار بانک‌ها درآمدند و بانک‌ها نیز به دلیل نداشتن سواد اقتصاد مولد، از فروش املاک و دارایی‌های این کسب‌وکارها پول به دست آوردند و همین مسئله موجب نابودی صنعتگران متعددی شد.

### قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار

از دیگر مواردی که دولت برای تسهیل کسب‌وکارها به آن می‌بالد، قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار است که در سال‌های گذشته چندین بار اجرای خلاف آن را توسط دولت‌مردان مشاهده کرده‌ایم. بر اساس این قانون دولت نباید هیچ دستورالعمل و یا بخشنامه‌ای که تأثیر در کسب‌وکارها دارد را بدون مشورت با فعالان آن کسب‌وکار و بخش خصوصی به تصویب برساند. این در حالی است که فعالان صنعتی در بخش‌های مختلف همچنان با معضل دستورالعمل‌های خلق‌الساعه مواجه‌اند و ناگهان یک قانون جدید در مقابل فعالیت خود می‌بینند. قانونی که می‌تواند فعالیتشان را مختل کند و تولید را متوقف سازد.

موارد ذکر شده تنها مثال‌های کوچک از دریای امور تسهیل‌کننده کسب‌وکار بودند که دولت هرازچندگاهی یکی از آن‌ها را رونمایی می‌کند؛ اما چالش اصلی همه این قوانین و دستورالعمل‌ها پس از مشکلات فنی و تصمیمات غیرکارشناسی، این است که حمایت به سخن هرگز کارساز نبوده و اقتصاد کشور نیاز به حمایت‌های عملی دارد. حمایت‌هایی که بتوانند ثبات را برای کسب‌وکارها به همراه داشته باشند و شرایطی را فراهم کنند که کسب‌وکارها برای گذران امور هر سال به وامی جدید برای تأمین سرمایه در گردش نیاز نداشته باشند، حمایتی از جنس سیاست‌های کلان که جلوی نوسانات تورمی و رکودهای پس از هیجان‌های قیمتی را بگیرد، حمایتی که کسب‌وکارها را به آرامش برساند و به معنای واقعی امر کارساز باشد. اگر حمایت‌های کنونی عملی و کارساز بودند، هر ساله رتبه ایران در سهولت کسب‌وکار اُفت نمی‌نمود و در این شاخص شاهد هم‌رده بودن با عقب‌مانده‌ترین کشورها نبودیم. حتی علی‌رغم تصویب هرروزه قوانین جدید برای حمایت از کسب‌وکارها، باز هم در این شاخص اُفت داریم؛ به عبارتی می‌خواهیم صورت‌مسئله را پاک کنیم، حال آن‌که همه می‌دانیم مشکلات اقتصادی کشور نیاز به درمانی ریشه‌ای دارند. ♦♦

می‌دانیم، دانش‌بنیان شدن در ایران به مستنداتی نیاز دارد که تهیه آن برای بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان که توسط جوانان خلاق اداره می‌شوند ناممکن است و اگر این واحدها بخواهند به فعالیت خود ادامه دهند، یا باید بخش عمده‌ای از شرکت خود را به نهادها و یا هلدینگ‌های بزرگ واگذار کنند و یا این‌که باید قید دانش‌بنیان شدن را بزنند.

این در حالی است که برخی دیگر نیز به واسطه رانت و پارتی توانسته‌اند برای فعالیت‌های غیر دانش‌بنیان خود مجوزهای مربوط به این عرصه را کسب کنند و از حمایت‌های مالیاتی برخوردار شوند.

بخش دیگری از حمایت‌های مالیاتی به صادرکنندگان بازمی‌گردد و صادرکنندگان در صورت برگرداندن ارز خود طبق دستورالعمل‌های موجود می‌توانند مالیات بر ارزش‌افزوده خود را پس بگیرند. در این بین مهم‌ترین چالش همان نحوه بازگرداندن ارز است که باید به نرخ دلاری نیما باشد. تصور کنید صادرکننده هستتید و کالایی را صادر کرده‌اید و باید ارز حاصل از صادرات خود را در سامانه نیما به فروش برسانید و قیمت آن حدود ۲۸ هزار تومان است و ریال تحویل بگیرید. حال می‌خواهید با ریال به‌دست‌آمده مواد اولیه بخرید و این مواد اولیه با نرخ دلار آزاد محاسبه می‌شود که اختلافی جدی با دلار نیما دارد و همین یک چرخه نشان می‌دهد که صادرکنندگان با برگرداندن ارز خود طبق دستورالعمل‌های موجود متضرر خواهند شد. ضمن این‌که بازگشت ارز به‌جز این مسئله پیچیدگی‌های دیگری نیز دارد که یکی از این پیچیدگی‌ها دستورالعمل‌های متعدد در این زمینه است که قوانین را دستخوش تغییر می‌کند و صادرکنندگان را سردرگم و درنهایت منجر به این مسئله می‌شود که صادرکنندگان مشمول جرایم مربوط به این حوزه شوند و از معافیت‌های مالیاتی نیز محروم بمانند. البته دور از انصاف است که بگوییم کسی نمی‌تواند از این معافیت‌ها استفاده کند و برخی نیز از این امتیازات بهره می‌برند، اما بسیاری از فعالان اقتصادی به دلیل پیچیدگی‌های موجود امکان استفاده از این تسهیلات را ندارند.

### پرداخت وام به کسب‌وکارها

از دیگر تسهیلاتی که دولت برای کسب‌وکارها در نظر گرفته، پرداخت وام‌های مخصوص کسب‌وکارهاست که برای تهیه سرمایه در گردش و یا جبران بدهی به فعالان اقتصادی پرداخت می‌شود. در این باره نیز به نظر می‌رسد توضیح چندان نیاز نیست و همه مردم کشور با بهره‌های نجومی وام‌های بانکی در ایران آشنا هستند و معضل مشخص برای کسب‌وکارها نیز پس از مستندات و اقدامات سلیقه‌ای

#### دانش‌بنیان

شدن در ایران

به مستندات

نیاز دارد که تهیه

آن برای بسیاری

از شرکت‌های

دانش‌بنیان که

توسط جوانان

خلاق اداره

می‌شوند ناممکن

است و اگر این

واحدها بخواهند

به فعالیت خود

ادامه دهند،

یا باید بخش

عمده‌ای از شرکت

خود را به نهادها

و یا هلدینگ‌های

بزرگ واگذار کنند

و یا این‌که باید

قید دانش‌بنیان

شدن را بزنند.

# توسعه بینش توسعه

محسن جلال پور  
تحلیل‌گر و فعال اقتصادی



در زمان ریاست  
اتاق هر زمان که  
از من پرسیده  
می‌شد که شما  
توسعه اقتصادی  
را مقدم بر توسعه  
سیاسی می‌دانید؟  
یا توسعه سیاسی  
را مقدم بر توسعه  
اقتصادی؟ عرض  
می‌کردم که  
توسعه مقوله‌ای  
است که بایستی  
همه‌بال‌های آن  
هم‌زمان باز شوند  
و هم‌زمان حرکت  
کنند و نمی‌توان  
کسی را مجبور  
کرد و یا به کسی  
تلقین کرد که یک  
بخش توسعه  
مقدم بر بخش  
دیگر است.

بر توسعه سیاسی می‌دانید؟ یا توسعه سیاسی را مقدم بر توسعه اقتصادی؟ عرض می‌کردم که توسعه مقوله‌ای است که بایستی همه‌بال‌های آن هم‌زمان باز شوند و هم‌زمان حرکت کنند و نمی‌توان کسی را مجبور کرد و یا به کسی تلقین کرد که یک بخش توسعه مقدم بر بخش دیگر است.

بینش توسعه‌ای بایستی در سیاست‌گذار و حکمران به وجود آید، ضمن این‌که توسعه از جامعه شکل گرفته و در جامعه شکل می‌گیرد، بایستی نگاه توسعه‌ای در حکمرانان باشد؛ نگاه توسعه‌ای نگاهی بلندمدت، ملی، باهدف و برنامه خواهد بود. خاطریم هست جناب آقای طیب‌نیا وزیر اقتصاد وقت تعریف می‌کرد که «در دیداری وزیر اقتصاد هند گفته بود که سه دوره قبل بحث توسعه هند با نگاه جدید و تغییر پارادایم برای حرکت اصلاحی بزرگی در دولت مطرح شده بود. در همان دوره نخست‌وزیر وقت اذعان داشت اگر این حرکت را شروع کنیم، قطعاً سختی‌هایی برای مردم به وجود می‌آید و ما مطمئناً

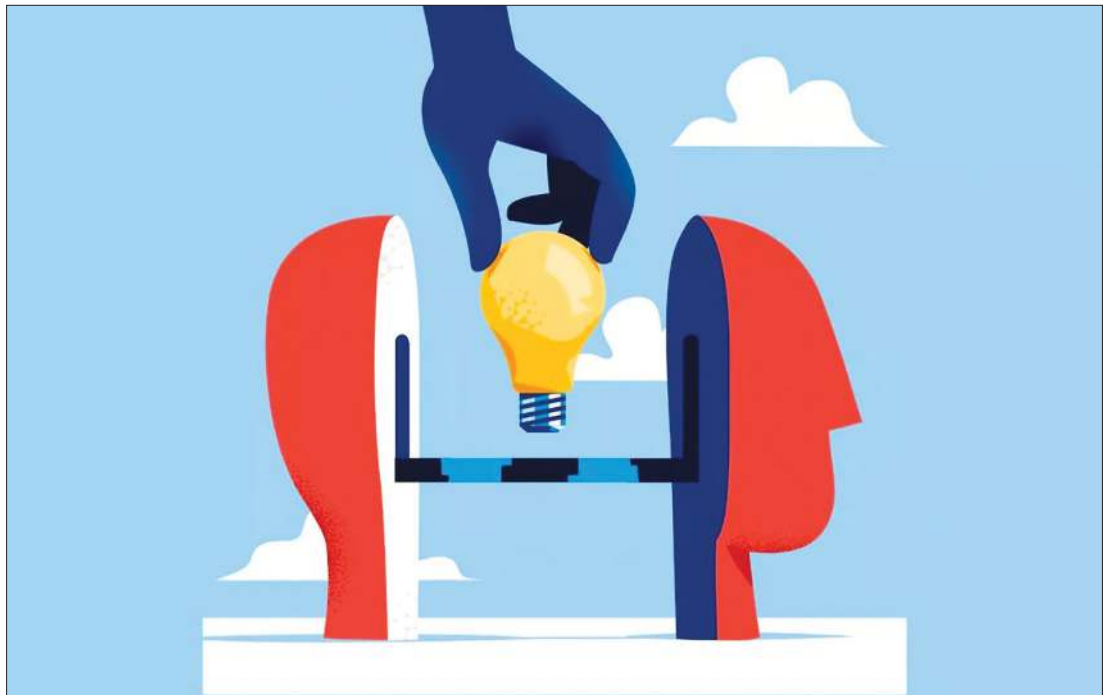
یادم هست زمان بچگی هر وقت می‌خواستیم نماز بخوانیم، مرحوم پدرم به من می‌گفت «نیت کرده‌ای؟» و من با خود می‌گفتم نیت چیست؟ من که به سمت نماز حرکت کرده‌ام، کم‌کم بزرگ‌تر که شدم، متوجه شدم معنی نیت این است که در هنگام نماز تمام وجود، دارایی و هستی، فکر و اندیشه‌ام را متمرکز کنم. همانند بزرگان ما که در حین نماز چنان تمرکز بالایی داشتند که اگر اتفاقی می‌افتاد، متوجه محیط پیرامون نبودند، همه ما شنیده‌ایم که در زمان سجده تیر را از پای حضرت علی (ع) بیرون کشیدند و ایشان غرق در نماز بود و متوجه نشد.

صحبتیم را از اینجا شروع می‌کنم که وقتی انسان کاری را با خلوص می‌خواهد انجام دهد و نیت و فکر واقعی برای انجام آن کار دارد، باید تمام و کمال وارد جریان کار شود. توسعه، مسئله پیچیده‌ای است که خیلی‌ها فکر کرده‌اند می‌توان برای آن میان‌بر زد؛ مثال خیلی ساده‌ای که می‌توان به آن رجوع کرد، مربوط به دوره‌ای است که قیمت نفت در ایران بالا رفت و شاه در آن زمان تصور می‌کرد که توسعه در کشور نیاز به منابع مالی دارد و می‌توان با منابع مالی، کشور را به توسعه رساند و به قول معروف می‌توان توسعه را میان‌بر زد و به سرعت به نتیجه رسید. اقتصاددانان در آن زمان تأکید داشتند که توسعه، ابزار، پیش‌نیازها و نیازهایی دارد، ولی شاه توجه نکرد و پول زیادی را صرف پروژه‌هایی با هزینه بسیار بالا کرد که کشور ظرفیت آن را نداشت و مردم هم آمادگی لازم برای آن را نداشتند و شرایطی در کشور به وجود آمد که به یک جریان سنگین و غیرقابل‌بازگشت در اقتصاد انجامید؛ نرخ تورم بالا ایجاد شد و بسیاری از ناهماهنگی‌ها اتفاق افتاد. لذا نمی‌توان توسعه را در یک بُعد دید. باید توسعه را هم‌زمان در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هر آنچه در یک جامعه متوازن نیاز است، دید. در زمان ریاست اتاق هر زمان که از من پرسیده می‌شد که شما توسعه اقتصادی را مقدم

ببرید درحالی‌که هنوز باید برای مردم کشورتان به‌وسیله نرده مانع شوید؛ به عبارتی بایستی توسعه همزمان اتفاق بیفتد و کشوری توسعه پیدا می‌کند که نگاه، دیدگاه و فرهنگ مردمش همزمان با زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توسعه پیدا کند.

درمجموع در مسیر توسعه، ابتدا باید نگاه توسعه‌ای باشد تا توسعه‌ی همه‌جانبه، متوازن، پایدار و بر پایه ظرفیت‌ها و منابع انسانی و آنگاه در زیرساخت‌ها شکل بگیرد. می‌بینیم امروز در کشور ژاپن مسیر توسعه را از کودکان‌ها و مهدکودک‌ها ادامه می‌دهند و فکر و اندیشه فرزندان خردسال را به کار گرفته‌اند و در واقع روند توسعه را از پرورش و آموزش کودکان آغاز می‌شود. در عمل بایستی انسان‌هایی با تفکر و در قید توسعه داشته باشیم تا بتوانیم شاهد کشور توسعه‌یافته‌ای باشیم. به اعتقاد من مهم‌ترین پایگاه توسعه، آموزش و پرورش است؛ مهدکودک‌ها، دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های ما هستند که بایستی افکار توسعه در آن‌ها تقویت، ترویج و رشد پیدا کند و در نهایت توسعه باوجود این افکار، دیده‌ها و نگاه‌ها به بخش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه است که شکل گرفته و محقق می‌شود. لذا مهم‌ترین عامل در توسعه، بینش توسعه‌ای و زیربنای اصلی آن فکر توسعه‌ای و عملاً شروع آن از محل کودکان‌ها و دبستان‌ها و پرورش افکار توسعه‌ای است. ♦♦

دوره آینده رأی نمی‌آوریم؛ بنابراین یا باید به فکر دور آینده باشیم و یا به فکر توسعه و اصلاح ساختار. در نهایت تصمیم بر این شد که به فکر توسعه هند باشیم و اتفاقاً دوره بعد رأی نیاوردیم، منتهی من وزیر اقتصاد دور بعد را دعوت کردم و به ایشان عرض کردم این موضوع وجود دارد و اگر بخواهید مسیر را ادامه دهید، حتماً شما هم دوره بعد رأی نمی‌آورید و مجدد کابینه بعدی هم به این نتیجه رسید که توسعه مقدم بر رأی‌آوری است و بایستی توسعه هند را مدنظر قرار داد و آن‌ها نیز مسیر ما را رفتند و رأی نیاوردند و دوباره ما برگشتیم.» در توسعه بایستی نگاه ملی فراتر از نگاه شخصی و فراتر از حضور و عدم حضور افراد در مسئولیت اتفاق بیفتد تا عملاً همه پایه‌های توسعه در کشور گذاشته شود. نمی‌توان توسعه اقتصادی ایجاد کرد و توسعه فرهنگی و اجتماعی را نادیده گرفت. این مطلب را حتماً بارها خوانده‌اید، زمانی که رئیس‌جمهور وقت فرانسه به ایران آمد در مسیر حرکت از میدان آزادی به سمت کاخ متوجه شد دو طرف خیابان گل‌کاری شده و نرده‌کشی کرده‌اند و سؤال کرد که این نرده‌ها برای چیست؟ در جواب به او گفته بودند برای این‌که مردم وارد چمن نشده و گل‌ها را نچینند. همزمان و در همین مسیر شاه از توسعه و آینده ایران حرف می‌زدند و او می‌گوید که شما نمی‌توانید توسعه را در موضوعات اقتصادی و زیرساخت‌ها پایه‌گذاری کنید و جلو



#### درمجموع در

مسیر توسعه،

ابتدا باید نگاه

توسعه‌ای باشد

تا توسعه‌ی

همه‌جانبه،

متوازن، پایدار و

بر پایه ظرفیت‌ها

و منابع انسانی

و آنگاه در

زیرساخت‌ها

شکل بگیرد.

می‌بینیم امروز

در کشور ژاپن

مسیر توسعه را

از کودکان‌ها

و مهدکودک‌ها

ادامه می‌دهند

و فکر و اندیشه

فرزندان خردسال

را به کار گرفته‌اند

و در واقع روند

توسعه را از

پرورش و آموزش

کودکان آغاز

می‌شود. در

عمل بایستی

انسان‌هایی با

تفکر و در قید

توسعه داشته

باشیم تا بتوانیم

شاهد کشور

توسعه‌یافته‌ای

باشیم. به اعتقاد

من مهم‌ترین

پایگاه توسعه،

آموزش و پرورش

است.



# حذف معافیت مالیات بخش کشاورزی، تهدید یا فرصت؟

محمدحسین اکبری

عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون بانک، بیمه و مالیات  
اتاق کرمان



در سال‌های گذشته، درآمد هنگفت و سهل‌الوصول نفت در کشور باعث شده بود که دولت‌ها و مجلس توجه چندانی به موضوع مالیات ستانی و درآمدهای مالیات ستانی نداشته باشند، حتی این درآمد را به عنوان حاتم بخشی و از این موضوع به عنوان راهگداز بخش بزرگی از فعالان اقتصادی از معافیت مالیات برخوردار شده‌اند و شاید بتوان گفت یکی از علل بی‌سروسامانی در این بخش‌ها، ناشی از همین معافیت مالیات بوده است؛ زیرا عدم اخذ درآمد مالیاتی از بخشی باعث عدم توجه دولت به آن در بعد نظارتی و همچنین برنامه اصلاحی شده است.

اصولاً اعطای معافیت مالیاتی به صنعتی، جهت حمایت برای رشد و توسعه آن صنعت است. ولی معافیت مالیاتی بخش کشاورزی فقط به جهت رشد و توسعه این بخش نبوده بلکه به اهمیت و استراتژیک بودن این صنعت و تأمین امنیت غذایی کشور نیز علت دیگر اعطای معافیت مالیاتی است.

اکنون که تحریم‌ها، درآمدهای نفتی را به شدت کاهش داده است، دولت درصدد اصلاح قانون مالیات و حذف بسیاری از معافیت‌ها است تا بتواند کشور را با درآمدهای مالیاتی اداره کند که البته کاری درست و اصولی است هرچند که دیر اقدام نموده است.

همیشه این سؤال برای بسیاری از مردم وجود داشته که چرا یک بازیگر سینما یا ورزشکار حرفه‌ای و حتی یک فعال در بخش کشاورزی که دارای درآمد هنگفت هستند نباید مالیات دهند، اما یک کارمند و یا یک کاسب جزء با درآمد کم باید مالیات پرداخت نمایند؟

اگر دولت قصد دارد با معافیت مالیات در یک بخش

یا یک منطقه، فعالان یا سرمایه‌گذاران را به آن سمت سوق دهد، این معافیت باید هدفمند، نظارت شده، برنامه‌ریزی شده و دارای زمان‌بندی باشد. صرفاً اعطای معافیت مالیاتی ما را به اهدافمان نمی‌رساند.

وابستگی بودجه کشور به درآمدهای مالیاتی و نه صرفاً درآمدهای بادآورده نفتی فواید بسیار زیادی برای مردم و کشور به دنبال خواهد داشت، به شرطی که قوانین و مقررات مالیاتی به سمت عدالت مالیاتی و حمایت از تولید اصلاح گردد.

یکی از پیامدهای مثبت وابستگی بودجه به درآمدهای مالیاتی، ایجاد شفافیت مالی و اصلاحات اقتصادی است. وقتی قانون مالیات به سمت عدالت مالیاتی پیش برود و همه بازیگران صحنه اقتصاد بدون تبعیض مالیات پرداخت کنند، مسلماً شفافیت مالی ایجاد خواهد شد و همچنین عملگرهای اقتصادی به سمت اصلاح و بهبود پیش خواهند رفت. رانت‌های اقتصادی کم‌رنگ شده و رقابت سالم ایجاد می‌شود، توزیع منابع عادلانه صورت خواهد پذیرفت

در این بخش نباید منابع آبی و خاکی کشور را که متعلق به نسل آینده است نابود کرد؛ بنابراین دولت محترم می‌تواند مالیات بخش کشاورزی را چنان طراحی کند که کشاورزی ما از سنتی بودن خارج شود.

### برای داشتن کشاورزی مدرن نیاز است اقدامات زیربنایی زیر صورت پذیرد.

- زمین‌های کشاورزی و باغات از مدیریت خرد به مدیریت کلان تبدیل شوند،  
- قانون ارث در مورد زمین‌های کشاورزی و باغات بازمینی و اصلاح‌گردد به‌نحوی که از خرد شدن زمین‌های زراعی و باغات جلوگیری به عمل آید،  
- شرکت‌های سهامی زراعی ایجاد شود و یارانه‌های بخش کشاورزی به سمت آن‌ها هدایت شود،  
- شرکت‌های مدیریت صادرات محصولات کشاورزی شکل گیرد که در سال‌های اول حمایت دولت از آن‌ها ضروری است.

### مالیات در برنامه اجرایی اصلاحات در بخش کشاورزی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

مالیات به‌عنوان یک ابزار تشویقی و تنبیهی می‌تواند در افزایش بهره‌وری منابع در بخش کشاورزی و همچنین پیاده‌سازی سیستم‌های نوین کشاورزی و به‌کارگیری مکانیزاسیون و تغییر الگوی کشت، استفاده شود؛ به‌عنوان مثال کشاورزانی که موارد زیر را انجام دهند مشمول نرخ پایین مالیات تا نرخ صفر شوند.  
- کشاورزان خرده‌مالک که از برنامه اصلاحی دولت استقبال می‌نمایند؛ یعنی به شرکت‌های سهامی زراعی و مدیریت کلان مزرعه و باغات می‌پیوندند،  
- کشاورزانی که از سیستم‌های مکانیزاسیون و نوین کشاورزی خصوصاً سیستم‌های نوین آبیاری استفاده می‌کنند به‌طوری که در مصرف منابع انرژی و منابع آبی صرفه‌جویی ایجاد کرده باشند.  
- کشاورزانی که از الگوی کشت موردنظر تبعیت می‌کنند به‌طوری که محصولات تولیدی آن‌ها ارزش‌افزوده بالایی ایجاد کرده باشد.  
البته این پیشنهادها فقط به‌عنوان مثال ذکر شد و پیشنهادهای نهایی بعد از بررسی‌های کارشناسان و اظهارنظر آن‌ها مطرح می‌گردد.  
در نهایت از نقش بی‌بدیل مالیات در برنامه‌های اصلاحی نباید غافل بود، مالیات ابزاری است که در توسعه همه‌جانبه، فراگیر و عدالت‌محور بسیار کمک‌کننده خواهد بود. ♦♦

و سیستم‌ها به سمت بهره‌وری بیشتر حرکت خواهند کرد. یکی دیگر از پیامدهای مثبت، اصلاح سیاست‌های دولت به سمت حمایت از سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال پایدار خواهد بود. وقتی قرار باشد دولت نیازهای کشور را از طریق مالیات تأمین کند؛ یعنی بودجه بر اساس مالیات بسته شود؛ بنابراین دولت باید زمینه درآمدزایی برای فعالان اقتصاد و بازار را فراهم نماید؛ به‌طوری که در راستای حذف قوانین و مقررات مزاحم و بسترسازی مناسب برای کسب‌وکار بهتر قدم بردارد تا کسب‌وکارها رونق یافته و درآمد مورد انتظار محقق شده و در نتیجه مالیات موردنظر دریافت گردد. در اصلاحیه قانون جدید مالیات، بسیاری از معافیت‌ها از جمله معافیت بخش کشاورزی حذف گردیده است. در گذشته برای حمایت از بخش کشاورزی و همچنین به بهانه تأمین امنیت غذایی کشور، این بخش از پرداخت مالیات معاف شده بود. در نگاه اول به نظر می‌رسد که اولاً واقعیت‌های موجود صنعت کشاورزی و جامعه کشاورز در قانون جدید مالیات در نظر گرفته نشده است، دوم اینکه حذف معافیت بخش کشاورزی بر درآمد دولت نخواهد افزود؛ زیرا وقتی به آمارها توجه می‌کنیم متوجه می‌شویم که درآمد دولت بابت حذف معافیت بخش کشاورزی قابل‌توجه نخواهد بود، چرا که بیش از ۸۰ درصد مالکیت در بخش کشاورزی به‌صورت خرده مالکی بوده و این بخش بزرگ هنوز به شکل سنتی با صرف هزینه زیاد و بهره‌وری پایین و قیمت تمام شده بالا فعالیت می‌کند که باعث می‌شود کشاورزان از درآمد مورد انتظار برخوردار نباشند. البته کشاورزان بزرگی که توانسته‌اند از سیستم‌های نوین کشاورزی و مکانیزاسیون بهره ببرند از این قاعده مستثنی هستند. به گفته دکتر ساداتی نژاد وزیر کشاورزی، سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۱۱ درصد است که ۸۰ درصد از این ۱۱ درصد مشمول پرداخت مالیات نخواهد شد. لذا به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، حذف معافیت بخش کشاورزی، درآمد مالیاتی دولت را چندان افزایش نخواهد داد، اما چنانچه دولت انتظار دریافت مالیات قابل‌توجه از بخش کشاورزی را دارد باید برنامه‌ریزی جهت بهبود وضعیت کشاورزی از سنتی به مدرن را داشته باشد. باید یارانه‌های بخش کشاورزی با هدف اجرای سیستم‌های نوین کشاورزی و تغییر الگوی کشت و با حفظ منابع موجود و خلق ارزش‌افزوده مورد انتظار و افزایش بهره‌وری، هدفمند شوند. با بروز بحران کم‌آبی در کشور و جهان، تولید محصولات کشاورزی و صادرات آن‌ها با قیمت پایین هیچ توجیهی نداشته و منطقی و عقلانی نیست. به بهانه حفظ اشتغال

#### دولت به دلیل

#### اهمیت تورم و

#### حل آن کنترل

#### بازار و قیمت‌ها را

#### به‌صورت مستقیم

#### و دستوری تحت

#### سیاست تنظیم

#### بازار به عهده

#### می‌گیرد. یکی از

#### اقدامات تنظیمی

#### دولت در این

#### شرایط اجازه

#### واردات، برای

#### کنترل تورم است.

#### واردات بی‌رویه

#### و بی‌برنامه،

#### بنگاه‌های داخلی

#### را با ورشکستگی

#### روبرو می‌کند؛

#### یعنی دولت از

#### طریق واردات

#### و قیمت‌گذاری

#### دستوری

#### به پدیده‌ی

#### ضدتولید،

#### ضدصنعت،

#### ضدکشاورزی

#### کمک کرده است

#### که تحت عنوان

#### تولیدزدایی یا

#### صنعت‌زدایی در

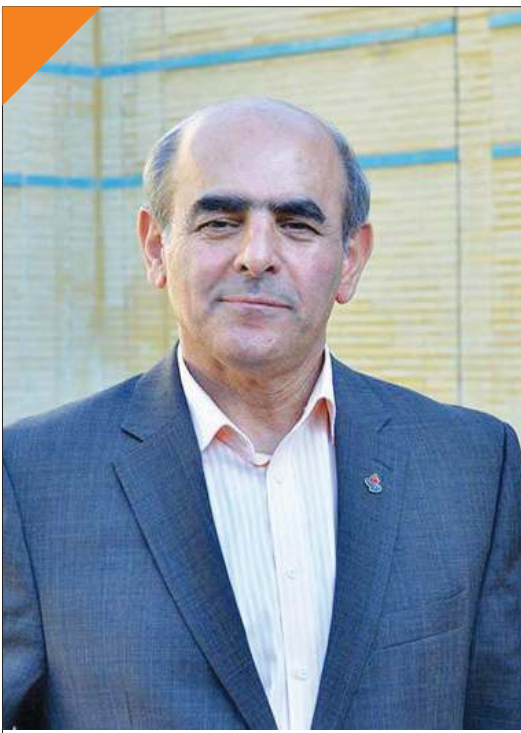
#### ادیات اقتصادی

#### مشهور است.

# راهبردهای انرژی در برنامه هفتم توسعه

♦ رضا پدیدار

رئیس کمیسیون انرژی و محیط‌زیست اتاق تهران



## با توجه به اینکه

رویکرد سنتی

تمرکز بر مشتریان

قدیمی داشته

که عمدتاً از

قبل از انقلاب

تاکنون نفت

ایران را خریداری

کرده‌اند، توجهی

به ظرفیت‌های

جدید و بازارهای

بین‌المللی تازه در

حوزه دیپلماسی

انرژی نشده

است، از این رو

ظرفیت بازارهای

نفت و گاز کشور

بویژه در شرایط

تحریمی نتوانسته

حفظ شود،

به طوری که حتی

در کریدورهای

منطقه‌ای انرژی

نتوانسته سهم

قابل قبولی را به

دست بیاورد.

از کریدورهای جایگزین هستند. از زمره این موارد می‌توان به قرارداد گاز روسیه با دو کشور ترکیه و پاکستان اشاره داشت که از متحدین همکاری‌های حوزه انرژی با ایران بوده‌اند. تحت چنین شرایطی خط لوله‌ها و کریدورهایی که بدان اشاره رفت به نظر نگارنده بیش‌ازپیش برجسته شده که مسیر آسیای مرکزی را از طریق خزر به اروپا وصل می‌کند و جمهوری اسلامی ایران به‌رغم برخورداری از موقعیت ویژه جغرافیایی جایی در آن ندارد. ایران می‌تواند با تبیین راهبردهای انرژی در برنامه هفتم توسعه موقعیت خاص و استراتژی لازم را در هدایت طرح‌های زیربنایی و نیز حفظ سطح نگهداشت پروژه‌های فعال خود در داخل و نیز سطح منطقه خاورمیانه و نیز در آسیای مرکزی یک پیوند محکم انرژی را فراهم‌سازی کند. با این حال و به دلیل محصور بودن چند کشور منطقه در خشکی می‌توان در یک اقدام چهارجانبه و در سطح سران، حمایت‌های خوبی را به‌منظور بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها و موانع دیپلماسی انرژی در ایران می‌باشد. در این صورت و با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی جهت افزایش امنیت بازارهای

تاریخ بیش از یک‌صد ساله نفت در ایران شرایطی را حاصل آورده است که همواره از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران سخن به میان آمده و عبور یک خط لوله نفتی می‌تواند جایگاه استراتژیک ایران را تبیین و یا موقعیت جغرافیایی اقتصادی را مطرح نماید. در این صورت این شرایط موقعیت ژئواستراتژیک ایران را با چالش‌هایی مواجه نموده و در هر مرحله از رویکردهای به‌دست‌آمده جایگزینی را با خود به همراه داشته است، اما به لحاظ این شرایط و موقعیت خاص اقتصادی و نیز ظرفیت بالای منابع انرژی همانند نفت و گاز، به‌کارگیری دیپلماسی انرژی جهت تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی انرژی در سطح ملی و بین‌المللی و نیز حتی منطقه‌ای بسیار ضروری است. در سال‌های اخیر با توجه به تحولات بازار بین‌المللی و نیز تغییرات سیاسی \_ اقتصادی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی بین‌الملل، ظرفیت دیپلماسی انرژی به‌عنوان یک راهبرد کلیدی موردتوجه قرار نگرفته است. لذا ضرورت دارد بر اساس تحولات صورت گرفته در مقیاس بین‌المللی، ضمن تغییر رویکرد سنتی به رویکرد جدید در حوزه دیپلماسی انرژی از ظرفیت انرژی به‌عنوان یک اهرم مهم و کارآمد در راستای پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی، موردتوجه قرار گیرد. در این راستا با توجه به اینکه رویکرد سنتی تمرکز بر مشتریان قدیمی داشته که عمدتاً از قبل از انقلاب تاکنون نفت ایران را خریداری کرده‌اند، توجهی به ظرفیت‌های جدید و بازارهای بین‌المللی تازه در حوزه دیپلماسی انرژی نشده است، از این رو ظرفیت بازارهای نفت و گاز کشور بویژه در شرایط تحریمی نتوانسته حفظ شود، به طوری که حتی در کریدورهای منطقه‌ای انرژی نتوانسته سهم قابل قبولی را به دست بیاورد. یکی از چالش‌های دیپلماسی انرژی ایران، علاوه بر مدیریت ناکارآمدی در دیپلماسی انرژی و اولویت نبودن آن، تلاش‌ها و اقدامات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای ایجاد محدودیت در برابر توان داخلی و موقعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی ظرفیت انرژی کشور ایران است. به‌خوبی می‌دانیم که تعدادی از کشورهای قدرتمند از یک‌سو و دیگر رقبای آن در حوزه انرژی نظیر عربستان، عراق و روسیه از سوی دیگر به دنبال حذف ایران از مناسبات کریدوری و بهره‌برداری



تجارت نفت و گاز ایران مبتنی بر راهبردهای تجارت نفت و گاز روسیه در دوران تحریم به بررسی راهبردهای روسیه در حوزه نفت و گاز پرداخته است. نگارنده از جمله راهبردهای ویژه روسیه به مواردی نظیر وابسته بودن اقتصاد کشورهای اروپایی به نفت و گاز روسیه، تنظیم قیمت‌ها، واگذاری سهام کشورهای نفتی به شرکت‌های بین‌المللی، توسعه خطوط لوله نفت و گاز، تغییر مسیر همکاری‌ها از غرب به شرق، برقراری دیپلماسی فعال اشاره کرد. یکی از عمده‌ترین راهبردهای کشور ایران در برنامه هفتم توسعه جذب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی بوده و با این راهبرد کاهش روابط با کشورهای غربی را جبران نموده و بحسب افزایش نقش شرکت‌های بین‌المللی ایرانی برای به دست آوردن فناوری‌های روز و نیز دسترسی یافتن به شبکه صادرات نفت و گاز آن‌ها خواهد بود. توجه داشته باشیم که نقش دیپلماسی انرژی در این راستا به‌مثابه بخشی بنیادین از سیاست کلان خارجی برای کشور ایران که از ذخایر گسترده انرژی و خام و توان تولید انواع انرژی‌های راهبردی تأکید دارد. با مروری بر اسناد برنامه‌های سوم و چهارم توسعه کشور و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در زمینه تولید و صادرات نفت و نیز به‌طور کلی دیپلماسی انرژی می‌توان گفت که جایگاه این مهم و مؤلفه‌های آن در کانون سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای سازنده در حفظ سیاست‌های خارجی و بهتر بگوییم مدیریت اقتصادی ایران می‌باید استقرار یافته و از هرگونه بی‌توجهی به ظرفیت‌های پنهان آن، بازماندگی از مسیر توسعه و قدرت‌یابی اقتصادی را مورد توجه جدی قرار داد. در کلام پایانی اینکه بررسی راهبردهای نوین فروش نفت خام و فرآورده‌های هیدروکربوری ایران با رویکرد ضدتحریمی ضمن اشاره به اقدامات کشورهای غربی جهت ایجاد محدودیت‌ها در روند و مقاصد فروش اقلام یاد شده قطعاً و قویاً به ارائه راهبردهایی برای خروج از این محدودیت‌ها نیاز جدی دارد. ♦♦

بین‌المللی انرژی کشور و افزایش دستاوردهای اقتصادی، محدودیت‌ها، الزامات و راهبردهای اصلی در حوزه دیپلماسی انرژی به کدام سو می‌باید توجه کرد. رویکردهای ترکیبی و تنوع‌بخشی و نیز نگاه بلندمدت به طرح‌های انرژی منطقه، پرهیز از موازی کاری و نیز الزام اتخاذ نگاه منطقه‌ای به جای نگاه صرف ملی و یا دیپلماسی مقاومت و اتخاذ راهبرد انرژی در شرایط تحریم‌ها، الزامات شکل‌گیری دیپلماسی انرژی با محوریت بخش خصوصی را فراهم می‌نماید. در این صورت می‌توان با تبیین سیاست‌های درون محوری و نیز شناخت بسترهای فعال در حوزه‌های تخصصی سازندگان، پیمانکاران، مشاوران، مهندسی ساخت، نیرو و حتی تجدیدپذیرها و درک متقابل پتانسیل‌ها که موردپذیرش کلیه مقامات و مسئولین امر می‌باشد، بتوان با بررسی چارچوب مفهومی دیپلماسی انرژی، وضعیت کنونی سطوح مختلف اجرایی و عملیاتی انرژی و چالش‌های آن را در کشور مورد مذاقه و سپس الزامات و راهبردهای اصلی جهت تقویت برنامه‌ها و نیز دیپلماسی انرژی کشور مورد تبیین قرار داد. در این شرایط منابع برای راهبردهای فروش نفت در دوره تحریم، چپستی دیپلماسی انرژی، مقایسه تطبیقی دیپلماسی انرژی ایران و کشورهای اوراسیا و نیز روسیه و همچنین نبود اسناد بالادستی در حوزه‌های مختلف انرژی و صنایع وابسته به آن نظیر نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی و نیز تأثیر این مهم بر امنیت موردبررسی قرار داده شود. به‌عبارت‌دیگر مطالعه و ارزیابی پژوهش‌ها نشان از دغدغه‌های جامعه پیرامون صادرات انرژی و نیز ارزآوری آن برای حفظ سطح نگهداشت و همچنین برنامه‌های توسعه‌ای کشور مندرج در برنامه‌های مصوب و همچنین برنامه هفتم توسعه که ضرورت توجه جدی در آن دیده می‌شود داشته که با نگاه تبیینی درصد بررسی ظرفیت‌ها و موانع موجود بر شکل‌گیری راهبردها در برنامه توسعه فوق را عملی می‌سازد. یکی از محققان حوزه انرژی در مقاله‌ای تحت عنوان درس‌های



تعدادی از  
کشورهای  
قدرتمند از  
یک سو و دیگر  
رقبای آن در  
حوزه انرژی  
نظیر عربستان،  
عراق و روسیه  
از سوی دیگر  
به دنبال حذف  
ایران از مناسبات  
کریدوری و  
بهره‌برداری  
از کریدورهای  
جایگزین هستند.  
از زمره این  
موارد می‌توان  
به قرارداد گاز  
روسیه با دو کشور  
ترکیه و پاکستان  
اشاره داشت  
که از متحدین  
همکاری‌های  
حوزه انرژی با  
ایران بوده‌اند.  
تحت چنین  
شرایطی خط  
لوله‌ها و  
کریدورهایی که  
بدان اشاره رفت  
به نظر نگارنده  
بیش‌ازپیش  
برجسته شده  
که مسیر آسیای  
مرکزی را از طریق  
خزر به اروپا وصل  
می‌کند.



# ما یکتاب حکومت از تولید داخل خریداری شود

اقتصاد مقاومتی، راهسئولان محترم جدتی بگیرند... ادارات حکومتی و دولتی، محصول داخلی را بر محصول خارجی مشابه ترجیح بدهند، یک خریدار مهم بازار، دستگاه‌های دولتی هستند که همه چیز میخرند، همه چیز لازم دارند؛ آنچه تولید داخلی است، آن را ترجیح بدهند. مردم به تولید داخلی اقبال کنند. همه‌ی اینها باطل‌الشمس تحریم دشمن است؛ اینها، ممکن است در ظرف شش ماه و یکسال جواب ندهند اما علاج واقعی جزاین چیز دیگری نیست.

عظیمی  
۱۳۹۱





# تولید

- + عدم کارکرد موثر
- + تولید یک امر انتزاعی نیست
- + فراز و فرود تولید و عوامل فرسایش بخش صنعت
- + چشم انداز صنعت غذا
- + توسعه و آینده پژوهی علوم زمین و معدن در استان کرمان
- + ریسک سرمایه گذاری در فعالیت های معدنی
- + قدر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری
- + کشاورزی دقیق؛ ضرورتی اجتناب ناپذیر
- + ضایعات محصولات کشاورزی
- + نقش کسب و کارها در پایداری روستا





گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب زاده» رییس اتاق کرمان

## عدم کارکرد موثر

### بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان کرمان نقش موثری در توسعه استان ایفا نکرده‌اند

قیمت‌های دستوری، مداخلات مدیریتی، تسهیلات گران، تحریم‌ها، تکنولوژی بعضاً کهنه، مشکلات تأمین مواد اولیه، کامل نبودن هرم نیروی انسانی، نبود نیروی ماهر و ... عملاً قدرت رقابت بنگاه‌ها را از بین برده و یا کاهش داده است و اگر انرژی به قیمت واقعی حساب شود، معلوم نیست چه تعداد از واحدها بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. در این شرایط اگر صادراتی هم باشد، در حقیقت صادرات انرژی، آب و نیروی انسانی است و هزینه‌های مبادله‌ای هم که به دلیل نامساعد بودن محیط کسب‌وکار تحمیل می‌گردد، بر شدت رقابت ناپذیری می‌افزاید.

از وزارت صمت هم با انبوهی از مسئولیت‌های سنگینی که بخشی از آن به دلیل دخالت در بنگاهداری و همچنین انباشت مشکلات اقتصادی کشور و محیط کسب‌وکار نامساعد است، جز روزمرگی نمی‌توان انتظار ارائه برنامه‌های بلندمدت داشت، اگرچه برنامه‌های کلی و ملی، دیگر کاربرد منطقه‌ای ندارد.

سیدمهدی طبیب‌زاده، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان همچنین می‌گوید که پایه و موتور محرک اصلی اقتصاد استان و کشور، بنگاه‌های بزرگ هستند، اما به شرط ایجاد ساختار ارتباط با بنگاه‌های کوچک و متوسط و سفارش تأمین خدمات، تجهیزات، قطعات و مواد اولیه از آن‌ها می‌توانند در توسعه تولید و اشتغال مؤثر باشند، ولی امروز در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت، حداکثر ۳۰ درصد در ایجاد بازار محصولات تولیدی صنایع کوچک و متوسط استان سهم دارند که بسیار نگران‌کننده است.

او یادآوری می‌کند که عمده بنگاه‌های بزرگ استان، صنایع استخراج و فرآوری مواد معدنی هستند و علی‌رغم نمود ظاهری، به‌دلایلی چند نقش مؤثری در توسعه استان ندارند و شاید به موانع توسعه هم تبدیل شده باشند. با بزرگ شدن نقش معادن در استان، صنعت در سایر بخش‌ها تحت‌الشعاع قرار گرفته و به سمت صنایع معدنی متمایل شده است؛ ۸۴ درصد از ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا در استان، فقط در انحصار فعالیت تولیدات فلزات پایه یعنی مس و فولاد می‌باشد.

از طرفی ده بنگاه بزرگ صنعتی استان در شهرستان‌های کرمان، رفسنجان، سیرجان و تا حدودی زرنند مستقر هستند، بنابراین ساختار فضای صنعتی استان نامتوازن است. در کل استان کرمان به لحاظ توسعه‌یافتگی، عمیقاً متفاوت از نمود ظاهری و به‌شدت نامتقارن و نامتوازن است. جزئیات این گفت‌وگو را در ادامه بخوانیم.



نمی‌توان کل

رشد پایین

تولید نسبت به

ظرفیتشان، تورم

بالا و نوسانات

زیاد قیمتی در

رشد تولید را

معلول تحریم

دانست؛ چراکه

این‌ها ریشه‌های

داخلی ناشی از

دوره‌های طولانی

سوء مدیریت

اقتصادی،

قیمت‌های نسبی

دستکاری شده،

رانت جویی،

سیستم بانکی

ضعیف و

توسعه‌نیافتگی

نهادهای مالی

دارند؛ به عبارتی

تحریم‌ها برخی

از این روندها

را تشدید کرده

است.

## ◆ اهمیت بنگاه‌های بزرگ اقتصادی در یک کشور از جمله

### کشور ما چیست؟

هرچند بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای نقش مثبتی در اقتصاد هستند و درصد اشتغال بالایی دارند و چابکی، توزیع منطقه‌ای متعادل، خلاقیت و نوآوری مشخصه اصلی آن‌هاست، اما پایه و موتور محرک اصلی اقتصاد کشورها را بنگاه‌های بزرگ تشکیل می‌دهند. ارتباط بسیاری از بنگاه‌های کوچک با یک بنگاه بزرگ‌تر در زنجیره تأمین کالا و خدمات لازمه تداوم حیات آن‌ها بوده و بدون وجود بنگاه‌های بزرگ بسیاری از بنگاه‌های کوچک نیز امکان ادامه فعالیت و رشد را نخواهند داشت.

برخی معتقدند کاهش سهم بنگاه‌های بزرگ در اقتصاد به بهبود توزیع درآمد از طریق شکل‌گیری مالکیت‌های خرد و چابکی و انعطاف‌پذیری بنگاه‌های کوچک در مقابل ساختار پیچیده و فسادپذیری بنگاه‌های بزرگ کمک می‌نماید که می‌توان این نقیصه را با رعایت ملزومات اقتصادی، اجتماعی و ایجاد سازوکارهایی برای افزایش تعهد شرکت‌های بزرگ برای بهبود توزیع درآمد در میان اقشار مختلف جامعه برطرف کرد.

## ◆ این بنگاه‌ها چه میزان در برابر تحریم‌ها آسیب‌پذیرند

### و این آسیب‌پذیری عمدتاً چه علتی دارد؟

بدون تردید تحریم‌ها به اقتصاد ایران و به تبع آن بنگاه‌های بزرگ و کوچک آسیب رسانده است، اما در شروع پاسخ به این سؤال باید به این نکته اشاره کنیم همه آسیب‌ها را نمی‌توان به تحریم نسبت داد و صدمات ناشی از سال‌ها سوء مدیریت اقتصادی را دست‌کم گرفت، نمی‌توان کل رشد پایین تولید نسبت به ظرفیتشان، تورم بالا و نوسانات زیاد قیمتی در رشد تولید را معلول تحریم دانست؛ چراکه این‌ها ریشه‌های داخلی ناشی از دوره‌های طولانی سوء مدیریت اقتصادی، قیمت‌های نسبی دستکاری شده، رانت جویی، سیستم بانکی ضعیف و توسعه‌نیافتگی نهادهای مالی دارند؛ به عبارتی تحریم‌ها برخی از این روندها را تشدید کرده است. اثرات تحریم را نمی‌توان بر روی بنگاه‌های بزرگ نادیده گرفت.

این بنگاه‌ها در تأمین تجهیزات، قطعات، تکنولوژی، مواد اولیه و بعضاً بازار، ارتباطات گسترده خارجی دارند و لذا هر نوع محدودیت در دسترسی به هر کدام از موارد مذکور، مشکلات جدی از جمله عقب‌ماندگی از تکنولوژی و دانش روز و حرکت در لبه تکنولوژی و عرضه محصولات قابل رقابت، توقف یا کند شدن روند بازسازی و بازآمد صادرات محصولات را ایجاد می‌کند که در هر حال امکان

تداوم تولید رقابت‌پذیر از بین می‌رود و با کاهش ظرفیت و عدم امکان تأمین نقدینگی برای پرداخت بدهی، عملاً وضعیت غیرقابل جبرانی به وجود می‌آورد.

## ◆ نظرتان در مورد میزان اتکای بنگاه‌های بزرگ به

### حمایت‌های دولتی چیست؟

در شرایط فعلی تأمین گاز، برق، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تعرفه‌های صادرات و واردات، تسهیلات بانکی، مجوزهای فعالیت، تأمین زمین، محورهای تأمین آب، تأمین مواد اولیه، تأمین بخشی از بازار برای بنگاه‌های بزرگ خیلی حیاتی و ضروری است که این موارد عمدتاً در انحصار و قدرت دولت هستند و سیاست‌های متغیر از جمله وضع عوارض، ممنوعیت ورود مواد اولیه و صادرات محصولات برای تنظیم بازار نیز ارتباط مستقیم با سیاست‌های دولت دارد و کلاً سیاست‌های ایجاد و رانت نیز در اختیار دولت است. دخالت در نحوه اداره، قیمت‌های دستوری و تحمیل برخی هزینه‌های اجتماعی نیز از جمله موانع است که در صورتی این برنامه‌ها در مسیر بهبود محیط کسب‌وکار و رفع موانع تولید نباشد، عملاً حمایت‌های دیگر هم رنگ می‌بازد و به این ترتیب می‌توان گفت اگر حمایت جدی و واقعی دولت نباشد به علت ساختار اقتصاد انحصاری و دولتی، بنگاه‌های بزرگ در اداره امور خود با مشکل مواجه

انرژی، عدم وجود رانت در تأمین مواد اولیه و هزینه واقعی نیروی انسانی از سوی دیگر اندازه گرفته شود. چون در چنین شرایطی ارزیابی کارآمدی یا ناکارآمدی بسیار سخت است و نمی‌توان به‌طور مستدل اظهار نظر کرد.

#### ◆ از ایفای نقش این بنگاه‌ها به‌عنوان سفارش‌دهنده به واحدهای کوچک اشتغال‌زا در استان چه ارزیابی دارید؟

همان‌گونه که در پاسخ سؤال اول عرض شد پایه و موتور محرک اصلی اقتصاد استان و کشور بنگاه‌های بزرگ هستند و بیشترین سهم ارزش افزوده را ایجاد می‌نمایند و لذا بدون وجود بنگاه‌های بزرگ بسیاری از بنگاه‌های کوچک امکان ادامه فعالیت نخواهند داشت، بنابراین وجود بنگاه‌های بزرگ به‌شرط ایجاد ساختار ارتباط با بنگاه‌های کوچک و متوسط و سفارش تأمین خدمات، تجهیزات، قطعات، مواد اولیه می‌تواند بسیار مؤثر باشد، اگر نظام پیمان‌کاری فرعی spx که ساختار بین‌المللی این نوع ارتباط است، پیاده‌سازی شود و بنگاه‌های بزرگ به‌طور جدی حمایت نمایند، تداوم این ارتباط تضمین می‌گردد. البته در شرایط فعلی و در استان چنین ساختاری وجود ندارد و همه آمار و ارقام ذکر شده برای سهمی که استان و واحدهای کوچک و متوسط در تأمین نیازهای بنگاه‌های بزرگ دارند از عدد ۳۰ درصد بیشتر نیست و این بدان معناست که حداکثر و در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت فقط ۳۰ درصد سهم را در ایجاد بازار محصولات تولیدی صنایع کوچک و متوسط دارند که بسیار نگران‌کننده است.

#### ◆ بنگاه‌های بزرگ واقعاً چه نقشی در توسعه استان کرمان داشته‌اند و در این راستا انتظارات استان از آن‌ها چیست؟

عمده بنگاه‌های بزرگ استان صنایع استخراج و فرآوری مواد معدنی هستند و علی‌رغم نمود ظاهری که نقش پررنگی از آن‌ها در توسعه کرمان بیان می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های فراوانی انجام می‌گردد، اما به دلایل زیر شاید به موانع توسعه هم تبدیل شده باشند که باید در این زمینه برای آن‌ها چاره‌ای اندیشید.

- این صنایع بسیار سرمایه‌بر هستند و سهم زیادی از منابع موجود برای سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص می‌دهند،
- موانع سرمایه‌گذاری در این صنایع برای اشتغال بسیار بالاست و لذا به‌شدت کم اشتغال‌زا هستند،
- عمدتاً فن‌آوری پایینی دارند و این فن‌آوری پایین باعث شده است نیروی انسانی متخصص زیادی جذب نمایند،
- حاشیه سود بسیار بالای این صنایع و حجم بالای درآمدی که تولید می‌کنند، آن‌ها را به کانون‌های متمرکز

هستند؛ مثال‌های این نوع بنگاه‌ها، شرکت ذوب‌آهن اصفهان، شرکت‌های ذغال سنگ بویژه ذغال سنگ کرمان می‌باشد.

#### ◆ توان رقابتی بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای جهانی چگونه است؟

نبود بهره‌وری مؤثر، قیمت‌های دستوری، مداخلات مدیریتی، تسهیلات گران، تحریم‌ها، تکنولوژی بعضاً کهنه، مشکلات تأمین مواد اولیه، کامل نبودن هرم نیروی انسانی و نبود نیروی ماهر عملاً قدرت رقابت را از بین برده یا کاهش داده است، وقتی می‌توان اثرات ملموس این عدم توانایی در رقابت را حس کرد که اگر قیمت انرژی اعم از گاز، مازوت، برق و آب به قیمت واقعی حساب شود، آن زمان معلوم نیست چه تعداد از این واحدها بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. در این شرایط اگر هم صادراتی انجام می‌شود در حقیقت صادرات انرژی، آب و نیروی ارزان است، هزینه‌های مبادله‌ای یعنی هزینه‌هایی که نباید باشد، اما هست که آن‌هم به دلیل نامساعد بودن محیط کسب‌وکار تحمیل می‌گردد و بر شدت رقابت ناپذیری می‌افزاید، اما در حال حاضر که انرژی ارزان با یک‌پنجم قیمت واقعی به صنایع تخصیص می‌یابد همه ضعف‌های فوق را برطرف نموده و عملاً واحدهای بزرگ توان رقابت با دوپینگ یارانه‌های پنهان و آشکار اقتصاد را دارند و از طرفی با وضع تعرفه‌های بالا و خارج از فرم جهانی، فضای گلخانه‌ای برای رقابت‌پذیری ایجاد شده است. صنعت خودروسازی تجربه بارز این‌گونه است، البته نباید نقش واحدهای معدودی که با تکیه بر فروش، مدیریت مدرن، تحمل سختی‌ها، ساختار فراوان محصولات قابل‌رقابت را تولید می‌نمایند از نظر دور داشت که به بهای سنگین فرسودگی توان مدیریتی، این رقابت‌پذیری ایجاد می‌شود.

#### ◆ ارزیابی شما از چگونگی کارآمدی یا ناکارآمدی در مدیریت بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان چیست؟

اینکه در شرایط فعلی نبرد واقعی در جبهه‌های تولید، مشکلات تأمین ارز، برگشت ارز حاصل از صادرات، بحث تحریم، بنگاه‌های بزرگ سرپا بوده و توان اداره خود را داشته و پروژه‌های توسعه‌ای را اجرا می‌نمایند حکایت از توان مدیریتی بالا دارد، اما بایستی شرایط و توان و کارآمدی بنگاه‌ها در شرایط استاندارد، محیط کسب‌وکار مناسب، روابط سهل تجاری، عدم وجود انحصار، رقابت نابرابر دولت، سیاست‌های متغیر و ناپایدار و وضع محدودیت‌های متناوب از یک‌سو و نیز قیمت واقعی

وجود بنگاه‌های بزرگ به‌شرط ایجاد ساختار ارتباط با بنگاه‌های کوچک و متوسط و سفارش تأمین خدمات، تجهیزات، قطعات، مواد اولیه می‌تواند بسیار مؤثر باشد، اگر نظام پیمان‌کاری فرعی spx که ساختار بین‌المللی این نوع ارتباط است، پیاده‌سازی شود و بنگاه‌های بزرگ به‌طور جدی حمایت نمایند، تداوم این ارتباط تضمین می‌گردد.





### همواره تأکید

می‌شود که

استان به لحاظ

توسعه بخشی،

جغرافیایی،

اندازه بنگاه‌ها،

توزیع جغرافیایی،

انواع خدمات

اعم از آموزشی،

فرهنگی،

اجتماعی و

تجاری به شدت

نامتقارن و

نامتوازن است و

علی‌رغم وجود

چهره بسیار

خوب و مثبت

بیرونی، از لحاظ

توسعه یافتگی

عمیقاً متفاوت

از نمود ظاهری

است، لذا لازم

است به این

سؤال پاسخ

داده شود که

چنین وضعیتی

چرا و تحت چه

سازوکارهایی

پدید آمده است

و برای تغییر دادن

این وضعیت چه

باید کرد؟

نماید؛ بنابراین نمی‌توان انتظار ارائه برنامه‌های بلندمدت داشت، وانگهی دیگر برنامه‌های کلی و در سطح ملی برای تجویز منطقه‌ای کاربرد ندارد، لذا پاسخ منفی است.

ب- صنعت استان کرمان به لحاظ ارزش افزوده به سمت صنایع معدنی متمایل شده است و با بزرگ شدن نقش معادن، صنعت در سایر بخش‌ها تحت‌الشعاع قرار گرفته است بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۸۴ درصد از ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن به بالا در استان فقط در انحصار فعالیت تولیدات فلزات پایه یعنی مس و فولاد می‌باشند. عدم توازن دیگر از توزیع جغرافیایی ارزش افزوده صنعت در استان کرمان است؛ ۱۰ بنگاه بزرگ صنعتی استان در شهرستان‌های کرمان، رفسنجان، سیرجان و تا حدودی زرنند مستقر هستند، بنابراین ساختار فضای صنعتی استان نامتوازن و نامتقارن است که به یک تجدیدنظر اساسی نیاز دارد.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

همواره تأکید می‌شود که استان به لحاظ توسعه بخشی، جغرافیایی، اندازه بنگاه‌ها، توزیع جغرافیایی، انواع خدمات اعم از آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و تجاری به شدت نامتقارن و نامتوازن است و علی‌رغم وجود چهره بسیار خوب و مثبت بیرونی، از لحاظ توسعه یافتگی عمیقاً متفاوت از نمود ظاهری است، لذا لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که چنین وضعیتی چرا و تحت چه سازوکارهایی پدید آمده است و برای تغییر دادن این وضعیت چه باید کرد؟ ◆◆

قدرت و تأثیرگذار بر سیاست‌های توسعه‌ای منطقه تبدیل می‌کند. مقامات استان ترجیح می‌دهند حجم عظیمی از منابع متمرکز (مقدار درآمدهای مالیاتی استان) را با تمرکز بر چند صنعت از این طریق به دست آورند و خود را با هزاران کسب‌وکار کوچک و متوسط مواجه نکنند و لذا صنایع کوچک و متوسط در کانون توجه برای تقویت و توسعه قرار نمی‌گیرند.

• این صنایع قادرند منابع مالی را جهت دهند،

• تأثیر مخرب بر محیط زیست،

• سهم زیادی از یارانه انرژی را به خود اختصاص می‌دهند.

و لذا در حالتی بدبینانه می‌توان گفت، بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان، نقش مؤثری در توسعه ندارند علی‌رغم روایت‌هایی که از آن‌ها ذکر شد.

### ◆ دو سؤال متفاوت این است که:

– وزارت صمت چه بسترسازی مناسبی برای رشد تولید و توسعه بخش صنعت استان انجام داده است؟

– نظر شما در مورد ساختار فضایی فعالیت‌های صنعتی در استان کرمان چیست؟

الف- وزارت صمت با انبوهی از مسئولیت‌های سنگین و متنوع که بخشی از آن به دلیل دخالت در بنگاه‌داری و به دوش کشیدن بار مشکلات بزرگ تولید می‌باشد، همچنین انباشت معضلات اقتصادی کشور و محیط کسب‌وکار نامناسب اصلاً به فکر برنامه‌ریزی نمی‌تواند باشد و باید روزمرگی را پیشه کند تا بتوان مسائل فوری و بحران‌های تولید، توزیع، تأمین نقدینگی، صادرات و تحریم را حل



گفت‌وگو با «منوچهر توسطی» عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی اراک

## تولید یک امر انتزاعی نیست

منوچهر توسطی، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اراک درباره بنگاه‌های کوچک و متوسط با ما گفت‌وگو کرده است. او تأکید می‌کند که هدایت و حمایت از واحدهای کوچک و متوسط در کشور ما از برنامه خاصی برخوردار نیست تا با اتکالی به آن، سرمایه‌گذاران با سرمایه‌گذاری بیشتر، ریسک بالاتری را تقبل کنند و هزینه‌های سنگین باعث شده که این‌گونه واحدها درجا بزنند و قادر به توسعه بیشتر فعالیت خود نباشند. آن‌ها نمی‌توانند با قیمت رقابتی تولید نمایند، در نتیجه سهم خود را در بازار از دست می‌دهند و آن را بویژه به رقبای خارجی واگذار می‌کنند. مشکلات از حوزه زیرساخت‌ها شروع شده و تا تأمین مالی و نارسایی قوانین و بروکراسی پیچیده ادامه دارد که بنگاه‌ها را فلج می‌کند، درحالی‌که SMEها سوق دادن پول‌های جامعه به سمت تولید و ایجاد اشتغال را به‌عنوان خدمت و رسالت ملی از وظایف ذاتی خود می‌دانند. تحریم اقتصادی یکی از موانع بزرگی است که گریبانگیر بخش خصوصی شده، به‌طوری‌که کار کردن با جان‌کندن یکسان شده است. با وجود موانع باید به‌کارگیری فناوری‌های نوین و پیشرفته را بزنیم که در طلب آن‌ها باید زیرساخت‌های سیاسی و اقتصادی مملکت را طوری مهیا کنیم که بتوانیم با کشورهای دیگر ارتباطات خوبی در این زمینه‌ها داشته باشیم. ادعا می‌کنم که در شرکت‌های کوچک و متوسط توانایی تولید کیفی و قابل‌رقابت با شرکت‌های صنعتی کشورهای کره جنوبی، آلمان، ایتالیا و فرانسه که ما مشتری داریم، وجود دارد، اما مقادیر تولید و تحویل ما به علت مشکلات حاکم بر اقتصاد کشور، آن‌قدر نیست که بازار برایمان پایدار بماند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانیم.





### برای صنایع

کوچک و متوسط

جایگاه مشخص

و شفافیت در

ساختار حاکمیت

و به‌طور مشخص

در وزارت صمت

و به‌تبع آن

در ادارات کل

استان‌ها تعریف

نشده است و

هدایت و حمایت

از واحدهای

کوچک و متوسط

در کشور ما از

برنامه خاصی

برخوردار نیستند

که با اتکا به آن،

سرمایه‌گذاران

با سرمایه‌گذاری

بیشتر، ریسک

بالاتری را تقبل

کنند و سودآوری

خود را افزایش

دهند.

### ♦♦ صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد کشورها نقش

بسیار مهمی دارند. اگر ممکن است جایگاه این دسته از

صنایع در اقتصاد کشور را با وضعیت مشابه در کشورهای

پیشرفته و کشورهای در حال توسعه مقایسه نمایید؟

اصولاً در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، سرمایه‌گذاری برای تولید محصولات که از تنوع پایینی برخوردارند و سرمایه‌گذاری بالایی را می‌طلبند مثل صنایع بزرگ خودروسازی، کشتی‌سازی و غیره، توسط افراد عادی جامعه به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست، بنابراین در این کشورها سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط بیشتر مورد توجه دارندگان سرمایه‌های خرد قرار می‌گیرد، به‌نحوی که اکثر علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در این حوزه، قادر به انجام آن هستند و منابع مالی سرگردان در جامعه و یا در اختیار افراد عادی جامعه می‌تواند به سمت شکل‌گیری صنایع کوچک و متوسط برود که این اتفاق مزیت‌های زیادی مشتمل بر موارد زیر را برای آن کشورها فراهم می‌کند:

• سوق دادن سرمایه‌های پایین و در دست مردم به سمت تولید و جلوگیری از ایجاد تورم ناخواسته در اقتصاد کشور،

• تولید متنوع انواع محصولات برای تأمین نیاز داخلی و بویژه برای صادرات و ارزآوری در کشور،

• پراکندگی صنایع کوچک و متوسط در سطح کشور که منجر به ایجاد توسعه متوازن و اشتغال بیشتر و عادلانه در سطح جامعه می‌شود؛ زیرا برای ایجاد صنایع بزرگ در هر نقطه از کشور باید مزیت‌های نسبی صنعت مورد نظر وجود داشته باشد، در حالی که صنایع کوچک و متوسط را در هر نقطه از کشور می‌توان ایجاد کرد و در نتیجه منجر به ایجاد اشتغال و درآمد و توسعه متوازن خواهد شد،

• امکان بیشتر حمایت از واحدهای کوچک و متوسط در مواقع بروز بحران اقتصادی؛ اگر صنایع بزرگ دچار بحران شوند به‌سختی حاکمیت و دولت می‌تواند از آن‌ها حمایت کند، ولی در بروز بحران در واحدهای کوچک و متوسط سریع‌تر و سهل‌تر می‌توانند مورد توجه قرار گرفته و برای عبور از بحران آن‌ها را مساعدت نمایند.

### ♦♦ چرا بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور سودآوری

کمی دارند؟

با توجه به وضعیت حال حاضر صنایع کوچک و متوسط در کشور و آنچه را که تاکنون شاهد آن بوده‌ام، برای صنایع کوچک و متوسط جایگاه مشخص و شفافیت در ساختار حاکمیت و به‌طور مشخص در وزارت صمت

و به‌تبع آن در ادارات کل استان‌ها تعریف نشده است و هدایت و حمایت از واحدهای کوچک و متوسط در کشور ما از برنامه خاصی برخوردار نیستند که با اتکا به آن، سرمایه‌گذاران با سرمایه‌گذاری بیشتر، ریسک بالاتری را تقبل کنند و سودآوری خود را افزایش دهند و لذا واحدهای کوچک و متوسط اجباراً هرگونه فعالیت توسعه‌ای و سودآوری بیشتر را متکی به خود می‌دانند؛ به‌عبارت‌دیگر این خود صنایع کوچک و متوسط هستند که باید منابع مالی، تکنولوژی، ماشین‌آلات و مواد اولیه و ... را فراهم کنند تا بتوانند تولید، بازاریابی و فروش را انجام دهند؛ لذا هزینه‌های بازاریابی، افزایش کیفیت، تغییر در طراحی محصولات و استانداردسازی باعث شده که این‌گونه واحدها عموماً درجا بزنند و قادر به توسعه بیشتر فعالیت خود نباشند، درعین حال این هزینه‌ها روی قیمت تمام شده محصولات تأثیر سوء گذاشته و این صنایع نمی‌توانند محصولات با قیمت رقابتی تولید کرده در نتیجه سهم خود را در بازار از دست می‌دهند و آن را به رقبا بویژه رقبای خارجی واگذار می‌کنند.

### ♦♦ چرا سهم صنایع کوچک و متوسط از سرمایه‌گذاری

و اشتغال در کشور ما نسبت به بسیاری از کشورهای

توسعه‌یافته و در حال توسعه کوچک و ناچیز است؟



۱۱ درصد از GDP کشور توسط واحدهای کوچک و متوسط تأمین می‌شود.

در کشور ما برای حمایت از واحدهای کوچک و متوسط یک ساختار مدون دولتی و حاکمیتی وجود ندارد که انگیزه و اعتماد برای سرمایه‌گذاری را در آن‌ها بالا ببرد. به‌کرات شاهد واحدهای کوچک و متوسطی بوده‌ایم که به علت تلاطم‌های اقتصادی و عدم حمایت جدی از طریق سوق دادن پول‌های جامعه به سمت تولید و ایجاد اشتغال، تولید را وظیفه خود می‌دانند، اما در همان ابتدا به دلیل وجود مشکلات عدیده زمین‌گیر می‌شوند. این مشکلات غالباً در حوزه زیرساخت‌ها از قبیل برق، گاز، تلفن و ... شروع شده و تا تأمین منابع مالی و نارسایی قوانین و بروکراسی‌های پیچیده ادامه دارد و واحدهای کوچک و متوسط که توان زیادی ندارند را به‌نوعی فلج می‌کند. درحالی‌که SMEها سوق دادن پول‌های جامعه به سمت تولید و ایجاد اشتغال را به‌عنوان یک خدمت ارزنده و رسالت ملی از وظایف ذاتی خود می‌دانند.

#### ♦♦ اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط برای اقتصاد و صنایع چیست و طراحی و اجرای حمایت‌های حاکمیت از آن‌ها چقدر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؟

اگر بهره‌ای را که خود دولت و حاکمیت در حمایت از صنایع کوچک و متوسط خواهد برد را بررسی کنیم به اهمیت این صنایع هم پی خواهیم برد. به اعتقاد من اگر دولت و حاکمیت به دنبال جمع‌آوری سرمایه‌های سرگردان با هدف مقابله با تورم و سایر ناهنجاری‌های اقتصادی است، اگر به دنبال تولید کالای متنوع برای تأمین نیازهای داخلی و حتی صادرات و ارزآوری و ایجاد استقلال صنعتی و اقتصادی است، اگر به دنبال تأمین قطعات یدکی و واسطه‌ای است که اکثر صنایع گرفتار آن هستند، اگر به دنبال ایجاد اشتغال بیشتر، افزایش درآمد، رفاه و رضایتمندی بیشتر برای آحاد جامعه است و بسیاری از موارد نانوشته دیگر که وجود دارد همه و همه توسط واحدهای کوچک و متوسط امکان‌پذیر است و این خود از دلایل مهم برای حمایت حاکمیت از واحدهای کوچک و متوسط است.

#### ♦♦ رشد نوآوری در بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصولاً برای هر ارزیابی باید آمار و ارقام وجود داشته باشد. دسترسی به آمار و ارقام درزمینه‌ی نوآوری نیز باید از طریق

سهم پایین صنایع کوچک و متوسط در موضوع سرمایه‌گذاری کشور به عواملی همچون عدم وجود حمایت و هدایت کافی از سمت دولت و نبود زیرساخت‌ها برمی‌گردد، این در حالی است که سهم بسیار زیادی از تأمین اشتغال کشور از طریق واحدهای کوچک و متوسط شکل می‌گیرد. همان‌طور که می‌دانید واحدهای کوچک و متوسط عمدتاً در شهرک‌های صنعتی مستقر هستند و نبود زیرساخت‌ها باعث می‌شود که تعداد صنایع در کشور ما در مقایسه با سایر کشورهای توسعه‌یافته به‌شدت کاهش یابد؛ در کشوری مثل آمریکا ۱۵ میلیون واحد کوچک و متوسط وجود دارد که کل آن‌ها خصوصی هستند و ۵۰ درصد اشتغال کشور را تأمین می‌کنند و حدود نیمی از GDP کشور را همین واحدهای کوچک و متوسط تأمین می‌کنند درحالی‌که در ایران در حالت کلی



و صاحب فن وارد کنیم، اما تحریم اقتصادی یکی از موانع بزرگی است که چند سالی است گریبان‌گیر بخش خصوصی شده، به طوری که کار کردن با جان‌کندن یکسان شده است.

• اگر به فرض دانش و فناوری را به دست آوردیم، روابط سیاسی، تجاری و بانکی مناسب برای دریافت تکنولوژی را لازم داریم، باید مبادله پول انجام شود، اما سیستم بانکی ما قادر به مبادله پول با خیلی کشورها نیست. • فناوری هم اگر آورده شود، باید کارشناسان متخصص آن فناوری بتوانند به کشور بیایند و احساس خوبی نسبت به همکاری با ما داشته باشند که این موضوع هم وجود ندارد.

• هر نوع فناوری که بخریم و وارد کشور کنیم، باید بازار فروش آن را نیز داشته باشیم و هر محصولی که تولید می‌نماییم باید با یک مبلغی به فروش برسد و یک حاشیه سود هم داشته و برگشت سرمایه صورت پذیرد، اما زمانی که طرح تجاری (بیزینس پلن) را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم باید عطایش را به لقایش ببخشیم.

در نهایت با وجود موانع بالا، باید قید به کارگیری فناوری‌های نوین و پیشرفته را بزنیم؛ چون اگر بخواهیم فناوری نوین و پیشرفته داشته باشیم باید زیرساخت‌های سیاسی و اقتصادی مملکت را طوری مهیا کنیم که بتوانیم با کشورهای دیگر ارتباطات خوبی در این زمینه داشته باشیم.

#### ♦♦ به نظر شما برای اینکه بنگاه‌های کوچک و متوسط در مسیر تحول و دستیابی به رشد چشمگیر در میان‌مدت و بلندمدت قرار بگیرند، چه باید کرد؟

باید شرایط عادلانه رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور ما با شرکت‌های مشابه در کشورهای دیگر فراهم شود؛ یعنی تثبیت نرخ ارز، ارتباط تجاری شایسته، دسترسی به بازارهای خارجی، دسترسی به ماشین‌آلات روز و نوین، فناوری و تکنولوژی روز، همه باید فراهم شود و شاید شاه‌کلید این قضیه موضوع رفع تحریم‌هاست. از طرف دیگر تولید یک عنصر انتزاعی نیست بلکه یک عنصر وابسته به خیلی مسائل دیگر از جمله: سیستم حاکمیتی، قوانین و مقررات صادره از دولت و مجلس، دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز رشد و توسعه نیروی انسانی، است. باید تعریفی از تولید ارائه شود که به راحتی در میان همه دستگاه‌های وابسته نیاز خود را تأمین کند. همچنین ضرورت دارد علاوه بر مزیت‌هایی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در جامعه دارند باید به موضوع پرداخت مالیات آن‌ها

نهادهایی مانند پارک‌های علم و فناوری، وزارت صمت، اداره ثبت و اختراعات و غیره صورت گیرد که تفاوت در آمار اخذ شده از هرکدام از این نهادها نیز وجود دارد، اما به‌طور کلی به اعتقاد بنده، رشد نوآوری در واحدهای کوچک و متوسط جدی نیست هر چند موارد معدود موفقی هم در استان مرکزی و یا سایر استان‌ها وجود دارد، اما در حالت کلی به علت هزینه بالایی که فعالیت‌های R&D برای واحدهای کوچک و متوسط دارد، این واحدها ترجیح می‌دهند به نوعی ادامه‌دهنده تولیدات قبلی خود باشند که به مرور زمان دچار مشکلات بازار و مسائل مالی می‌شوند، اما هستند تعدادی که این وضعیت را درک می‌کنند و با نوآوری در محصولات، خطوط تولید و ارزیابی نیازهای مشتریان، خود را در صحنه نگه می‌دارند، اما در مجموع با وجود مشکلات اقتصادی، تحریم، مسائل مالی و ... رشد و نوآوری در بنگاه‌های کوچک و متوسط را خوب ارزیابی نمی‌کنم.

#### ♦♦ به نظر شما کارآفرینان عرصه بنگاه‌های کوچک و متوسط چقدر در جستجو و دریافت دانش روز شغلی هستند؟

کارآفرین اگر به معنای واقعی کارآفرین باشد، همیشه به دنبال دریافت دانش روز است. کارآفرینان از همان ابتدای شروع فعالیت یعنی از زمانی که جواز تأسیس می‌گیرند، می‌دانند که باید روزبه‌روز تکامل داشته و رشد کنند. در واقع یک واحد صنعتی همانند یک بچه باید رشد کند و گرنه عقب خواهد ماند و سوددهی نخواهد داشت، اما مشکلاتی که قبلاً هم عرض کردم از جمله عدم ارتباط با خارج از کشور، نبود منابع مالی کافی (زمانی یک تولیدکننده با یک میلیارد تومان سرمایه در گردش می‌توانست کارخانه خود را بچرخاند، با وجود تورم و گرانی در حال حاضر این مبلغ به ده‌ها میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است، در حالی که سرمایه در گردش این بنگاه افزایش پیدا نکرده و لزوماً متوسل به بانک‌ها شده و سود بانک هم بالاست و بنگاه‌ها امکان بازپرداخت را ضعیف می‌بینند) این مشکلات باعث شده که تولیدکنندگان نتوانند دنبال دانش روز شغلی باشند، ولی در جمع‌بندی مطلب می‌توان ادعان کرد که تولیدکننده و فعال صنعتی این موضوع را جزو وظایف خود می‌داند.

♦♦ مهم‌ترین موانع به‌کارگیری فناوری‌های نوین و پیشرفته در بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور چیست؟

• کشور ما صاحب دانش فنی و تکنولوژی نیست و مجبوریم دانش نوین را از کشورهای صنعتی توسعه‌یافته

اگر دولت و حاکمیت به دنبال جمع‌آوری سرمایه‌های سرگردان با هدف مقابله با تورم و سایر ناهنجاری‌های اقتصادی است، اگر به دنبال تولید کالای متنوع برای تأمین نیازهای داخلی و حتی صادرات و ارزآوری و ایجاد استقلال صنعتی و اقتصادی است، اگر به دنبال تأمین قطعات یدکی و واسطه‌ای است که اکثر صنایع گرفتار آن هستند، اگر به دنبال ایجاد اشتغال بیشتر، افزایش درآمد، رفاه و رضایتمندی بیشتر برای آحاد جامعه است و بسیاری از موارد نانوشته دیگر که وجود دارد همه و همه توسط واحدهای کوچک و متوسط امکان‌پذیر است.

کمتر، محصول باکیفیت‌تری بگیرد. بازار هشتاد میلیونی ما بازار ارزشمندی است ولی تا زمانی که دیوار دور خود بکشیم همین وضع ادامه دارد. ما باید بازار هشت میلیاردی دنیا را هدف‌گذاری کنیم. کشور ترکیه تقریباً تمام بازارهای ما را حتی در کشورهای همسایه گرفته است قبل از اینکه ما به کشورهای حاشیه دریای خزر و حاشیه خلیج فارس ورود کنیم، ترکیه در آنجا حضور دارد، توافقات تجاری و تعرفه‌های ترجیحی را در آنجا اجرا کرده است.

به‌عنوان یک صنعت‌گر با ۴۰ سال تجربه و مسئولیت‌هایی که در حوزه تشکلی اتاق بازرگانی و صنعت و معدن داشته‌ام ادعا می‌کنم که توانایی تولید در شرکت‌های کوچک و متوسط ما وجود دارد و محصولاتی که این شرکت‌ها تولید می‌کنند می‌توانند با شرکت‌های صنعتی در کشورهای کره جنوبی، آلمان، ایتالیا، هلند و فرانسه که ما مشتری داریم، رقابت کنند، ولی مقادیر تولیدی و تحویلی ما به علت مشکلات حاکم بر اقتصاد کشور آن‌قدر نیست که بازار برای ما پایدار و ثابت بماند و در درازمدت این بازار از بین می‌رود.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

حیات و استمرار فعالیت همه واحدهای تولیدی نیازمند دانش روز است و بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به بقیه استثنای نیستند. روند رشد و توسعه واحدهای کوچک و متوسط باید به این سمت حرکت کند که واحدهای کوچک در آینده به واحدهای متوسط و واحدهای متوسط به واحدهای بزرگ تبدیل گردند. اگر بخواهد این اتفاق رقم بخورد، باید شرایط به‌نوعی تعریف شود که احساس امنیت به آینده در مدیران و سرمایه‌گذاران در واحدهای کوچک و متوسط بیشتر شود تا دارایی‌ها و نقدینگی‌ها به‌جای حرکت به سمت دلالی، در حوزه تولید وارد شود که از مزیت‌های آن همه مردم منتفع شوند.

برای رسیدن به این هدف دولت باید به چند نکته توجه کند: ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش تورم، پیش‌بینی‌پذیر بودن و ثبات نرخ ارز (تا بنگاه‌های صنعتی برای خرید مواد اولیه و تجهیزات خود بتوانند برنامه‌ریزی کنند)، حمایت از بنگاه‌های کوچک و بزرگ جهت تأمین هزینه‌های R&D و بازاریابی بویژه برای ورود به بازارهای خارجی و ایجاد شرکت‌های مدیریت صادرات جهت بازاریابی محصولات تولیدی بنگاه‌های کوچک و متوسط در جهت افزایش فروش و تضمین خرید محصولات آن‌ها. ◆◆

نیز توجه شود. به اعتقاد من مالیات خود به‌تنهایی یک نقطه ارزشمند است که اگر واحدهای کوچک و متوسط سودآور باشند با پرداخت مالیات می‌توانند دولت را در مسیر اقدامات خود بسیار کمک کنند.

#### ◆ چنانچه به لحاظ نهادی، سازمانی و مدیریتی تجربیات موفقی در راستای عبور از چالش‌ها و فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در استان مرکزی کسب شده است که می‌تواند برای سایر استان‌ها نیز مفید باشد را ذکر و در مورد آن‌ها توضیحاتی ارائه فرمایید.

علیرغم همه مسائل و مشکلاتی که در کشور وجود دارد، می‌توان گفت واحدهای موفق در استان مرکزی فراوان هستند. در استان مرکزی بیش از ۳ هزار واحد صنعتی با تولید محصولات متنوع در همه زمینه‌ها از جمله صنایع، کشاورزی، دامداری و مرغداری، ماشین‌سازی، قطعات خودرو، آلباژها، نورد و ریخته‌گری، ماشین‌آلات راه‌سازی و کشاورزی، واگن و ... وجود دارد به‌طوری‌که استان مرکزی در جایی به‌عنوان قطب اول و در جای دیگر قطب چهارم صنعتی کشور شناخته می‌شود. این وضعیت خوب بر اساس مقایسه به‌طور نسبی با سایر استان‌هاست، نه بر اساس مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه و این‌ها شاید شعارهای دولتی است که ما نسبت به کشورهای دیگر وضعیت بسیار خوبی داریم. در شرایطی که بخش خصوصی در وسط آتش موانع و مشکلات است اعتقاد داریم اگر می‌خواهیم مقایسه کنیم فقط می‌توانیم خودمان را با خودمان قیاس کنیم؛ برای مثال بگوییم یک بنگاه کوچک و متوسط در استان مرکزی در مقایسه با استان کرمان موفق‌تر است و در شرایط حال حاضر اقتصادی دستاوردها و نتایج کارش ارزشمندتر است و نمی‌توانیم یک SME با چهل سال سابقه را یک‌تنه با یک شرکت در آلمان، انگلیس یا حتی در مالزی و سنگاپور مقایسه کنیم، چون ما شرایط مناسب آن‌ها را برای تولید یکسان نداریم. تا زمانی که در چین، ترکیه یا کشورهای دیگر یک کالای با کیفیت تولید شود که قیمت تمام شده آن نسبت به کشور ما، کمتر باشد جاذبه خرید آن برای مشتریان داخلی بیشتر است؛ یعنی واحدهای کوچک و متوسط ما نتوانستند در رقابت با این کشورها کار جدی انجام دهند. دو موضوع عمده رقابت را رقم می‌زند تولید با کیفیت بیشتر همراه با قیمت تمام شده کمتر و لذا هر کسی که به بازار وارد می‌شود تمایل دارد با هزینه

بازار هشتاد  
میلیونی ما بازار  
ارزشمندی است  
ولی تا زمانی  
که دیوار دور  
خود بکشیم  
همین وضع  
ادامه دارد. ما  
باید بازار هشت  
میلیاردی دنیا را  
هدف‌گذاری کنیم.  
کشور ترکیه تقریباً  
تمام بازارهای  
ما را حتی  
در کشورهای  
همسایه گرفته  
است قبل از اینکه  
ما به کشورهای  
حاشیه دریای خزر  
و حاشیه  
خلیج فارس ورود  
کنیم، ترکیه در  
آنجا حضور دارد،  
توافقات تجاری  
و تعرفه‌های  
ترجیحی را در  
آنجا اجرا کرده  
است.



# فراز و فرود تولید و عوامل فرسایش بخش صنعت

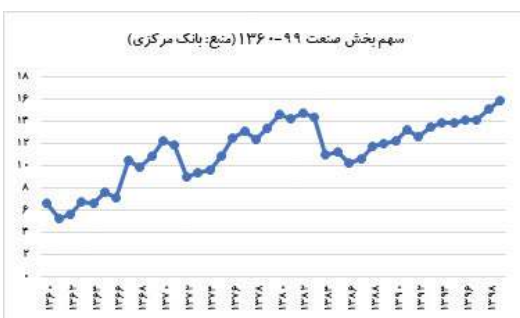
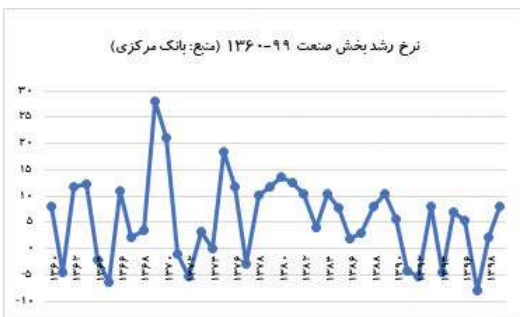
یلدا راهدار

عضو هیئت‌رئیس اتاق شیراز و عضو هیئت‌رئیس سازمان ملی کارآفرینی ایران



متوسط رشد ارزش افزوده بخش صنعت در دوره‌های هفتم و هشتم ریاست جمهوری از سایر دوره‌ها بیشتر بوده و به ۹ درصد رسیده است. در دوره یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری، رشد بخش صنعت به کمترین میزان خود (۱,۶ درصد) رسیده است. علی‌رغم این‌که در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به واسطه رشد درآمدهای ارزی فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و رشد بخش صنعت وجود داشت، اما در این دوره متوسط رشد این بخش ۵,۵ درصد بوده است. سهم ارزش افزوده بخش صنعت به‌طور متوسط در ۴۰ سال اخیر ۱۱,۴ درصد بوده است که با توجه به اهمیت این بخش به‌عنوان حلقه واسطه سایر بخش‌ها قابل قبول نیست.

قدرت اقتصادی هر کشور را تولید و رشد اقتصادی آن کشور تعیین می‌کند که این قدرت بایستی در یک اقتصاد سالم و رقابتی و آزاد در دست بخش خصوصی و فعالان اقتصادی هر کشور باشد و دولت‌ها موظفند شرایط و محیط کسب‌وکار را برای آن‌ها مساعد نمایند. بخش تولید در سال‌های سخت دهه ۹۰ خورشیدی بسیار شکننده‌تر از پیش شده است. مشکلات ساختاری و سیاست‌های نادرست دهه‌های اخیر تولید را به ورطه نابودی کشانده و فشارها و تحریم‌های بین‌المللی بیش‌ازپیش کمر اقتصاد کشور را خم کرده است. متأسفانه تولیدکنندگان همواره تحت فشار مشکلات محیط کسب‌وکار و سیاست‌های دستگاه حاکمیتی قرار داشته‌اند. ثبات سیاسی دولت یکی از مؤلفه‌های تضمین‌کننده مساعد ماندن فضای کسب‌وکار است. یک سیستم سیاسی پایدار می‌تواند تصمیماتی مناسب برای کسب‌وکار اتخاذ کند که باعث رونق مشاغل و جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود. اگرچه بخش صنعت به واسطه پیوندهای گسترده با سایر بخش‌های اقتصادی نقش بسزایی در ارتقای جایگاه اقتصادی کشور داشته است، اما در سال‌های گذشته تحت سخت‌ترین فشارهای داخلی و خارجی قرار گرفته، به‌طوری‌که تقریباً بخش صنعت را زمین‌گیر نموده است. بررسی روند رشد ارزش افزوده بخش صنعت در دوره ۹۹-۱۳۶۰ از نوسان شدید رشد این بخش حکایت دارد. متوسط رشد ارزش افزوده بخش صنعت در دوره‌های هفتم و هشتم ریاست جمهوری از سایر دوره‌ها بیشتر بوده و به ۹ درصد رسیده است. در دوره یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری، رشد بخش صنعت به کمترین میزان خود (۱,۶ درصد) رسیده است. علی‌رغم این‌که در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به واسطه رشد درآمدهای ارزی فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و رشد بخش صنعت وجود داشت، اما در این دوره متوسط رشد این بخش ۵,۵ درصد بوده است. سهم ارزش افزوده بخش صنعت به‌طور متوسط در ۴۰ سال اخیر ۱۱,۴ درصد بوده است که با توجه به اهمیت این بخش به‌عنوان حلقه واسطه سایر بخش‌ها قابل قبول نیست.



مقایسه متوسط رشد ارزش افزوده بخش صنعت و سهم صنعت از ارزش افزوده کل ۹۹-۱۳۶۰ (منبع: بانک مرکزی)

دوره ریاست جمهوری	سوم و چهارم	پنجم و ششم	هفتم و هشتم	نهم و دهم	یازدهم و دوازدهم
متوسط رشد ارزش افزوده صنعت	۴٫۱	۸٫۵	۹	۵٫۵	۱٫۶
متوسط سهم صنعت از ارزش افزوده کل	۷	۱۰٫۵	۱۳٫۷	۱۱٫۶	۱۴٫۲

و صنعت کشور که نیاز شدیدی به سرمایه‌گذاری دارد از این موهبت محروم گردیده است.

به موازات پایین بودن سرمایه‌گذاری در کشور، بازارهای غیرمولد و دلالی در کشور از سود بالایی برخوردار هستند و بسیاری از سرمایه‌گذاران به جای تولید به فعالیت‌های سفته‌بازی روی می‌آورند. همچنین بازار سرمایه که می‌توانست جایگزین خوبی برای تأمین مالی از طریق بانک باشد، به دلیل سیاست‌های نادرست سال‌های اخیر اعتماد و تمایل مردم را برای سرمایه‌گذاری در بازار بورس از بین برده و بخش صنعت را با چالش تأمین مالی تنها گذاشته است. مسئله مهم پیش روی همه بخش‌های تولیدی کشور، به روز نبودن ماشین‌آلات و تجهیزات می‌باشد. ماشین‌آلات فرسوده در بخش صنعت باعث شده بهره‌وری کاهش یافته و در نتیجه با افزایش هزینه تولید، توان رقابت کشور در بازارهای جهانی از بین برود. لازمه به روز نمودن ماشین‌آلات، وجود نقدینگی لازم به منظور واردات می‌باشد. لکن تأمین نقدینگی چالش همیشگی بخش صنعت است. اصلاح نظام بانکداری کشور سال‌هاست مورد تأکید قرار گرفته، اما تاکنون اقدام مؤثری صورت نگرفته و بانک‌ها جزیره‌ای عمل می‌کنند. تولید اولویت نظام بانکی کشور نیست و بانک‌ها به جای حمایت از تولیدکنندگان به پروژه‌هایی که سوددهی بالاتری دارد تسهیلات پرداخت می‌کنند. همچنین غالباً بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از میزان سود تسهیلات و هزینه وام کمتر بوده و عملاً دریافت وام برای صنعتگران صرفه اقتصادی ندارد.

شوکی‌های ارزی پیاپی و نوسان‌های قیمت ارز یک عامل مهم نا اطمینانی برای صنعتگران بوده است. علاوه بر این که افزایش نرخ ارز قیمت تمام شده کالاها را افزایش می‌دهد و تقاضای داخلی را کاهش داده و قدرت رقابت تولیدکننده را در بازارهای بین‌المللی از بین می‌برد، نوسان نرخ ارز سبب ایجاد بی‌ثباتی بوده و چشم‌انداز آینده و برنامه‌ریزی برای تولید را مختل می‌نماید. در واقع نرخ ارز و نرخ تورم راسنگوترین شاخص‌هایی هستند که وضعیت اقتصاد کشور را نمایان

با توجه به این که بخش صنعت برای تهیه ماشین‌آلات و تجهیزات و گاهی تأمین مواد اولیه به واردات نیازمند است، نوسانات اقتصادی و روابط بین‌المللی این بخش را بسیار تحت تأثیر قرار داده است. صنایع به دلیل تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای قادر به تأمین مواد اولیه و واسطه خود از مسیر درست و معمول نبوده و در نتیجه افزایش هزینه سربار منجر به بالا رفتن قیمت تمام شده کالاها گردیده است. در سال‌های دهه ۱۳۹۰ نرخ تورم که به دلیل مسائل داخلی و خارجی به شدت افزایش یافته، قدرت خرید را کاهش و به دنبال آن تقاضای مؤثر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در واقع اقتصاد کشور به‌طور عام و بخش صنعت به‌طور خاص هم از سمت تقاضا و هم از سمت عرضه در محدودیت قرار گرفته و رکود تورمی بسیاری از کسب‌وکارها را به تعطیلی کشانده یا با تهدید روبرو نموده است. افزایش قیمت تمام شده علاوه بر مشکلات داخلی، توان رقابت در بازارهای خارجی را از تولیدکنندگان گرفته است، چراکه علاوه بر کیفیت، قیمت تمام شده نیز در بازارهای بین‌المللی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

یکی دیگر از چالش‌های مهم بخش صنعت کمبود سرمایه‌گذاری می‌باشد. رشد موجودی سرمایه این بخش تا سال ۱۳۹۶ مثبت بوده، اما در سال‌های بعد نزولی و پس از آن منفی شده است. موجودی سرمایه خالص از ۳۸۰۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به ۴۳۵۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ رسیده است. عوامل متعددی باعث شده تا بازدهی سرمایه‌گذاری پایین باشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به گران بودن تسهیلات و رشد نرخ ارز اشاره نمود. همچنین نامساعد بودن محیط و قوانین محل کسب‌وکار ریسک سرمایه‌گذاری در کشور را افزایش داده است. علاوه بر آن در کشور ما به سرمایه‌گذاری خارجی که منبع رشد بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور می‌باشد، توجه لازم نشده است. متأسفانه سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل وجود تحریم‌ها و قوانین سخت‌گیرانه بسیار پایین بوده

یکی دیگر از چالش‌های مهم بخش صنعت کمبود سرمایه‌گذاری می‌باشد. رشد موجودی سرمایه این بخش تا سال ۱۳۹۶ مثبت بوده، اما در سال‌های بعد نزولی و پس از آن منفی شده است. موجودی سرمایه خالص از ۳۸۰۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به ۴۳۵۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ رسیده است. عوامل متعددی باعث شده تا بازدهی سرمایه‌گذاری پایین باشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به گران بودن تسهیلات و رشد نرخ ارز اشاره نمود.

به تولیدکننده تحمیل نموده است. افزایش قیمت ارز منجر به بالا رفتن قیمت مواد اولیه شده که به همراه افزایش هزینه سایر نهاده‌ها بر افزایش قیمت محصول تأثیرگذار بوده و با توجه به کاهش قدرت خرید مردم با کاهش تقاضای مشتریان روبرو شده است. با حذف ارز ترجیحی مبلغ تمام شده کالاهای تولیدی افزایش یافته ولی عدم همکاری بانک‌ها در ارائه تسهیلات منجر به افزایش قیمت خواهد شد. پیش از هر چیز بایستی فضای حاکم بر کسب‌وکارها مساعد شود تا امکان برنامه‌ریزی و پیش‌بینی برای فعالان فراهم گردد و این موضوع باعث خواهد شد تا راه سرمایه‌گذاران به کشور هموار گشته و با اطمینان به بازگشت بازده سرمایه اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند. ضرورت دارد تا جهت لمس امنیت اقتصادی در کشور و برقراری عدالت، مبارزه با فساد و رانت‌خواری و جرایم اداری و مالی پیگیری شده و به‌صورت شفاف به اطلاع عموم رسانده شود تا اعتماد و اطمینان مردم و جوامع بین‌المللی نیز جلب گردد.

مسئله مهم دیگر اصلاح نظام پاداش‌دهی در کشور می‌باشد. بدین ترتیب که باید دید کدام فعالیت اقتصادی با توجه به شرایط پرمخاطره کشور، بیشترین سهم را در ایجاد ارزش افزوده و تولید دارد. متأسفانه فعالیت‌های غیراقتصادی و غیراخلاقی مانند دلالی و رانت‌خواری کم‌ترین خطر و بیشترین سود را ایجاد می‌کند و فعالیت‌های تولیدی که نجات‌دهنده کشور می‌باشد با نوعی تنبیه مواجه است. نظام بانکی و مالیاتی و ارزی کشور تولیدکنندگان را تحت فشار قرار داده و روزبه‌روز بر تعداد ورشکستگان اضافه می‌شود. تا زمانی که تولیدکنندگان از سوی مراجع گفته شده تنبیه می‌شوند، امیدی به رونق صنعت وجود ندارد. فعالیت‌های غیرمولد رانت‌جویانه و سوداگرانه نیز به دلیل سوددهی بالا و اخلاقی در نظام اقتصادی باید با نظارت قوی مشمول مالیات‌های سنگین قرار گیرند.

در سال‌های اخیر اقتصاد کشور به‌طور عام و بخش صنعت به‌طور خاص هم از سمت تقاضا و هم عرضه در محدودیت قرار گرفته و رکود تورمی بسیاری از کسب‌وکارها را به تعطیلی کشانده یا با تهدید روبرو نمود. نوسانات نرخ ارز و مشکل تأمین مواد اولیه، باعث افزایش بهای تمام شده و ایجاد نااطمینانی در تصمیم‌گیری بنگاه‌های تولیدی گردیده است. افزایش قیمت تمام شده علاوه بر مشکلات داخلی، توان رقابت در بازارهای خارجی را از تولیدکنندگان گرفته است. با توجه به وضعیت اسفبار و رو به افول صنعت و اقتصاد کشور مسئولان باید هر چه سریع‌تر اقدام مؤثر و کارآمدی اتخاذ نمایند تا چالش‌های اقتصادی به بحران اجتماعی تبدیل نگردد. ♦♦

می‌کنند. متأسفانه این دو نرخ به‌شدت افزایش یافته و صنعت را از سمت تقاضا و عرضه زمین‌گیر نموده است. واردات بی‌رویه و قاچاق کالا مانعی دیگر برای تولیدکنندگان بخش صنعت می‌باشد. زمانی که کالای ارزان‌تر از طریق واردات یا قاچاق به دست مصرف‌کنندگانی که توان خریدشان کاهش یافته می‌رسد، بی‌هیچ تردیدی کالای ارزان‌تر را خریداری کرده و در نتیجه صنعت کشور بیش‌ازپیش در رکود فرو می‌رود. از سوی دیگر باز هم به دلیل فشارهای ناشی از تحریم و نبود سرمایه در گردش کافی برای صنعتگران، تجهیزات تولید فرسوده و قدیمی بوده و طبعاً مصرف‌کنندگان به سمت کالاهای باکیفیت‌تر و به‌روزتر تمایل پیدا خواهند کرد.

در سال‌هایی که نرخ تورم بالا است، دخالت دولت نیز در بازار افزایش می‌یابد، غافل از این‌که این دخالت خود عامل بی‌ثباتی در بازار می‌باشد. تولیدکننده بر اساس علم اقتصاد عمل می‌کند، اما دخالت دولت باعث آفت کارایی شده و انگیزه تولید و پاداش‌دهی صحیح را از بین می‌برد. عدم همکاری وزارت صمت در قیمت‌گذاری و اعمال قیمت‌گذاری دستوری در بعضی از رشته فعالیت‌ها و پایین نگه‌داشتن قیمت فروش بدون در نظر گرفتن حاشیه سود باعث کاهش درآمد و زیان ده شدن برخی از صنایع شده و آن‌ها را به مرز تعطیلی کشانده است.

با توجه به اینکه بنگاه‌های کوچک و متوسط ۸۰ درصد بنگاه‌های صنعتی را تشکیل می‌دهند و با چالش‌های اساسی نیز مواجه هستند، باید اقدامات اساسی در راستای بهبود وضعیت این بنگاه‌ها صورت گیرد. انتظار آن است که ارتباط بین صنایع کوچک و متوسط با واحدهای صنعتی بزرگ شکل گیرد تا به‌تدریج شاهد رشد تولید و توسعه اقتصادی در کشور باشیم. همچنین یکی از مهم‌ترین معضلات بخش صنعت قرار نگرفتن در زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بالا می‌باشد. امروزه پیوستن به زنجیره ارزش جهانی و ارتباط حلقه‌های این زنجیره از استخراج تا ابزارسازی بین‌المللی حرف اول تجارت بین‌المللی را می‌زند. بخش صنعت ارتباط تنگاتنگی با سایر بخش‌ها دارد و می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب و سیاست‌گذاری‌های درست در این زنجیره قرار گیرد. از تحریم‌ها بارها سخن به میان آمده است و آثار سوء اقتصادی آن بر هیچ ناظر بی‌طرفی پوشیده نیست. لکن مشکلات ساختاری کشور که بخشی از آن ناشی از بی‌تدبیری و سیاست‌های نادرست چندین ساله و بخش دیگر آن به تحریم‌ها بازمی‌گردد، دست و پای تولید را بسته و بسیاری از تولیدکنندگان را وادار به خروج سرمایه از کشور نموده است. به‌عنوان مثال قطعی برق در ماه‌های گرم سال بار مضاعفی را

**در سال‌هایی که نرخ تورم بالاست، دخالت دولت نیز در بازار افزایش می‌یابد، غافل از این‌که این دخالت خود عامل بی‌ثباتی در بازار می‌باشد.**

**تولیدکننده بر**

**اساس علم**

**اقتصاد عمل**

**می‌کند، اما**

**دخالت دولت**

**باعث آفت**

**کارایی شده**

**و انگیزه تولید**

**و پاداش‌دهی**

**صحیح را از**

**بین می‌برد.**

**عدم همکاری**

**وزارت صمت**

**در قیمت‌گذاری**

**و اعمال**

**قیمت‌گذاری**

**دستوری در**

**بعضی از رشته**

**فعالیت‌ها و پایین**

**نگه‌داشتن قیمت**

**فروش بدون**

**در نظر گرفتن**

**حاشیه سود**

**باعث کاهش**

**درآمد و زیان ده**

**شدن برخی از**

**صنایع شده و**

**آن‌ها را به مرز**

**تعطیلی کشانده**

**است.**



# چشم انداز صنعت غذا

## در ایران و جهان تا پنج سال آینده

♦ دکتر محمد دانشی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد و مشاور صنعت غذا



### آینده صنعت غذا در جهان

بر اساس گزارشی که از سوی معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران به نقل از یورومانی‌تور (یکی از شرکت‌های معتبر بین‌المللی تحلیل بازار) تهیه شده، پیش‌بینی می‌شود جمعیت جهان تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۸٫۴ میلیارد نفر افزایش یابد. انتظار می‌رود به دلیل رشد جمعیتی، تقاضا برای مواد غذایی بسته‌بندی شده و نوشیدنی‌ها افزایش یابد. در بین مناطق مختلف جهان، آسیا و اقیانوسیه بیشترین مصرف را طی سال‌های آینده خواهند داشت. این رشد جمعیتی بیش از هر چیز، تقاضا برای مواد غذایی و آشامیدنی بسته‌بندی شده را افزایش می‌دهد و پیش‌بینی می‌شود مخارج کل مصرف‌کننده برای غذا و آشامیدنی از ۸٫۵ درصد به ۸٫۹ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۳۰ برسد؛ این اتفاق با افزایش گرایش افراد به سمت سبک زندگی راحت همراه بوده است. در عین حال، تغییر بی‌سابقه از زندگی روستایی به شهری، بزرگ‌ترین تغییر جمعیتی در جهان بوده که رفتارهای مصرفی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. به نظر می‌رسد عمده مصرف‌کنندگان آینده،

روسیه و اوکراین  
هر دو از بزرگ‌ترین  
تأمین‌کنندگان  
محصولات  
کشاورزی نظیر  
غلات و دانه‌های  
روغنی هستند  
و تنش سیاسی  
و نظامی بین دو  
کشور چالش‌های  
بزرگی در تأمین  
این اقلام به  
وجود آورد و  
منجر به افزایش  
بی‌سابقه قیمت  
فرآورده‌های  
غذایی و  
کشاورزی شد  
و تورم ناشی  
از آن، منجر به  
ایجاد بحران‌های  
اقتصادی  
چشمگیری  
در تعدادی  
از کشورهای  
آسیب‌پذیر گردید.

این روزها تغذیه بشر و ایمنی غذا به دو مسئله مهم و پراهمیت تبدیل شده‌اند به طوری که در اجلاس سران ۲۰ قدرت اقتصادی جهان (G-۲۰) که اخیراً در کشور اندونزی برگزار گردید، یکی از موضوعات اصلی مورد بحث، امنیت غذایی بود. در طی چند سال گذشته وقوع پاندمی کرونا و سپس جنگ روسیه و اوکراین، نگرانی‌های جامعه جهانی و دولتمردان را نسبت به تأمین غذای کافی و به‌موقع برای مردم تشدید و دوچندان نمود. روسیه و اوکراین هر دو از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان محصولات کشاورزی نظیر غلات و دانه‌های روغنی هستند و تنش سیاسی و نظامی بین دو کشور چالش‌های بزرگی در تأمین این اقلام به وجود آورد و منجر به افزایش بی‌سابقه قیمت فرآورده‌های غذایی و کشاورزی شد و تورم ناشی از آن، منجر به ایجاد بحران‌های اقتصادی چشمگیری در تعدادی از کشورهای آسیب‌پذیر گردید. هم‌زمان جمعیت جهان به رشد خود ادامه می‌دهد و در ماه گذشته از ۸ میلیارد نفر عبور نمود و از طرف دیگر تغییرات اقلیمی و آب و هوایی و توسعه روند خشکسالی در برخی نقاط دنیا از جمله ایران، افزایش سطح کشت و برداشت با روش‌های رایج را با مشکلات متعددی مواجه کرده است و بنابراین راهی به‌جز استفاده از روش‌های مدرن کشاورزی نظیر کشت‌های گلخانه‌ای، طبقاتی، هیدروپونیک و امثالهم و یا حرکت به سمت کشاورزی فراسرزمینی باقی نگذارده است. در بخش فرآوری نیز، پژوهش‌های گسترده‌ای از گذشته شروع شده و ادامه دارد و نوآوری‌هایی نظیر جایگزین کردن پروتئین‌های گیاهی بجای پروتئین حاصل از منابع دامی، تولید گوشت از منابع میکروبی و کشت سلول، کاربرد بیوتکنولوژی در تأمین مواد غذایی و تولید مواد غذایی با ارزش غذایی بالا از جلبک‌ها و منابع دریایی گوشه‌ای از تلاش دانشمندان برای تأمین غذای این جمعیت رو به ازدیاد است. با مقدمه‌ای که در بالا بیان شد در این مقاله سعی شده تا بر اساس واقعیت‌ها، برنامه‌ها، مستندات و شرایط امروز و چشم‌اندازی که برای آینده‌ای نزدیک پیش رو است وضعیت صنعت غذا در ایران و جهان طی چند سال آتی تحلیل و پیش‌بینی گردد.

افرادی جوان، شهرنشین و ساکن مناطق جنوب صحرای آفریقا، آسیا و اقیانوسیه یا آمریکای لاتین باشند. این گروه جمعیتی با توجه به افزایش قدرت خرید و تمایل به سمت سبک غذا و آشامیدنی غربی، راحت و با تهیه آسان، سریع‌ترین رشد مصرف را تجربه خواهند کرد و بیشترین سهم از رشد ارزش فروش غذا و آشامیدنی را به خود نسبت خواهند داد.

از سوی دیگر، با افزایش درآمد در کشورهای مانند چین، مصرف‌کنندگان طبقه متوسط که رو به رشد نیز هستند، با تحریک تقاضا برای مواد غذایی بسته‌بندی شده با کیفیت بالا، موجب ایجاد تغییرات در روند مصرف خود شده‌اند. ارزیابی‌های این گزارش نشان می‌دهد آسیا و اقیانوسیه تا سال ۲۰۳۰ بزرگ‌ترین مصرف‌کننده جهان خواهند بود. بازارهای مواد غذایی و آشامیدنی بسته‌بندی شده، شاهد تغییراتی در الگوی مصرف، از سوی مناطق توسعه‌یافته به سمت مناطق در حال توسعه بوده است. با افزایش درآمد نسبی و تغییر ترجیحات مصرف‌کنندگان در بازارهای در حال توسعه، فعالان بخش صنعت توجه خود را به این سمت معطوف کرده‌اند. به هر حال در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با توجه به سطح پتانسیل بالاتر، توزیع بیشتر ثروت و سرعت بالاتر زیرساخت‌های در حال توسعه، مصرف‌کننده‌ها دسترسی بیشتری به انواع مختلف مواد غذایی و آشامیدنی دارند. کشورهایی مانند چین و هند، با توجه به رشد سریع شهرنشینی، توسعه سبک زندگی و افزایش تعداد کارکنان

زن در آن‌ها، انتظار می‌رود تقاضای بیشتر و رشد مطلوبی داشته باشند که این امر نقش مهمی را در وضعیت تقاضا و مصرف مواد غذایی و آشامیدنی بسته‌بندی شده در این کشورها خواهد داشت. قیمت ارزان این اقلام در بازارهای آسیا و اقیانوسیه نیز دسترسی به مواد غذایی بسته‌بندی شده را در مناطق روستایی بیشتر کرده و منجر به افزایش پتانسیل‌های رشد مصرف شده است. ارزیابی‌ها در مورد اروپا نیز نشان می‌دهد که این قاره سهم قابل توجهی از بازارهای مواد غذایی و آشامیدنی بسته‌بندی شده در جهان را تشکیل می‌دهد که البته این امر با مصرف سرانه بالا در بازارهای آلمان، فرانسه و انگلستان تقویت می‌شود. به‌طور کلی این گزارش نشان می‌دهد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، همچنان آسیا و اقیانوسیه منطقه پیشرو در مصرف مواد غذایی و آشامیدنی بسته‌بندی شده در آینده خواهد بود.

اسنک‌ها در بین تمام گروه‌های مواد غذایی نفوذ کرده‌اند. علاوه بر اسنک‌های قدیمی و متداول مانند چیپس و غلات حجیم شده، امروزه می‌توان آن‌ها را در گروه‌های لبنیاتی مانند پنیر و ماست نیز مشاهده نمود. با توجه به چشم‌انداز کاهش مصرف شیرینی‌ها به علت محتوای شکر آن‌ها، به نظر می‌رسد اسنک از این روند در امان بماند. با اینکه خرده‌فروشان و خواربارفروشی‌های سنتی محلی همچنان فروش مواد غذایی بسته‌بندی شده را خواهند داشت، اما اخیراً کسب‌وکارهای اینترنتی نیز به‌طور مشهودی به این صنعت نفوذ پیدا کرده‌اند و



#### انتظار می‌رود

به دلیل رشد

جمعیتی، تقاضا

برای مواد غذایی

بسته‌بندی شده

و نوشیدنی‌ها

افزایش یابد.

در بین مناطق

مختلف جهان،

آسیا و اقیانوسیه

بیشترین مصرف

را طی سال‌های

آینده خواهند

داشت. این رشد

جمعیتی بیش از

هر چیز، تقاضا

برای مواد غذایی

و آشامیدنی

بسته‌بندی

شده را افزایش

می‌دهد و

پیش‌بینی

می‌شود مخارج

کل مصرف‌کننده

برای غذا و

آشامیدنی از

۸,۵ درصد به

۸,۹ درصد تولید

ناخالص داخلی

در سال ۲۰۳۰

برسد؛ این اتفاق

با افزایش گرایش

افراد به سمت

سبک زندگی

راحت همراه بوده

است.

تمرکز دارد. برای فعالان مواد غذایی و آشامیدنی بسته‌بندی شده، سرمایه‌گذاری در محصولات نوآورانه منجر به این می‌شود که مصرف‌کنندگان اشتیاق بیشتری برای پرداخت قیمت‌های بالاتر برای محصولات که با ارزش‌های آن‌ها تناسب دارد، نشان دهند و این سبب بهبود چشم‌انداز سودآوری آن‌ها می‌شود. از سوی دیگر، تجارت الکترونیک در حال حاضر چشم‌انداز خرید را متحول کرده؛ به طوری که به تدریج بخشی از سهم فروش سوپرمارکت‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و سایر فروش‌های کنار خیابان را خواهد گرفت.

در ماه‌های اخیر موضوع امنیت غذایی در سطح جامعه بین‌الملل بر سر زبان افتاده و سمینارها، نشست‌ها و جلسات متعددی با این موضوع برگزار شده است. بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، هزینه واردات مواد غذایی در جهان در سال جاری میلادی (۲۰۲۲) به ۱,۹۴ تریلیون دلار افزایش می‌یابد که بالاتر از پیش‌بینی‌ها و نشان‌دهنده یک افزایش حدود ۱۰ درصدی هزینه‌ها نسبت به سال ۲۰۲۱ خواهد بود، اگرچه انتظار می‌رود سرعت این افزایش در واکنش به افزایش قیمت غذا و کاهش ارزش ارزهای جهانی در برابر دلار آمریکا کاهش یابد؛ چرا که هر دو بر قدرت خرید کشورهای واردکننده و متعاقباً بر حجم مواد غذایی وارداتی تأثیر می‌گذارند. فائو اعلام نمود از منظر امنیت غذایی، این موارد هشدار است برای کشورهای واردکننده و بویژه کشورهای با شرایط اقتصادی ضعیف‌تر که در تأمین مالی هزینه‌های افزایش یافته مشکل دارند. این سازمان همچنین اشاره می‌کند که کشورهای دارای درآمد بالا به واردات انواع محصولات ادامه خواهند داد در حالی که مناطق در حال توسعه بر روی غذاهای اصلی تمرکز خواهند کرد. به گفته این سازمان جهانی، «عواقب منفی» برای تولید محصولات کشاورزی و امنیت غذایی جهانی احتمالاً تا پایان سال ۲۰۲۳ ادامه خواهد داشت.

امروزه شاهد بروز اختلال در زنجیره‌های عرضه کالاها هستیم و این مسئله به همراه قیمت‌های بالای انرژی، فشارهای تورمی شدیدی را پدید آورده که دولت‌ها را مجبور کرده است برای کنترل اوضاع دست به اقداماتی بزنند، مثل وضع محدودیت‌های صادراتی. علاوه بر آن، شاهد شرایط نامساعد آب و هوایی در کشورهای مهم تولیدکننده غلات و دانه‌های روغنی هستیم که چشم‌انداز تولید این محصولات را تیره‌تر کرده و فشار مضاعفی را بر زنجیره عرضه وارد آورده است. افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و بالا رفتن نرخ بارانداز کشتی‌ها در بنادر نیز به بدتر شدن اوضاع کمک کرده است. این عوامل و شرایط به ما می‌گویند که قیمت مواد غذایی مهمی مثل گندم، برنج و ذرت همچنان در سطح بالایی باقی خواهند ماند و غذایی که در بشقاب می‌گذاریم، گران‌تر خواهد شد.

به سرعت در حال رشد هستند. اپیدمی کووید ۱۹ و شیوع آن جهش قابل توجهی در رشد تولید و فروش اینترنتی فرآورده‌های غذایی به وجود آورد. در مناطق توسعه‌یافته (آمریکای شمالی، اروپا و بخش‌هایی از آسیا و اقیانوسیه) بازارهای جدیدی برای محصولاتی که روی برچسب آن‌ها ادعاهایی نظیر دوستدار محیط‌زیست یا قابل بازیافت درج شده به وجود آمده و رو به ازدیاد است. وضعیت صنعت غذا در آینده حاکی از این است که مواد غذایی طبیعی با شکر یا چربی کاهش یافته و فاقد (Free from) برخی مواد آلرژی‌زا و ضد سلامت، اولویت‌های اصلی صنعت مواد غذایی یا آشامیدنی هستند. افزایش آگاهی افراد جامعه نسبت به بهداشت و سلامت و دقت و وسواس آن‌ها در انتخاب غذای سالم از چند سال قبل آغاز و در آینده با شدت بیشتری ادامه پیدا خواهد نمود. صنعت مواد غذایی بسته‌بندی شده شاهد رشد قابل‌ملاحظه‌ای در محصولات Free-From و ارگانیک بوده است. البته لازم به ذکر است این رویکرد در کشورهای صنعتی بیشتر مشاهده می‌شود، اما در کشورهای در حال توسعه، مصرف شکر و روغن‌های گیاهی افزایش خواهد یافت. انتظار می‌رود در آینده، نوآوری مجددی در زمینه سلامت و استراتژی‌های بازاریابی با انتقال تمرکز بر بهره‌وری، اثربخشی و به سمت تولید پاک صورت گیرد. تغییر ترجیحات مصرف‌کننده برای تقاضای مواد غذایی و آشامیدنی، فرصت‌های بیشتری را برای نوآوری در صنعت فراهم می‌کند که بر جذب مصرف‌کننده و مواد اولیه یا ویژگی‌هایی که ارزش افزوده ایجاد می‌کنند،





## تهدید امنیت غذایی جهان

کشورهای در حال توسعه بویژه آنهایی که به واردات مواد غذایی وابسته هستند؛ مثل کشورهای آفریقایی، مصر و هند در معرض خطر تورم بالای مواد غذایی قرار دارند. فائو زنگ خطر در این زمینه را به صدا درآورده است. بر اساس آمارهای این سازمان بین‌المللی قیمت مواد غذایی در آغاز سال ۱۴۰۱ در جهان رکورد زده و تحلیلگران را واداشته تا پیش‌بینی‌های خود از چشم‌انداز بازار مواد غذایی جهان را اصلاح کنند. متوسط قیمت مواد غذایی در این ماه در جهان ۳۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل بوده است. فائو معتقد است قیمت غذا در دنیا تا چند فصل آینده همچنان در سطح بالایی باقی بماند. خریداران مواد غذایی باید حاضر باشند که بهای بیشتری برای غذای موردنیاز خود بپردازند. بر اساس گزارش موسسه «اس اند پی» واردکنندگان بزرگ محصولاتی مثل گندم در پیدا کردن فروشندگان به مشکل خورده‌اند و به سمت انعقاد قراردادهای بلندمدت‌تر برای تضمین دسترسی خود به غذا روی آورده‌اند که این مسئله به گرانی‌ها دامن زده است.

روسیه و اوکراین هر دو نقش مهمی در تأمین نیاز بازار محصولات کشاورزی دارند. این دو کشور علاوه بر تأمین ۲۵ درصد صادرات گندم دنیا همچنین منبع مهمی برای روغن آفتابگردان، ذرت، کود شیمیایی، جو و سورگوم دنیا هستند. در شرایطی که جنگ اوکراین و روسیه عرضه این محصولات به بازار جهانی را مختل کرده است، فشار به قیمت‌های جهانی افزایش یافته است. جنگ باعث تخریب بنادر مهم در اوکراین شده است. صادرکنندگان سعی دارند، کالاهای کشاورزی این کشور را از طریق خطوط راه‌آهن به خارج منتقل کنند که البته ظرفیت صادرات از این طریق بسیار کمتر از صادرات با کشتی است. صادرات غلات روسیه شاید به اندازه اوکراین مختل نشود. شرکای مهم روسیه مثل چین و ایران همچنان می‌توانند از این کشور غلات وارد کنند، اما در شرایطی که تجارت روسیه با اروپا به هم خورده است، باید انتظار داشت که جریان تجارت جهانی گندم با تغییر و تحولاتی مواجه شود.

مصر که بزرگ‌ترین واردکننده گندم جهان است در پیدا کردن عرضه مطمئن گندم با چالش‌هایی مواجه شده است. این کشور نتوانسته است غلات موردنیاز خود را از منطقه دریای سیاه تأمین کند. تاریخ به ما می‌گوید گرانی شدید مواد غذایی مثل نان می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی در برخی کشورها منجر شود که به‌عنوان مثال در مصر شاهد آن بودیم. در اوایل سال جاری شمسی با گرانی دوباره مواد غذایی در سطح جهانی مواجه بودیم. قیمت گندم تولیدی روسیه در ماه فروردین با رشد ۴۶ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شده و به ۴۵۵ دلار در هر تن رسید اما دوباره با شیب تندی به حدود ۳۵۰-۳۰۰

دلار در هر تن کاهش یافت. وزارت کشاورزی آمریکا پیش‌بینی کرده است که ذخایر گندم دنیا در سال ۲۰۲۲-۲۰۲۳ نسبت به متوسط چهار سال گذشته ۱۰ میلیون تن کاهش یابد.

هند بزرگ‌ترین واردکننده سبزیجات جهان است که به نظر می‌رسد در وضعیت بهتری نسبت به مصر قرار دارد، اما شاید نتواند از جهش قیمت مواد غذایی در امان بماند. این کشور هم‌اکنون از قیمت‌های بالای انرژی و محدود شدن صادرات از سوی دولت‌ها ضربه خورده است. بانک مرکزی هند در واکنش به گرانی کالاها مجبور شده است برای نخستین بار طی چند سال گذشته نرخ بهره را به شدت افزایش دهد. رئیس این بانک با پیش‌بینی چشم‌اندازی تیره‌وتر برای بازار محصولات کشاورزی در جهان گفت: جهش قیمت کود شیمیایی و دیگر هزینه‌های تولید کشاورزی اثر افزایشی شدیدی بر قیمت مواد غذایی در هند داشته است. فشارهای تورمی احتمالاً تداوم خواهد یافت. ممنوعیت صادرات روغن پالم از سوی دولت اندونزی بازار هند را تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه این تصمیم قیمت روغن پالم در هند نسبت به سال گذشته ۲۲۴ درصد رشد داشته است. در حالی که صادرات روغن آفتابگردان روسیه و اوکراین هم از تعادل خارج شده است. خریداران هندی باید خود را برای جنگی بر سر یافتن منابع جایگزین و پرداخت مبالغ بیشتر برای واردات آماده کنند. از سوی دیگر در شرایطی که هند با مشکل تورم روبه‌رو است دولت این کشور همچنین تلاش دارد، جایگاهی در بازار گندم دنیا پیدا کند و خلأ ایجاد شده به دلیل خروج منطقه دریای سیاه از این بازار را پر کند، اما این کار می‌تواند ذخایر گندم هند را تحلیل ببرد و به رشد قیمت مواد غذایی در این کشور دامن بزند. در چند ماه گذشته قاهره قراردادی را برای خرید گندم از هند امضا کرده است.

حتی اقتصادهای ثروتمندی مثل آمریکا، استرالیا و فرانسه نیز با چالش‌هایی برای مقابله با تورم مواجه شده‌اند. قیمت بالای مواد غذایی در این کشورها به تورم شدید در آن‌ها دامن زده است. آمریکا با بالاترین نرخ تورم طی ۴۰ سال گذشته مواجه شده و انتظار می‌رود در کوتاه‌مدت همچنان با قیمت‌های بالای نان، گوشت و شیر مواجه باشد. استرالیا برای مقابله با تورم برای نخستین بار طی ۱۱ سال گذشته سیاست‌های پولی خود را تغییر داده است. تورم مواد غذایی در فرانسه در اوایل سال جاری میلادی به ۳٫۸ درصد رسید. این در حالی است که سال گذشته تورم مواد غذایی در این کشور منفی بود. انتظار می‌رود قیمت‌های بالای مواد غذایی در این کشور فعلاً پایدار باشد. بر اساس پیش‌بینی موسسه «آی ان جی» تورم جهانی در ماه‌های آینده و با تداوم جنگ اوکراین، ایجاد اختلال در زنجیره‌های عرضه، گرانی انرژی و افزایش قیمت کالاها و مواد غذایی، همچنان روندی صعودی

بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، هزینه واردات مواد غذایی در جهان در سال جاری میلادی (۲۰۲۲) به ۱٫۹۴ تریلیون دلار افزایش می‌یابد که بالاتر از پیش‌بینی‌ها و نشان‌دهنده یک افزایش حدود ۱۰ درصدی هزینه‌ها نسبت به سال ۲۰۲۱ خواهد بود، اگرچه انتظار می‌رود سرعت این افزایش در واکنش به افزایش قیمت غذا و کاهش ارزش ارزهای جهانی در برابر دلار آمریکا کاهش یابد؛ چرا که هر دو بر قدرت خرید کشورهای واردکننده و متعاقباً بر حجم مواد غذایی وارداتی تأثیر می‌گذارند.



گندم جهان در سال ۲۰۲۳ به ۷۸۳،۸ میلیون تن برسد. فائو انتظار دارد تولید گندم جهان در این سال ۰،۶ درصد افزایش یابد. با وجود رشد ۰،۶ درصدی تولید گندم جهان پیش‌بینی شده است تجارت جهانی گندم در این سال ۱ درصد کاهش یابد و به ۱۹۳،۷ میلیون تن برسد. اختلال در مسیرهای تجاری به دلیل جنگ اوکراین، کاهش تقاضای برخی کشورهای به دلیل افزایش تولید داخل و اعمال محدودیت‌های صادراتی از سوی کشورهایی مثل هند از جمله عوامل افت تجارت گندم جهان در سال ۲۰۲۳ خواهد بود. ذخایر گندم جهان نیز که در سال قبل از آن ۲۹۳،۷ میلیون تن اعلام شده بود در سال ۲۰۲۳ با رشد ۲ درصدی مواجه خواهد شد و به ۲۹۹،۶ میلیون تن خواهد رسید. با وجود رشد تولید گندم، تولید برنج دنیا در سال ۲۰۲۳ با کاهش ۲،۴ درصدی مواجه می‌شود و از ۵۲۵،۱ میلیون تن در سال قبل از آن به ۵۱۲،۶ میلیون تن در این سال خواهد رسید. خشکسالی و افزایش هزینه‌های تولید از جمله دلایلی هستند که تولید برنج را طی این سال و برای نخستین بار طی سه سال گذشته کاهش می‌دهند. با کاهش تولید، برنج کمتری نیز در بازار جهانی عرضه خواهد شد و تجارت این محصول با افت ۱،۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲ به ۵۲،۹ میلیون تن خواهد رسید. قیمت جهانی برنج طی یک سال گذشته ۱۲،۱ درصد رشد داشته است. کل ذخایر برنج دنیا در سال ۲۰۲۲ برابر با ۱۹۶،۹ میلیون تن بوده و انتظار می‌رود این رقم با افت ۱،۸ درصدی در سال ۲۰۲۳ به ۱۹۳،۴ میلیون تن برسد. بر اساس پیش‌بینی فائو تولید سایر غلات در سال ۲۰۲۳ با افت ۲،۸ درصدی مواجه خواهد شد و از ۱۵۰۹ میلیون تن در سال قبل از آن به ۱۴۶۷ میلیون تن در این سال خواهد رسید. تجارت جهانی سایر غلات نیز ۳،۴ درصد کاهش می‌یابد و به ۲۲۲،۳ میلیون تن می‌رسد. دانه‌های روغنی وضعیت بهتری در سال ۲۰۲۳ خواهد داشت و پیش‌بینی شده است تولید این محصولات در سال ۲۰۲۳ با رشد ۷ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شود و به ۲۵۵،۴ میلیون تن برسد که بالاترین رقم تولید سالانه این محصولات طی سال‌های گذشته خواهد بود. تجارت دانه‌های روغنی طی سال ۲۰۲۳ نیز ۸،۵ درصد افزایش خواهد یافت و به ۱۳۶،۳ میلیون تن خواهد رسید. فائو همچنین پیش‌بینی کرده است تولید شکر در دنیا طی سال ۲۰۲۳ با رشد ۲،۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲ مواجه شود و به ۱۷۹،۶ میلیون تن برسد. تولید شکر دنیا در سال قبل از آن به ۱۷۵،۱ میلیون تن رسیده بود. تجارت جهانی این محصول نیز ۱،۸ درصد افزایش خواهد یافت و به ۶۱،۲ میلیون تن می‌رسد. بر همین اساس ذخایر جهانی شکر با رشد ۴،۶ درصدی مواجه خواهد شد و به ۱۰۸،۵ میلیون تن خواهد رسید.

را طی خواهد کرد. به‌علاوه افزایش هزینه‌های تولید کشاورزی مثل رشد قیمت کود شیمیایی به این معناست که کشاورزان در کشورهایی مثل استرالیا و برزیل به سمت کشت محصولاتی روی می‌آورند که هزینه‌های تولید کمتری دارند. شاید یک شاخص مهم از وضعیت بازار محصولات کشاورزی در آینده چشم‌انداز تولید گندم استرالیا باشد که سومین صادرکننده بزرگ این محصول در جهان است. سطح زیر کشت گندم این کشور برای سال زراعی جاری ۴ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است که علت آن افزایش قیمت انرژی و افزایش هزینه‌های تولید عنوان شده است. فائو در جدیدترین گزارش خود پیش‌بینی کرده است تولید

جدول شماره (۱): نیاز جاری، تولید فعلی و درصد خودکفایی برخی محصولات کشاورزی در ایران (منبع: A.Soltani et al ۲۰۲۰)

محصول	وزن (میلیون تن)		درصد خودکفایی
	مقدار موردنیاز	تولید فعلی	
گندم	۱۴،۴۷	۱۰،۹۷	۷۵،۸
برنج	۴،۴۶	۲،۴۹	۵۵،۸
سیب‌زمینی	۴،۵۹	۴،۹۳	۱۰۷،۴
دانه‌های روغنی	۵،۷۲	۰،۷۲	۱۲،۶
شکر	۲۱،۴۵	۱۱،۹۹	۵۵،۹
میوه‌ها	۱۴،۵۱	۱۷،۷۸	۱۲۲،۵
سبزی‌ها	۱۴،۳۶	۲۲،۲۷	۱۵۵،۱
جو	۴،۵۶	۳	۶۵،۸
ذرت دانه‌ای	۷،۲۴	۱،۵۹	۲۲
ذرت سیلاز	۹،۲۸	۹،۳۸	۱۰۱،۱
گوشت قرمز	۰،۹	۰،۷۷	۸۵،۶
گوشت مرغ	۲،۰۹	۱،۹۶	۹۳،۸
تخم‌مرغ	۰،۹	۰،۸۷	۹۶،۷
فراورده‌های لبنی	۸،۶۴	۸،۳۷	۹۶،۹
ماهی	۰،۸۱	۰،۸۴	۱۰۳،۷

## آینده صنعت غذا در ایران

میزان خودکفایی در محصولات کشاورزی در ایران به طور متوسط حدود ۸۵ درصد است و بیش از ۹۰ درصد تولید غذا در کشور توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. در جدول شماره (۱) میزان نیاز، تولید فعلی و درصد خودکفایی در محصولات کشاورزی اصلی بر اساس جمعیت ۸۰ میلیون نفری ایران، نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در محصولاتی مانند میوه‌ها و سبزی‌ها میزان تولید به مراتب بیش از نیاز کشور است و در اقلامی مانند سیب‌زمینی، ذرت سیلاژی، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و ماهی، مقدار تولید و مصرف تقریباً برابر هستند و کمترین خودکفایی مربوط به دانه‌های روغنی، ذرت دانه‌ای، برنج و شکر است. با توجه به الگوی رشد جمعیت در کشور لازم است پیش‌بینی‌های لازم جهت افزایش تولید و حفظ خودکفایی و افزایش آن طی سال‌های آینده به عمل آید. همچنین فرصت خوبی جهت فرآوری و بسته‌بندی مناسب میوه و سبزی مازاد و صادرات آن‌ها به همسایگان جنوبی و شمالی وجود دارد. صنایع غذایی مهم‌ترین بخش اقتصادی است که با زندگی مردم ارتباط مستقیم دارد. صنعت غذا در ایران از رشد مناسبی از نظر تکنولوژی و دانش فنی برخوردار بوده است ولی کماکان وجود چالش‌هایی در خصوص بسته‌بندی و حمل‌ونقل سرد، ورود محصولات ایران به بازارهای صادراتی و رقابت با فرآورده‌های مشابه را با مشکلاتی مواجه نموده است؛ بنابراین اهمیت دادن به این موضوع و رفع این معضلات در سال‌های آتی باید مورد توجه تولیدکنندگان و صادرکنندگان قرار گیرد تا ضمن جلوگیری از رویگردانی کشورهای مقصد صادراتی، سبب توسعه و گسترش این بازارها گردد.

بر اساس مطالعات و تحلیل صورت گرفته توسط گروه پژوهشی بیزریپورت از پیش‌بینی وضعیت صنایع غذایی و نوشیدنی ایران، سهم نان و غلات از کل مخارج مصرف‌کنندگان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای طی چند سال گذشته افزایش یافته و این روند ادامه خواهد داشت، درحالی‌که سهم گوشت قرمز و مرغ از این مخارج، رو به کاهش می‌گذارد. برندهای داخلی بیش از ۹۵ درصد از کل فروش مواد غذایی در ایران را به خود اختصاص می‌دهند، تحریم‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی را محدود ساخته است؛ از همین رو بخش تولیدات داخلی محصولات غذایی به سرعت توسعه یافته است، این در حالی است که برندهای چندملیتی بخش عمده‌ای از صنایع منطقه خاورمیانه و همسایگان ایران را در تسلط خود دارند. طبق برآوردهای بیزریپورت، طی ۱۰ سال گذشته، سهم میوه و سبزیجات از کل مخارج مصرف‌کنندگان در بخش مواد غذایی کاهش یافته، به طوری که این سهم در سال ۲۰۱۸ به ترتیب به

رقم ۱۰۲ درصد و ۹،۴ درصد رسیده است. انتظار می‌رود با توجه به نرخ تورم بالای فعلی و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه، این روند طی میان‌مدت کماکان ادامه یابد و سهم میوه‌های تازه و کنسرو شده و همچنین سهم سبزیجات تازه از کل مخارج مصرف‌کنندگان در بخش مواد غذایی به ترتیب به کمتر از ۰،۹ درصد و ۸،۹ درصد طی یک سال آینده کاهش یابد. وزارت جهاد کشاورزی الگوی جدیدی برای افزایش تولید محصولات کشاورزی و با هدف افزایش ارزش افزوده صنعت غذا تدوین نموده است. در این الگو، برنامه‌ریزی شده که تا سال زراعی ۱۴۰۵-۱۴۰۴؛ یعنی طی سه سال آینده میزان تولید محصولات کشاورزی با ۲۱ درصد افزایش از ۱۲۵ میلیون تن فعلی به ۱۵۲ میلیون تن برسد. میزان مصرف آب بخش کشاورزی نیز با ۱۷ درصد کاهش از ۷۲ میلیارد مترمکعب به ۶۰ میلیارد مترمکعب در این مدت کاهش یابد. وزارت جهاد کشاورزی برای تحقق این برنامه مشوق‌هایی برای بهره‌برداران در نظر گرفته است. بنابراین گزارش میزان ضریب نفوذ دانش و فناوری در الگوی کشت محصولات کشاورزی تا پایان سال زراعی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ باید ۱۰۰ درصد افزایش و از ۶ درصد به ۱۲ درصد ارتقا یابد. مقرر شده است که نسبت ارزش افزوده صنعت غذا به کل بخش کشاورزی ۹۰۰ درصد افزایش یابد یعنی از ۱۵ درصد به ۱۵۰ درصد افزایش یابد و ضریب بهره‌وری آب کشاورزی ۴۷ درصد افزایش یابد.

در پایان لازم به ذکر است که تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های انجام شده در خصوص آینده صنعت غذا طی ۵ سال آینده به شدت وابسته به شرایط اقلیمی، سیاست‌های دولتمردان، رشد جمعیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع، جنگ‌ها و تنش‌های نظامی است، ولی آنچه مسلم و قطعی است توجه به امنیت غذایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهان طی سال‌های پیش رو خواهد بود. ♦♦

## منابع:

- آینده ۱۰ ساله تولید غذا، دنیای اقتصاد، شماره ۴۶۵۱، ۱۳۹۸
- هشدار سازمان ملل درباره امنیت غذایی جهان، پایگاه خبری اقتصاد غذا، آبان ۱۴۰۱
- پیش‌بینی ۵ ساله آینده صنعت مواد غذایی و نوشیدنی ایران، گروه تحقیقات بین‌المللی بیزریپورت (وابسته به گروه روند اقتصاد)، ۲۰۱۹
- چشم‌انداز تیره‌وتار تولید محصولات کشاورزی در جهان؛ خبرگزاری ایرنا، اردیبهشت ۱۴۰۱
- <https://www.bonappetit.com/story/plates-of-the-future>
- تغییرات صنعت غذا تا ۲۰۳۰ از دیدگاه یوروماتیور، دنیای اقتصاد، شماره ۴۵۷۵، ۱۳۹۸
- FAO Reports, ۲۰۲۲

صنعت غذا در  
ایران از رشد  
مناسبی از  
نظر تکنولوژی  
و دانش فنی  
برخوردار بوده  
است ولی  
کماکان وجود  
چالش‌هایی  
در خصوص  
بسته‌بندی و  
حمل‌ونقل سرد،  
ورود محصولات  
غذایی ایران  
به بازارهای  
صادراتی و رقابت  
با فرآورده‌های  
مشابه را با  
مشکلاتی مواجه  
نموده است؛  
بنابراین اهمیت  
دادن به این  
موضوع و رفع  
این معضلات در  
سال‌های آتی  
باید مورد توجه  
تولیدکنندگان  
و صادرکنندگان  
قرار گیرد تا  
ضمن جلوگیری  
از رویگردانی  
کشورهای مقصد  
صادراتی، سبب  
توسعه و گسترش  
این بازارها گردد.



# توسعه و آینده پژوهی علوم زمین و معدن در استان کرمان

♦ دکتر سعید کریمی نسب

عضو هیئت علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان



**تعهد و التزام**  
**بازر آینده پژوهان**  
**نسبت به آینده،**  
**آن‌ها را وامی دارد**  
**تا از سعادت**  
**نسل‌های آینده،**  
**یعنی انسان‌هایی**  
**که هنوز به دنیا**  
**نیامده‌اند و در**  
**زمان حال هیچ**  
**صدایی از آن‌ها**  
**شنیده نمی‌شود،**  
**دفاع کنند.**  
**به راستی کدامین**  
**نهاد و سازمان**  
**در استان، از**  
**نسل‌های آینده‌ی**  
**سرزمین کریمانی**  
**که هنوز به دنیا**  
**نیامده‌اند و**  
**از جا به جای**  
**سرزمین‌شان**  
**سهمی به جز**  
**چاله‌های عمیق**  
**معدنی، زباله‌های**  
**خطرناک معدنی**  
**و آب‌های اسیدی**  
**نصب نخواهند**  
**برد، می‌خواهد**  
**دفاع کند و**  
**برای آینده‌ی**  
**درخشان‌شان!**  
**برنامه‌ریزی کند؟**

موضوع توسعه و آینده‌پژوهی علوم زمین و معدن در استان کرمان، نمی‌تواند جدا از توسعه و آینده‌پژوهی علوم زمین و معدن در کشور و در دنیا باشد. در این نوشتار با نگاهی به توسعه و آینده‌پژوهی معدن در دنیا به مقایسه وضعیت موجود و آتی کشور و استان پرداخته می‌شود. منظور از آینده‌پژوهی، پیش‌بینی یا پیشگویی آینده نیست، بلکه تحصیل بینشی از آینده است تا راه تاریخ و پرمخاطره و پرفرازونشیبی که نامش را آینده گذاشته‌اند، روشن سازد. به بیانی دیگر، آینده‌پژوهی مجموعه تلاش‌هایی است جهت تجزیه و تحلیل منابع و الگوها به منظور تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها. آینده‌پژوهی صحیح، این قدرت را به دولت‌ها می‌دهد تا خطرات و فرصت‌هایی که در آینده با آن‌ها مواجه خواهند شد را پیش‌بینی کنند. علاوه بر این، پیش‌بینی صحیح آینده، این امکان را به سیاست‌گذاران کشورها می‌دهد تا اهداف بلندمدت و دست‌یافتنی را برگزیده و راهبردهای منطقی و مناسبی را برای تحقق آن‌ها تهیه کنند. از این رو بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تلاش دارند با انجام پیش‌بینی‌هایی در حوزه‌های مختلف برای دهه‌های آینده، بویژه سال ۲۰۵۰ میلادی، چشم‌انداز مناسبی را برای آینده جهان ترسیم کنند، اما یک سؤال اساسی که از این نوشتار می‌تواند مطرح شود، این است که کدامین نهاد، سازمان و تشکیلاتی مسئولیت تجزیه و تحلیل داده‌ها و الگوهای حاصل از فعالیت‌های معدنی کشور را رصد می‌کند تا بتواند به منظور تجسم آینده‌ای بالقوه و برنامه‌ریزی از آن‌ها بهره‌برد؟ با توجه به اینکه بیش از ۷۰ درصد حقوق دولتی معدن کشور توسط استان کرمان پرداخت می‌شود، کدامین نهاد و سازمان، متولی آینده‌پژوهی صنایع و معادن استان است؟ تعهد و التزام بازر آینده‌پژوهان نسبت به آینده، آن‌ها را وامی‌دارد تا از سعادت نسل‌های آینده، یعنی انسان‌هایی که هنوز به دنیا نیامده‌اند و در زمان حال هیچ صدایی از آن‌ها شنیده نمی‌شود، دفاع کنند. به راستی کدامین نهاد و سازمان در استان، از نسل‌های آینده‌ی سرزمین کریمانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند و از جا به جای سرزمین‌شان سهمی به جز چاله‌های عمیق معدنی، زباله‌های خطرناک معدنی و

آب‌های اسیدی نصیب نخواهند برد، می‌خواهد دفاع کند و برای آینده‌ی درخشان‌شان! برنامه‌ریزی کند؟

## چشم‌انداز توسعه و آینده‌پژوهی معادن در سال ۲۰۵۰

توسعه پایدار راه‌حلی برای الگوهای فناپذیر ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. آینده‌پژوهی تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت در حوزه‌های دانش، فناوری، اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه می‌باشد که با هدف شناسایی فناوری‌های نوظهور و تعیین آن دسته از بخش‌هایی که سرمایه‌گذاری در آن‌ها احتمال سوددهی اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارد، انجام می‌شود. در واقع آینده‌نگاری یعنی آمادگی برای آینده‌نگاری به کاربردن منابع موجود به بهترین وجه ممکن در راستای ارزش‌ها.



کاهش آمار  
دانشجویان  
علوم زمین و  
معدن زنگ  
خطری برای  
استمرار چرخه  
حکمرانی معدن  
و علوم زمین  
است. این کاهش  
در صورتی که با  
افزایش کیفیت  
فارغ التحصیلان  
و پیوند آن‌ها با  
دنیای دیجیتال،

هوشمندسازی  
و ربات‌ها شود  
می‌تواند راهگشا  
باشد. در  
دنیای پیشرفته  
معادن و طبق  
پیش‌بینی‌ها تا  
سال ۲۰۵۰ در  
جهان، نیروی

انسانی در معادن  
و صنایع معدنی  
به شدت کاهش  
یافته و تقریباً  
به صفر خواهد  
یافت. در این  
افق انسان‌ها  
فقط صاحب  
معادن خواهند  
بود و مدیریت  
معادن با ربات‌ها  
و هوش مصنوعی  
خواهد بود.

محصولات مستعمل و ازکارافتاده در اقتصاد حلقوی، یا تعمیر شده یا بازیافت می‌شوند. پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۲۵، اتحادیه اروپا با به‌کارگیری اقتصاد حلقوی تا حدود ۶۳۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی در هزینه‌ها داشته باشد. بدیهی است در اقتصاد حلقوی، هزینه‌های مربوط به پروژه‌های اکتشافی، فرآوری و ذوب کاهش‌یافته و متعاقباً آلودگی‌های صنعتی و زیست‌محیطی کمتر خواهد بود. فناوری اکتشاف مواد معدنی توسعه‌یافته‌تر خواهد بود و عبارهای پایین‌تری مورد بهره‌برداری واقع خواهند شد. تکنولوژی‌های پیشرفته نیازمند مقادیر بالایی از عناصر نادر خاکی بوده و طبعاً بازیافت این عناصر بخصوص از مواد باطله کارخانه‌های فرآوری مواد معدنی از اهمیت بالایی برخوردار است.

از منظر جمعیت، در جامعه توسعه‌یافته، امید به زندگی بالاتر، نرخ زادوولد و نیز نرخ مرگ‌کودکان کمتر خواهد بود که منجر به جامعه‌ای پیرتر ولی بزرگ‌تر خواهد شد. علیرغم افزایش تقاضای مواد مصرفی به دلیل افزایش جمعیت، با اصلاح الگوهای مصرف مواد، میزان تقاضای سرانه کاهش خواهد داشت. لذا، از نظر فیزیکی مشکل کمبود مواد معدنی وجود نخواهد داشت.

در سال ۲۰۵۰ ملاحظات زیست‌محیطی تشدید خواهد شد، دنیا در سال‌های آتی گرم‌تر، سطح دریاها بالاتر، میزان آب آشامیدنی کمتر، زمین قابل‌کشت کمتر، آسیب‌پذیری

از آنجا که سال ۲۰۵۰، جهانی بسیار متفاوت با وضعیت فعلی خواهد بود، نحوه استفاده از منابع نیز متفاوت خواهد شد. ضمن اینکه قوانین در حال تغییر هستند، فشار اجتماعی برای محیط‌زیست و پیشرفت‌های فناوری موجب تأثیرگذاری در همه بخش‌ها خواهد شد. این فرصتی برای بخش معدن و صنایع وابسته است تا بتواند نقشی را که برای تحقق تغییرات در پیش‌گرفته است، تعریف کند. از آنجا که معدن سرمایه‌گذاری بلندمدت است تقریباً به همه زنجیره‌های ارزش صنعت متصل بوده و این انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ تغییرات اساسی در این حوزه صورت گیرد.

دنیا در سال ۲۰۵۰ متفاوت‌تر از دنیای امروز خواهد بود. طبیعتاً، بخش معدنکاری و فلزات در تأمین مواد موردنیاز دنیای توسعه‌یافته و پایدار نقشی بسیار اساسی خواهند داشت. مطالعات گویای وجود متغیرهای مهم و تأثیرگذار همچون اقتصاد جهانی، جمعیت، مسائل زیست‌محیطی، ترکیب انرژی، ساختمان‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل بر بخش معادن و فلزات است که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود:

تعریف اقتصاد در دنیای توسعه‌یافته و پایدار فراتر از سود و زیان بوده و ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی در آن از اهمیت بالایی برخوردارند. در حال حاضر، اقتصاد از حالت خطی رو به مهاجرت به حالت حلقوی است. در اقتصاد خطی، مواد خام و اولیه پس از تولید و مصرف دور ریخته می‌شوند، ولی

اقیانوس‌ها موجب رونق و پیشرفت معدنکاری دریایی خواهد شد. بدیهی است سرمایه‌گذاری بر روی این پروژه‌ها بسیار پرهزینه و سنگین است.

در چشم‌انداز فناوری برای سال ۲۰۵۰، مواجهه با پیکربندی فناوری‌های جدید و نوظهور برای استخراج انبوه مواد معدنی در دهه‌های آینده خواهیم بود، از جمله هجوم گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات که نوید تغییر چهره استخراج را دارد. پیش‌بینی تقاضای برخی مواد معدنی تا ۲۰۵۰ نشان می‌دهد که به‌عنوان نمونه، سرب و روی، مس و کرومیت روند روبه‌رشدی خواهند داشت (شکل شماره (۱)).

### آینده‌پژوهی علوم زمین و معدن در ایران

رایج‌ترین مفهوم و تعریفی که از توسعه پایدار در سال ۱۹۸۳ شده است می‌گوید: توسعه پایدار، توسعه‌ای است که ضمن تأمین نیازهای نسل فعلی، امکانات نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان را تهدید نکند، اما متأسفانه عملکرد ما در کشور تهدیدی خطرناک برای نسل‌های آتی است! استخراج منابع معدنی تجدیدناپذیر و پیامدهای آینده آن از منظر فنی، زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این موضوع دلالت بر نگرانی خاصی در مورد بهره‌برداری و مصرف آن‌ها دارد، به‌گونه‌ای که بتواند از کمبود یا در دسترس نبودن آن‌ها برای نسل‌های آینده جلوگیری کند یا کاهش دهد.

در ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان، مطالعات زمین‌شناسی، اکتشاف و شناسایی منابع و ذخایر معدنی از

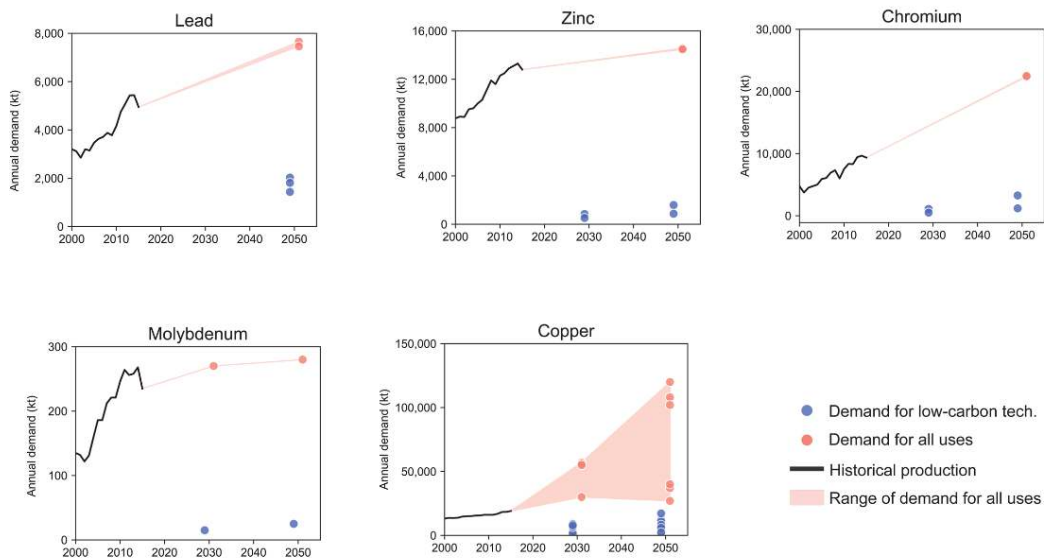
زیست‌بوم‌ها بیشتر و ملاحظات زیست‌محیطی در معدنکاری سخت‌گیرانه‌تر از قبل خواهد بود.

در خصوص انرژی، منابع انرژی متنوع و میزان تقاضا زیاد خواهند بود. تکنولوژی‌های جدید انرژی، میزان گازهای گلخانه‌ای کمتری تولید می‌نمایند و از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند نیروگاه‌های بادی و خورشیدی بیشتر استفاده خواهد شد. عناصر نادر خاکی که در ساخت سلول‌های خورشیدی به‌کار می‌روند مصرف بیشتری خواهند داشت. سوخت‌های هسته‌ای و هیدروژنی نیازمند مقادیر بیشتری کاتالیزورهای فلزی از جنس روی و پلاتین خواهند بود.

ساختمان‌ها در سال ۲۰۵۰ هوشمند هستند. بحث صرفه‌جویی و جلوگیری از اتلاف انرژی منجر به افزایش کاربرد مواد معدنی مصرفی در ساخت عایق خواهد شد. ساختمان‌ها بلندمرتبه‌تر بوده و از مواد سبک‌تر، مقاوم‌تر و با انعطاف‌پذیری بالاتر (مانند کامپوزیت‌ها) استفاده خواهد شد که تأثیر زیست‌محیطی منفی کمتری دارند.

از منظر ترابری و حمل‌ونقل، افزایش جمعیت منجر به افزایش ترابری و رفت‌وآمد خواهد شد. پیشرفت تکنولوژی در سوخت‌های جایگزین مانند برق و هیدروژن منجر به کاهش تأثیرات منفی بر محیط‌زیست می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که مهم‌ترین و پرکاربردترین مواد در حمل‌ونقل و ترابری در دنیای توسعه‌یافته و پایدار شامل آلومینیوم، عناصر نادر خاکی، کبالت، کامپوزیت‌ها و باتری‌های لیتیومی باشد.

منابع معدنی جدید در دنیای توسعه‌یافته ۲۰۵۰، ذخایر طلا، روی، مس و عناصر نادر خاکی موجود در لجن کف دریاها و



شکل شماره (۱): تقاضای روبه‌رشد برخی مواد معدنی تا سال ۲۰۵۰

در شرایط کنونی  
نگاه غالب  
تصمیم‌گیران کلان  
اقتصادی کشور بر  
پاشنه جایگزینی  
درآمدهای  
معدنی به جای  
نفت می‌چرخد.  
مسئولان استان  
باید این نگاه  
را تغییر دهند.  
درآمدهای کلان  
در صنعت معدن،  
در دانش نهفته  
است، نه در  
فروش مواد خام  
معدنی! ارزش  
واقعی معادن  
به محصول  
خام حاصل از  
استخراج معدن  
نیست، بلکه  
دانشی که به  
طریق بهینه به  
استخراج ماده  
معدنی اقدام  
کرده و با سطحی  
دیگر از دانش  
به فرآوری آن‌ها  
می‌پردازد.



می‌گردد تا سال ۲۰۳۰ نقش منابع انسانی و فناوری در معادن به نسبت ۵۰ درصد برسد. این فناوری‌ها شامل ماشین‌ها، ابزار، پهپادها و ... خواهند بود. تا سال ۲۰۴۰، نقش منابع انسانی به کمترین میزان خود خواهد رسید، به طوری که اینترنت اشیا و هوش مصنوعی می‌توانند کنترل کامل معادن را در دست گیرند، اما در سال ۲۰۵۰ معادن به طور کامل اتوماتیک شده و انسان‌ها فقط صاحب معدن خواهند بود، درحالی‌که هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و رباتیک مدیریت معادن را انجام خواهند داد.

### پایش منابع معدنی

سازمان‌های زمین‌شناسی در دنیا نقش دیده‌بان‌های آینده در حوزه علوم زمین را در بخش پایش ذخایر معدنی و تولید اطلاعات پایه، عهده‌دار هستند. از این رو پایش ذخایر و آمایش سرزمینی منابع موجود در کشور می‌تواند گام مؤثری در تعادل بخشی بین ذخایر معدنی و میزان تولید یا مصرف، اصلاح سیاست صادرات و واردات مواد معدنی، برنامه‌ریزی هدفمند در حوزه اکتشاف با توجه به ظرفیت ذخایر موجود را به دنبال داشته باشد.

سازمان زمین‌شناسی کشور لازم است متناسب با مدل‌های کسب‌وکارهای معدنی به منظور سرعت بخشی به تهیه داده‌های پایه، بخش خصوصی توانمند و دانش‌بنیان را هدایت کرده و با بهره‌گیری از پلتفرم‌های مناسب در راستای برخط کردن داده‌های اکتشافی جهت بهره‌برداری ذی‌نفعانی که قانون تعریف خواهد کرد قدم بردارد.

### آینده‌پژوهی علوم زمین و معدن در استان کرمان

در شرایط کنونی نگاه غالب تصمیم‌گیران کلان اقتصادی کشور بر پاشنه جایگزینی درآمدهای معدنی به جای نفت می‌چرخد. مسئولان استان باید این نگاه را تغییر دهند. درآمدهای کلان در صنعت معدن، در دانش نهفته است، نه در فروش مواد خام معدنی! ارزش واقعی معادن به محصول خام حاصل از استخراج معدن نیست، بلکه دانشی که به طریق بهینه به استخراج ماده معدنی اقدام کرده و با سطحی دیگر از دانش به فرآوری آن‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر به کمک دانش، محصولی دانش‌بنیان و بسیار ارزشمندتر از ماده خام اولیه به دست خواهد آمد و از طرف دیگر نسل دانشمندی تربیت خواهد شد که فکرش خلق ثروت خواهد کرد؛ به عنوان نمونه تاکنون صدها کیلومتر در معادن استان، حفاری اکتشافی صورت گرفته است که برای هر متر حفاری آن با نرخ امروز به طور متوسط ۳ میلیون تومان هزینه شده است. تاکنون از داده‌های حاصل از حفاری‌های اکتشافی، بخش اندکی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. در صورت بسیج شرکت‌های دانش‌بنیان جهت واکاوی فقط

وظایف «حاکمیتی» دولت است. این وظایف شامل افزایش توان رقابت‌پذیری کشور در بخش معدن از طریق اکتشاف ذخایر معدنی جدید، شناسایی محیط‌های زمین‌شناسی و تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی به عنوان بنیان بسیاری از برنامه‌های عمرانی، مشارکت در توسعه ناحیه‌ای و اشتغال‌زایی، کمک به ایجاد جامعه ایمن و محیط‌زیست سالم با هدف آمایش سرزمین از دیدگاه زیست‌محیطی و مخاطرات، توسعه منابع انسانی و توانمندی‌های فناوری علوم زمین و اطلاع‌رسانی فعال در زمینه علوم زمین است.

با توجه به این‌که فعالیت‌های اکتشافی و زمین‌شناسی مستثنی از امور حاکمیتی نیستند باید به دنبال چالش‌های اساسی که این چرخه را مختل کرده است بود. نیروی انسانی متخصص، مدل‌های کسب‌وکارهای معدنی و پایش ذخایر معدنی به عنوان حلقه آغازین و نیروی محرکه این چرخه، مهم‌ترین چالشی است که آینده تحقق امور حاکمیتی حوزه صنعت و معدن را دچار بحران کرده است و برنامه‌ریزی هدفمند و توسعه‌ای در این زمینه امری اجتناب‌ناپذیر است.

### منابع انسانی

کاهش آمار دانشجویان علوم زمین و معدن زنگ خطری برای استمرار چرخه حکمرانی معدن و علوم زمین است. این کاهش در صورتی که با افزایش کیفیت فارغ‌التحصیلان و پیوند آن‌ها با دنیای دیجیتال، هوشمندسازی و ربات‌ها شود می‌تواند راهگشا باشد. در دنیای پیشرفته معادن و طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ در جهان، نیروی انسانی در معادن و صنایع معدنی به شدت کاهش یافته و تقریباً به صفر خواهد یافت، در این افق انسان‌ها فقط صاحب معادن خواهند بود و مدیریت معادن با ربات‌ها و هوش مصنوعی خواهد بود، دیجیتالی شدن، هوشمندسازی و استفاده از ذخایر کم‌عیار در کارخانه‌های فرآوری رونق پیدا خواهد کرد. ضمن اینکه دانش فرآوری مواد معدنی بسیار ارزشمند خواهد شد، دانش فنی و تلفیق علوم و فناوری‌های مختلف از جمله فناوری اطلاعات، واقعیت مجازی و ... در این صنایع نیز دارای اهمیت فراوانی خواهد شد.

### مدل‌های کسب‌وکارهای معدنی

مدل‌های کسب‌وکارهای معدنی در آینده به سمت مدل‌های دیجیتالی و بر مبنای توسعه پایدار پیش خواهند رفت. معدنکاری پایدار بر مبنای بازسازی معدن، مدیریت آب و انرژی، ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست خواهد بود، همچنین فناوری‌های مورد استفاده شامل اینترنت اشیا، اینترنت 5G، پهپادها، چاپ سه‌بعدی، رباتیک، بلاکچین، رایانش ابری، سیستم‌های مانیتورینگ از راه دور و ... می‌باشند. پیش‌بینی

تاکنون صدها کیلومتر در معادن استان، حفاری اکتشافی صورت گرفته است که برای هر متر حفاری آن با نرخ امروز به طور متوسط ۳ میلیون تومان هزینه شده است. تاکنون از داده‌های حاصل از حفاری‌های اکتشافی، بخش اندکی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. در صورت بسیج شرکت‌های دانش‌بنیان جهت واکاوی فقط صدها کیلومتر در معادن استان، حفاری اکتشافی صورت گرفته است که برای هر متر حفاری آن با نرخ امروز به طور متوسط ۳ میلیون تومان هزینه شده است. تاکنون از داده‌های حاصل از حفاری‌های اکتشافی، بخش اندکی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. در صورت بسیج شرکت‌های دانش‌بنیان جهت واکاوی فقط

• شرکت‌های دانش‌بنیان را ترغیب کرد تا نسبت به توسعه نرم‌افزارهای موردنیاز علوم زمین و معدن بر اساس داده‌های مختلف اکتشافی اقدام نمایند.

• به‌منظور بهره‌وری از توان علمی دانشجوئی کشور و در راستای نیاز معادن، بومی‌گزینی از رشته‌های مرتبط با معادن و صنایع معدنی در کنکور کلیه مقاطع تحصیلی دانشگاه‌های دولتی استان به‌شدت کاسته شود.

• مراکز معدنی و صنایع معدنی استان به‌منظور بهره‌گیری از توان علمی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های معتبر کشور، تنها به فارغ‌التحصیلان بومی استان، تکیه نکنند و فارغ‌التحصیلان توانمند کشوری را به‌سرعت در چرخه استخدامی خود قرار دهند.

• معادن و صنایع معدنی با سرمایه‌گذاری در مراکز تحقیقات دانشگاهی و با توسعه آزمایشگاه‌های مرجع با تجهیزات مدرن در دانشگاه مادر استان، شرایطی را فراهم آورند که مهاجرت نخبگان استانی را به دیگر استان‌ها کاهش دهند و علاوه بر آن موجب جذب نخبگان فرااستانی در راستای حل معضلات معادن و صنایع معدنی استان شوند. ♦♦

#### منابع

- جدیدی، رضا، تحلیل و بررسی چالش‌های حکمرانی در بخش معدن (زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی) از منظر منابع انسانی و ذخایر معدنی، ۱۴۰۰.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران، نواندیشی برای هزاره نوبین، چاپ دوم، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاع، ۱۳۹۰.
- کورنیش، ادوارد کشف آینده، (بخشی از کتاب دریچه‌ای به مطالعات آینده‌پژوهی)، چاپ اول، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاع، ۱۳۸۸.
- Soubbotina, Tatyana P., Beyond Economic Growth: An Introduction to Sustainable Development, Second Edition, WBI Learning Resources Series, World Bank Institute, 2004.
- Ghose, Ajoy K., Technology vision 2050 for sustainable mining, Procedia Earth and Planetary Science, 2009.
- Watari, T., Nansai, K., Nakajima, K., Review of critical metal dynamics to 2050 for 48 elements, Resources, Conservation & Recycling, 2020.
- Watari, T., McLellan, Benjamin C., Giurco, D., Dominish, E., Yamasue, E., Nansai, K., Total material requirement for the global energy transition to 2050: A focus on transport and electricity, Resources, Conservation & Recycling, 2019.
- Mining & Metals in a Sustainable World 2050, World Economic Forum Annual Meeting 2015.
- <https://gsi.ir/fa/news>.

همین داده‌های اکتشافی، تحولی بزرگ در استان رخ خواهد داد. نتایج فعالیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در وهله نخست به شرکت‌های معدنی کشور می‌تواند ارائه خدمات دهند و از طرف دیگر با ارائه خدمات مهندسی به کشورهای دیگر می‌تواند منشأ تحول بزرگی شوند.

استان کرمان به‌عنوان یکی از مناطق دارای ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی، طیف گسترده‌ای از آینده‌ای محتمل در افق ۲۰۵۰ را پیش روی خود دارد، اما در مورد معادن و صنایع معدنی می‌توان گفت که:

تا سال ۲۰۵۰ معدنکاری و صنایع معدنی در استان رو به افول می‌گذارد. در صورتی که از هم‌اکنون اقدامی نشود، تعداد قابل‌توجهی از نیروی انسانی شاغل در معادن و صنایع معدنی بیکار خواهند شد و معضلات اجتماعی بزرگی را رقم خواهند زد.

**برای مقابله با پیامدهای افول معدنکاری و صنایع معدنی مهم در استان باید اقدامات زیر را از هم‌اکنون به‌سرعت تدوین و اجرا نمود:**

- پیامدهای مخرب چندپاره شدن استان به استان‌های کوچک‌تر بر حوزه معادن و صنایع معدنی استان مورد تدقیق قرار گیرد.
- نسبت به تفویض اختیار تبصره پنج ماده ۱۴ قانون شورای معادن به استان کرمان اقدام عاجل شود.
- منابع بین‌نسلی استان برای شعارهای جاری حاکمیت اقتصادی کشور سوزانده نشوند و تصمیم‌گیران عرصه معدنی خود را پاسخگوی آیندگان محسوب کنند.
- سازمان زمین‌شناسی استان باید متولی مطالعات اکتشافی در سرتاسر استان شود، کلیه شرکت‌هایی که فعالیت اکتشافی در استان انجام می‌دهند با نظارت عالی این سازمان استانی، مطالعات خود را دنبال نمایند. تمامی داده‌های حاصل از مطالعات اکتشافی، دیجیتالی شده و در پایگاه داده‌های سازمان مذکور نگهداری و حفاظت شوند.
- نمونه‌هایی که در فرآیند مطالعات اکتشافی که به طرق مختلف تهیه می‌شوند، باید به‌عنوان ذخایر خام داده‌های اکتشافی به‌شدت مورد مراقبت و حفاظت قرار گیرند. متولی این موضوع سازمان زمین‌شناسی استان باید باشد.
- پیش‌بینی تقاضای برخی مواد معدنی تا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد سرب و روی، مس و طلا و اورانیوم روند رو به رشدی خواهند داشت. از آنجا که تا سال ۲۰۵۰ معدنکاری کوچک و متوسط مقیاس رو به تعطیلی می‌رود و معدنکاری بزرگ‌مقیاس سیر صعودی را طی خواهد کرد، انتظار می‌رود به توسعه اکتشاف ذخایر پنهان توجه شود. ضروری است مسئولان استان نسبت به اکتشاف ذخایر پنهان اقدام نمایند.

#### پیش‌بینی

#### تقاضای برخی

#### مواد معدنی

#### تا ۲۰۲۶ نشان

#### می‌دهد سرب و

#### روی، مس و طلا

#### و اورانیوم روند

#### رو به رشدی

#### خواهند داشت.

#### از آنجا که تا سال

#### ۲۰۵۰ معدنکاری

#### کوچک و متوسط

#### مقیاس رو به

#### تعطیلی می‌رود

#### و معدنکاری

#### بزرگ‌مقیاس

#### سیر صعودی

#### را طی خواهد

#### کرد، انتظار

#### می‌رود به توسعه

#### اکتشاف ذخایر

#### پنهان توجه

#### شود. ضروری

#### است مسئولان

#### استان نسبت به

#### اکتشاف ذخایر

#### پنهان اقدام

#### نمایند.



## ریسک سرمایه‌گذاری در فعالیتهای معدنی

♦ محمدرضا کریمی شاهرخی  
کارشناس ارشد معدن و صنایع فلزی

در این نوشتار ابتدا به تبیین انواع ریسک‌ها در فعالیتهای معدنی اشاره می‌گردد. این ریسک‌ها شامل ریسک فنی (ریسک مهندسی و ریسک مهندسی در مرحله فرآوری)، مالی، بازار و قانون‌گذاری می‌شوند. در خلال بحث به برخی از ریسک‌های سرمایه‌گذاری معدنی در ایران که عدم توجه به آن برای سرمایه‌گذاران تاکنون مخاطرات و ضررهای زیادی را در پی داشته است، اشاره می‌شود. از طرفی سرمایه‌گذارانی که آگاهی کافی نسبت به این ریسک‌ها و مدیریت آن‌ها را داشته‌اند، توانسته‌اند هم از ضررهای هنگفتی جلوگیری کنند و هم سود سرشاری را نصیب خود سازند.

در ابتدا به‌عنوان یک کارشناس باسابقه در حوزه صنایع فلزی و معدنی، لازم است به کسانی که قصد فعالیت در این حوزه را دارند، دو توصیه نمایم و تقاضا کنم که اگر دارای این دو خصلت هستید، وارد صنایع معدنی شوید: اول این‌که اگر «صبر» زیاد دارید وارد سرمایه‌گذاری معدنی شوید به این دلیل که فعالیتهای معدنی اصلاً زودبازده نیستند. غالب افراد کم‌اطلاع







بر این خیال هستند که اگر رخمون یا آثار یک معدن را پیدا نمودند، به مرغی تخم طلا دست پیدا کرده‌اند، حال آنکه اصلاً چنین نیست. از زمانی که شما به یک محدوده معدنی دست پیدا می‌کنید در بهترین حالت ۵ الی ۷ سال کارهای تکمیلی اکتشافات و برنامه‌ریزی استخراج را در پیش دارید و این زمان به ۱۵ سال هم می‌رسد. معادن بزرگی مثل مس سرچشمه، میدوک و گل‌گهر از زمان شروع اکتشاف تا بهره‌برداری بین ۲۰ تا ۳۰ سال زمان برده‌اند و معادن کوچک‌تر نصف این زمان را برای بلوغ کامل تولید و سودآوری نیاز دارند.

دوم خصلتی که یک سرمایه‌گذار معدنی باید داشته باشد، «پشتیبانی جدی» پولی و مالی است که باید از منابع خود یا از طریق مشارکت، تأمین مالی شود. به عبارتی، سرمایه‌گذاری معدنی money wise یا پول خور است. سال‌ها باید خرج کنید، هزینه کنید، هزینه ماشین‌آلات و کارگر دهید تا بعد از ۷ یا ۱۰ سال بازده پول شما شروع شود. لذا با از طریق مشارکت یا با تکیه بر منابع مالی خود باید بتوانید در دهان باز فعالیت‌های مقدماتی تا بهره‌برداری یک فعالیت معدنی، پول بریزید.

جالب است بدانیم که در استان کرمان حدود ۵۰ هزار کیلومترمربع پهنه‌های معدنی جهت واگذاری برای اکتشافات شناسایی شده و بسیاری از این پهنه‌ها نیز به شرکت‌های بزرگ کشور که دارای سرمایه و درآمد بالایی هستند واگذار شده است؛ اما یا از کار اکتشافی آگاه نیستیم و یا اگر آگاه هستیم آن را کسی جدی نمی‌گیرد تا تکلیف یک محدوده چند هزار کیلومتری را مشخص کند. در جدول شماره (۱) براساس تجربه یک شرکت بزرگ معدنی بین‌المللی میزان مخارج و شانس

موفقیت و رسیدن به یک ذخیره مناسب معدنی را در یک پهنه ۳۰ هزار کیلومترمربعی مشاهده می‌کنید.

همان‌طور که در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌کنید در یک محدوده ۳۰ هزار کیلومتری امکان رسیدن به یک ذخیره قطعی و قابل‌اتکا و یا به عبارتی کمتر از دو معدن را پیدا خواهید نمود که آن هم با هزینه‌ای معادل ۶۲/۵۰۰/۰۰۰ دلار میسر خواهد شد. بسیاری از پهنه‌های واگذار شده در سطح کشور، متأسفانه نه تنها وارد فاز اکتشافی جدی نشده‌اند بلکه اطلاعات به‌دست‌آمده در این پهنه‌ها با هر مرحله قبل از اکتشاف تفاوتی نمی‌کند چون عملاً هزینه‌ای نمی‌شود. توجه دارید که برای یک محدوده ۳۰ هزار کیلومترمربعی برآورد هزینه کرد ۶۲/۵۰۰/۰۰۰ دلار برای رسیدن به یک معدن با ذخیره مناسب شده است. این را با کل هزینه کرد اکتشافات ایران مقایسه کنیم به عدد جالبی می‌رسیم. برآورد کل هزینه اکتشافات در ایران کمتر از هزار میلیارد تومان در سال می‌شود که حدود ۳۰ میلیون دلار می‌شود (حال آنکه فقط در یک محدوده ۳۰ هزار کیلومترمربعی ۶۲،۵ میلیون دلار بایستی هزینه شود). برای اینکه خواننده اهمیت موضوع را بیشتر دریابد؛ جالب است مصداقی به این موضوع نگاه کنیم. در استان کرمان ۷۲۰۰ محدوده اکتشافی واگذار شده است که طبق آمار ارائه شده اداره صمت استان کرمان ۴۲۰۰ عدد از این‌ها بلوکه شده‌اند (به عبارتی پروانه بهره‌برداری و یا گواهی کشف گرفته‌اند). حال سؤال اینجاست آیا معدنی بزرگ یا حتی متوسط کشف شده است که موجب افزایش ذخایر معدنی کشور شود؟ (به غیر از محدوده‌هایی که از قدیم‌الایام در اختیار شرکت‌های بزرگی مثل گل‌گهر یا ملی مس بوده‌اند).

جدول شماره (۱) - مراحل اکتشاف، هزینه و شانس موفقیت در یک محیط اکتشافی

ردیف	مرحله	قبل از تصمیم	بعد از اجرا	هزینه (دلار)	شانس انتخاب	درصد هزینه
۱	انتخاب	محیط اکتشافی	30.000 km <sup>2</sup>	۱،۸۷۵،۰۰۰	۵۰	۳
۲	هوابرد	30.000 km <sup>2</sup>	محدوده مستعد ۱۸۰۰	۷،۵۰۰،۰۰۰	۱۶/۷	۱۲
۳	عملیات زمینی	محدوده مستعد ۱۸۰۰	محدوده امید بخش ۱۰۸۰	۱۸،۱۲۵،۰۰۰	۱/۷	۲۹
۴	حفاری مرحله اول	محدوده امید بخش ۱۰۸۰	محدوده معدنی ۵۴	۲۳،۱۲۵،۰۰۰	۲۰	۳۷
<b>جمع هزینه</b>						<b>۵۰،۶۲۵،۰۰۰</b>

۵	حفاری مرحله دوم	محدوده معدنی ۵۴	منبع معدنی ۱۰/۸	۵،۶۲۵،۰۰۰	۵	۹
۶	حفاری مرحله سوم	منبع معدنی ۱۰/۸	منبع معدنی ۳/۲۴	۱،۸۷۵،۰۰۰	۳/۳	۳
۷	حفاری امکان‌سنجی	منبع معدنی ۳/۲۴	ذخیره معدنی ۱/۶۲	۴،۳۷۵،۰۰۰	۲	۷
<b>جمع هزینه</b>						<b>۶۲،۵۰۰،۰۰۰</b>



قراردادی را با یکی از شرکتهای کانادایی که مؤسسين آن تن از دانشمندان ایرانی هستند، منعقد کرده‌ایم که بر اساس روش جدید ژئومتالوژی اقدام به اسکن کامل لاگ‌های معدنی می‌نمایند و به تعبیری هر لاگ معدن را مثل بدن MRI کرده و تحلیل می‌نمایند و صدها داده را برای طراحی‌های بعدی فرآوری در طول عمر معدن ضبط نموده و به طراحان بعدی ارائه می‌دهند.

### ب) ریسک مهندسی در مرحله فرآوری

ریسک مهندسی در مرحله فرآوری و تولید مبتنی بر عدم انتخاب تجهیزات مناسب و سایز کردن تجهیزات به‌خصوص تجهیزات مکانیکال، عدم کاربری تکنولوژی‌های نوین در طراحی کارخانجات که سبب عدم بازدهی کافی و نهایتاً گران کردن هزینه تولید و عدم انتخاب پیمانکاران مناسب برای اجرای کار است که اثربخشی مثبت یا منفی این موارد بر افزایش و کاهش ریسک فعالیت معدنی تأثیرگذار است. در اینجا می‌توان به مثالی اشاره نمود تا موضوع بالا محسوس‌تر باشد. چند سال پیش برای طراحی یک کارخانه دو میلیون تنی تغلیظ سنگ آهن پس از انجام مهندسی پایه، مناقصه برگزار گردید. در این مناقصه از پیمانکاران خواسته شده بود که در ابتدای خط برای آسیاب، از آسیاب‌های غلتکی تحت فشار یا HPGR استفاده کنند. یکی از مناقصه‌گران که شرکت معتبر جهانی در مهندسی و ساخت کارخانجات فرآوری معدنی است، پس از مطالعه اسناد اظهار داشت که این تجهیز نامناسب است و باید طراحی عوض شود و برای خردایش، تجهیز بالمیل در نظر گرفته شود. کارفرما به وی اظهار داشت که بر اساس طراحی که انجام داده‌ایم قیمت بدهید، مسئولیت آن را کارفرما می‌پذیرد. آن طراح و پیمانکار معروف در پاسخ گفتند: گرچه شرکت در این مناقصه، امکان منافع بزرگی برای ما فراهم می‌آورد، اما حاضر نیستم به خاطر طراحی یک تجهیز غلط در جانمایی غلط، وارد مناقصه این‌چنینی شویم؟

سرمایه‌گذاران غالباً در بادی امر، با واکاوی و تحلیل داده‌های اقتصادی سعی دارند به بالاترین اطمینان از سرمایه‌گذاری دست یابند. این تحلیل‌ها تحت عنوان طرح توجیه اقتصادی و یا feasibility study مطرح می‌گردد، کمتر فعالیت اقتصادی مثل صنایع معدنی در بردارنده انواع ریسک‌ها از همان نقطه آغازین است. از زمان در نظر داشتن و تملک پروانه یک محدوده معدنی این ریسک‌ها شروع می‌شود که شروع آن با ریسک‌های فنی است که به تشریح دقیق‌تر موضوع می‌پردازیم:

الف) ریسک مهندسی: ریسک مهندسی در مرحله اکتشافات مقدماتی و تفصیلی به نوع کمی و کیفی تقسیم می‌گردد. در بسیاری موارد مخصوصاً در مورد معادن کوچک، سرمایه‌گذاران با انتخاب کارشناسان مستقل با تأکید بر صرفه‌جویی در هزینه، با طراحی نامناسب پلان اکتشافی و عملیات ژئوفیزیکی و ژئوشیمی و حفاری ناکافی در مورد میزان ذخیره معدنی برآورد نامعتبر به دست می‌دهند. این برآورد منجر به طراحی غلط طرح برداشت معدن شده و استخراج پرهزینه باطله‌برداری زیاد را در پی خواهد داشت، به لحاظ کیفی نیز باید توجه داشت که شناخت دقیق از عیار و کانی‌های همراه یک ماده معدنی یا به تعبیری اسکن کردن کامل ماده معدنی، ضرورت کاهش ریسک در مرحله راه‌اندازی کارخانه و فرآوری بعدی است. آگاه نبودن از نحوه رفتار خواص معدن در طول عمر ۱۵ یا ۲۰ ساله خود و تغییرات فیزیکی و شیمیایی ماده معدنی یکی از موضوعات پر ریسک است. این نویسنده ده‌ها مورد را در نظر دارد که به دلیل عدم تدقیق در انتخاب نمونه خاک معدن (معرف) که برای طراحی کارخانجات فرآوری استفاده می‌گردد، اختلافات بزرگی بین پیمانکاران ساخت و سرمایه‌گذاران معدنی به وجود آمده است؛ چراکه کارخانه نصب شده بازدهی مطلوب را نداشته است؛ مثال مشابه را در مورد کارخانجات تغلیظ مس سونگون و سنگ آهن گل‌گهر می‌توان بیان کرد که سال‌ها اختلاف بین پیمانکار و ساخت و اجرای کارخانه با مالک معدن وجود داشت، مبنی بر اینکه این کارخانجات به دلیل اطلاعات غیر صحیح کارفرما از کیفیت خاک معدن، توان رسیدن به ظرفیت‌های تعریف‌شده و یا کیفیت تولید توافق شده قراردادی را ندارند، لذا توجه به ریسک فنی در مرحله اکتشافات تا قبل از شروع توسعه و طراحی کارخانه مهم است.

ریسک‌های دیگری نیز در این‌بین موجود است که از جمله می‌توان به برآورد صحیح ساختگاه و مکانیک توده معدنی برای طراحی برداشت و جلوگیری ریزش معدن، تحلیل و آنالیز صحیح از نحوه مواجهه با روان‌آب‌های سطحی و زیرزمینی و زهکش معدن، نحوه گسترش معدن و رعایت اصول و دامپ کردن باطله‌ها و ... اشاره نمود.

اخیراً ما در شرکت کاوند نهان زمین برای یکی از معادن مس

#### ماهیت

معدن داری

این است که

وارد فعالیتی

طول مدت

شده‌اند که

در مجموع

سال‌ها درخشش

اقتصادی خوب

و مثبتی دارد،

حال این‌که

سالی هم وجود

دارد که قیمت

ماده معدنی

آفت می‌کند و

این موضوع

جزء ماهیت این

فعالیت است، اما

در طولانی مدت

سودآور است

و ضرر را خنثی

می‌کند.



اما توصیه من به سیاست‌گذاران حاکمیتی این است که حتماً مکانیزم‌های بیمه‌ای تأمین یا Hedging برای پوشش نوسان قیمت، خصوصاً برای صنایع پایین‌دستی را فراهم آورند.

ریسک مالی دوم برای سرمایه‌گذاران حوزه معدن مربوط به عدم برآورد هزینه‌ها در طول سیکل عمر معدن است. تغییرات سختی خاک، عناصر مزاحم همراه، عمیق شدن معدن، امکان افزایش باطله‌برداری، فقیرتر شدن عیار ماده معدنی، مواجهه با بسیاری هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی مثل عدم پایداری شیب معدن، مدیریت جمع‌آوری آب زهکش و ... هم باید در ملاحظات تهیه طرح توجیه اقتصادی دیده شود. تغییر opex یا هزینه‌های عملیاتی در طول بهره‌برداری از معدن طی سال‌های مختلف، متفاوت است و این موضوع مهم اثرات مالی از خود به‌جای می‌گذارد که قابل‌ملاحظه است.

ریسک مالی سوم عدم توجه به این نکته است که همان‌طور که قبلاً عرض شد فعالیت‌های معدنی نیاز به دسترسی آسان به سرمایه و پول دارند. تسهیل این موضوع سبب پایداری استخراج و تولید، توسعه اکتشافات جدید، نوسازی ناوگان و ماشین‌آلات تولید خواهد گردید.

#### ه) ریسک بازار

جهان رو به رشد همواره نیازمند مواد معدنی خواهد بود، گرچه به دلیل اثرات منفی ناشی از کووید-۱۹ رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰ به حدود منفی ۴ درصد رسید، اما در سال ۲۰۲۱ این رقم به بالاتر از مثبت ۵ درصد آمده و پیش‌بینی می‌شود این رشد ادامه خواهد داشت، اما ماهیت بازار همواره با رقابت همراه بوده است. کسانی که در بازی رقابت شکست بخورند، مجبور به ارائه کالای خود با قیمتی نازل‌تر و با زمان انبارداری طولانی‌تر می‌شوند که همه این‌ها هزینه مالی سنگینی بر شرکت تحمیل می‌نماید.

در این میان داشتن قراردادهای فروش بلندمدت یک یا دوساله یا چندساله ضرورت بسیار در تضمین بازار فروش دارد. غالباً در کشور ما فروش یک‌بار (spot) مانع از دستیابی به بازار مطمئن شده است و از طرفی عدم دسترسی آسان به صادرات بر اساس قوانین پایسته و بادوام، سبب از دست دادن بازار می‌گردد.

#### و) ریسک‌های ناشی از قانون‌گذاری

ریسک قابل پیش‌بینی مهم این است که قوانین کربن‌زدایی به‌زودی جدی خواهد شد. جهان دست‌به‌گریبان انتشار ۵۱ میلیارد تن گازهای آلاینده است و اگر فکری نشود به‌زودی زمین پروسه برگشت‌ناپذیر نابودی خود را آغاز خواهد کرد، معدن کاران و زنجیره وابسته به آن‌ها از مقصران اصلی آلودگی زمین هستند و حدود ۷ میلیارد تن از این آلودگی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم

به مثال دیگری می‌توان اشاره کرد؛ در انتهای یک کارخانه تولید کنسانتره برای آب‌گیری از کنسانتره، یک خشک‌کن نواری یا belt filter نصب گردید، درحالی‌که تجهیز مناسب، Filter Press می‌بود و اکنون راندمان خشک‌کنی در فیلترهای نواری پایین است و ۱۰ درصد رطوبت را کمتر می‌گیرد که سبب مختل شدن عملیات بعدی می‌گردد.

#### ج) ریسک بهره‌برداری

ریسک فنی دیگر که نام آن را می‌توان ریسک بهره‌برداری هم گذاشت، خطاها و خطرات ناشی از مدیریت غلط بهره‌برداری است، این ریسک اولاً سبب مخاطرات ایمنی و جانی برای نیروی انسانی می‌شود و در ثانی عدم دستیابی عملیات بهره‌برداری استخراج و فرآوری به بازدهی لازم و تعمیر و نگهداری هزینه‌ساز می‌گردد. با آموزش مؤثر کارکنان، این ریسک‌ها می‌تواند به حداقل برسد.

ریسک فنی دیگر، عدم وجود قطعات یدکی پشتیبان‌کننده تولید است. اخیراً شاهد هستیم که بسیاری از ماشین‌آلات استخراج به دلیل عدم وجود این قطعات زمین‌گیر شده و حتی برخی قطعات مثل لاستیک موجب خوابیدن بسیاری از تراک‌های معدنی گردیده است.

#### د) ریسک‌های مالی

فلزات و مواد معدنی و کانی‌های غیرفلزی همواره دستخوش سوپر سیکل‌های منفی یا مثبت قیمتی هستند؛ به‌عنوان مثال در سی سال اخیر قیمت مس در تابلوی بازار LME لندن هم قیمت ۱۵۰۰ دلار بر تن و هم قیمت ۱۰۲۰۰ دلار بر تن را دیده است، این نوسان شدید قیمت ممکن است کم اتفاق بیفتد، اما یک واقعیت انکارناپذیر این است که نوسان قیمت فلزات یک چالش سرمایه‌گذاری معدنی است. همین امروز که این نوشتار را می‌نویسم قیمت سنگ‌آهن به پایین‌ترین حد چند سال اخیر رسیده است؛ یعنی زیر ۹۰ دلار در بنادر چین. چه باید کرد؟

در این زمینه دو توصیه مهم به سرمایه‌گذاران و یک توصیه مهم به سیاست‌گذاران اقتصادی دارم. توصیه اول من به سرمایه‌گذاران معدنی این است که حتماً طرح‌های توجیه اقتصادی را با قیمت روز فلزات محاسبه نکنند و قیمت‌های فروش را متوسط ۵ یا ۱۰ ساله ببینند تا معیار بهتری برای تصمیم‌گیری به دست دهد و توصیه دوم من این است که ماهیت معدن‌داری این است که وارد فعالیتی طولیل‌المدت شده‌اند که در مجموع سال‌ها درخشش اقتصادی خوب و مثبتی دارد، حال این‌که سالی هم وجود دارد که قیمت ماده معدنی اُفت می‌کند و این موضوع جزء ماهیت این فعالیت است، اما در طولانی‌مدت سودآور است و ضرر را خنثی می‌کند.

#### ریسک قابل

پیش‌بینی

مهم این است

که قوانین

کربن‌زدایی

به‌زودی

جدی خواهد

شد. جهان

دست‌به‌گریبان

انتشار ۵۱ میلیارد

تن گازهای

آلاینده است

و اگر فکری

نشود به‌زودی

زمین پروسه

برگشت‌ناپذیر

نابودی خود را

آغاز خواهد کرد.

معدن کاران و

زنجیره وابسته به

آن‌ها از مقصران

اصلی آلودگی

زمین هستند و

حدود ۷ میلیارد

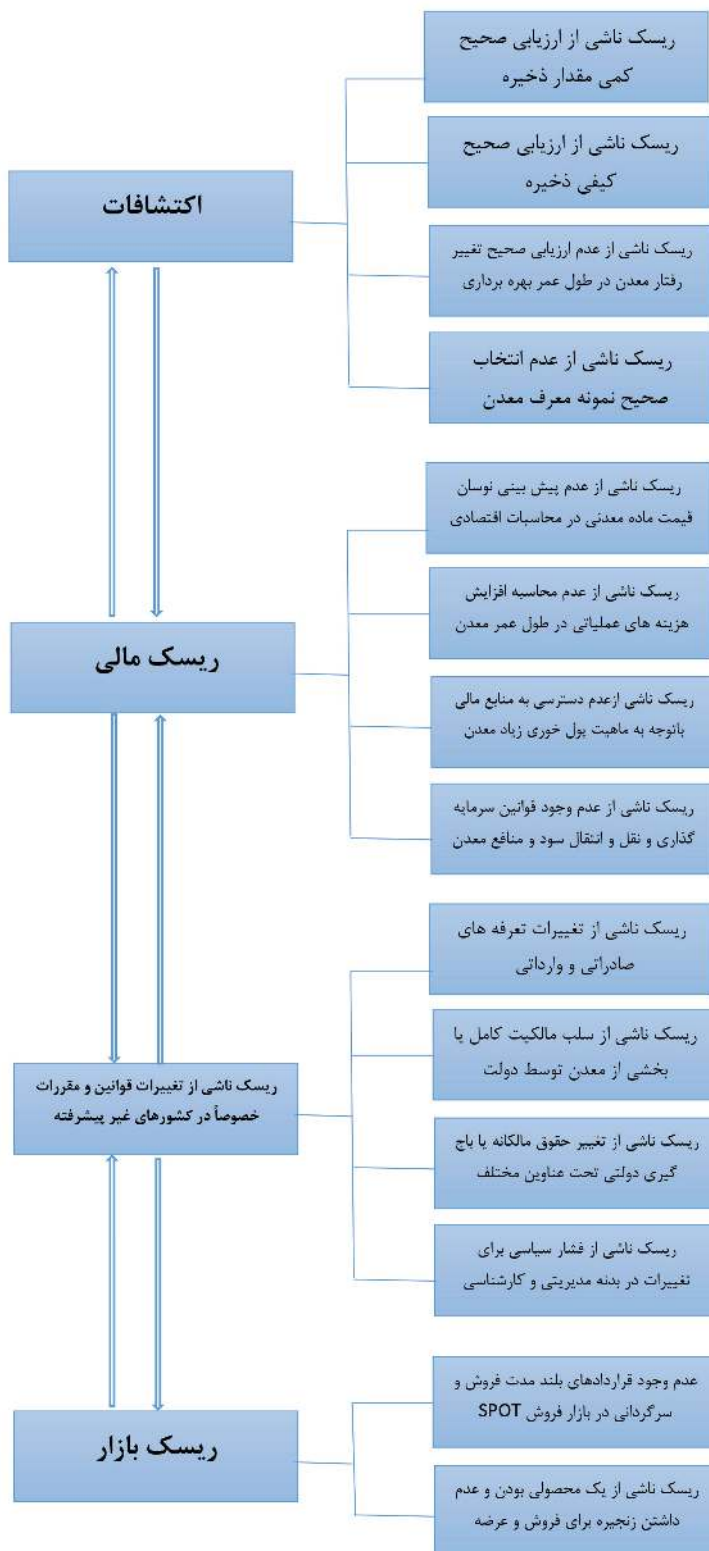
تن از این آلودگی

را به‌طور مستقیم

و غیرمستقیم

تولید می‌کنند.





شکل شماره (۱) - ریسک های مختلف سرمایه گذاری معدنی

تولید می کنند. همه دست اندرکاران این رشته به سرعت در حال تنظیم برنامه های خود برای کربن زدایی هستند و به زودی با وضع مالیات کربن و قوانین سخت گیرانه، بازار صادرات ورودی کالاهای معدنی که با مصرف نامتعارف سوخت های فسیلی تولید می شوند را خواهند بست و بازار معدن کاران غافل از این موضوع را با مشکل مواجه خواهد کرد. لذا کربن زدایی بایستی جز کارهای بسیار اولویت دار همه معدن کاران و زنجیره تولید وابسته به آنان باشد.

### ز ریسک های دولتی ناشی از تغییر مقررات و سیاست ها

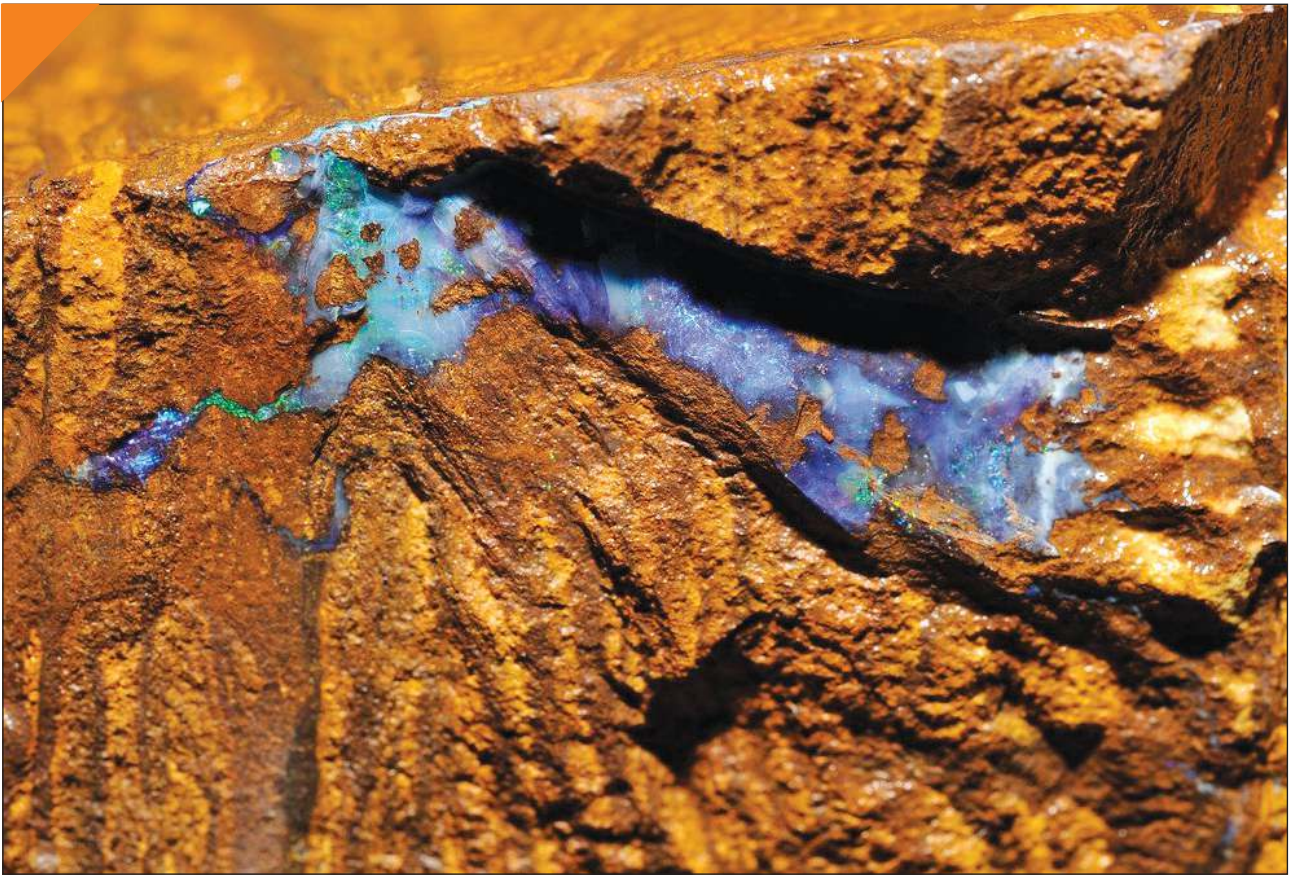
قوانین استفاده از منابع زیرزمینی هر کشور مبنای تصمیم سازی برای ورود یک معدن کار به عرصه فعالیت های معدنی است، اما در بسیاری از کشورهای جهان شاهد تغییر این قوانین عمدتاً در جهت کاهش انگیزه های سرمایه گذاران معدنی هستیم.

در سال های اخیر خصوصاً در کشورهای آفریقایی و آسیایی شاهد ریسک های سیاسی و دولتی متعددی هستیم، از جمله این ریسک ها اجبار سرمایه گذاران به دادن مالیات بیشتر، اجبار به شراکت دادن هرچه بیشتر دولت ها در معادن بخش خصوصی و لغو برخی پروانه های معدنی که از جمله در هندوستان شاهد آن بودیم.

جنگ اندازی به معادن به بهانه های مختلف (علاوه بر Royalty بهره مالکانه) تحت عناوینی چون حق انتفاع نیز ابداع شده و هزینه های گزافی بابت آن دریافت می نمایند. تغییر در سیاست های صادراتی و نگرش مقطعی «سیب زمینی پیازی» به تعرفه واردات و صادرات فلزات از جمله ریسک های حاکمیتی هستند. اشاره به اختلافات NFC و دولت زامبیا در مورد معدن مس Chambosbi و اختلافات دولت گینه و شرکت ریوتینتو در مورد معدن سنگ آهن Simando و اختلافات مکرر ایمیدرو با معدن داران بزرگ ایران برای دریافت حق انتفاع بیشتر، از این دست می باشند.

برای مثال در استان کرمان با دخالت ایمیدرو و حمایت دولت در سال ۱۳۸۴، شرکت گل گهر در یک تصمیم حاکمیتی از داشتن مجموعه معادن گل گهر منع شد و تنها یک محدوده به وی واگذار گردید. این تصمیم سبب این گردید که اکتشافات و استخراج یکپارچه بر روی این معادن استان کرمان در یک محدوده چند کیلومتری به دهها شرکت واگذار گردد و عملاً سینیتری و اثربخشی مالی در قالب یک شرکت بزرگ معدنی به فرایندی کم تأثیر و گسسته تبدیل شد.

ترویج سودآوری دولتی و اشتباهی دولت در شریک شدن با سرمایه گذاران خصوصی در ایران یکی از موانع مهم عدم پیشرفت معادن است به طوری که در هیچ کجای دنیا قوانین حاکم معدنی، دولت را این گونه در مقابل با معدن داران قرار نداده است. ♦♦



• اوپال در سنگ میزبان •

گفت وگو با دکتر «سید عبدالرضا جعفری صدر» فعال حوزه گوهرسنگ‌ها

## قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری

بنا به ظرفیت‌ها بایستی حداقل سالیانه منافع حاصل از صادرات صنعت گوهرسنگ کشورمان برابر یک میلیارد دلار باشد، اما متأسفانه برآوردها نشان از رقم ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار در سال، یعنی سهمی در حدود ۰،۲۶ درصد از کل بازار جهانی تجارت گوهرسنگ‌ها دارد که البته بخش قابل توجهی از همین مقدار نیز به لحاظ مشکلات ناشی از نبود دستورالعمل‌های شناسایی، ارزش‌گذاری و ... به شکل غیرقانونی خارج می‌شود. این در حالی است که ایران جزو ۱۰ کشور نخست دارای منابع گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی است و یک برآورد کارشناسی بر اساس تعداد بنگاه‌ها و افراد مداخله کننده در این حوزه نیز واردات سالانه در حدود ۴۰۰ میلیون دلار را نشان می‌دهد.

بر اساس آمار منتشر شده قبل از پاندمی کرونا، ارزش تولید و تجارت گوهرسنگ‌ها در دنیا بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال بوده است. توسعه صنعت گوهر در کشور نیاز به توجه ویژه دارد. بازار گوهرسنگ‌ها بسیار متنوع است و امروزه گوهرسنگ‌هایی در بازار یافت می‌شود که از الماس و یاقوت هم‌وزن خود گران‌بهرتر هستند. در استان کرمان حداقل می‌توانیم روی دو گوهرسنگ ارزشمند فیروزه شهرباک که می‌تواند با فیروزه نیشابور که آوازه جهانی دارد، رقابت کند و نیز گوهر گران‌بهای دمانتوید صوغان بافت سرمایه‌گذاری کنیم. علاوه بر این‌ها می‌توان از یشم، آمیتیست، عقیق‌های شجر، عقیق‌های رنگین و اُپسیدین به‌عنوان ذخیره‌های گوهری استان نام برد.

متأسفانه هنوز دغدغه این صنعت وجود ندارد. دغدغه، صنایع بزرگی چون مس و فولاد است، درحالی‌که صنعت گوهرسنگ نیز می‌تواند با سرمایه‌گذاری بسیار کمتر، ارزش افزوده بیشتر و اشتغال‌زایی بالاتری ایجاد کند؛ ارزش افزوده در این صنعت ۱۰ تا ۳۰ برابر برآورد می‌شود. شرح کامل گفت‌وگو با دکتر سید عبدالرضا جعفری صدر فعال حوزه گوهرسنگ‌ها را در ادامه بخوانیم.





## ◆ سهم کشورمان در تولید و تجارت جهانی گوهرسنگ‌ها چقدر است و برای افزایش و توسعه آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت چه راهبردی را مناسب می‌دانید؟

با توجه به آمار منتشر شده قبل از پاندمی کرونا، ارزش تجارت و تولید گوهرسنگ‌ها در کل دنیا بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال بوده است که تقریباً سه‌چهارم آن به بخش زیورآلات، طلا، نقره و پلاتین تعلق دارد و مابقی آن حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در بخش گوهرسنگ‌ها گردش می‌نماید که حدود دوسوم این رقم به تجارت جهانی الماس تعلق دارد و مابقی آن سهم تجارت سایر گوهرها و گوهرسنگ‌ها است که حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار در سال پیش‌بینی می‌شود.

بنا به تحقیقات و گزارش‌های موجود، ایران جز ۱۰ کشور نخست دارای منابع گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی است، اما متأسفانه در دنیا در حوزه تجارت صنعت گوهرها دارنده رتبه ۱۰۵ در میان ۱۸۰ کشور و رتبه پنجم در مصرف انواع گوهرسنگ‌های قیمتی و زیورآلات هستیم. یک برآورد کارشناسی بر اساس تعداد بنگاه‌های اقتصادی و افراد مداخله کننده در حوزه گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی نشان می‌دهد که سالیانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار واردات داریم. عمده گوهرهای ارزشمند مانند الماس، زمرد، یاقوت و سایر موارد از خارج از کشور وارد می‌شود. با توجه به وسعت، جمعیت و ظرفیت‌هایی که داریم، بایستی حداقل منافع حاصل از صادرات این صنعت یک میلیارد دلار باشد که متأسفانه برآوردها نشان می‌دهد که این رقم ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار در سال است و سهمی در حدود ۰.۰۲۶ درصد از کل بازار جهانی تجارت گوهرسنگ‌ها است که بخش زیادی از همین مقدار نیز به لحاظ مشکلات ناشی از نبود دستورالعمل‌های شناسایی، ارزش‌گذاری و ... به شکل غیرقانونی خارج می‌شود.

## نیاز صنعت گوهرسنگ‌ها به گوه‌تراش، گوه‌شناس و گوه‌فروش

لازم است قبل از بررسی نیازهای صنعت گوهر یک موضوع را روشن نماییم. گوهرسنگ‌ها شامل همه گوهرها و گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی هستند. گوهرهای قیمتی به آن دسته‌ای از گوهرهایی گفته می‌شود که شفاف، کمیاب و اغلب نایاب و منابع آن‌ها در طبیعت به جغرافیا و زمین‌شناسی خاص محدود می‌شود. این‌گونه گوهرها مانند الماس، یاقوت و زمرد را بر اساس میزان شفافیت، محل پیدایش، وزن، رنگ و پاکی گوهر ارزش‌گذاری می‌نمایند؛ به‌طور مثال یک

گوهر دو قیراطی یاقوت طبیعی برمه حدود ۶۰ هزار دلار و یک یاقوت مصنوعی به‌زحمت ۱۰۰ دلار ارزش دارد. بایستی توجه داشت که امروزه در بازار زیورآلات کاربرد گوهرهای طبیعی بسیار کمیاب است و اغلب گوهرهای موجود در بازار مصنوعی، بدلی، مشابه، ترمیم‌شده و یا بهبود یافته هستند که به‌مراتب ارزشی کمتر از گوهر طبیعی دارند. اغلب خریداران از این تفاوت قیمت ناشی از طبیعی و مصنوعی بودن گوهر بی‌اطلاع هستند. در مورد گوهرها و گوهرسنگ‌های نیمه قیمتی به همین نکته اکتفا می‌شود که این دسته اغلب از فراوانی و تنوع بیشتری برخوردار هستند و ارزش آن‌ها در بازار به عوامل متعددی بستگی دارد که موضوع این بحث نیست.

توسعه صنعت گوهر در کشور نیاز به توجه ویژه دارد در بازار فعلی نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی حداقل سه گروه شامل گوه‌تراش، گوه‌شناس و گوه‌فروش وجود دارد. هرکدام از این گروه‌ها شاخص‌هایی دارند و از نیازهای آموزشی متفاوتی برخوردار هستند. به این سه گروه می‌توان طراحان و سازندگان زیورآلات را نیز اضافه نمود. بازار زیورآلات و گوهرسنگ‌ها چنان وسیع و گسترده است که در صورت توجه به موضوع آموزش می‌تواند جمع عظیمی را مشغول نماید.

در مورد بخش دوم سؤال شما در خصوص نیازهای این

بنا به تحقیقات و گزارش‌های موجود، ایران جز ۱۰ کشور نخست دارای منابع گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی است، اما متأسفانه در دنیا در حوزه تجارت صنعت گوهرها دارنده رتبه ۱۰۵ در میان ۱۸۰ کشور و رتبه پنجم در مصرف انواع گوهرسنگ‌های قیمتی و زیورآلات هستیم. یک برآورد کارشناسی بر اساس تعداد بنگاه‌های اقتصادی و افراد مداخله کننده در حوزه گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی نشان می‌دهد که سالیانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار واردات داریم.



برسیم، نکته‌ای را خدمتتان عرض کنم که برخلاف سلیقه مصرف‌کننده داخلی که دوست دارد فیروزه انگشتری، آبی یکدست باشد که در واقع اکثر فیروزه‌های رنگ‌شده از این خصلت برخوردار هستند در بازار بین‌المللی، فیروزه‌ای که دارای ناخالصی‌های طبیعی باشد موردپسند است. در بحث آموزش، همان‌طوری که در ابتدا مطرح شد خیلی نقص وجود دارد و بسیاری از صنایع‌دستی مرتبط با گوهرسنگ مانند زیورآلات سیمی، زیورآلات تلفیقی چوب و سنگ، تابلوهای سنگی و ... سرفصل آموزشی ندارند.

#### ♦♦ برطرف‌ترین سنگ‌های قیمتی ایران، در بازار داخلی و خارجی گوهرسنگ‌ها کدامند؟

حدود ۴۷۰۰ کانی تاکنون شناخته‌شده‌اند که حدود ۱۰۰ کانی به لحاظ سختی، رنگ، جلا و شفافیت از خصوصیات گوهری برخوردار هستند. ۱۵ کانی گوهری ارزشمند در بازار وجود دارد و الماس، یاقوت و زمرد از همه آن‌ها شناخته‌شده‌تر هستند. بازار گوهرسنگ بسیار متنوع است، به‌طوری‌که امروزه گوهرسنگ‌هایی در بازار یافت می‌شود که از الماس و یاقوت هم‌وزن خود، گران‌بها تر هستند.

ایران جزء ده کشور برتر دنیا در زمینه منابع گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی است. در استان کرمان حداقل می‌توانیم بر روی دو گوهرسنگ ارزشمند فیروزه شهرباک و گوهر گران‌بهای دمانتویید صوغان بافت سرمایه‌گذاری کنیم. فیروزه شهرباک می‌تواند با فیروزه نیشابور که آوازه جهانی دارد رقابت کند. علاوه بر این‌ها می‌توان از بشم، آمیتسیت، عقیق‌های شجر، عقیق‌های رنگین و اُپسیدین که در مناطق مختلف استان یافت می‌شود، به‌عنوان ذخیره‌های گوهری استان نام برد.

#### ♦♦ در شناسایی پتانسیل سنگ‌ها و کانی‌های قیمتی و به فعلیت درآوردن ظرفیت‌های زنجیره ارزش این بخش چه سیاست‌ها و اقداماتی را پیشنهاد می‌نمایید؟

اولین اقدام ضروری، نیاز به حامیان معتمد است و این موضوع بایستی تبدیل به دغدغه‌ای شود برای دست‌اندرکاران و کسانی که دغدغه اشتغال را دارند. باید یک بخش مشاوره‌ای تخصصی برای این موضوع ایجاد شود، می‌دانم که هنوز افراد بسیاری هستند که دغدغه این صنعت را ندارند. دغدغه آن‌ها موضوعات کلان و صنایع بزرگی مانند مس و فولاد است درحالی‌که این صنعت می‌تواند با سرمایه‌گذاری بسیار کمتر، ارزش‌افزوده

صنعت می‌توانم به چرخه تأمین، تولید و توزیع این صنعت اشاره نمایم. چرخه تأمین شامل منابع تأمین سنگ، تجهیزات و لوازم موردنیاز و ... است. چرخه تولید شامل آموزش‌های لازم، کارگاه‌های مناسب، طراحی‌ها و ... است و چرخه توزیع شامل انواع روش‌های بازاریابی، فروش و ... است.

در حال حاضر برای بسیاری از واحدهای صنعتی تولیدات گوهرها، رقیب خارجی در بازار وجود دارد، به عبارتی تولیدات ما برای این‌که بتواند خروجی قابل‌توجهی را ارائه دهند، بایستی از لحاظ کیفی و قیمت قابل‌رقابت باشند. اکثر تجهیزات باکیفیت و لوازم مصرفی موردنیاز تراش سنگ، وارداتی هستند و با تغییرات نرخ ارز و تحریم‌ها روزه‌روز قیمت‌ها افزایش می‌یابد؛ به‌طور مثال یک «سی بی ان تراش» از ۱۷۰ هزار تومان به سه میلیون تومان هم رسیده است. این موارد به تولیدکننده فشار می‌آورد. وقتی حرف از چرخه تأمین زده می‌شود، باید سیستم و سازوکاری به وجود آید تا وسایل موردنیاز این صنعت به قیمت مناسب از خارج از کشور وارد شود و در اختیار تولیدکننده قرار گیرد.

#### رونق واردات گوهرسنگ‌ها در کشور

در این مورد جالب است بدانید که کشورهایی مثل هندوستان و پاکستان حدود ۱۵ الی ۲۰ سال پیش وارد این صنعت شده‌اند و از همان ابتدا روی آموزش سرمایه‌گذاری کرده‌اند، امروز پاکستان بیش از ۲۵۰ هزار نفر شاغل در این صنعت دارد که از حمایت دولت نیز برخوردار هستند و با واردات گوهرسنگ‌ها از سایر کشورها و راهکارهای تولید مقرون‌به‌صرفه، به‌راحتی در بازارهای منطقه نفوذ پیدا کرده‌اند. متأسفانه اکنون بسیاری از تولیدکنندگان ما دیگر تولیدکننده نیستند و تبدیل به واردکنندگانی شده‌اند که سنگ‌های قیمتی را در بازار می‌فروشند، به عبارتی ما به‌درستی چرخه تأمین، تولید و توزیع را نشناخته‌ایم. وقتی تولید انجام می‌شود مهم مقدار تولید نیست بلکه مهم‌تر از تولید، کیفیت تولیدات و بررسی نیازهای بازار اعم از داخلی و خارجی است، بازار داخلی کشتش این‌همه تولید بی‌کیفیت را ندارد و بازار صادراتی نیاز به طراحی و ایده جدید و مطالعه دارد که متأسفانه در این موضوع ضعف داریم، بودجه نداریم و سازمانی که حمایت کند، سراغ ندارم و همچنان موضوع بدون راه‌حل باقی مانده است؛ برای مثال در مورد سنگ فیروزه که در کرمان هم آن را داریم و از ارزش‌افزوده خوبی برخوردار است، هنوز نتوانسته‌ایم به یک راه‌حل بلندمدت و پایدار

ایران جزء ده کشور برتر دنیا در زمینه منابع گوهرسنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی است. در استان کرمان حداقل می‌توانیم بر روی دو گوهرسنگ ارزشمند فیروزه شهرباک و گوهر گران‌بهای دمانتویید صوغان بافت سرمایه‌گذاری کنیم. فیروزه شهرباک می‌تواند با فیروزه نیشابور که آوازه جهانی دارد رقابت کند. علاوه بر این‌ها می‌توان از بشم، آمیتسیت، عقیق‌های شجر، عقیق‌های رنگین و اُپسیدین که در مناطق مختلف استان یافت می‌شود، به‌عنوان ذخیره‌های گوهری استان نام برد.



● اوپال



● دمانتوبید باغ برنج



● زبرجد در سنگ میزبان قلعه حسنعلی زاین



● فیروزه شهرباک

بیشتر و اشتغال‌زایی بالاتری ایجاد نماید. برای راه‌اندازی یک کارخانه فولاد، به سرمایه‌گذاری کلان، زمان طولانی، منابع معدنی در دسترس و قابل‌انکاسا، ذخایر آب، انرژی و ... نیاز است، اما در مقابل تعداد نیروهایی که مشغول به کار می‌شوند، بسیار اندک هستند درحالی‌که رقم سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ قابل‌تأمل است، اما در صنعت گوهرسنگ‌ها و صنایع دستی مرتبط با آن در یک فاصله زمانی کوتاه با سرمایه کم می‌توان برای چندین نفر شغل ایجاد کرد، البته در شرایط حال حاضر با توجه به افزایش تورم و گرانی تجهیزات به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز است که باز در مقایسه با ایجاد صنایع بزرگ و مشکلات عدیده‌ای که با آن روبرو هستند، نیاز به سرمایه کمتر است.

در صنعت گوهرسنگ‌ها شناختی از بازارهای بین‌المللی وجود ندارد، افراد به‌صورت جزیره‌ای کار می‌کنند و به چرخه کلان توجه ندارند تا منافع آن به‌کل جامعه برسد. اگر شناخت درستی از بازارهای منطقه‌ای به دست آوریم، شاید به این نتیجه برسیم که کارهای تلفیقی بهتر به فروش می‌رسند؛ برای مثال ما در کشور چوب‌های زیبایی داریم، بنابراین تلفیق چوب و سنگ می‌تواند به یک بازار جذاب تبدیل شود.

#### ◆ به نظر جنابعالی در کشور در صنعت و تجارت بخش گوهرسنگ‌ها، چه میزان می‌توان اشتغال‌زایی قابل‌توجهی ایجاد نمود؟

میزان اشتغال‌زایی در صنعت گوهرسنگ‌ها برای استان کرمان، سالیانه حداقل ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر پیش‌بینی می‌شود. ما نباید به انبوه افراد شاغل در این صنعت فکر کنیم، زیرا این حرفه نیاز به‌دقت، خلاقیت و حوصله دارد. در سایر نقاط کشور بسته به مناطق، متفاوت است؛ برای مثال در استان‌های خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان ظرفیت اشتغال‌زایی این صنعت وجود دارد، اما هیچ برنامه درستی در آن مناطق دیده نمی‌شود و اغلب به‌عنوان کار جنبی به آن پرداخته می‌شود. حداقل در حوزه جنوب شرق کشور می‌توان گفت پتانسیل اشتغال‌زایی سالیانه حدود ۲ تا ۳ هزار نفر وجود دارد.

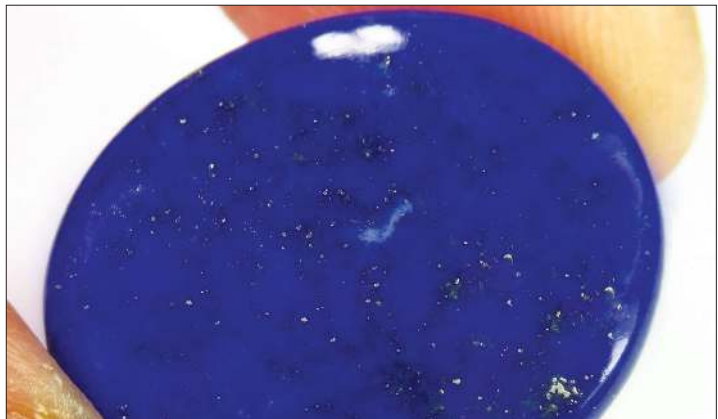
البته در موضوع اشتغال‌زایی علاوه بر توجه جدی به آموزش؛ توجه به مطالعات بازارهای داخلی و خارجی در چرخه‌های تأمین، تولید و توزیع سنگ‌های قیمتی با اولویت فیروزه، عقیق و ... بسیار حائز اهمیت است. پیشنهاد من برای آموزشی که منتج به اشتغال‌زایی گردد، استفاده از آزمون بسندگی است. تجربه‌ای که از



انجام طرح و آموزش داریم به سال ۱۳۹۳ برمی‌گردد که جهت آموزش دوره‌های مختلف تراش سنگ‌های قیمتی با سازمان بهزیستی استان همکاری نمودم. سازمان حدود ۴۰۰ نفر را به ما معرفی نمود که از این تعداد، ۹۰ نفر به‌طور مرتب در کلیه دوره‌ها شرکت نمودند و ۶۰ نفر از آن‌ها توانستند به مرحله آزمون مقدماتی و اخذ مدرک برسند و در پایان دوره‌های تخصصی به ۵۰ نفر دستگاہ تراش داده شد تا در منزل کار انجام دهند، اما متأسفانه حمایت‌های بعدی از آن‌ها به عمل نیامد و به‌جز چند نفر، بقیه موفق به کسب درآمد پایدار از این موضوع نشدند. تجربه امروز به من می‌گوید که اگر آن زمان از آزمون بسندگی استفاده می‌کردیم و قبل از شروع فعالیت به غربال‌گری می‌پرداختیم و آن حرکت را نه برای یک‌زمان کوتاه که طولانی‌مدت انجام می‌دادیم، مسلماً امروز نتیجه بهتری عاید شهرمان می‌شد و در زمان و هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌شد و بهره‌وری کارآموزان بالاتر می‌رفت. من این موارد را تجربه کرده‌ام و امروز حاضر به تکرار آن روش آموزشی نیستم، به‌طور مثال برای آموزش صد نفر، استفاده از روش‌های آزمون بسندگی و غربال‌گری اولیه ممکن است منجر به حذف ۸۰ درصدی شود و ده یا بیست نفر باقیمانده از آموزش اصولی و کاربردی بهره‌مند خواهند شد.



● زرد



● لاجورد

#### ◆ الزامات گسترش شناسایی آثار معدنی و ذخایر و توسعه

##### استخراج سنگ‌ها و کانی‌های قیمتی را چه می‌دانید؟

در حوزه شناسایی آثار معدنی و ذخایر اقدامات زیادی انجام شده است. امروز حتی اگر از اتاق بازرگانی یا سازمان صمت پرسیده شود چه اقدامی انجام شده و آیا نقشه راه وجود دارد، پاسخ مثبت است، اما آیا عملیاتی شده است؟ خیر؛ برای مثال در موضوع استخراج سنگ‌های قیمتی هنوز دستورالعمل مدونی وجود ندارد. سازمان نظام‌مهندسی در استان کرمان یک دستورالعمل برای مطالعه سنگ‌های قیمتی دارد، اما وقتی که مطابق با دستورالعمل جلو می‌رویم در نهایت چیزی دستگیرمان نمی‌شود. نویسندگان دستورالعمل با دیدگاه معدنی به بحث اکتشافات گوه‌سنگ‌های قیمتی پرداخته‌اند. این قبیل سنگ‌ها در مقیاس گرم و قیراط ارزشمند هستند. فرض نخست این است که دستورالعمل خوب تهیه شده است و کارشناسان مرتبط در این موضوعات قوی نیستند و اطلاعات کافی در این زمینه ندارند و فرض دوم این است که دستورالعمل کاربردی نیست. تاکنون ندیدم که در این مورد تحقیق شود و زوایای پنهان این دستورالعمل‌ها



● یاقوت معدنی موگوک میانمار



شکفته شود تا بتوانیم یک دستورالعمل کارآمد داشته باشیم.

در مورد استخراج گوهرسنگ‌ها در کشور، نیاز چندانی به واردات ماشین‌آلات نداریم؛ یعنی دانش طراحی و ساخت وسایل موردنیاز را داریم. شرکت‌هایی هستند که قطعات را از کشورهای مختلف وارد می‌کنند ولی یک سازوکار مشخص و بر اساس نرخ‌های بین‌المللی برای قیمت‌گذاری آن‌ها وجود ندارد. هزینه مواد مصرفی سال‌به‌سال بیشتر شده و اغلب تولیدکنندگان بزرگ ترجیح می‌دهند که با واردات مصنوعات ساخته شده و آماده از چین، هند، پاکستان و ... نیاز بازار را تأمین کنند. شاید همین موضوع باعث دلسردی تولیدکننده داخلی شده است.

### ♦♦ در مورد گوهرسنگ‌های استان کرمان و وجود منابع در استان کرمان چه اطلاعاتی ارائه می‌نمایید و در زمینه اهمیت این سنگ‌ها و کانی‌های قیمتی در اشتغال و رونق اقتصادی منطقه چه نقطه نظرانی دارید؟

گوهرسنگ‌های استان کرمان عبارتند از:

فیروزه شهرباک؛ به‌عنوان ماده معدنی دوم و همراه با کانسنگ معدن مس میدوک است و تا جایی که من اطلاع دارم هنوز تعیین ذخیره قطعی نشده است، اما می‌تواند به‌عنوان یک گوهرسنگ ارزشمند موردتوجه قرار گیرد،

گارنت سبز یا دمانتویید باغ برج؛ این کانسار به‌نازگی به سمت اخذ گواهی کشف گام نهاده و امید بسیاری به آینده است که این گوهر نایاب و بسیار ارزشمند جایگاه جهانی خود را پیدا نماید،

گوهر یشم؛ تا جایی که بنده اطلاع دارم تاکنون کسی به دنبال گواهی کشف منابع آن نرفته است، این گوهرسنگ به لحاظ زیبایی در رنگ و خوش‌دست بودن هنگام تراش، برای تراش صنایع‌دستی و مجسمه بی‌نظیر است،

گوهرسنگ عقیق؛ در کرمان یک یا دو گواهی کشف بر روی این گوهرسنگ صادر شده، ولی تا آنجایی که اطلاع دارم هیچ‌کدام به بهره‌برداری نرسیده است. شاید علت آن عدم آشنایی با بازار گوهرسنگ‌ها است، به‌طور مثال کانسار عقیق ابارق بم در صورت استخراج نیاز به بهسازی و فرآوری دارد و به‌طور طبیعی فقط بخش‌های کوچکی از آن قابل استفاده است،

گوهرسنگ اُسیدین؛ اُسیدین شیشه طبیعی است و تاکنون گواهی کشفی برای این گوهر در استان صادر نشده است.

در مورد اهمیت و پتانسیل گوهرسنگ‌ها در رونق اقتصادی

مطلب زیاد است. هر کیلوگرم سنگ فیروزه امروزه حدود یک‌میلیون تومان ارزش دارد که پس از تبدیل به نگین تا ۳۰ برابر ارزش‌افزوده پیدا می‌کند. در مجموع ارزش‌افزوده در این صنعت بین ۱۰ تا ۳۰ برابر برآورد می‌شود. البته در بعضی از موارد مانند طراحی و ساخت تابلوهای سنگ، ارزش کار به زمانی است که برای آن صرف شده و مواد اولیه در قیمت تأثیری ندارند.

### ♦♦ کشورهای شاخص در صنعت و تجارت گوهرسنگ‌ها چه رهیافت‌هایی به ما نشان می‌دهند؟

کشورهای شاخص در این صنعت در آسیای جنوب شرقی که قرابت نزدیکی با فرهنگ ما نیز دارند، عبارتند از سریلانکا، هندوستان، پاکستان و تایلند. هر یک از این کشورها تجربه‌هایی در زمینه‌ی آموزش و شیوه اشتغال و تأمین سرمایه دارند که می‌تواند به ما در توسعه این صنعت کمک نماید.

برای ورود به بازار صنایع‌دستی مبتنی بر سنگ و تراش گوهرسنگ‌ها باید ابتدا کیفیت تولیدات خود را افزایش دهیم، سپس قیمت‌ها را متناسب با کالاهای مشابه وارداتی نماییم.

همچنین بایستی راهکارهایی را برای معرفی کالاهای تولیدی در نمایشگاه‌ها، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، شبکه‌های اجتماعی و ... استفاده نماییم تا خریدار محصول به‌راحتی بتواند بدون دغدغه از مواد اولیه، کیفیت محصول، برند تولیدکننده کالای ایرانی اطلاع پیدا نماید و سپس محصول را خریداری کند، قابل‌توجه این‌که چنانچه خریداران محصول داخلی رضایت نداشته باشند، چگونه توقع داریم که محصولات صادراتی داشته باشیم.

### ♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

در پایان عرض کنم که ضروری است برای نیل به مقصود که همانا گسترش این صنعت هست، از دانش و تجربه متخصصان داخلی، مطالعات و تحقیقات آموزشی، استانداردها، تدوین دستورالعمل‌های استخراج، ارزش‌گذاری، ساخت و طراحی تجهیزات و ... استفاده نماییم. موضوع تحقیقات بازار به‌منظور ایجاد بازارهای فروش منطقه‌ای را جدی بگیریم، تأمین نیروی انسانی، مواد اولیه و تجهیزات را در اولویت قرار دهیم، به طراحان تراش گوهر و زیورآلات فرصت دهیم تا نبوغ و خلاقیتشان را نشان دهند و در نهایت این محصولات را در قالب برندهای معتبر به جهان معرفی نماییم. ♦♦

#### میزان

#### اشتغال‌زایی

#### در صنعت

#### گوهرسنگ‌ها

#### برای استان

#### کرمان، سالیانه

#### حداقل ۵۰۰ تا

#### ۱۰۰۰ نفر پیش‌بینی

#### می‌شود. ما نباید

#### به انبوه افراد

#### شاغل در این

#### صنعت فکر کنیم،

#### زیرا این حرفه نیاز

#### به دقت، خلاقیت

#### و حوصله دارد.

#### در سایر نقاط

#### کشور بسته به

#### مناطق، متفاوت

#### است؛ برای مثال

#### در استان‌های

#### خراسان جنوبی،

#### خراسان شمالی،

#### سیستان و

#### بلوچستان

#### ظرفیت

#### اشتغال‌زایی این

#### صنعت وجود

#### دارد، اما هیچ

#### برنامه درستی

#### در آن مناطق

#### دیده نمی‌شود و

#### اغلب به‌عنوان

#### کار جنبی به آن

#### پرداخته می‌شود.

# کشاورزی دقیق؛ ضرورتی اجتناب ناپذیر

شہلا عموری  
رئیس اتاق اهواز



پیاده سازی  
کشاورزی  
دقیق ضرورتی  
اجتناب ناپذیر  
بوده و  
سیاست گذار  
اقتصادی ما  
چاره ای جز  
پذیرش این روش  
و تهیه مقدمات  
اجرائی آن را  
ندارد. البته همه  
کشورها اگر به  
دنبال خروج  
از بحران هایی  
همچون آب و  
تمایل به افزایش  
بهره وری در  
کشاورزی خود  
هستند، دیر یا  
زود نسبت به  
کشاورزی دقیق  
تمکین خواهند  
نمود.

بشر در ادوار مختلف همواره توجه بخصوصی نسبت به مسئله کشاورزی، بویژه آنچه به غلات و غذا مربوط می شود، داشته و در همین راستا همواره در فکر این بوده که چگونه می شود به بیشترین میزان محصول و فایده برسد.

اوج این تلاش ها همزمان با رشد و توسعه ی همه جانبه علمی بشر در یکصد سال اخیر بوده و فعالیت های کشاورزی بی نصیب از توسعه های علمی باقی نماند. افزایش جمعیت به دلیل ارتقای شاخص های بهداشتی و عبور جمعیت کره زمین از مرز ۸ میلیارد نفر، نیاز انسان ها به غذا را بیش از هر زمان دیگر نمایان ساخت و کشورها را وادار به تولید یا تأمین و ذخیره ی هرچه بیشتر این قبیل مواد نمود. یکی از موانع مهم پیش روی کشاورزی، کمبود منابع آب است که بسیاری از کشورها از جمله ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است و این شرایط اهمیت غلات را به عنوان محصولات استراتژیک دوچندان کرده و ارزش خودکفایی در این زمینه را بیش از پیش متجلی نموده است.

کشورهای توسعه یافته با درک اهمیت محصولات کشاورزی و لزوم ارتقای بهره وری، اقدام به سرمایه گذاری های سنگین در مراکز مطالعاتی خود نمودند و به مرور زمان توانستند به شیوه ها و الگوهای بسیار کارآمدتر و اقتصادی تر در ارتباط با کشاورزی و شاخه های مختلف آن دست یابند که کشاورزی دقیق (به عنوان نمونه) فقط یکی از دستاوردهای مطالعاتی - علمی آن کشورها در این ارتباط است.

کشاورزی دقیق چنان که از اسم آن پیداست، به دنبال آن است که ابتدا شناخت کافی از بخش های مختلف مزرعه به کشاورز ارائه کند. در این روش، کشاورز مطلع می شود که خاک هر کدام از بخش های مزرعه اش برای کشت کدام محصول و با چه میزان آبیاری و استفاده از کدام نهاده ها و به چه میزان امکان پذیر است. لذا کشاورز به خوبی می داند که با صرف منابع کمتر به محصول بیشتر و با کیفیت تر دست خواهد یافت، در نتیجه با اطمینان خاطر و انگیزه ی مضاعف به فعالیت می پردازد. در این شیوه آموزش های لازم و مختلف از جمله نحوه استفاده از ابزار و ماشین آلات مورد نیاز به کشاورز ارائه می شود.

در کشاورزی دقیق با تکیه بر فناوری اطلاعات و آموزش مستمر و استفاده از ابزار و تجهیزات مدرن، کشاورز بدون پذیرش هیچ گونه ریسکی به کاشت، داشت و برداشت محصولات خود می پردازد. صرفه جویی در مصرف آب و کود از یک سو و افزایش تولید و ارتقای کیفیت محصولات از سوی دیگر، تحولی بزرگ در علم کشاورزی است که نمی توان از کنار آن گذشت. این راه باید اضافه کرد که کشاورزی دقیق آسیب چندانی به محیط زیست نمی رساند و به اصطلاح سازگار با محیط زیست است.

به طور کلی می توان گفت که با توجه به بحرانی که نام آب که کشورهای متعددی از جمله ایران را درگیر خود کرده است، پیاده سازی کشاورزی دقیق ضرورتی اجتناب ناپذیر بوده و مقدمات اجرائی آن را ندارد. البته همه کشورها اگر به دنبال خروج از بحران هایی همچون آب و تمایل به افزایش بهره وری در کشاورزی خود هستند، دیر یا زود نسبت به کشاورزی دقیق تمکین خواهند نمود. ناگفته پیداست که پیاده سازی این



شیوه به زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به خود نیاز دارد و چه‌بسا تصور اولیه عدم وجود صرفه اقتصادی در این زمینه است، اما تجربه‌ی کشورهای پیشگام در این زمینه نشان می‌دهد که منافع این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها در میان‌مدت خود را نشان می‌دهد و منجر به تحولات عظیم در کشاورزی می‌شود.

چین که در دهه‌های اخیر، بازارهای جهان را با کالاهای صنعتی و حتی محصولات کشاورزی تسخیر کرده است از جمله کشورهایی است که با اقبال فراوان پذیرای کشاورزی دقیق بوده و سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در این زمینه ایجاد و کشاورزی خود را بیش از هر زمان دیگر متحول نمود. چینی‌ها سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در زیرساخت‌های مختلف کشاورزی از جمله دسترسی کشاورزان به اینترنت ارزان قیمت جهت آموزش و ارائه اطلاعات به کشاورزان و ارتباط مستمر با آن‌ها ایجاد کرد و به نتایج موردنظر خود در کسب فواید هرچه بیشتر اقتصادی ناشی از کشاورزی دقیق دست یافت.

کشور ما در پیاده‌سازی و ترویج این الگوی موفق بویژه در ایجاد زیرساخت‌های لازم چندان موفق عمل نکرده است. شاید دلیل اصلی آن گران بودن زیرساخت‌ها و کمبود منابع مالی در دهه‌ی اخیر باشد، اما این فرصت برای کشاورزی و کشاورزان ما همچنان وجود دارد و توپ این انتخاب در زمین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باقی است. در حال حاضر بخش عمده‌ای از کشاورزان وابسته به بخش خصوصی ما بویژه در استان خوزستان به‌صورت نیمه مکانیزه و بعضاً سنتی اقدام به فعالیت می‌کنند و از شیوه کشاورزی دقیق و منافع فراوان آن بهره‌ی چندانی نمی‌برند.

بر اساس آمار، گندم و دانه کلزا رتبه‌ی اول تولید محصولات کشاورزی در کشور را دارد و به‌عنوان اجزای اصلی سبد غذایی به شمار می‌روند. کشاورزان خوزستانی به‌رغم محدودیت‌های آبی و کمبود اقلامی همچون کود در سال ۱۴۰۱ توانسته‌اند رکورد تولید گندم را بشکنند و ۱،۴ میلیون تن گندم و ۷۸ هزار تن کلزا را به تولید برسانند. به‌طوری‌که کشاورزان گندم‌کار خوزستان با عملکرد مناسبی توانسته‌اند تولید گندم را از ۲ و نیم تُن در هکتار به ۳ تُن برسانند که نکته‌ی حائز اهمیت است. اگر کشاورزان خوزستانی در چهارچوب کشاورزی دقیق قرار بگیرند و از مزایای آن بهره‌برند قطعاً قادر خواهند بود رکوردهای بزرگ‌تری در زمینه صرفه‌جویی در آب و نهاده‌ها و افزایش تولید به نام خود ثبت کنند.

بر این نکته تأکید می‌کنیم که با توجه به بی‌آبی رودخانه‌ی ناشی از خشک‌سالی‌های گذشته و مصرف بی‌رویه آب‌های زیرزمینی که بدون حساب اتفاق افتاده، امروز هیچ قضیه‌ای مثل آب برای کشور حیاتی نیست. لذا در بخش کشاورزی

همچون بخش صنعت که تماماً تابع پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی است و تلاش می‌کند تا خود را با شرایط جهانی وفق دهد و از مزایای آن دستاورد به نفع خود سود ببرد، قضیه‌ی کشاورزی و خصوصاً میزان مصرف آب در آن دقیقاً همان‌طور است و برای رسیدن به فواید اقتصادی (در عین صرفه‌جویی در آب و نهاده‌ها) چاره‌ای به‌جز تبعیت از تکنولوژی همچون کشاورزی دقیق نداریم و دیر یا زود باید به الزامات آن تن دهیم و چه بهتر که چنین شیوه‌ای هرچه زودتر در دستور کار قرار گیرد و به‌تدریج به مرحله اجرا گذاشته شود.

توجه کنید که ما در خوزستان بویژه در دو دهه اخیر با شرایط بسیار سختی همچون هجوم مستمر ریزگردها و کم‌آبی شدید رودخانه‌ها که بخشی از آن به دلیل سیاست انتقال آب استان بوده، مواجه هستیم. کم‌آبی خوزستان بویژه در حوزه رودخانه کرخه به‌گونه‌ای خود را نشان داد که بسیاری از کشاورزان خصوصاً خرده‌مزرعه‌داران و شالی‌کاران قید زراعت را زدند و متحمل زیان‌های فراوان گردیدند.

آخرین اظهارات مسئولان رسمی خوزستان در سال ۱۴۰۱ دال بر آن است که زمین‌های زیر کشت در این استان حدود ۱،۳ میلیون هکتار است. اطلاعات فوق نشان می‌دهد که در صورت تهیه شرایط می‌توان با استفاده از زمین‌های منابع طبیعی، سطح کشت موجود در استان را به سه برابر رساند که مهم‌ترین مانع در این افزایش، کمبود آب است که به نظر نگارنده، استفاده از کشاورزی دقیق می‌تواند نقش مهمی در احیای زمین و افزایش سطح کشت ایفا کند. خلاصه کلام این است که اگر بخواهیم صرفه‌جویی در نهاده‌ها و آب، همچنین افزایش کمی و کیفی در محصولات داشته باشیم و به محیط‌زیست خود نیز لطمه وارد نکنیم، بهترین راه تکیه بر شیوه‌های موفق علمی از جمله کشاورزی دقیق است. ♦♦

کشاورزان  
خوزستانی به‌رغم  
محدودیت‌های  
آبی و کمبود  
اقلامی همچون  
کود در سال ۱۴۰۱  
توانسته‌اند رکورد  
تولید گندم را  
بشکنند و ۱،۴  
میلیون تن گندم و  
۷۸ هزار تن کلزا را  
به تولید برسانند.  
به‌طوری‌که  
کشاورزان گندم‌کار  
خوزستان با  
عملکرد مناسبی  
توانسته‌اند تولید  
گندم را از ۲ و نیم  
تُن در هکتار به  
۳ تُن برسانند  
که نکته‌ی حائز  
اهمیتی است.  
اگر کشاورزان  
خوزستانی در  
چهارچوب  
کشاورزی دقیق  
قرار بگیرند و  
از مزایای آن  
بهره‌برند قطعاً  
قادر خواهند  
بود رکوردهای  
بزرگ‌تری در زمینه  
صرفه‌جویی در  
آب و نهاده‌ها  
و افزایش تولید  
به نام خود ثبت  
کنند.



گفت‌وگو با «محمدرضا پورخاتون» دبیر شورای هماهنگی امور فنی جهاد کشاورزی استان کرمان

## ضایعات محصولات کشاورزی

علل وجود ضایعات محصولات کشاورزی از زنجیره تولید تا مصرف، بافت سنتی و غیرمکانیزه تولید و کمبود امکانات و زیرساخت‌های لازم، عدم آموزش و ارتقای فرهنگ بهره‌وری و عدم سرمایه‌گذاری لازم پس از تولیدات می‌باشند، همچنین چند پارگی مسئولیت‌ها نیز چالش و دغدغه اساسی در امر بهره‌وری است.

پاسخ محمدرضا پورخاتون، دبیر شورای هماهنگی امور فنی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان به سؤالات ما را در ادامه مطالعه نماییم.



### ♦♦ در ابتدا میزان و روند ضایعات محصولات کشاورزی در ایران و جهان را به تفکیک مراحل تولید، توزیع و مصرف مقایسه نمایید.

با توجه به عدم اجرای طرح تحقیقاتی جامع و مستند نمی‌توان در خصوص آمار و اطلاعات مربوط به ضایعات کشاورزی اظهار نظر دقیقی ارائه نمود، اما با توجه به اظهار نظر کارشناسان و برخی مسئولان امر، وجود ضایعات کشاورزی از مرحله تولید تا مصرف در کشور، حداقل به میزان ۲۰ درصد اعلام شده که با توجه به بافت سنتی کشاورزی کشور، این میزان قابل پذیرش است، اما به نظر بنده با توجه به تنوع بالای محصولات کشاورزی بایستی طرح مطالعاتی جامعی جهت استخراج اعداد قابل اتکا در این خصوص به مرحله اجرا درآید.

در مقایسه با کشورهایی که حوزه کشاورزی آن‌ها به صورت مکانیزه مدیریت می‌گردد، قطعاً این اختلاف چشمگیر خواهد بود.

### ♦♦ در واقع از قبیل ضایعات محصولات کشاورزی، میزان قابل توجهی انرژی، آب، نیروی انسانی و دیگر منابع مربوطه به هدر می‌رود، عمده‌ترین دلایل ضایعات محصولات کشاورزی در ایران و راهکارهای علمی و عملی برون‌رفت از این خسارت زایی که به شکل تاریخی درآمده است، چیست؟

متأسفانه به عمق خسارات ناشی از ضایعات کشاورزی در مباحث کارشناسی کمتر توجه شده است. از آنجایی که در تولید انواع محصولات کشاورزی و دامپروری بایستی منابع پایه یعنی عوامل تولید (آب، خاک، سرمایه، نیروی انسانی و سایر نهاده‌های موردنیاز) مصرف گردد؛ لذا هدر رفت و ضایعات در مصرف عوامل تولید وجود دارد و با توجه به محدودیت‌های موجود، لازم است در این خصوص

حساسیت وجود داشته باشد.

اگر بخواهیم علت اصلی وجود ضایعات از زنجیره تولید تا مصرف محصولات کشاورزی را ارائه نماییم، می‌توان به طور خاص به وجود بافت سنتی و غیرمکانیزه در زمینه تولید انواع محصولات کشاورزی و دامی و کمبود امکانات و زیرساخت‌های لازم و به صورت عمومی به عدم آموزش و ارتقا فرهنگ بهره‌وری در بهره‌برداران و عدم سرمایه‌گذاری لازم در حلقه‌های پس از تولید محصول اشاره نمود. راهکار برون‌رفت از این وضعیت، نگاه عمیق کارشناسی به مقوله

♦♦ موانع گذر از خام‌فروشی و توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات کشاورزی و پرسودسازی کشاورزی و جلوگیری از بی‌ثمرسازی این محصولات کدامند، واقعاً چگونه می‌شود به این چالش بزرگ پایان داد؟

گذر از وضعیت خام‌فروشی موجود قطعاً نیازمند سیاست‌های حمایتی خاص در زمینه سرمایه‌گذاری در ارتقاء فناوری‌های نوین در مراحل مختلف تولید محصول و همچنین صنایع موردنیاز پساتولید و حمل‌ونقل و اصلاح فرهنگ مصرف است و این موضوع تا حد زیادی وابسته به شرایط ثبات اقتصاد کشور و امنیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در جهت تشویق سرمایه‌گذاران می‌باشد، اما متأسفانه در حال حاضر وضعیت موجود با انتظار صاحب‌نظران تفاوت دارد.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرماید.

ضایعات در بخش کشاورزی موضوع بسیار مهمی هم به لحاظ اسراف و هدر رفت منابع صرف شده در زمینه تولید محصول و هم تزییع ثروت ملی و درآمد بهره‌برداران است که بایستی مورد توجه حاکمیت قرار گیرد. این پدیده ناخوشایند معلول بی‌توجهی به موضوع بهره‌وری در بخش کشاورزی که خود معلول بی‌ارزش و ارزان قلمداد کردن منابع حیاتی و غیرقابل تجدیدپذیر تولید علیرغم وجود محدودیت‌های جدی در کشور می‌باشد. جهت اصلاح وضعیت موجود، تغییر رویکرد و اعمال سیاست‌های اثربخش و کاربردی از طریق رصد جدی پیشرفت عملیات مربوطه مورد انتظار است. ♦♦

ارتقا بهره‌وری در بخش کشاورزی و همچنین سوق دادن سیاست‌های حاکمیتی به معنای واقعی و کاربردی در این مسیر با به کارگیری ابزارهای حمایتی، تشویقی و در برخی موارد تنبیهی است.

♦♦ وضعیت عجیب ضایعات محصولات کشاورزی و مواد غذایی در ایران قابل تعمق است، به نظر شما مسئول این بیهوده‌سازی کیست و مسئول به سامان‌آوری این وضع با نگاه به دنیا کیست؟

در مورد اصلاح وضع موجود به عنوان یک دغدغه اساسی می‌توان به چندپارگی مسئولیت‌ها به لحاظ عملیاتی ساختن سیاست‌های اجرایی و قوانین مربوطه اشاره کرد که ساماندهی آن از طریق پذیرش واحدی جهت هماهنگی و پیگیری‌های لازم در مسیر پیشرفت و نظارت بر روند امور مورد انتظار است؛ برای مثال در خصوص عقب‌ماندگی در حوزه مکانیزاسیون و فناوری‌های مربوطه که نقش مؤثری در کاهش ضایعات داشته، متوجه تولی‌گری وزارت صمت می‌باشیم، یا در خصوص اصلاح الگوی کاشت و راهکارهای عملیاتی سازی آن در جهت جلوگیری از ضایعات محصولات از وزارت جهاد کشاورزی یاد می‌شود و یا در خصوص مباحث مربوط به سیاست‌های تنظیم بازرگانی داخلی و خارجی مسئولیت متوجه وزارت صمت و جهاد کشاورزی است که به اعتقاد بنده سازمان واحد با تکلیف معین بایستی مسئولیت هماهنگی، نظارت و پاسخگویی امور دستگاه‌های نظارتی را بپذیرا باشد؛ مثلاً سازمان ارتقاء بهره‌وری می‌تواند چنین نقش و مسئولیتی را بپذیرد.



در صنعت بیمه  
نیاز شدید  
به اصلاح و  
تبیین قوانین و  
آیین‌نامه‌های  
جدید می‌باشد.  
از اولین و آخرین  
قانون بیمه کشور  
بدون هیچ‌گونه  
اصلاحات و  
تغییرات حدوداً  
۹ دهه می‌گذرد  
که در این مدت  
طولانی مفاهیم  
بیمه و رابطه  
بیمه‌گر، بیمه‌گذار  
و بیمه‌شده و  
تبادل واریز حق  
بیمه، پرداخت  
وجه خسارت  
بیمه‌شدگان و  
زیان دیدگان،  
مسائل حقوقی  
فی‌مابین طرفین  
و دادگاه‌ها، نحوه  
ارزش‌گذاری  
قیمت دیه  
متوفیان  
تصادفات  
رانندگی و ...  
دچار تغییرات  
شگرف شده  
است.







# نقش کسب‌وکارها در پایداری روستا



## ♦ بتول علیزاده

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان

رابطه بین پایداری روستا و پایداری اقتصادی جوامع یک رابطه دوطرفه است و تضعیف هر طرف می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای طرف مقابل به همراه داشته باشد. واقعیت این است که مهم‌ترین انگیزه مهاجرت روستاییان به مباحث اقتصادی برمی‌گردد درحالی‌که مناطق روستایی عموماً مملو از فرصت‌های جدید و کشف نشده هستند و کمک به کشف و بهره‌برداری درست از این فرصت‌ها و ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه و رقابت‌پذیر بر مبنای آن، می‌تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستاییان و نیز برای کل اقتصاد ایجاد کند.





کرمان			کشور			بخش اقتصادی
میزان ارزش افزوده در تولید به ازای هر مترمکعب (تومان)	مصرف آب (درصد)	مصرف آب (میلیون مترمکعب)	میزان ارزش افزوده در تولید به ازای هر مترمکعب (تومان)	مصرف آب (درصد)	مصرف آب (میلیون مترمکعب)	
۲۷۳۹	۹۴	۶۳۰۰	۳۰۴۳	۹۰	۹۱۷۸۷	کشاورزی
۶۵۰۱۵۹	۱,۱	۷۴	۲۵۳۲۴۸	۳,۶	۲۷۲۶	صنعت و معدن
۱۱۳۱۱۸	۴,۹	۳۱۹	۱۹۴۶۱۵	۶,۴	۶۴۶۶	خدمات
۱۴۴۵۰	۱۰۰	۶۶۹۳	۲۷۳۶۳	۱۰۰	۱۰۰۹۷۹	کل اقتصاد

طبق آمار رسمی  
سازمان مدیریت  
و برنامه ریزی  
استان، سهم  
خدمات در  
اقتصاد استان  
حدود ۴۰ درصد  
است در حالی که  
این سهم در  
اقتصاد کشور  
به طور متوسط  
۶۰ درصد است.  
لذا سوق دادن  
توسعه روستایی  
به فعالیت های  
گردشگری،  
خدمات  
گردشگری  
(مثل رستوران،  
اقامتگاه،  
صنایع دستی،  
تولیدری و...)،  
توسعه تولیدات  
با ارزش افزوده  
بالا و ایجاد  
صنایع تبدیلی و  
تکمیلی تولیدات  
کشاورزی ضمن  
افزایش رفاه  
روستاییان  
همچنین  
می تواند ساختار  
اقتصادی استان  
کرمان را نیز  
متحول کند و آن  
را از اتکا به منابع  
تجدید ناپذیر  
نجات دهد.

### توسعه کسب و کارهای روستایی

اولین و شاید مهم ترین رکن برای توسعه یک کسب و کار، بررسی نسبت میزان ارزش افزوده ایجاد شده به مقدار مصرف منابع کمیاب باشد، بدون شک اصلی ترین منبع محدود و کمیاب در استان کرمان، آب است.

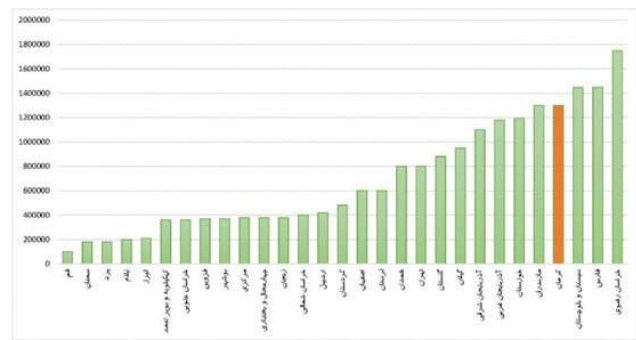
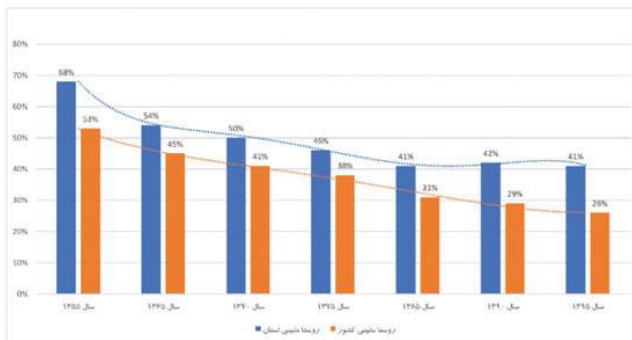
جدول بالا وضعیت مصرف آب و میزان ارزش افزوده در تولید به ازای هر مترمکعب در حوزه های مختلف اقتصادی کشور و استان را نشان می دهد.

همان طور که مشاهده می شود در حالی که بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی می باشد، ولی به ازای هر مترمکعب آب فقط ۳۰۴۳ تومان ارزش افزوده ایجاد کرده است این مقدار در استان کرمان به مراتب نامساعدتر است با وجود مصرف ۹۴ درصد آب استان در این حوزه تنها ۲۷۳۹ تومان ارزش افزوده به ازای هر مترمکعب مصرف آب به دست آمده است اما در بخش صنعت و معدن با مصرف حدود ۴ درصد آب کشور، به ازای هر مترمکعب بیش از ۲۵۳ هزار تومان در سطح کشور و با مصرف یک درصد آب استان بیش از ۶۵۰ هزار تومان در سطح استان کرمان ارزش افزوده تولید کرده است. در حوزه خدمات نیز تقریباً وضعیت بینابینی وجود دارد. افزایش نسبت ارزش افزوده به منابع مصرفی جز با حرکت به سمت کسب و کارهای مبتنی بر دانش امکان پذیر نیست، به طوری که می توان گفت امروز دانش و نوآوری حتی بقا و نابودی کسب و کارها را تحت تأثیر قرار می دهد. به نظر می رسد فعالیت های روستاییان چه در حوزه کشاورزی و چه حوزه صنعتی و خدماتی زمینه های مستعد و مناسبی برای توسعه کسب و کارهای دانش بنیان فراهم کرده است. روستاییان با کمک فناوری های جدید می توانند بهره روری فعالیت های اقتصادی خود را بویژه در حوزه کشاورزی و دامداری افزایش دهند. طبق آمار رسمی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان،

سهم خدمات در اقتصاد استان حدود ۴۰ درصد است در حالی که این سهم در اقتصاد کشور به طور متوسط ۶۰ درصد است. لذا سوق دادن توسعه روستایی به فعالیت های گردشگری، خدمات گردشگری (مثل رستوران، اقامتگاه، صنایع دستی، تولیدری و...)، توسعه تولیدات با ارزش افزوده بالا و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی تولیدات کشاورزی ضمن افزایش رفاه روستاییان همچنین می تواند ساختار اقتصادی استان کرمان را نیز متحول کند و آن را از اتکا به منابع تجدید ناپذیر نجات دهد.

### مهاجرت روستاییان

متأسفانه با اتفاقاتی که طی سال های اخیر افتاده است دیگر زندگی روستایی مقرون به صرفه نیست. عمده ترین دلیل مهاجرت از روستا به شهر به نبود درآمد پایدار و وجود مشکلات اقتصادی برمی گردد. روستاییان به سودای رسیدن به شرایط زندگی بهتر رنج مهاجرت به شهرها را می پذیرند. فقر و پایین بودن سطح دانش بیشتر افراد ساکن روستا باعث شده تا در مقابل مشکلات اقتصادی اخیر کشور مثل تورم بالا و نوسانات بازار بیش از سایرین آسیب پذیر باشند. توسعه نامتوازن و در نتیجه هزینه های بالا و محدودیت های دسترسی به خدمات اجتماعی، امکانات پزشکی، اداری و رفاهی باعث شده ماندن در روستا برای ساکنین آن مقرون به صرفه نباشد. نداشتن درآمد کافی برای تأمین هزینه زندگی خود، نبود سیستم صحیح و سریع برای رساندن تولیدات به بازار مصرف، خشکسالی و سایر حوادث طبیعی که موجب آسیب های جدی در سطح تولید و کاهش سطح زیر کشت و حتی اتلاف دام آن ها شده، باعث افزایش حجم مهاجرت به شهرها شده است اصولاً چون محور توسعه روستاها به طور سنتی، کشاورزی تعریف شده، محدودیت ایجاد شده برای کسب و کارهای کشاورزی از جمله کم آبی، خشکسالی و



و جاده‌های مواصلاتی روستایی است. هر چند اصولاً اقتصاد روستا اقتصادی مردمی، درون‌زا و متکی بر توانمندی و مشارکت روستاییان است و ظرفیت‌ها و توانایی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی ایران و به‌خصوص کرمان بسیار بالاست، اما واقعیت این است که اگر چهارچوب سیاست‌گذاری‌ها به‌طور ویژه سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی کشور اصلاح نشود، عملاً امکان بهره‌گیری از این ظرفیت‌های درونی میسر نمی‌شود. فقط با اصلاح سیاست‌های اقتصادی در جهت حرکت به‌سوی توسعه پایدار اقتصادی روستا می‌توان به حفظ مفهوم واقعی زندگی روستایی، حفاظت از منابع تجدیدناپذیر، حفظ فرهنگ مناطق روستایی و توسعه اشتغال و درآمد در روستا امیدوار بود. به علاوه با توجه به تأثیر بسزای فضای کسب‌وکار در موفقیت یا عدم موفقیت یک نظام اقتصادی، قطعاً تسهیل فضای کسب‌وکار روستایی می‌تواند مشوق مهمی در رونق کسب‌وکارهای روستایی و حتی مهاجرت معکوس کسب‌وکارها به روستاها باشد. با اصلاح نظام اداری و در نظر گرفتن تسهیلات خاص کسب‌وکارها در روستاها از جمله معافیت‌های قانونی بویژه در حوزه بیمه و مالیات و همچنین از طریق ایجاد زیرساخت‌های الکترونیکی و تسهیل دسترسی کسب‌وکارها به خدمات اجتماعی و نظام اداری می‌توان انگیزه روستاییان برای مهاجرت را کاهش داد. در واقع هر اقدامی که در راستای حفظ و رونق کسب‌وکارهای روستایی برای ایجاد منبع درآمد پایدار متناسب با ویژگی‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های آن منطقه باشد، پارامتر مهمی برای نگهداری و حفظ جمعیت روستایی محسوب می‌شود.

اگر هدف بازگرداندن رونق روستاها و حفظ آن می‌باشد بایستی برای توسعه اقتصاد روستا در سطح کوتاه‌مدت و بلندمدت برنامه‌ریزی لازم انجام شود. به‌طور خاص در زمینه تغییر رویکردها از سنتی به دانش‌بنیان و مکانیزه کردن فعالیت‌ها بایستی اقدامات مؤثری انجام شود. اگر کشاورزی روستاها مکانیزه شود، بازدهی و راندمان در بخش کشاورزی افزایش می‌یابد و باعث ارزان‌تر شدن نیروی کار می‌شود و این امر منتهی به افزایش تولید محصولات و بهره‌وری می‌شود. به‌جرت

ضعف مدیریت منابع آبی، پایداری اقتصادی روستا را تحت تأثیر قرار داده و یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت بوده است. نمودار بالا نشان‌دهنده جمعیت روستانشین استان‌های کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌باشد. مطابق با این سرشماری از جمعیت ۳,۱۶۴,۷۱۸ نفری کل استان ۱,۳۰۶,۱۳۱ نفر در نقاط روستایی ساکن هستند و استان کرمان از لحاظ جمعیت روستانشین در رتبه چهارم در کشور قرار دارد. به‌منظور بررسی دقیق‌تر این موضوع روند چندساله جمعیت روستانشین استان کرمان با مقایسه با کشور می‌پردازیم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سطح ملی، نرخ روستانشینی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ به‌صورت یکنواخت نزولی بوده است که به این معناست که مهاجرت در روستاها به سمت شهرها و حاشیه‌نشینی شهرها در حال تشدید می‌باشد، ولی در استان کرمان از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، تقریباً نرخ روستانشینی حدود ۴۱ درصد ثابت مانده است. شاید بتوان دلیل این موضوع را فعال بودن بخش کشاورزی استان کرمان (باوجود همه دشواری‌های موجود) عنوان نمود. ۲۷ درصد اشتغال استان کرمان در بخش کشاورزی است و رتبه یک کشور می‌باشد، اما تنها ۱۶ درصد ارزش‌افزوده استان از بخش کشاورزی به دست می‌آید که از این منظر در رتبه ۷ کشوری قرار داریم. مقایسه این دو شاخص نشان‌دهنده بهره‌وری پایین بخش کشاورزی و تأیید سنتی بودن ساختار کشاورزی استان می‌باشد. طبعاً در ساختارهای سنتی کشاورزی، توجهی به موضوع راندمان و بهره‌وری منابع از جمله آب و نیروی انسانی نمی‌شود و تخصیص بارانه‌ها و سوبسیدهای دولت برای روستانشینان و افراد کم‌درآمد روستا نیز مزید بر علت شده تا روستاییان به این سطح از بهره‌وری قانع باشند.

#### نقش دولت در توسعه اقتصاد روستا

مهم‌ترین وظیفه دولت تسهیل‌گری و تأمین و تقویت زیرساخت‌های اساسی از جمله برق، آب و گاز و توسعه راه‌ها

در سطح ملی،  
نرخ روستانشینی  
از سال ۱۳۵۵ تا  
۱۳۹۵ به‌صورت  
یکنواخت نزولی  
بوده است که  
به این معناست  
که مهاجرت  
در روستاها به  
سمت شهرها و  
حاشیه‌نشینی  
شهرها در  
حال تشدید  
می‌باشد، ولی  
در استان کرمان  
از سال ۱۳۸۵  
تا ۱۳۹۵، تقریباً  
نرخ روستانشینی  
حدود ۴۱ درصد  
ثابت مانده است.  
شاید بتوان دلیل  
این موضوع را  
فعال بودن بخش  
کشاورزی استان  
کرمان (باوجود  
همه دشواری‌های  
موجود) عنوان  
نمود.



در بازار نقش آفرینی کنند و درآمد روستانشینان را افزایش دهد. همچنین، انتقال صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی به روستاها در قالب واحدهای کوچک و خانگی که وظیفه فرآوری محصولات کشاورزی را برعهده دارند می‌تواند تأثیرگذار باشد.

### سخن آخر

هرچند اصلی‌ترین اهداف توسعه کسب‌وکارهای روستایی فراهم ساختن شرایط توسعه اقتصادی پایدار است، اما زیربنایی‌ترین نیاز یک کشور به اقتصاد روستایی به وابستگی کشور به مواد غذایی برمی‌گردد. روستاییان در رأس زنجیره تأمین مواد غذایی یک کشور قرار گرفته‌اند و نابودی اقتصاد روستا در اولین نگاه، به معنای از بین رفتن امنیت غذایی آن منطقه است. از سوی دیگر روستاییان مهاجر به احتمال زیاد به جمعیت فقیر و حاشیه‌نشین شهرها تبدیل می‌شوند که می‌تواند آسیب‌های مختلفی نیز به همراه داشته باشند؛ به لحاظ فرهنگی، تغییر سبک زندگی و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، به لحاظ اجتماعی، شیوع انواع آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و بیکاری از جمله افزایش طلاق، کاهش نرخ ازدواج، کاهش اعتماد به نفس و افزایش حاشیه‌نشینی، به لحاظ زیست‌محیطی، تخریب و از بین رفتن منابع، افزایش مخاطرات طبیعی و به لحاظ امنیتی، تهدید مرزها، خالی شدن مرزها، افزایش درگیری مرزی و بروز مشکلاتی در داخل کشور ضمن اینکه روستاها به جز ایفای نقش مهم در اقتصاد کشورها در واقع بخش مهمی از فرهنگ و تمدن آن‌ها را تشکیل می‌دهند و نابودی روستاها یعنی نابودی تمدن، فرهنگ و پیشینه یک ملت. ♦♦

می‌توان گفت یکی از پیشرانان اقتصاد روستایی بی‌شک توسعه گردشگری است. وجود طبیعت بکر و دست‌نخورده فرصت مناسبی را برای گردشگران مخصوصاً گردشگران خارجی ایجاد می‌کند. پارامترهای جذاب زندگی روستایی از جمله ظرفیت‌های فرهنگی، یادمان‌های تاریخی، ساختارهای اجتماعی متنوع و کارآمد، نوع و شیوه زندگی منحصر به فرد روستایی در کنار محصولات محلی و سالم اگر با نوعی نگاه نوآورانه همراه شود، می‌تواند از طریق توسعه انواع مدل‌های گردشگری از جمله بوم‌گردی، اکوتوریسم و گردشگری کشاورزی آن را به پیشران اقتصاد روستایی مبدل کند. ضمن این‌که رونق کسب‌وکارهای گردشگری علاوه بر درآمدزایی مستقیم و افزایش کیفیت زندگی روستاییان، همچنین می‌تواند ریشه‌های ارتباطی بین جامعه شهری و روستایی را تقویت کند. اصولاً در روستاها پیوندهای اجتماعی قوی‌تر است و روحیه کار، تلاش، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و تعاون بالاتر از شهر است با ایجاد و راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانوادگی و گروهی می‌توان تعهد ایشان به توسعه و پیشرفت روستا را نیز تقویت کرد. با مطالعه و بررسی علمی پیرامون استعدادها، ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها، ایجاد بستر ترویج و آموزش جامعه روستایی برای استفاده بهینه از منابع، حمایت برای ایجاد کسب‌وکارهای پایدار و با ارزش افزوده بالا و کمک به بهبود کیفیت زندگی روستایی از طریق توزیع متوازن درآمدهای کشور می‌توان نقش مهمی در توسعه اقتصاد روستایی ایفا کرد. از طرف دیگر راه‌اندازی تعاونی‌ها و کنسرسیوم‌ها و تجمیع فعالیت‌های اقتصاد روستایی کمک می‌کند این تعاونی‌ها به صورت مستقیم



● عکس: ایرنا ●

### قطعا تسهیل

#### فضای کسب‌وکار

#### روستایی

#### می‌تواند مشوق

#### مهمی در رونق

#### کسب‌وکارهای

#### روستایی و حتی

#### مهاجرت معکوس

#### کسب‌وکارها

#### به روستاها

#### باشد. با اصلاح

#### نظام اداری و

#### در نظر گرفتن

#### تسهیلات خاص

#### کسب‌وکارها در

#### روستاها از جمله

#### معافیت‌های

#### قانونی بویژه

#### در حوزه بیمه و

#### مالیات و همچنین

#### از طریق ایجاد

#### زیرساخت‌های

#### الکترونیکی و

#### تسهیل دسترسی

#### کسب‌وکارها

#### به خدمات

#### اجتماعی و نظام

#### اداری می‌توان

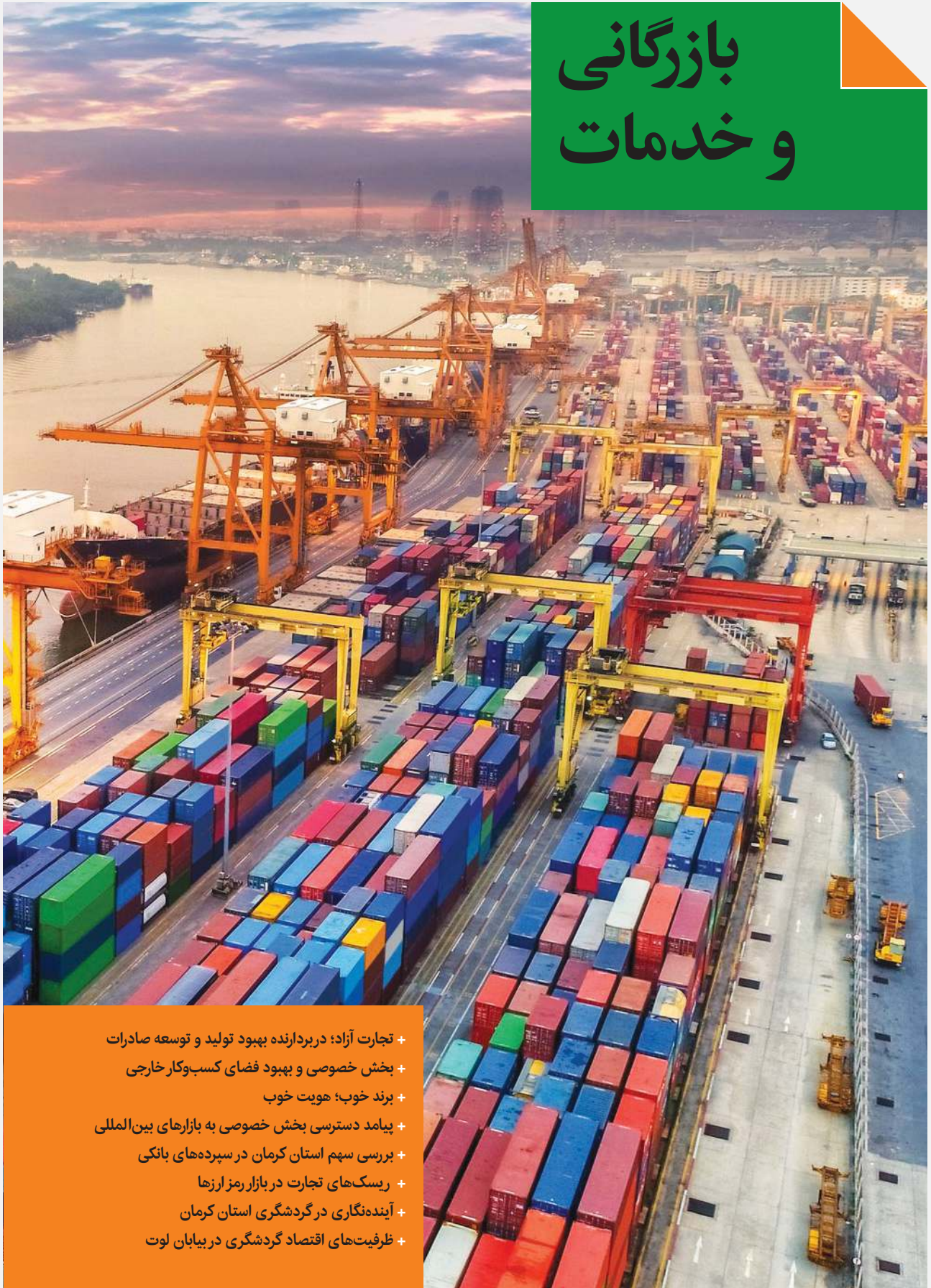
#### انگیزه روستاییان

#### برای مهاجرت را

#### کاهش داد.



# بازرگانی و خدمات



- + تجارت آزاد؛ دربردارنده بهبود تولید و توسعه صادرات
- + بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار خارجی
- + برند خوب؛ هویت خوب
- + پیامد دسترسی بخش خصوصی به بازارهای بین المللی
- + بررسی سهم استان کرمان در سپرده های بانکی
- + ریسک های تجارت در بازار رمز ارزها
- + آینده نگاری در گردشگری استان کرمان
- + ظرفیت های اقتصاد گردشگری در بیابان لوت



گفت‌وگو با «مسعود خوانساری» رییس اتاق تهران

## تجارت آزاد؛ دربردارنده بهبود تولید و توسعه صادرات

مسعود خوانساری، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در پاسخ به سؤالات ما، تأکید می‌کند که ابتدایی‌ترین لازمه تجارت پایدار، کمتر شدن موانع جدی حضور در بازارهای جهانی است؛ رفع تحریم‌ها، خروج دولت از مداخله در امر تولید و تجارت و اکتفا به وظیفه تنظیم‌گری و تسهیل‌گری خود، در همین راستا مورد انتظار است. اهتمام دولت در تقویت دیپلماسی اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها از دیگر الزامات تجارت پایدار است. او می‌گوید: آنچه می‌تواند به کمک تجارت کشور بیاید توسعه توافقات منطقه‌ای و تلاش برای کسب سهم بیشتر از بازار کشورهای همسایه و منطقه است که با توجه به بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی نمی‌توان روی ماندگاری آن در بلندمدت حساب ویژه‌ای باز کرد. علی‌رغم برخورداری از نعمت ظرفیت‌های جغرافیایی، اما مسئله اصلی استفاده از این ظرفیت‌هاست که در آن توفیق چندانی نداشته‌ایم و درحالی‌که شرایط کاملاً بهتری در مقایسه با کشورهای جنوب خلیج فارس داریم، ولی کشورهایی چون امارات، قطر و تا حدودی ترکیه به هاب حمل‌ونقل دریایی و هوایی مسافر و کالا تبدیل شده‌اند. خوانساری معتقد است که موافقت‌نامه‌های تجاری بین کشورها، یکی از اصولی‌ترین راه‌های توسعه تجارت است. کشور ما متأسفانه در موافقت‌نامه‌های تجاری کارنامه موفق‌تری ندارد و شاید توافق با اتحادیه اوراسیا مهم‌ترین موافقت‌نامه تجاری ما باشد. دولت تمرکز ویژه‌ای به توسعه تجارت با اتحادیه اوراسیا که متشکل از پنج کشور است، معطوف کرده است؛ انتظار این است که این توجه به تجارت با سایر همسایگان هم تعمیم پیدا کند و همکاری تنگاتنگی میان ۱۶ کشور هم‌جوار شکل بگیرد. وی یادآوری می‌کند که نه فقط در عرصه تجارت که در کل اقتصاد، قیمت‌گذاری ۴۲۰۰ تومانی ارز، بدترین تجربه اقتصادی ما در سال‌های اخیر بود که دولت سیزدهم در یک اقدام جسورانه نسبت به حذف آن اقدام کرد، اما اکنون ارز نیمایی جای آن را گرفته و قیمت ارز ترجیحی روزبه‌روز از قیمت واقعی ارز فاصله بیشتری می‌گیرد تا احتمالاً در شرایط مشابه با آنچه در زمان ارز ۴۲۰۰ تومانی بود، قرار بگیریم.

اشکال دیگر این است که صادرکنندگان که کالای خود را بر مبنای ارز آزاد تهیه کرده‌اند، باید ارز حاصل از صادرات خود را به نرخ نیمایی عرضه کنند و این به‌مثابه ضربه دیگری به تجارت است. به این نکته مهم باید توجه داشت که تجارت مسیری دوطرفه است و حاکمیت باید این نگرش را که واردات را امری مذموم و مخرب تولید می‌پندارد، کنار بگذارد، زیرا دستیابی به توسعه صنعتی و رونق صادرات با ایجاد ممنوعیت و محدودیت در مقابل واردات ممکن نیست. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه کنیم.





اصل تجارت آزاد،  
قوه حاکمه در  
مناسبات تجاری  
کشورها را شکل  
داده است و  
دولت‌ها در نقش  
رگولاتور و فعالان  
اقتصادی حوزه  
تجارت به‌عنوان  
بازیگران اصلی،  
به تجارت آزاد  
روح بخشیده‌اند.  
با این حال،  
تنوع بازارها و  
کشورهای دارای  
کالا و فناوری،  
عامل رقابت در  
عرصه تجارت را  
نیز مهم و اثرگذار  
جلوه داده است  
و کشورهایی قادر  
خواهند بود در  
دنیای تجارت  
آزاد موفق عمل  
کنند که از بعد  
رقابت در قیمت  
و کیفیت، حرفی  
برای گفتن داشته  
باشند.

کشورها، بر پایه تجارت آزاد بگذاریم که امروز در بخش عمده‌ای از جغرافیای تجارت جهانی این‌گونه است، گمان من بر این است که سیاست تجاری کشورها تعیین می‌کند که دسترسی به کدام بازارها، فارغ از مرزهای جغرافیایی، اقتصاد آن کشور و حضورش در بازارهای جهانی را قوام می‌بخشد. امروز، کشوری مانند چین جای پای خود را در بازارهای دوردست و عمدتاً کشورهای کمتر توسعه‌یافته باز کرده و دامنه بازارهای تجاری خود را به‌طور فزاینده‌ای طی یک دهه اخیر گسترش داده است. چین که ابتدا با تکیه بر نیروی کار ارزان توانست حضور فزاینده‌ای در بازارهای توسعه‌یافته مانند اروپا و آمریکا داشته باشد، طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌ها زیادی در آمریکای جنوبی و آفریقا انجام داده و تلاش دارد حضور فعال و مؤثری در بازارهای این کشورها نیز داشته باشد.

ضمن اینکه عامل جغرافیا می‌تواند ظرفیت‌هایی مانند دسترسی به آب‌های آزاد یا قرار گرفتن در یک منطقه سوق‌الجیشی و شاهراه ارتباطی برای یک کشور ایجاد کند که ما از این نعمت‌ها برخورداریم، اما مسئله اصلی استفاده از این ظرفیت‌هاست که در آن توفیق چندانی نداشتیم. درحالی‌که ما شرایط کاملاً بهتری در مقایسه با کشورهای جنوبی خلیج فارس داریم، در حال حاضر کشورهایی چون امارات و قطر و تا حدودی ترکیه هستند که به هاب حمل‌ونقل دریایی و هوایی مسافر و کالا تبدیل شده‌اند.

## ◆ به نظر شما عواملی که به‌طور عمده روابط تجاری بین کشورها را تنظیم می‌کنند، کدامند؟

تجارت در طول تاریخ، بر پایه رفع نیاز و تقاضای بازارها استوار بوده و ممالک و کشورها عمدتاً با هدف پاسخ به نیازهای خود و ایجاد تعادل در بازار داخل به تجارت روی آورده‌اند. تجارت همیشه بر پایه مزیت نسبی شکل گرفته است، به این صورت که هر مملکتی به دلیل شرایط آب‌وهوایی و منابع طبیعی در تولید برخی کالاها مزیت نسبی داشته و قادر بوده آن کالاها را در حجم بیشتر با کیفیت بهتر و قیمت پایین‌تر نسبت به سایر ممالک تولید کند، همان کالاها هم پایه و اساس تجارت و در واقع صادراتش به دیگر کشورها بوده و براساس درآمد حاصل از آن نیازهایی که خود قادر به تأمین نبوده است را خریداری و وارد می‌کرده است. امروزه نیز اصل تجارت آزاد، قوه حاکمه در مناسبات تجاری کشورها را شکل داده است و دولت‌ها در نقش رگولاتور و فعالان اقتصادی حوزه تجارت به‌عنوان بازیگران اصلی، به تجارت آزاد روح بخشیده‌اند. با این حال، تنوع بازارها و کشورهای دارای کالا و فناوری، عامل رقابت در عرصه تجارت را نیز مهم و اثرگذار جلوه داده است و کشورهایی قادر خواهند بود در دنیای تجارت آزاد موفق عمل کنند که از بعد رقابت در قیمت و کیفیت، حرفی برای گفتن داشته باشند.

اما اگر کشور خودمان را مدنظر قرار دهیم و بخواهیم جدی‌ترین شاخص در ارتقای روابط تجاری با دیگر کشورها را جست‌وجو کنیم، گمان می‌کنم از منظر غالب اقتصاددانان و کارشناسان اهل فن، در حال حاضر اصلی‌ترین مقوله رفع تحریم‌ها با استفاده از دیپلماسی و مذاکره است. تا مسئله تحریم حل نشود، موانع زیادی پیش روی تجارت خارجی ما وجود دارد که امکان توسعه متوازن و پایدار را از آن سلب می‌کند. تحریم سقف تجارت خارجی ما را بسیار پایین‌تر از ظرفیت‌ها قرار داده و امکان رشد آن بسیار محدود است. با ادامه تحریم، آنچه می‌تواند به کمک تجارت کشور باید توسعه توافقات منطقه‌ای و تلاش برای کسب سهم بیشتر از بازار کشورهای همسایه و منطقه است که با توجه به بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی نمی‌توان روی ماندگاری آن در بلندمدت حساب ویژه‌ای باز کرد. با فرض رفع تحریم که امیدواریم هر چه سریع‌تر حاصل شود، دیپلماسی اقتصادی دولت و تلاش بخش خصوصی می‌تواند به توسعه تجارت ما بینجامد. تجارت آزاد بدون محدودیت تحریم خارجی و کج‌سلیقگی‌های داخلی، می‌تواند ما را به سمت بهبود کیفی و کمی تولید با استفاده از واردات مواد اولیه و فناوری‌های روز و توسعه صادرات از طریق تنوع‌بخشی به کالاهای صادراتی و شرکای تجاری سوق دهد.

## ◆ جغرافیا را چقدر در روابط اقتصادی و تجاری مؤثر می‌دانید؟

همان‌طور که اشاره شد، اگر اصل را در مناسبات اقتصادی میان



## ◆ سهم موافقت‌نامه‌های تجاری با دیگر کشورها در تجارت خارجی امروز کشور چگونه است؟

موافقت‌نامه‌های تجاری بین کشورها یکی از اصولی‌ترین راه‌های توسعه تجارت است و نمونه‌های متعددی مانند موافقت‌نامه تجاری بین کانادا، مکزیک و آمریکا، منطقه اقتصادی اروپا یا موافقت‌نامه بزرگ همکاری‌های اقتصادی جامع منطقه‌ای بین ۲۵ کشور دنیا وجود دارد که بزرگترین اقتصادهای دنیا را به هم مرتبط می‌سازد. در این موافقت‌نامه موانع تعرفه‌ای برداشته می‌شود و تجارت آزاد با حداقل بوروکراسی و مداخله دولت شکل می‌گیرد که سهم بالایی در ارتقا تولید، توسعه تجارت و ایجاد اشتغال در طرف‌های قرارداد ایفا می‌کند. کشور ما متأسفانه در موافقت‌نامه‌های تجاری کارنامه موفق ندارد و شاید توافق با اتحادیه اوراسیا مهم‌ترین موافقت‌نامه تجاری ما باشد که هنوز هم در عمل، چندان به نتیجه نرسیده است. یا اجرای توافق تجارت ترجیحی میان ایران و پاکستان از جمله دیگر این موافقت‌نامه‌هاست که پیاده‌سازی کامل آن، نیاز به عزم جدی دولت‌های دو کشور دارد. عضویت در پیمان شانگهای با وجود محوریت امور سیاسی در آن، می‌تواند در آینده نزدیک مزایای اقتصادی برای کشور داشته باشد که این هم نیاز به تلاش دولت برای تسهیل روابط اقتصادی و تجاری با اعضای این سازمان دارد.

درحالی‌که در جغرافیای امروز تجارت بین‌الملل، عزم کشورها برای اجرای موافقت‌نامه‌های تجاری پرتنگ‌تر از ادوار گذشته شده و امروز شاهد امضای این دست از مناسبات و اجرای آن از سوی کشورها هستیم. در چنین شرایطی و با توجه به ماندگاری تحریم‌ها علیه ایران در دوره کنونی، به نظر می‌رسد که دولت و تصمیم‌گیران عرصه تجارت خارجی کشور، باید اراده خود را بر اجرای موافقت‌نامه‌های قبلی و گفت‌وگو با دیگر دولت‌ها برای امضای پیمان‌های تجاری جدید با ایران، قرار دهند و تلاش کنند تا با استفاده از ابزارهای نوین و رویکردهای تازه، تجارت خارجی کشور با به‌کارگیری این دست از موافقت‌نامه‌ها ارتقا یابد. دستیابی به یک موافقت‌نامه تجاری کار سنگین و پیچیده و متضمن مذاکرات طولانی است، گاهی یک دهه طول می‌کشد تا کشورها به یک موافقت‌نامه تجاری دست پیدا کنند. با این حال باید دستیابی به این ابزار مهم توسعه تجارت همیشه در دستور کار نهادهای متولی دولتی مانند سازمان توسعه تجارت باشد، البته با همکاری و همفکری بخش خصوصی.

## ◆ چه تحلیلی از چشم‌انداز تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارید؟

مذاکرات مربوط به توافق تجارت آزاد ایران و بلوک اقتصادی اوراسیا، به‌رغم پیچیدگی‌های مرسوم در این‌گونه مذاکرات، تاکنون روندی رو به جلو داشته و آن‌طور که از سوی مسئولان دولت اعلام شده، دور بعدی این مذاکرات به‌زودی آغاز خواهد شد و از اوایل سال

آینده خورشیدی نیز تجارت آزاد ایران با کشورهای عضو این اتحادیه، اجرایی می‌شود. هرچند سطح مناسبات تجاری ایران با کشورهای این منطقه، هنوز به آنچه که انتظار می‌رود، نرسیده است اما آمارها نشان می‌دهد که تبادلات کالایی میان دو طرف مسیر رشد را طی کرده است که در صورت اجرایی شدن توافق تجارت آزاد ایران و اتحادیه اوراسیا و پیاده‌سازی تعرفه‌های صفر در تبادلات دو طرف، پیش‌بینی می‌شود که سطح تجارت ایران و اوراسیا جهش قابل توجهی را طی ماه‌های پس از اجرایی شدن این توافق، تجربه کند. با این حال، مهم دسترسی سریع‌تر به توافق بر پایه مزیت‌های نسبی کشورمان است.

## ◆ سازمان تجارت جهانی در حال حاضر چقدر قادر به ابقای نقشی است که هدف از تشکیل آن بوده است؟

سازمان تجارت جهانی که در سال ۱۹۹۵ آغاز به کار کرد، به دنبال توافق میان ۱۲۳ کشور در مراکش اساساً با هدف محوری «تنظیم و تسهیل تجارت جهانی» تأسیس شد. البته قدمت آن بیشتر و در واقع براساس تشکیل موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت به اسم گات بین ۲۳ کشور در سال ۱۹۴۷ برمی‌گردد که به‌نوعی سنگ بنای ایجاد سازمان تجارت جهانی است، اما پس از تأسیس سازمان، تحقق این هدف رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. سازمان خود را به‌عنوان مرجع و مکانی معرفی کرده که در آن دولت‌های عضو تلاش می‌کنند تا مشکلات تجاری خود را با یکدیگر حل‌وفصل کنند و کارکرد اصلی خود را نیز «ارتقاء رشد با تسهیل تجارت» اعلام کرده است.

طی مدت نزدیک به سه دهه که از تأسیس سازمان تجارت جهانی می‌گذرد، اثرات ملموسی در رشد اقتصاد جهانی و توسعه تجارت میان ملل مختلف قابل مشاهده است. به‌طوری‌که از سال ۱۹۹۵ تا به‌حال ارزش دلاری تجارت جهانی تقریباً چهار برابر شده است؛ علاوه بر این متأثر از سیاست‌های سازمان، میانگین تعرفه‌ها از ۱۰.۵ درصد به ۶.۴ درصد کاهش پیدا کرده و تقریباً نصف شده است. در خلال این سال‌ها زنجیره ارزش جهانی توسعه‌یافته و کسب‌وکارها با اطمینان به توانایی خود در انتقال اجزا و خدمات مرتبط در چندین نقطه مختلف، توانسته‌اند محصولات تولیدی را در کشورها و مناطق تقسیم کنند. مطابق گزارش‌های بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ بیش از یک نفر از هر سه نفری که در سراسر جهان زندگی می‌کردند، در فقر شدید قرار داشتند که امروزه و با گسترش زنجیره ارزش جهانی نرخ فقر شدید به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است.

## ◆ کشورهای همسایه ما در وجه غالب، واردات محورند. جایگاه ایران در تجارت خارجی این کشورها چگونه است؟

آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، این است که ایران هنوز نتوانسته سهم درخوری در تأمین کالاهای موردنیاز همسایگان کسب کند که قاعدتاً یک دلیل عمده‌اش تحریم بوده و مابقی به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی دولت و دستگاه دیپلماسی برمی‌گردد. ما

### عامل جغرافیا

می‌تواند

ظرفیت‌هایی

مانند دسترسی

به آب‌های آزاد

یا قرار گرفتن

در یک منطقه

سوق الجیشی و

شاهراه ارتباطی

برای یک کشور

ایجاد کند که ما

از این نعمت‌ها

برخورداریم، اما

مسئله اصلی

استفاده از این

ظرفیت‌هاست

که در آن توفیق

چندان نداشته‌یم.

درحالی‌که ما

شرایط کاملاً

بهتری در مقایسه

با کشورهای

جنوبی خلیج

فارس داریم،

در حال حاضر

کشورهایی چون

امارات و قطر و

تا حدودی ترکیه

هستند که به

هاب حمل‌ونقل

دریایی و هوایی

مسافر و کالا

تبدیل شده‌اند.

دیوان‌سالاری» و «تضعیف صادرات» بود. در مورد اول با توجه به اینکه مسئولان دولتی می‌خواستند قیمت‌ها را کنترل کنند روزه‌روز، مداخلات خود را گسترش دادند و قیمت‌گذاری دستوری روی کالاها افزایش یافت که هم به صنعت ضربه وارد کرد و تولید و رشد صنعتی را کاهش داد و هم صادرات را تحت‌الشعاع قرار داد.

دولت سیزدهم در یک اقدام جسورانه نسبت به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی اقدام کرد که این موضوع از مهم‌ترین درخواست‌های بخش خصوصی و اتاق بازرگانی در چهار سال گذشته بوده و مدام ما پیگیر بودیم که این اتفاق بیفتد و اگرچه این اصلاح دیر هنگام رخ داد، اما گام بسیار خوبی برداشته شد. اما مسئله این است که اکنون ارز نیمایی جای ارز ۴۲۰۰ تومانی را گرفته و قیمت ارز ترجیحی روزه‌روز از قیمت واقعی ارز فاصله بیشتری می‌گیرد. یعنی دوباره قیمت ثابتی برای ارز نیمایی در نظر گرفته شده و احتمالاً شاهد شرایط مشابه با آنچه در زمان حیات ارز ۴۲۰۰ تومانی بودیم، باشیم. نکته دیگر آنکه صادرکنندگان که کالای خود را بر مبنای ارز آزاد تهیه کرده‌اند، باید ارز حاصل از صادرات خود را به نرخ نیمایی عرضه کنند و این به‌منابه ضربه دیگری به صادرات و تجارت است.

در عین حال باید توجه داشت که تجارت مسیری دو طرفه است و دولت و حاکمیت باید این نگرش را که واردات را امری مذموم و مخرب تولید می‌پندارد، کنار بگذارند؛ برای مثال ارزش صادرات کشوری نظیر ترکیه در شش‌ماهه نخست سال ۲۰۲۲ به بیش از ۱۲۵ میلیارد دلار رسیده و در مقابل واردات این کشور در همین مدت در سطح ۱۷۷ میلیارد دلار قرار گرفته است. بنابراین دستیابی به توسعه صنعتی و رونق صادرات با ایجاد ممنوعیت و محدودیت در مقابل واردات ممکن نیست و دولت‌مردان باید بدانند که با ایجاد این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، اهداف توسعه‌ای در اقتصاد محقق نمی‌شود.

#### ◆ الزامات تجارت پایدار از دید شما چیست؟

ابتدایی‌ترین لازمه‌اش، کمتر شدن موانع جدی حضور در بازارهای جهانی است که در حال حاضر بارزترین آن تحریم است که باید رفع شود. هم‌چنین دولت دست از مداخلاتی که پیش‌ازاین به نمونه‌هایی از آن اشاره کردم، بردارد. به‌عبارت‌دیگر، خروج دولت از مداخله در امر تولید و تجارت، امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را برای بخش خصوصی فراهم می‌کند. یعنی اگر دستگاه‌های دولتی تنها به وظیفه تنظیم‌گری خود در این بخش‌ها اکتفا کنند و از مداخلات ریزودرشت در آن‌ها دست بکشند، وضعیت و شرایط تولیدکنندگان و متعاقب آن صادرکنندگان بهبود پیدا خواهد کرد. الزام دیگر، اهتمام دولت در زمینه‌ی تقویت دیپلماسی اقتصادی و توسعه زیرساخت‌هاست. اگر دولت از میزان مداخلات خود بکاهد و تنها به امر تسهیل‌گری بپردازد، بخش خصوصی نه‌تنها صادرات و تجارت خارجی که کلیت اقتصاد کشور را در مسیر توسعه قرار می‌دهد و مطمئناً توسعه همه‌جانبه کشور قطعاً نیاز به توسعه اقتصادی دارد. ◆◆

در بهره‌گیری از ظرفیت همسایگان برای توسعه تجارت و نفوذ گسترده در این بازار نسبتاً پرجمعیت به حدی که شایسته است توفیق نداشته‌ایم. جای نگرانی است که در ماه‌های اخیر اخباری از کاهش سهم ایران در بازار کشوری نظیر عراق که جزو شرکای تجاری اصلی ایران در منطقه به شمار می‌آید شنیده می‌شود؛ چنانکه گفته می‌شود صادرات به عراق در پنج ماه نخست سال جاری، ۶،۳ درصد در ارزش و ۲۸،۷ درصد در وزن دچار افول شده است. یا سهم ایران در بازار پهنای روسیه که سالانه حدود ۳۰۰ میلیارد دلار واردات دارد، حدود ۵۰۰ میلیون دلار است که به یک درصد هم نمی‌رسد. ترکیه به‌عنوان همسایه غربی ایران نیز سالانه حدود ۳۰۰ میلیارد دلار کالا از سایر کشورها وارد می‌کند که ایران تنها به میزان ۵ میلیارد دلار از این نیاز را تأمین می‌کند. این مصادیق به‌روشنی نشان می‌دهد که به‌رغم وجود چنین ظرفیتی در همسایگی کشور برای رونق صادرات و پرکردن ظرفیت خالی تولید این ظرفیت‌ها بلااستفاده مانده است و اگر بنگاه‌هایی هم با سرسختی توانسته‌اند بر قبای خود در این بازارها پیروز شوند و سهمی از بازارهای منطقه را تصاحب کنند، کسب‌وکارشان با تصمیم‌های خلق‌الساعه، ایجاد یک محدودیت به بهانه تنظیم بازار داخل یا تعقیب سیاست‌های جرم‌انگازانه در مورد بازگشت ارز صادراتی دائماً در معرض تهدید قرار دارد. پرواضح است که این نوع سیاست‌گذاری، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده و گروهی از تأمین‌کنندگان و صادرکنندگان شناسنامه‌دار نیز برای مصونیت از این مداخله‌ها که موجب از دست رفتن اعتبار فعال اقتصادی می‌شود، فعالیت خود را بسیار محدود کرده‌اند. مهم‌تر آنکه در نبود یک دیپلماسی قوی اقتصادی با همسایگان که دولت مسئول آن است، تجارت با این کشورها دچار کرحتی شده است. البته مقامات دولتی، تمرکز ویژه‌ای را روی توسعه تجارت با اتحادیه اوراسیا که متشکل از ۵ کشور است، معطوف کرده و انتظار این است که این توجه به تجارت با سایر همسایگان هم تعمیم پیدا کند و همکاری تنگاتنگی میان این ۱۶ کشور هم‌جوار برای تأمین کالاها و خدمات شکل بگیرد.

#### ◆ شما چه تجربه‌های موفق یا مخرب از مداخله دولت در تجارت را عنوان و طرح می‌کنید؟

احتمالاً با اجماع نظر اغلب کارشناسان، بدترین تجربه اقتصادی ما در سال‌های اخیر، نه فقط در عرصه تجارت که در کل اقتصاد، قیمت‌گذاری ۴۲۰۰ تومانی ارز بود. در چهار سال گذشته به دلیل تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی، آسیب‌های بسیار زیادی به اقتصاد کشور وارد شد؛ هدررفت میلیاردها دلار ارز، قاچاق معکوس کالا به کشورهای همسایه، نفوذ کالاهای تولیدی با ارز یارانه‌ای در بازار آزاد، ایجاد فضای غیرقانونی در بازار و ... از جمله صدماتی بود که تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به اقتصاد کشور تحمیل کرد؛ اما مهم‌تر از آن، دو اثر تخریبی بزرگ ارز ترجیحی ۴۲۰۰ بر اقتصاد کشور، «گسترش بوروکراسی و

#### در چهار سال

گذشته به دلیل

تخصیص ارز

۴۲۰۰ تومانی،

آسیب‌های

بسیار زیادی به

اقتصاد کشور وارد

شد؛ هدررفت

میلیاردها دلار ارز،

قاچاق معکوس

کالا به کشورهای

همسایه، نفوذ

کالاهای تولیدی

با ارز یارانه‌ای در

بازار آزاد، ایجاد

فضای غیرقانونی

در بازار و ... از

جمله صدماتی

بود که تخصیص

ارز ۴۲۰۰ تومانی

به اقتصاد کشور

تحمیل کرد؛ اما

مهم‌تر از آن،

دو اثر تخریبی

بزرگ ارز ترجیحی

۴۲۰۰ بر اقتصاد

کشور، «گسترش

بوروکراسی و

دیوان‌سالاری»

و «تضعیف

صادرات» بود.





گفت‌وگو با «پرهام رضایی» رییس اتاق البرز و نایب‌رییس اتاق مشترک ایران و هند

## بخش خصوصی و بهبود فضای کسب‌وکار خارجی

بهبود فضای کسب‌وکار به همراه تجارت آزاد و کم کردن هزینه‌های مبادلاتی اضافی می‌تواند نقش مهمی در دستیابی به سهم بیشتر از تجارت منطقه‌ای و به‌تبع آن جهانی ایفا کند. مسائلی چون خام فروشی به دلیل نبود تکنولوژی مدرن و صنعت نوین، مشکل انتقال ارز، عدم حمایت مناسب بانک‌های داخلی، بسته‌بندی نامناسب و نبود زیرساخت مناسب در حمل‌ونقل تولیدات فسادپذیر از جمله عوامل اثرگذار در کاهش رقابت‌پذیری کیفی کالاهای ایرانی با نمونه‌های خارجی هستند. گاهی وضعیت بدتر هم می‌شود، به طوری که تولیدات با کیفیت بسیار نازل، دارای قیمت بالاتر از نمونه‌های خارجی است که این وضع ناشی از عدم مدیریت صحیح اقتصادی و اعمال رانتهای موجود است. در موضوع تعامل اقتصادی با کشورهای منطقه و در هم‌گرایی کشورمان با کشورهای همسایه، ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، تبیین ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی و گسترش مناسبات تجاری، مدنظر است که ایران با این رویکرد، پیوسته در تلاش برای تغییر به دنبال دستیابی به معیارهای جهانی توسعه‌یافتگی است.

پرهام رضایی رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی البرز و نایب‌رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و هند یادآوری می‌کند که بهترین نوع نزدیک‌سازی کشورها، بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی غیردولتی است که موجب افزایش اعتماد عمومی در توسعه فعالیت‌های تجاری و افزایش سطح معاملات خارجی است.

یکی از وظایف اتاق‌های مشترک بازرگانی، توسعه مناسبات اقتصادی و بهبود فضای بازرگانی موجود است. از جمله ایرادات حال حاضر در اتاق‌های مشترک بازرگانی، بافت سنتی موجود و عدم حرکت به‌سوی مدرنیته است. اتاق‌های مشترک با توجه به وظایف و مسئولیت‌های خود، فعالیت آن‌چنانی ندارند و متأسفانه تنها در حدود ۳۵ درصد از ظرفیت خود را به کار گرفته‌اند. این اتاق‌ها به‌عنوان نمایندگان بخش خصوصی کشور در اقتصاد فرامرزی، باید نقش مهمی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف، توسعه صادرات و ایجاد فرصت‌های جدید تجاری ایفا کنند.

شرح کامل گفت‌وگو با پرهام رضایی را در ادامه بخوانیم.



## ◆ سهم ایران از تعامل اقتصادی کشورهای منطقه با هم چقدر است و مهم‌ترین موانع در راستای استفاده از این ظرفیت منطقه‌ای چیست؟

در چهار دهه گذشته و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، در حوزه سیاست خارجی کشور با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای موجود و نظر به موقعیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه تلاش شده است تا ضمن بررسی رویکردهای سیاست خارجی، در قبال چالش‌های به وجود آمده اقدامات دیپلماتی مناسب در راستای تعامل اقتصادی با کشورهای منطقه انجام شود. در اهداف سیاست کلان خارجی، ضمن حفظ موقعیت کشور در منطقه، باید ارزش‌هایی چون همگرایی ملل اسلامی، مذاکره بر سر موضوعات مهم و مشترک و ساختارهای سیاسی موجود در کشورهای همسایه نیز مورد توجه قرار گیرد.

به‌منظور همگرایی ایران با کشورهای همسایه و منطقه، ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، تبیین ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی و گسترش مناسبات تجاری در راستای تحقق اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مدنظر است؛ زیرا ایران با این رویکرد، پیوسته در تلاش برای تغییر به دنبال دستیابی به معیارهای جهانی توسعه‌یافتگی و جایگاه رضایت‌بخش در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

در این میان برخی از نگرش‌ها و کنش‌های ملی و بین‌المللی و یا عدم توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی بویژه در نیمه شرقی و جنوب‌شرقی کشورمان که به‌عنوان محور ترانزیتی مناسب برای منطقه محسوب می‌شود، موجب بی‌توجهی به مزیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای خاورمیانه و در نتیجه عدم تحقق ظرفیت‌های این پهنه شده است.

## ◆ تجارت خارجی کشور چقدر متأثر از چگونگی فضای کسب‌وکار و همچنین معضل رابطه با دنیاست؟

بهبود فضای کسب‌وکار به همراه تجارت آزاد، کم کردن محدودیت‌های قانونی و هزینه‌های مبادلاتی اضافی می‌تواند نقش مهمی در دستیابی به سهم بیشتر از تجارت منطقه‌ای و به‌تبع آن جهانی ایفا کند، با توجه به موارد یاد شده، نقش دولت‌ها در تسهیل روند توسعه اقتصادی و یا عقب‌ماندگی کشورها بیشتر نمایان می‌شود؛ زیرا اگر در بحث بهبود فضای کسب‌وکار خارجی، بخش خصوصی بخواهد فعالیت مؤثری داشته باشد، مواردی مانند هزینه‌های بالای تولید، عدم رقابت‌پذیری کالا در عرصه بین‌المللی و تحمیل هزینه‌های داخلی تحت تأثیر شرایط ناپایدار اقتصادی موانع جدی بر سر راه تلاشگران این عرصه است که دولت‌مردان باید به این موارد رسیدگی کنند.

فضای کسب‌وکار در کشور هر چه شفاف‌تر و رقابتی‌تر باشد نتایج مؤثرتری بر افزایش سلامت اقتصادی، اتخاذ سیاست‌های مطلوب و بهبود شاخص‌ها در این زمینه خواهد داشت و دولت نیز می‌تواند با توجه شاخص‌های مهمی مانند حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و صنعتی، پرداخت تسهیلات و تعدیل کردن هزینه‌های مالیاتی و تسهیل تجارت برون‌مرزی شرکت‌های ایرانی بویژه فعالیت بخش خصوصی به بهبود این شرایط کمک کند.

## ◆ مهم‌ترین کاری که حاکمیت باید انجام دهد تا اقتصاد کشور را در معرض اقتصاد بین‌المللی قرار دهد، چیست؟

در سال‌های اخیر با وجود تحریم‌های شدید و از سویی نوسانات ارزی، ایران توانسته صادرات غیرنفتی خود را حفظ کرده و حتی در بعضی مقاطع، آمارهای قابل قبولی را در این حوزه ثبت کند. با توجه به اینکه بخش مهمی از صادرات غیرنفتی ایران به تقویت ظرفیت‌های تولید داخل، ایجاد بازارهای خارجی و هموار کردن راه‌های توسعه از سوی دولت بازمی‌گردد، نقش حاکمیت به‌عنوان تضمین‌کننده سرمایه‌گذاری‌های موجود در بحث تبادلات تجاری بسیار شاخص است.

به‌وضوح نمایان است که تلاش حاکمیت برای ایجاد فرصت، تخصص و امکانات لازم به‌منظور بازاریابی بین‌المللی فروش محصولات ایرانی در خارج از کشور، فراهم کردن ماشین‌آلات

### بهبود فضای

### کسب‌وکار به

### همراه تجارت

### آزاد، کم کردن

### محدودیت‌های

### قانونی و

### هزینه‌های

### مبادلاتی اضافی

### می‌تواند نقش

### مهمی در

### دستیابی به سهم

### بیشتر از تجارت

### منطقه‌ای و به‌تبع

### آن جهانی ایفا

### کند، با توجه به

### موارد یاد شده،

### نقش دولت‌ها

### در تسهیل روند

### توسعه اقتصادی

### و یا عقب‌ماندگی

### کشورها بیشتر

### نمایان می‌شود.

## ◆ اتاق‌های بازرگانی مشترک ایران و کشورهای مختلف، ظرفیت‌های بالقوه مهمی در بخش خصوصی کشور در تعامل با دنیا هستند. اتاق بازرگانی در بهره‌گیری از این ظرفیت چه نقشی ایفا کرده است؟

بهترین نوع نزدیک‌سازی کشورها بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی غیردولتی است؛ چراکه چنین دیپلماسی موجب افزایش اعتماد عمومی در توسعه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی و افزایش سطح فراوانی معاملات خارجی از جمله روابط بین‌المللی است. در این میان یکی از وظایف اتاق‌های مشترک بازرگانی به‌عنوان ترسیم‌کننده خط‌مشی تجاری حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، چانه‌زنی برای پذیرش این شرکت‌ها و گروه‌های تولیدی در عرصه بین‌المللی و در راستای توسعه مناسبات اقتصادی ایران و بهبود فضای بازرگانی موجود است. اتاق‌های مشترک بازرگانی به‌عنوان نمایندگان بخش خصوصی کشور در اقتصاد فرامرزی باید نقش مهمی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف، توسعه صادرات به دیگر نقاط دنیا و ایجاد فرصت‌های جدید تجاری با توجه به شرایط تحریمی حال حاضر ایفا کنند.

در رابطه با اتاق‌های مشترک بازرگانی یکی از ایرادات حال حاضر، درگیری با بافت‌های سنتی موجود و عدم حرکت به‌سوی مدرنیته است. این موارد در زمینه‌هایی مانند ترکیب هیئت‌مدیره و عملکرد و خروجی اتاق‌های بازرگانی مذکور مشهود بوده و نیاز است که شاهد انقلابی برای دگرگونی وضع کنونی این مجموعه‌ها باشیم.

اگر قرار باشد که اتاق‌های مشترک بازرگانی به وظایف تعریف شده خود به‌خوبی عمل کنند، نیاز است که از سوی آن‌ها اقدامات اساسی مانند تشکیل کمیسیون‌های تخصصی در حوزه روابط با کشورهای مقصد اجرایی شود، به‌عنوان نمونه اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین با توجه به فعالیت میان دو کشور در حوزه تأمین مواد اولیه صنعتی و یا ماشین‌آلات خط تولید نیاز است که باید به این موارد در کمیسیون تخصصی رسیدگی کند. در صورتی که اعضا اتاق‌های بازرگانی در خصوص مرادوات مالی، مسائل بانکی و یا حمل‌ونقل بین‌المللی مشکلاتی داشته باشند، کمیسیون‌های تخصصی اتاق‌های مشترک بازرگانی یک ظرفیت مهم برای بررسی این درخواست‌ها است، اما تاکنون کمتر شاهد چنین فعالیت‌های کمیسیونی بوده‌ایم.

از دیگر مباحث مهمی که انتظار می‌رود با جدیت بیشتری از سوی اتاق‌های مشترک بازرگانی پیگیری شود، موضوع اعزام و پذیرش هیئت‌های تجاری است که به جز چند مورد، باقی اتاق‌های مذکور فعالیت آن‌چنانی در این حوزه ندارند. عدم جدیت کافی اتاق‌های مشترک بازرگانی در خصوص توجه به ظرفیت هیئت‌های تجاری موجب شده تا رسالتی که در

و وسایل حمل‌ونقل مناسب خطوط تولیدی و صنعتی، کاهش واردات کالاهای خارجی مشابه تولیدات داخلی و پایین آوردن هزینه تأمین مواد اولیه وارداتی می‌تواند به بهبود اقتصاد کشور و رقابت‌پذیری آن در سطوح بین‌المللی کمک کند.

## ◆ مسئله مهم در صادرات روند افزایشی نرخ ارز در تمام این سال‌هاست، این روند چه تأثیری بر صادرات کشور داشته و چه کمکی کرده است؟

با توجه به این‌که نرخ ارز، اقتصاد کلان کشورمان را به دیگر نقاط جهان از طریق بازار کالاهای مرتبط می‌سازد، هرگونه نوسان آن می‌تواند موجب بهبود صادرات غیرنفتی و تراز تجاری و یا برعکس آن شود. تغییرات نرخ ارز در بلندمدت موجب افزایش هزینه‌هایی مانند بالا رفتن قیمت مواد اولیه تولید و به‌تبع آن زیان‌دهی شرکت‌ها می‌شود و از طرفی بر میزان سرمایه‌گذاری‌های داخلی و صادرات و واردات کالا از ایران به دیگر کشورها نیز اثرگذار است. در شرایط کنونی و تحت تأثیر بحران‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی سیاست‌های ارزی کشور بسیار متفاوت‌تر از شرایط عادی اقتصاد کشور در سال‌های به دور از این مسائل و مشکلات است.

درست است که افزایش نرخ ارز می‌تواند قدرت رقابت‌پذیری کشور در حوزه تجارت خارجی را فزونی دهد، اما به دلیل بروز مواردی مانند بیشتر شدن هزینه‌های تولید، کمبود نقدینگی و بالا رفتن بازپرداخت‌های ناشی از بازگشت ارز حاصل از صادرات بدون شک تأثیر مهمی بر مبادلات تجاری خارجی شرکت‌های ایرانی در حوزه صادرات دارد. اعتقاد ما بر این است هر چه نرخ ارز واقعی‌تر باشد موجب مثبت‌تر شدن تراز تجاری و افزایش عدد تولید ناخالص ملی کشور می‌شود.

## ◆ چرا کالاهای باکیفیت ایرانی قابل‌رقابت با کالاهای خارجی نیست؟

مواردی مانند خام‌فروشی برخی محصولات ایرانی به دلیل نبود تکنولوژی مدرن و صنعت نوین، مشکل انتقال ارز به هنگام انجام مبادلات تجاری خارجی، عدم حمایت مناسب بانک‌های داخلی از حوزه صادرات، کم‌توجهی به بسته‌بندی کالاهای صادراتی و نبود زیرساخت مناسب در حمل‌ونقل برخی تولیدات فسادپذیر از جمله عوامل اثرگذار در کاهش رقابت‌پذیری کیفیت کالاهای ایرانی با نمونه‌های خارجی است، اما گاهی وضعیت از این هم بدتر می‌شود، به‌طوری‌که تولیدات داخلی کشورمان از نظر کیفیت بسیار نازل بوده، اما از نظر قیمت حتی از نمونه خارجی نیز بالاتر است که این وضع به عدم مدیریت صحیح اقتصادی و رانت‌های موجود در این فرآیند بازمی‌گردد.

تلاش حاکمیت  
برای ایجاد  
فرصت، تخصص  
و امکانات لازم  
به منظور بازاریابی  
بین‌المللی  
فروش محصولات  
ایرانی در خارج  
از کشور، فراهم  
کردن ماشین‌آلات  
و وسایل  
حمل‌ونقل  
مناسب خطوط  
تولیدی و  
صنعتی، کاهش  
واردات کالاهای  
خارجی مشابه  
تولیدات داخلی  
و پایین آوردن  
هزینه تأمین مواد  
اولیه وارداتی  
می‌تواند به بهبود  
اقتصاد کشور  
و رقابت‌پذیری  
آن در سطوح  
بین‌المللی کمک  
کند.



حتی با وجود تغییر اعضای هیئت‌رئیس، آن‌ها همچنان به فعالیت ادامه می‌دهند و رزومه کاری مؤثر و سوابق فعالیتی که این دبیران از گذشته تاکنون در اتاق مشترک بازرگانی مذکور داشته‌اند به پیشبرد اهداف مجموعه‌های مذکور کمک می‌کند.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

با توجه به بررسی و ارائه پیشنهادات لازم در خصوص فراهم کردن امکانات منطقه‌ای برای ایران و گسترش روابط اقتصادی بر مبنای مصالح ملی، انتظار می‌رود که دولت با همکاری سازمان‌ها و نهادهای مسئول از جمله اتاق بازرگانی و تعاون، سازمان توسعه تجارت، سفرا و رایزن‌های اقتصادی و سایر نهادهای مرتبط با تجارت داخلی به‌منظور رفع تنگناها و مشکلات پیش‌روی فعالان اقتصادی و یافتن راه‌حل مناسب جهت توسعه روابط تجاری با دیگر کشورها، اقدامات مناسب را پایه‌ریزی و اجرایی کند. ◆◆

قالب برنامه‌ریزی، شناسایی و بررسی ظرفیت نمایشگاه‌های بین‌المللی خارجی، گردآوری اطلاعات از تجار کشورهای مقصد و یا رسیدگی به مسائل حقوقی شرکت‌های ایرانی صادرکننده و واردکننده عهده‌دار هستند را به‌خوبی پیش نبرده و روابط آن‌ها با سفارتخانه‌ها، رایزن‌های بازرگانی و از سویی سازمان توسعه تجارت نیز مطلوب نباشد.

تمامی مواردی که به آن اشاره شد، بخشی از وظایف و مسئولیت‌های اتاق‌های مشترک بازرگانی است که انتظار می‌رود به‌درستی اجرایی شود، البته جمهوری اسلامی ایران در برخی کشورها هنوز اتاق مشترک بازرگانی ندارد و لازم است که برای راه‌اندازی آن برنامه‌ریزی شود.

#### ◆ نشست‌های بازرگانان ایرانی و خارجی به هر حال مهم است، این نشست‌ها چقدر انجام می‌شود و چقدر تأثیرگذار بوده و در کل چه ارزیابی از نتایج آن‌ها دارید؟

اتاق‌های مشترک بازرگانی کشورمان برای بررسی چگونگی بسط روابط بین‌المللی، برگزاری نشست‌های تخصصی میان تجار ایرانی و خارجی و پیاده‌سازی تصمیماتی به نفع تقویت بازارهای صادراتی نیاز به الگوی مناسبی دارند، در این زمینه ضروری است که اتاق بازرگانی ایران به‌منظور گسترش مناسبات و مراودات اقتصادی برای ایجاد دفاتر مناسب در کشورهای هدف اقدام کند تا اتاق‌های مشترک بازرگانی از این طریق بتوانند به‌عنوان نماینده کشورمان خدمات مطلوب در زمینه‌ی واردات و صادرات را به فعالان اقتصادی ارائه دهند. در مجموع اگر قرار به ارزیابی ظرفیت تمامی اتاق‌های مشترک بازرگانی فعال در کشور باشد، متأسفانه از ۱۰۰ درصد پتانسیلی که دارند تنها حدود ۳۵ درصد را به کار برده‌اند و مابقی این ظرفیت‌ها بدون استفاده مانده است. دیگر مسئله حائز اهمیت که متأسفانه اتاق‌های مشترک بازرگانی به آن توجه ای ندارند، ضعف در نبود دبیران حرفه‌ای آموزش دیده و متخصص است که شاید یکی از دلایل عدم به‌کارگیری دبیرانی با چنین شاخصه‌هایی، نبود بودجه کافی باشد. دبیران حرفه‌ای می‌توانند با اعضا اتاق‌های مشترک بازرگانی ارتباط مؤثر داشته و به‌هنگام برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی اقدامات لازم برای مشارکت تجار، بازرگانان و تولیدکنندگان و صنعتگران ایرانی در این رویدادها را فراهم کنند.

در این رابطه نیز لازم است که اتاق بازرگانی ایران برای پرورش و تقویت حضور دبیران حرفه‌ای، کلاس‌های آموزشی ویژه برگزار کند، این تصمیمات کمک می‌کند که اتاق‌های مشترک بازرگانی پویاتر و فعال‌تری نسبت به گذشته داشته باشیم. در حال حاضر کشورهای توسعه‌یافته در این مسیر حرکت می‌کنند و از حضور دبیران فعال و آموزش‌دیده‌ای بهره می‌برند که





گفت‌وگو با دکتر «مجتبی خردیار»، مدیر واحد استراتژی آژانس برندسازی The

## برند خوب؛ هویت خوب

هر چقدر محصول خوبی ارائه نمایید، ولی برند خوبی نداشته باشید، نمی‌توانید در بازار موفق شوید، اما برند، هنوز جایگاه دقیقی در قوانین ما پیدا نکرده است و اساساً در قوانین کشور، مراکز و آژانس‌های برندسازی تعریف نشده و شاید این موضوع مهم‌ترین مشکل حوزه برندسازی باشد. عدم شناخت صاحبان کسب‌وکارها از مفهوم برند و برندسازی نیز دلیل دیگر عدم شکل‌گیری و ماندگاری برندها در کشور است. اصلی‌ترین سرچشمه برند، به فواید برند برمی‌گردد. هر برندی می‌تواند پنج نوع فایده داشته باشد که به ترتیب شامل کارکردی، مالی، احساسی، خود-ابرازی و اجتماعی است. اگر برندی نتواند فایده‌ای به مخاطب خود ارائه دهد، فقط سراب است.

به‌علاوه یادمان باشد که در فرایند برندسازی گام اول نوشتن استراتژی نیست، بلکه اولین گام، پژوهش بازار است. پژوهش قوی بازار ضامن موفقیت در برندسازی می‌باشد. در حال حاضر درس‌های برند و بازاریابی در کشور، مربوط به صدسال پیش است. لازم است برندهای جهانی را بیاوریم و از روی سرمشق‌های آن‌ها بنویسیم و یاد بگیریم.

شرح کامل گفت‌وگو با دکتر مجتبی خردیار، مدیر واحد استراتژی آژانس برندسازی The را در اینجا بخوانیم.



تنها مجوزی که به یک آژانس ثبت برند در کشور داده می‌شود، مجوز تبلیغاتی است و در وزارتخانه ارشاد مجوزی برای آژانس برندسازی تاکنون تعریف نشده است. همچنین در دانشگاه‌ها فقط رشته بازاریابی تعریف شده و سرفصل و رشته‌ای برای برندسازی و تبلیغات وجود ندارد. دیدگاه افراد نسبت به برندسازی محدود به برندسازی در کشور فقط محدود به داشتن لوگو و یا رنگ خاصی است و به این اصطلاح که «برندت را ثبت کرده‌ای یا خیر؟» محدود می‌شود.

## ♦ چرا برند اهمیت دارد و ایجاد یک برند قدرتمند باید از مهم‌ترین دغدغه‌های پیش روی کسب‌وکارهای امروزی باشد؟

شرکت‌ها و سازمان‌ها در یک دوره‌ای از تاریخ در دنیا و همین‌طور در کشور ما به این نتیجه رسیده‌اند تنها ارائه محصول و خدمات خوب و باکیفیت ضامن موفقیت نیست و در کنار آن‌ها نیاز به چیز دیگری هم هست. برای مثال در حوزه تولید قطعات بدنه خودرو با یک برندی کار می‌کردیم که علاوه بر بسته‌بندی‌های متفرقه از طریق بسته‌بندی ایران خودرو اجناس خود را داخل بازار به فروش می‌رساند. در واقع اصل جنس یکی بود، اما بسته‌بندی فرق می‌کرد، جالب است از نظر مشتری جنس بسته‌بندی شده با برند ایران خودرو باکیفیت‌تر بود. در مورد مواد غذایی این مثال ملموس‌تر است؛ برای مثال بخش عمده‌ای از بعضی از مواد غذایی سوپرمارکت‌های داخل فقط در چند کارخانه تولید می‌شوند؛ از جمله تولید تن ماهی توسط چند کارخانه انجام می‌شود، ولی بالای ۳۰ تا ۴۰ برند تن ماهی در کشور وجود دارد که از نظر مردم کیفیت‌های مختلفی دارند. به عبارتی یک کارخانه با اسامی مختلف محصول تولید می‌کند.

در مجموع تجربه نشان می‌دهد که چه در صنعت B2B که مشتری خاص دارید و چه در صنعت C2B که مشتریان شما عامه مردم هستند، علاوه بر ارائه محصول باکیفیت، اصل مهمی به نام «هویت برند» است که ترکیب این دو، یک برند را می‌سازد و باعث موفقیت در آن صنعت می‌شوند؛ به عبارتی هرچقدر محصول خوبی ارائه نمایید، ولی «برند خوبی» نداشته باشید - منظور از برند خوب «هویت خوب» است - نمی‌توانید در بازار موفق شوید. برعکس این موضوع نیز صادق است، صرف داشتن نام، بسته‌بندی، تبلیغات خوب نمی‌تواند محصول بی‌کیفیتی را در بازار به فروش برساند.

## ♦ جایگاه برند را در قوانین کشور چگونه می‌بینید؟

تنها قوانینی که در مورد برندها وجود دارد، به حقوق مربوط به ثبت و کپی‌رایت برند برمی‌گردد و این قوانین به فرایند برند خیلی مربوط نمی‌شوند. اساساً در قوانین کشور مراکز و آژانس‌های برندسازی تعریف نشده است و شاید این موضوع مهم‌ترین مشکل حوزه برندسازی در کشور ماست. تنها مجوزی که به یک آژانس ثبت برند در کشور داده می‌شود، مجوز تبلیغاتی است و در وزارتخانه ارشاد مجوزی برای آژانس برندسازی تاکنون تعریف نشده است. همچنین در دانشگاه‌ها فقط رشته بازاریابی تعریف شده و

سرفصل و رشته‌ای برای برندسازی و تبلیغات وجود ندارد. دیدگاه افراد نسبت به برندسازی در کشور فقط محدود به داشتن لوگو و یا رنگ خاصی است و به این اصطلاح که «برندت را ثبت کرده‌ای یا خیر؟» محدود می‌شود. این نگاه سطحی می‌تواند به دلیل عدم تعریف رشته تخصصی برند در دانشگاه و همچنین عدم صدور مجوز برای مراکزی مثل آژانس‌های برندسازی باشد.

از طرفی برندها برای ادامه حیاتشان نیاز به ارتباطات دارند. تبلیغات، برگزاری نمایشگاه، تولید محتوا در فضای مجازی، بخشی از ارتباطات هستند و شرکت‌ها به واسطه آن‌ها خدمات خود را معرفی می‌کنند. ما در موضوع ارتباطات محدودیت‌های جدی داریم؛ به عبارتی دست و پای برندها در کشور بسته است. مفهومی به نام «سفیر برند یا آمباسادور» وجود دارد؛ برای مثال آقای مهران مدیری سفیر برند رفاه هست و همین‌طور در موضوعات دیگر سایر سلبریتی‌ها. در کشور ما برای این موضوع قوانین حقوقی و قراردادی بسیار ضعیفی داریم. بسیار دیده شده است که در خارج از کشور یک نفر سفیر یک برند است و اگر این شخص در جایگاه خود برای مثال به‌عنوان بازیگر، خواننده، ورزشکار، اشتباهی مرتکب شود و برند مورد نظر تحت تأثیر قرار گیرد، به‌شدت از نظر حقوقی مورد مواخذه قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که



از دنیای رقابت عقب بمانیم و برندها نیاز به اسامی خوب دارند. بارها این جمله را گفته‌ام که فرآیند ثبت برند در ایران از برندسازی سخت‌تر شده است.

### ♦♦ محدودیت‌ها و دلایل عدم شکل‌گیری و ماندگاری برندها در کشور چیست؟

مهم‌ترین دلیل، عدم شناخت صاحبان کسب‌وکارها از مفهوم برند و برندسازی است. ما حتی در برندهای بزرگ به بحث برندسازی نگاه سنتی داریم. در کشور ما تعریف درستی از برند و شکل‌گیری آن وجود ندارد و تصویری که از برند در کشور وجود دارد محدود به هویت بصری و لایه‌های بیرونی برند است؛ از جمله بسته‌بندی، نام و شعار. بنابراین تصور این است که صرف داشتن ظاهر زیبا، برند می‌تواند هر رفتاری داشته باشد. رنگ و شعار مثل لباس برند هستند به عبارتی برند یک رفتار واقعی دارد و اگر آن را درست مدیریت و یکپارچه نکند، هرچقدر رنگ و لوگویش خوب باشد، کمکی به آن نمی‌شود.

برند محصول، برند سازمانی، برند شخصی، برند شهری از انواع برندها هستند؛ برای مثال در مورد برند دامداران، اسم شرکت تولیدکننده محصولات این برند دامداران نیست بلکه «شرکت فرآورده‌های لبنی و غیرلبنی تین» است، ولی اسم محصول دامداران است و مصرف‌کننده این محصول کاری به اسم شرکت و سازمانی که محصول را ارائه می‌دهد، ندارد. یا اینکه ما برندسازی شهری داریم. برند کرمان در حوزه گردشگری خیلی جاذبه دارد، ولی در ایران گردشگری را با شیراز، اصفهان و مازندران می‌شناسند. این موضوع نشان می‌دهد که استان کرمان در حوزه برندسازی شهری کار نکرده است. همین‌طور در مورد سوغاتی‌ها آن‌قدری که سوهان و گز مشهور است، کلمپه کرمان برند نشده است.

بر اساس نظر اریک اریکسون روانشناس آمریکایی، پایه شخصیت، ثبات و تداوم است. ثبات و تداوم دو ویژگی و پارامتر مهم برای ماندگاری برندها نیز هستند. این مفهوم در حوزه برندها به نام «شخصیت برند» وجود دارد. متأسفانه برندهای ما این دو ویژگی را ندارند.

در کشور ما بسیاری از برندها در قالب مسئولیت اجتماعی اقداماتی انجام می‌دهند؛ برای مثال از محیط‌زیست، زنان بی‌سرپرست، بچه‌های کار، ورزش و مسائل اجتماعی دیگر حمایت می‌کنند. برندها در انجام مسئولیت اجتماعی خود باید دو شرط اساسی را رعایت کنند؛ اول اینکه مسئولیت اجتماعی باید به هویت برند مرتبط باشد و دوم ثبات و تداوم در درون برند وجود داشته باشد. در ایران محدود

فوتبالیست‌های بزرگ برای جابه‌جایی بین یک باشگاه با باشگاه دیگر، صرفاً تصمیم‌گیرنده خودشان نیستند، بلکه برندهایی که اسپانسر آن‌ها هستند حتماً باید نظر دهند. در مجموع برندسازی در کل دنیا یک علم جدید است و در کشور ما خیلی خیلی جدید است و در حال حاضر در تعداد محدودی از مجموعه‌ها، واحد برند وجود دارد. در مجموعه‌هایی که به‌روز هستند، بیشتر عناوینی مثل واحد بازاریابی یا مدیر بازاریابی وجود دارد. در واقع برند هنوز جایگاه دقیقی در قوانین و در سازمان‌های ما پیدا نکرده است. می‌توان گفت یکی دیگر از مشکلات ما در کشور موضوع ثبت برند است. زمانی که مجموعه‌ای بخواهد برندی ثبت کند باید قوانین کثیری در کشور رعایت کند. در موضوع نام‌گذاری برندها، یک روش به نام «نئولوژیسم یا اسم‌های بی‌معنا» وجود دارد؛ برای مثال «زیراکس» اسم یک برند است ولی معنی خاصی ندارد و در عین حال طرفداران زیادی دارد. حال اگر بخواهیم در ایران یک برند را ثبت کنیم، حتماً باید معنی آن مشخص باشد و اصول ادبیات فارسی و فرهنگ کشور نیز حفظ شود. درست است این موضوعات حائز اهمیتند، اما بالاخره ما نمی‌خواهیم



به‌واسطه استفاده از آن در یک گروه قرار می‌گیرد؛ برای مثال ما فارغ‌التحصیلان دانشگاه شریف یا ما ios ای‌ها. همان‌طور که در قبل هم اشاره شد، از جمله خطاها در اداره یک برند، این است که نتواند به مخاطبان خود فایده‌ای ارائه کند و به ثبات و تداوم اهمیت ندهد. نکته قابل ذکر در اینجا این است که هر برند دو بخش دارد یک بخش آن همیشه ثابت است و بخش دیگر انعطاف‌پذیر و بسته به شرایط تغییر می‌کند. برندها یک ویژگی‌های شخصیتی ثابت دارند که به آن کاردینال گفته می‌شود و بنیادی هستند و یک سری لایه‌های موقعیتی (situational) دارند که بر اساس موقعیت تغییر می‌کند؛ برای مثال شلوغی‌های اخیر چقدر روی برندها تأثیر گذاشته است و روی تبلیغات آن‌ها در صداوسیما فشار است و هر روز لیست برندهایی منتشر می‌شود از جمله دیجی کالا، میهن، اسنپ و ... در مورد درست یا غلط بودن این حرکت‌ها بحثی نیست؛ ولی برندها با تغییر شرایط باید از خود رفتار نشان دهند و یک برند باید بداند که نسبت به یک موقعیت چگونه رفتار کند در عین اینکه روبه‌های ثابت خود را عوض نکند، چون اگر برند نتواند به تغییر موقعیت‌ها پاسخ مناسب دهد، آسیب‌دیده و نابود می‌شود.

یا اینکه برندها باید از مخاطبان و مشتریان خود و شیوه ارتباط با آن‌ها شناخت مناسبی داشته باشند، نسل جوان امروز نسل z است و برندها باید بدانند که سلیقه این نسل‌ها مانند نسل‌های دهه شصت یعنی نسل y و قبل از آن نیست. جالب است بدانید برند BMW یک راهنما (Guideline) در اینستاگرام فقط مخصوص خانم‌ها دارد.

### ♦♦ مهم‌ترین چالش‌هایی که تولید و تجارت کشور در زمینه برندینگ و پکینگ دارد، کدامند و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نمود؟

از جمله چالش‌های حوزه برند که در سؤالات قبل کامل‌تر به آن‌ها پرداخته شد به شرح زیر هستند:

- در کشور ما شناختی از مفهوم برند وجود ندارد،
- فرآیندهای برندسازی در کشور ما شناخته‌شده نیست،
- سازوکار و رشته برندسازی در دانشگاه وجود ندارد،
- برخلاف آژانس تبلیغاتی که هست، آژانس‌های تخصصی برند در ایران کم هستند،
- وجود مسائل و مشکلات حقوقی در مورد برندها،
- نبود ثبات و تداوم در برندها و غیره.

می‌توان گفت کشور ما در حوزه پکینگ و بسته‌بندی خیلی عقب است. ما طراح‌های خوبی در کشور داریم ولی یکسری از تکنولوژی‌ها از جمله دستگاه‌ها، قالب‌ها

برندهایی وجود دارد که این دو شرط را رعایت می‌کنند. البته برندهایی مثل قلم‌چی، سال‌هاست در حوزه بورسیه مالی بچه‌های کم‌بضاعت، ساخت مدرسه و کتابخانه کار کرده است ولی بقیه برندها یک مدتی حامی محیط‌زیستند و در زمانی دیگر حامی زنان بی‌سرپرست و بچه‌های کار و همین‌طور هر بار از یکی از مسائل اجتماعی حمایت می‌کنند و ثباتی در آن‌ها وجود ندارد و این موضوع در سایر رفتارهای آن‌ها از جمله تبلیغاتشان قابل‌مشاهده است. گاهی در تبلیغاتشان شوخی می‌کنند، گاهی علمی و گاهی عامیانه حرف می‌زنند و هیچ ثباتی در رفتار برند نمی‌بینیم و نبود رفتار مناسب، تصویر مناسبی از آن برند شکل نمی‌دهد.

### ♦♦ سرچشمه توسعه برند کجاست و بزرگ‌ترین خطا در اداره یک برند چه می‌باشد؟

اصلی‌ترین سرچشمه برند به فواید برند برمی‌گردد. دلیلی که شخصی برند خاصی را انتخاب می‌کند، چون آن برند قرار است یک سری از نیازهایش را برطرف کند. هر برندی می‌تواند پنج نوع فایده داشته باشد؛ فواید برند به ترتیب کارکردی، مالی، احساسی، خود ابرازی و اجتماعی است. اگر برندی نتواند فایده‌ای به مخاطب خود ارائه بدهد، فقط سراب است.

- منظور از فایده کارکردی یک برند این است که محصول آن حداقل کارکرد را داشته باشد؛ برای مثال وقتی که از یک برند خاصی شیر می‌خریم، حداقل کارکرد یعنی کلسیم و ویتامین دی را داشته باشد.
- منظور از فایده مالی یک برند این است که با لحاظ مالی هزینه کمتری نسبت به برندهای دیگر داشته باشد یا اینکه با استفاده از آن محصول در بلندمدت هزینه‌های کمتری متحمل شویم.

- فایده احساسی؛ فرض کنید از یکی از اعضای خانواده‌تان بخواهید برای پذیرایی از مهمان یک محصولی را از سوپرمارکت خریداری کند و تأکید می‌کنید آن محصول با برند متفرقه نباشد، به عبارتی در عین اینکه کارکرد برندها تفاوتی ندارد، اما برندی را ترجیح می‌دهید که احساس خوبی از استفاده از آن در شما شکل گرفته است.

- فایده خود ابرازی؛ تعداد کمی از برندها می‌توانند در این لایه رقابت کنند. چرا همه دوست دارند ساعت برند «رولکس» دستشان کنند؟ آیا این برند زمان را دقیق‌تر نشان می‌دهد؟ خیر فقط با این برند شخص خود ابرازی می‌کند و به اصطلاح «پُنز» می‌دهد.
- منظور از فایده اجتماعی یک برند این است که شخص

ما برندسازی  
شهری داریم.  
برند کرمان در  
حوزه گردشگری  
خیلی جاذبه  
دارد، ولی در  
ایران گردشگری را  
با شیراز، اصفهان  
و مازندران  
می‌شناسند. این  
موضوع نشان  
می‌دهد که استان  
کرمان در حوزه  
برندسازی شهری  
کار نکرده است.  
همین‌طور در  
مورد سوغاتی‌ها  
آن قدری که  
سوهان و گز  
مشهور است،  
کلمپه کرمان برند  
نشده است.

و رنگ‌ها جهت ساخت و بسته‌بندی در ایران وجود ندارد. در یک دوره‌ای با برند زیمنس در ایران کار می‌کردیم، با توجه به وجود تحریم‌ها در ایران، چاپخانه رنگ لوگوی زیمنس که سبز خاصی بود را نمی‌توانست چاپ کند و نماینده شرکت آن‌قدر رنگ‌های مختلف را تست کرد تا رنگ موردنظر چاپ شود. همچنین یکی از شاگردان من در نمایندگی پاناسونیک به توجه و دقت نظر نمایندگان کشور کره بر روی رنگ و فونت لوگوی محصولات اشاره می‌کرد، درحالی‌که به این موضوع در کشور ما اصلاً توجه نمی‌شود.

از طرفی دیگر مشکل نقدینگی در بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد و بانک‌ها همراهی لازم با بنگاه‌های اقتصادی را ندارند، لذا اگر یک بنگاه بخواهد قدری بسته‌بندی را تغییر و بهبود دهد، هزینه محصول بالا می‌رود و عملاً رقابت را می‌بازد.

#### ◆ چه عواملی بر برندسازی موفق مؤثرند؟

یکی از مهم‌ترین عوامل، شناخت درست از مفهوم برند است و دیگر این‌که یادمان باشد، در فرایند برندسازی گام اول، نوشتن استراتژی نیست بلکه اولین گام پژوهش بازار است. پژوهش قوی بازار ضامن موفقیت در برندسازی می‌باشد.

#### ◆ برای تمرکز بر مشتریان جهان و رسیدن به برند جهانی، بنگاه‌های ایرانی بخصوص آن‌ها که توانایی‌های ویژه‌ای در توسعه فناوری‌ها و محصولات جدید دارند، به چه دسترسی‌هایی نیازمند هستند؟

برند در سطح جهانی تعریفی مشخصی دارد، ممکن است ما برندهایی داشته باشیم که در چند کشور استفاده شود ولی صرف این موضوع، نمی‌توان به آن برندها واژه جهانی را اطلاق کنیم.

برندی جهانی است که در همه بازارهای کشورهای مختلف کار می‌کند و مخاطبان آن را می‌شناسد و در آن کشورها نماینده دارد؛ به‌عنوان مثال «کوکاکولا» یک برند جهانی مطرح است؛ این برند یک سری رفتارهایی دارد که ثابت هستند و یک سری رفتارهایی که متناسب با کشور مقصد تغییر می‌کنند. کوکاکولا در آمریکا و در کشورهای اروپایی سالانه رویدادی را برای دانشجویان لب ساحل برگزار می‌کند و همین کوکاکولا در کشورهای اسلامی سفره ماه رمضان دارد و در کشور ترکیه در ماه رمضان یک طرحی را اجرا می‌کند که به ازای خرید یک نوشابه ۲ و نیم لیتری، یک عدد نوشابه رایگان به مشتری هدیه می‌دهد.

که آن را به همسایه خود بخشش کند. به عبارتی کوکاکولا برندی است که می‌داند در هر کشور چگونه برخورد کند و رفتارش را آداپته کند. به این‌گونه برندها، برند جهانی می‌گویند. با این تعریف ما هیچ برندی در سطح جهانی نداریم، البته تعداد برندهای جهانی در سطح دنیا محدود است. وقتی صحبت از برند جهانی می‌شود کشور اصلی دیگر برای آن بی‌معنی است. برندهایی مثل کوکاکولا، سامسونگ و آیفون متعلق به آمریکا و کره نیستند، متعلق به کل دنیا هستند.

اصطلاحی در برندها به نام «فَن» یا طرفداران سفت‌وسخت وجود دارد؛ در سال ۱۳۹۶ در لیگ جهانی والیبال بعد از بازی ایران و آمریکا، بازیکنان تیم آمریکا گفته بودند آن قدری که ما دست ایرانی‌ها آیفون دیدیم، دست خود مردم آمریکا ندیده‌ایم.

در مجموع با این تعریف، ما برند جهانی نداریم، اما اگر موضوع تعداد برندهایی است که می‌توانند در خارج از ایران رقابت کنند، می‌توان چندتایی را نام برد، اما متأسفانه به دلیل سیاست‌های غلط دولتی در حال از دست دادن بازارها هستیم. از طرفی ما نمی‌توانیم بین کشور خودمان و کشورهای دیگر پول جابه‌جا کنیم، چطور می‌خواهیم برند جهانی درست کنیم. بنابراین بایستی همین منطقه محدود خاورمیانه را که می‌توانیم بازی کنیم، خوب مدیریت کنیم.

#### ◆ به نظر شما ایجاد محیطی مناسب در کشور برای برندسازی در گرو چه اقدام‌های سیاستی و مدیریتی است و برای تقویت برندهای بنگاه‌های در سطح ملی و بین‌المللی چه پیشنهاداتی ارائه می‌نمایند؟

به اعتقاد من هیچ‌گاه چرخ را از ابتدا اختراع نمی‌کنند. کشور ترکیه نمی‌توان گفت مدینه فاضله است، اما ویژگی‌های خوبی دارد که می‌توان از آن آموخت. ترکیه در یک دوره‌ای مرزهای کشورش را باز کرد و برندهای جهانی زیادی وارد این کشور شدند و خیلی از برندهای داخلی ترکیه نابود شدند، آن‌هایی هم که ماندند و رقابت کردند و جلو رفتند، در حال حاضر در سطح جهان حرف برای گفتن دارند. اگر می‌خواهیم ایجاد برند در سطح جهان را یاد بگیریم باید شرایطی را فراهم کنیم که بازی بقیه را ببینیم؛ برای مثال یک برند فشن که می‌خواهد با برندهای ZARA و Nike رقابت کند باید توجه کند که این برندها چه رفتاری از خود نشان می‌دهند. ولی این برندها نمی‌توانند در کشور حضور داشته باشند و صرف دیدن چند تبلیغ از این دو برند ما نمی‌تواند شبیه آن باشیم. در مجموع درست است اگر مرزهای کشورمان باز شود،

اصلی‌ترین  
سرچشمه برند  
به فواید برند  
برمی‌گردد. دلیلی  
که شخصی  
برند خاصی را  
انتخاب می‌کند،  
چون آن برند قرار  
است یک سری  
از نیازهایش را  
برطرف کند. هر  
برندی می‌تواند  
پنج نوع فایده  
داشته باشد؛  
فواید برند به  
ترتیب کارکردی،  
مالی، احساسی،  
خود ابرازی و  
اجتماعی است.  
اگر برندی نتواند  
فایده‌ای به  
مخاطب خود  
ارائه بدهد، فقط  
سراب است.





به خاطر برند و محصول و خدمتش نیست، بلکه یک برند قوی و مدیر برند خوبی دارد.

در کشور ما کتابها و رفرنس‌های اصلی حوزه برندسازی هنوز ترجمه نشده است؛ برای مثال کتاب‌های «دیوید آکر» در زمینه برند جز کتاب‌های رفرنس در دنیا هستند، ولی به جای ترجمه چنین کتاب‌هایی در کشور تا جای که امکان داشته، کتاب‌های چینی و به‌دردنخور، کتاب‌های برایان تریسی، آنتونی رابینز و ... ترجمه شده است.

#### ◆ به نظر شما ظرفیت‌های برندسازی در استان کرمان در کوتاه‌مدت و بلندمدت حول چه کالاها و خدماتی می‌تواند مطرح باشد؟

در مورد این موضوع نمی‌توانم پاسخ کلی بدهم، اما با توجه به اطلاعات جزئی که در رابطه با استان کرمان به دست آورده‌ام، علی‌رغم اینکه در این استان محصولات، تکنولوژی و خدمات خوب وجود دارد، ولی برندسازی به‌درستی انجام نشده و ظرفیت‌ها در قالب برند به کشور و دنیا معرفی نشده‌اند و تصویر خوبی از برند ایجاد نشده است. به اعتقاد من اگر در این زمینه کار شود، هویت‌های خوبی برای برندها تهیه و کمپین‌های برندسازی طراحی و آموزش داده شود، با وجود این‌همه ظرفیت، امکان معرفی و ایجاد برندها وجود دارد. از جمله برندهای ماهان و کرمان موتور. ◆◆

خیلی از برندهای نابود می‌شوند، اما آن‌هایی می‌مانند یاد می‌گیرد و رشد می‌کنند، ما چاره‌ای جز این نداریم. خواستگاه خیلی از علوم، کشور ما نیست. مفاهیم بازاریابی و 4P (مدل آمیخته بازاریابی، شکل روبه‌رو) از شاهنامه، بوستان و گلستان و حافظ برداشت‌نشده است، این مفهوم در آمریکا معرفی شده است و در حال حاضر مسائلی که در حوزه برند و بازاریابی درس داده می‌شود، مربوط به صدسال پیش است؛ بنابراین لازم است برندهای جهانی را بیابیم و از روی سرمشق‌های آن‌ها بنویسیم و یاد بگیریم. در آخر باز هم تکرار می‌کنم که چرخ را از ابتدا اختراع نمی‌کنند. این‌که گفته می‌شود ما پهباد درست کرده‌ایم، در واقع نمونه پهباد آمریکایی را مهندسی معکوس کرده‌ایم، با هم که تعارف نداریم. درست است که در حال حاضر ما در حوزه پهباد قوی هستیم، ولی شروع آن از آنجا بوده است.

در مورد برند باید ۲۰ برند جهانی را دعوت کنیم و از آن‌ها بخواهیم در کشور فعالیت کنند و ما با نگاه به آن‌ها، یاد بگیریم. فکر می‌کنید چرا در لیگ‌های عربی بازیکنانی که پیر شده‌اند را به باشگاه دعوت می‌کنند؟! به خاطر عملکرد آن بازیکن نیست، فقط به این علت است که سایر بازیکنان از شیوه تمرین کردن، حرف‌شنوی از مربی، پاس دادن و غیره آن به‌عنوان یک تجربه عینی یاد بگیرند. حتی در سطح استان اگر دنبال ایجاد یک برند هستیم، اول بایستی از سایر استان‌ها الگوهای موفق برند را انتخاب کرده و از آن‌ها یاد بگیریم.

#### ◆ شما چه الگویی را برای نهاد مدیریت برندینگ به لحاظ ساختاری در ایران پیشنهاد می‌کنید تا به لحاظ کارکردی به نحو مطلوب عمل کند؟

اول توجه به آموزش در سطح ملی از طریق راه‌اندازی رشته تخصصی برندسازی در ایران و اعزام و تربیت اساتید و دانشجویانی جهت یادگیری برندینگ به خارج از کشور و آموزش برند توسط آن‌ها به دانشجویان داخل کشور. دوم اینکه شرایطی را فراهم کنیم که آژانس‌های موفق برندسازی را به کشور دعوت کنیم تا با ایجاد نمایندگی فعالیت کنند و ما در کنار آن‌ها یاد بگیریم و تعاملات خود را بیشتر کنیم، نمی‌توان در دنیا را بست و از صفر شروع کرد.

نکته مهم این است که موضوع فقط انتقال تکنولوژی در برند نیست، بلکه مسائل مدیریتی نیز اهمیت دارد. برندی مثل Shell فقط به خاطر محصولش نیست که مشهور است، بلکه به خاطر برندش است یا برند TOTAL فقط

# پیامد دسترسی بخش خصوصی به بازارهای بین‌المللی

## ♦ شرکت مدیریت صادرات تات

### مقدمه

صادرات غیرنفتی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها همواره به‌عنوان یکی از موضوعات مهم اقتصادی مطرح بوده است. صادرات حلقه مفقوده حیات اقتصاد و ابزاری بسیار مهم برای تحریک رشد اقتصاد در یک کشور محسوب می‌شود. از این‌رو، روی آوردن به رشد و توسعه صادرات‌محور یکی از استراتژی‌هایی است که می‌تواند رشد بلندمدت را تضمین کند. ایران نیز به دلیل شرایط خاص اقتصادی و ژئوپلیتیکی باید به مقوله صادرات نگاه ویژه داشته باشد.

در تمامی کشورها از جمله ایران، پیامدهای حضور در بازارهای بین‌المللی از دو دیدگاه اقتصاد خرد برای بنگاه‌های اقتصادی و اقتصاد کلان از نظر ملی حائز اهمیت است. از این‌رو در این مقاله، نتایج و پیامدهای حضور بخش خصوصی در بازارهای بین‌المللی در دو قالب نتایج کوتاه‌مدتی که عاید بنگاه‌های اقتصادی می‌گردد و ثمرات و پیامدهایی که در درازمدت برای اقتصاد کشور حاصل می‌گردد، ارائه شده است.

### نتایج حضور در بازارهای بین‌المللی برای بنگاه‌های اقتصادی

در ابتدا باید گفت، صادرات نقش مؤثری در افزایش فروش و سود دارد. شرکت‌های ارائه‌کننده محصول و خدمات، حتی با داشتن جایگاه ثابت در بازارهای داخلی، باید به سمت جهانی شدن پیش بروند. در واقع اگر یک شرکت تولیدی به بازار فعلی خود بسنده کند، این فرصت را به مشتریان خود داده تا به سمت رقابایش حرکت کنند. از سوی دیگر تورم افسارگسیخته کشور باعث شده است تا قدرت خرید مردم کاهش یابد. لذا بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ حیات خود و دستیابی به فروش و سود، ناچارند به بازارهایی با پتانسیل بیشتر فکر کنند. فعالیت در حوزه صادرات و حضور در بازارهای جهانی، منافع متعددی برای تولیدکننده به همراه خواهد داشت که برخی از مهم‌ترین آن در ادامه بیان شده است:



### ۱- افزایش کیفیت و تنوع محصولات تولیدی

لازمه رقابت در بازارهای جهانی و بهره‌مندی از جذابیت این بازارها، تولید محصول متنوع و باکیفیت است که می‌تواند به تمایز اساسی در محصولات شرکت‌های صادراتی منجر شود. همین امر موجب می‌شود که برند این شرکت‌ها رشد چشمگیری در بین رقبای داشته باشد. در حالت کلی رقابت در بازارهای جهانی، باعث پیشرفت خواهد شد و در پی دستیابی به محصولاتی در سطح جهانی، مصرف‌کننده داخلی نیز از آن بهره‌مند می‌گردد.

### ۲- افزایش رقابت‌پذیری از طریق به‌کارگیری نوآوری و فناوری

ورود به بازارهای جهانی و توسعه صادرات مستلزم افزایش توان رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی است. افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی به عواملی مانند هزینه تمام‌شده محصول و سطح نوآوری و فناوری بنگاه بستگی دارد که این مسئله منجر به سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در تحقیق و توسعه و نوآوری و در نهایت افزایش توانمندی و رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی می‌شود. از این‌رو به‌کارگیری خدمات فنی و مهندسی و پیش از آن توسعه این خدمات، دستاورد حضور در بازارهای جهانی است.

### ۳- افزایش امنیت تجاری

یکی از مزایای مهم صادرات برای تولیدکنندگان، دستیابی به امنیت تجاری بالاتر است. زمانی که شرکت‌ها محصولات

#### یکی از

مزایای مهم صادرات برای تولیدکنندگان، دستیابی به امنیت تجاری بالاتر است.

#### زمانی که شرکت‌ها

محصولات خود را صادر می‌کنند، علاوه بر بازار داخل در بازارهای بین‌المللی هم حضور پیدا می‌کنند؛ بنابراین اگر یکی از این بازارها با عوامل مختلف صدمه ببیند، بازارهای دیگر برای حفظ و توسعه فعالیت تجاری و اشتغال موجود همچنان باقی می‌مانند.

البته این موضوع نافی وجود ریسک‌های متعدد در فرآیند صادرات نخواهد بود.



می‌گردد. برخورداری از این معافیت منوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور است.

#### ۶- افزایش ارتباطات

ارتباطات چه در حوزه‌های فردی، اجتماعی و چه در حوزه‌های کسب‌وکار و تجارت، نقش اساسی ایفا می‌کند و می‌تواند سکوی پرتابی به‌سوی موفقیت باشد. ویژگی‌های خاص صادرات باعث می‌شود نقش ارتباطات در این حوزه بسیار پررنگ باشد. از این‌رو یکی از پیامدهایی که صادرات برای صادرکنندگان به وجود می‌آورد، موضوع افزایش شبکه ارتباطی است، به‌طوری‌که هرچه فعالیت در زمینه‌ی فروش محصول و خدمات گسترش یابد، شبکه فروش افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین فرصت‌های موجود برای گسترش ارتباطات، حضور در بازارهای جهانی می‌باشد. این مهم می‌تواند بازار رقابتی ایجاد کرده و درک پایدارتر و بهتری از بازارهای جهانی و فرهنگ‌های آن‌ها ایجاد کند. هنگامی‌که شرکتی پا را از محدوده جغرافیایی خود فراتر می‌گذارد دستاوردهای بیشتری برای خود به همراه خواهد داشت.

#### ۷- فراگیری دانش بیشتر تجاری و افزایش توانمندی

فراگیری دانش بیشتر تجاری از دیگر مزایای صادرات برای بنگاه‌های اقتصادی محسوب می‌شود. شرکت‌هایی که صادرات انجام می‌دهند، در مواجهه با بازار جهانی، دانش

خود را صادر می‌کنند، علاوه بر بازار داخل در بازارهای بین‌المللی هم حضور پیدا می‌کنند؛ بنابراین اگر یکی از این بازارها با عوامل مختلف صدمه ببیند، بازارهای دیگر برای حفظ و توسعه فعالیت تجاری و اشتغال موجود همچنان باقی می‌مانند. البته این موضوع نافی وجود ریسک‌های متعدد در فرآیند صادرات نخواهد بود.

#### ۴- تأمین ارز واردات مواد اولیه و تجهیزات

تحریم بانکی، انتقال و تأمین ارز برای واردکنندگان، یک چالش جدی می‌باشد. به همین دلیل است که صادرات در ایران به یک مزیت استثنایی بدل شده است و واردکنندگان می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود و دیگران را برای پرداخت هزینه کالاهای وارداتی استفاده نمایند. این روش می‌تواند برای واردکنندگان یک مسیر آسان و البته موقتی را ایجاد کند تا با پرداخت هزینه مناسبی کالا را به کشور وارد نمایند. به این ترتیب، تولیدکنندگان در جهت واردات مواد اولیه و یا تجهیزات خطوط تولید، اجرای برنامه‌های نگهداری و تعمیرات و به‌روز کردن تجهیزات و ماشین‌آلات، مسیر سهل‌تری را در پیش خواهند داشت.

#### ۵- معافیت‌های مالیاتی

طبق ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم، صددرصد درآمد حاصل از صادرات خدمات و کالاهای غیرنفتی و محصولات بخش کشاورزی مشمول مالیات با نرخ صفر



می‌شود و هرچه اقتصاد کشوری پیشرفته‌تر، قدرت بهره‌وری آن بالاتر و توانمندی رقابت آن در عرصه بین‌الملل بیشتر بوده و سهم بیشتری از تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. صادرات، چرخه‌های اقتصادی کشور را به حرکت وا می‌دارد. توسعه صادرات محور به‌عنوان یک استراتژی و خطمشی، توسط کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای تضمین رشد اقتصادی پذیرفته شده است. مثبت شدن تراز پرداخت‌ها و به‌تبع آن افزایش ثروت و اشتغال در اثر صادرات می‌تواند مستقیماً به مصرف و رفاه اقتصادی تبدیل شود تا معیشت را برای یک ملت آسان‌تر کند. جهانی شدن، ارزآوری، ایجاد اشتغال پایدار و ... از پیامدهای توسعه صادرات از نگاه اقتصاد کشور، در ادامه به‌تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

#### ۱- جهانی شدن

جهانی شدن فرآیند و تحولی است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ می‌کند و در نهایت آن‌ها را از بین می‌برد. جهانی شدن یک پدیده چندبعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، حقوقی و ... می‌باشد. در فرآیند جهانی شدن شاید مهم‌ترین و پیشتازترین بخش، اقتصاد است. صادرات از طریق تقویت تبادلات اقتصادی میان کشورها، فرآیند جهانی شدن را سرعت می‌بخشد. این مهم، رقابت سرمایه را از محدوده‌های جغرافیایی خاص خارج نموده و در سطح جهان، بی‌قیدوشرط و فراگیر می‌کند و

بازارسازی، بازاریابی و بازاریابی بیشتری فرامی‌گیرند که این دانش، آن‌ها را در بازار داخلی نیز موفق‌تر می‌کند. از آنجا که یک واحد تولیدی برای تولید کالای استاندارد نیازمند کارمندی متخصص و همراه با دانش است، افزایش مهارت کارکنان از دیگر مزایای صادرات توسط واحدهای تولیدی است.

#### ۸- صرفه به مقیاس و افزایش بهره‌وری

به‌طورقطع می‌توان ادعا کرد که یکی از مزیت‌های اصلی صادرات مربوط به صرفه مقیاس است؛ به این مفهوم که هرچه میزان تولید افزایش یابد، تولید مقرون به صرفه‌تر می‌شود، چون هزینه‌های ثابت در کالاهای تولیدی بیشتری سرشکن می‌شود و درنهایت بهای تمام‌شده کالای تولیدی کاهش می‌یابد و در نتیجه در درازمدت به کاهش قیمت‌ها کمک کرده و موجبات رفاه مصرف‌کننده را فراهم می‌کند. در کنار صرفه مقیاس، دستیابی به بازارهای گسترده صادراتی نیاز به تولید بیشتر دارد که به این منظور می‌توان از ظرفیت‌های خالی تولید بهره برد و از این طریق با بهره‌وری بالاتر، ارزش بالاتری خلق کرد.

#### پیامدهای حضور بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای بین‌الملل برای اقتصاد کشور و جامعه

به اعتقاد بسیاری از متخصصان، صادرات پیش از آن‌که برای صادرکننده مفید باشد به چرخه اقتصادی کشور کمک می‌کند. صادرات، موتور اقتصادی کشورها محسوب



### ۵- همسان‌سازی هرچه بیشتر قوانین و مقررات

در پی جهانی شدن و عضویت در مجامع بین‌المللی و پذیرش مقررات این سازمان‌ها، حاکمیت ملی در کشورها کاهش می‌یابد. در اقتصاد جهانی، افراد، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی و شرکت‌های چندملیتی قسمت بزرگی از این نقش را بر عهده گرفته‌اند. از این‌رو دولت‌ها ملزم به مقررات‌زدایی، حذف تدریجی تعرفه‌ها، خصوصی‌سازی، اصلاح قوانین مرتبط، پذیرش کنوانسیون‌های مرتبط با مالکیت فکری و حل‌وفصل اختلافات تجاری در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی و عدم تصویب قوانین محدودکننده خواهند بود که مبین محدودیت‌ها و مسئولیت‌های آنان می‌باشد. از مهم‌ترین مزیت‌های چنین حضوری در صحنه بین‌الملل برای کشور ما، همسان‌سازی هر چه بیشتر قوانین و مقررات و تبعیت از مقررات واحد و هماهنگ خواهد بود که تسهیل فعالیت اقتصادی در سطح بین‌المللی را به همراه خواهد داشت.

### ۶- ارتقای زیرساخت‌های مورد نیاز صادرات

هر نوع توسعه در کشور نیازمندی‌های خود را داشته و در پی آن نیز باعث توسعه بخش‌های دیگری می‌گردد. صادرات از جمله بخش‌هایی است که توسعه آن پیشران توسعه بخش‌های متعددی از اقتصاد می‌گردد. با توسعه صادرات، الزاماً زیرساخت‌هایی از جمله لجستیک شامل حمل‌ونقل، انبارداری، زیرساخت‌های اطلاعاتی و بسته‌بندی، سیستم‌های نظارتی و بازرسی از جمله آزمایشگاه‌ها و واحدهای بازرسی، شرکت‌های بازاریابی بین‌المللی، خدمات بیمه، صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی و بخش‌های متعدد دیگر فعال گشته و توسعه می‌یابد. رشد و توسعه این بخش‌های مکمل، نه تنها به اشتغال منجر می‌گردد که با فراهم شدن این‌گونه زیرساخت‌ها، صادرات تسهیل شده و سرعت می‌یابد.

در نوشته حاضر به بررسی پیامدهای حضور بخش خصوصی در بازارهای بین‌المللی و توسعه صادرات پرداخته شد. این نتایج دست‌یافتنی نخواهد بود مگر در صورت برنامه‌ریزی بلندمدت مدون و ثبات در اجرای برنامه و رصد و پایش مستمر آن. از این‌رو انتظار می‌رود در کنار همیت و جدیت بنگاه‌های بخش خصوصی، فعال شدن شرکت‌های مدیریت صادرات و کنسرسیوم‌های صادراتی، دولت نیز در راستای مقررات‌زدایی، تنظیم معاهدات تجاری و ایجاد فضای باز تجارت با کشورهای جهان حرکت کرده و بدین ترتیب بستر مناسب برای حضور شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی فراهم آورد. ♦♦

نظام‌های منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌بخشد. از این‌رو می‌توان گفت جهانی شدن منجر به اقتصادی باثبات برای کشورهای فقیر و درحال توسعه و در نهایت ارتقای رفاه اقتصادی خواهد شد.

### ۲- ارزآوری

صادرات، مهم‌ترین منبع درآمد ارزی و در پی آن تأمین‌کننده نقدینگی برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، فراهم‌کننده نیازهای وارداتی و راهکار پرداخت بدهی یک کشور است. پررونق‌ترین اقتصادها نیز می‌توانند در صورت عدم وجود ارز برای وارد کردن کالاهای اساسی با مشکل مواجه شوند. از این‌رو صادرات به‌عنوان راه نجات در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل است که دولت‌ها در سراسر جهان برای ایجاد صادرات برنامه‌های ویژه‌ای را ایجاد می‌کنند.

### ۳- ایجاد اشتغال پایدار

یکی از الزامات دستیابی به نرخ رشد بالقوه هر کشوری، کاهش بیکاری است؛ به‌گونه‌ای که رشد اقتصادی با اشتغال کامل شده و در بلندمدت به همراه ذخیره سرمایه به سطوح بالاتر منتقل می‌شود؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مزایای توسعه مبتنی بر صادرات در اقتصاد کشورهایی با نیروی کار فراوان مانند ایران، آن است که این امکان را فراهم می‌سازد تا رشد از طریق فعالیت‌های اشتغال‌زا محقق گردد. دسترسی به بازارهای گسترده صادراتی، موجبات رشد تولید را فراهم می‌کند که خود نیازمند اشتغال بالاتر است. از این‌رو دستیابی به نرخ بالای صادرات و حضور در بازارهای گسترده جهانی موجب ایجاد اشتغال پایدار در کشور می‌گردد.

### ۴- سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی

کاهش سطح تعاملات جهانی کشور ما باعث شده طی دهه گذشته، شاهد رشد منفی سرمایه‌گذاری در کشور باشیم. این روند نزولی بسیار نگران‌کننده است؛ چراکه امروز استهلاک و عدم سرمایه‌گذاری از انباشت سرمایه سبقت گرفته است. از سوی دیگر در همین بازه زمانی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار خروج سرمایه از کشور را شاهد بوده‌ایم، درحالی‌که با گسترش حضور بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای بین‌المللی و گسترش ارتباطات امکان سرمایه‌گذاری‌های مشترک برای تولید محصول در داخل کشور (با توجه به وجود نیروی کار مناسب) وجود خواهد داشت که منافع آن برای اقتصاد کشور خواهد بود.

#### به‌طور قطع

می‌توان ادعا

کرد که یکی

از مزیت‌های

اصلی صادرات

مربوط به صرفه

مقیاس است؛

به این مفهوم

که هرچه میزان

تولید افزایش

یابد، تولید

مقرون به صرفه‌تر

می‌شود، چون

هزینه‌های ثابت

در کالاهای

تولیدی بیشتری

سرشکن می‌شود

و در نهایت بهای

تمام شده کالای

تولیدی کاهش

می‌یابد و در نتیجه

در درازمدت به

کاهش قیمت‌ها

کمک کرده و

موجبات رفاه

مصرف‌کننده را

فراهم می‌کند.

# بررسی سهم استان کرمان در سپرده‌های بانکی

♦ **الیه شیرنگزاده**  
کارشناس ارشد اقتصاد



در استان کرمان و بر اساس برآورد منابع تأمین مالی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت تحقق رشد مصوب برنامه به طور متوسط سالانه حدود ۲۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد که تقریباً ۳۶٫۵ درصد آن از طریق تسهیلات بانکی تأمین مالی می‌گردد؛ بنابراین نقش انکارناپذیر شبکه بانکی در رشد و توسعه اقتصادی استان باعث می‌گردد که مسئولان مربوطه توجه و تمرکز ویژه‌ای به این مقوله داشته باشند. نظر به اهمیت موضوع، در ابتدا به بررسی روند سپرده‌گذاری در کشور و استان در دهه گذشته می‌پردازیم (نمودار شماره (۱)).

بر اساس داده‌های بانک مرکزی، مانده سپرده‌های بانکی استان در سال ۱۳۹۲، ۱۲ هزار و ۵۸۵ میلیارد تومان بوده است و روند رشد آن‌ها تا سال جاری افزایشی بوده؛ به طوری که بیشترین رشد به میزان ۶۶ درصد و در سال ۱۳۹۹ اتفاق افتاده است.

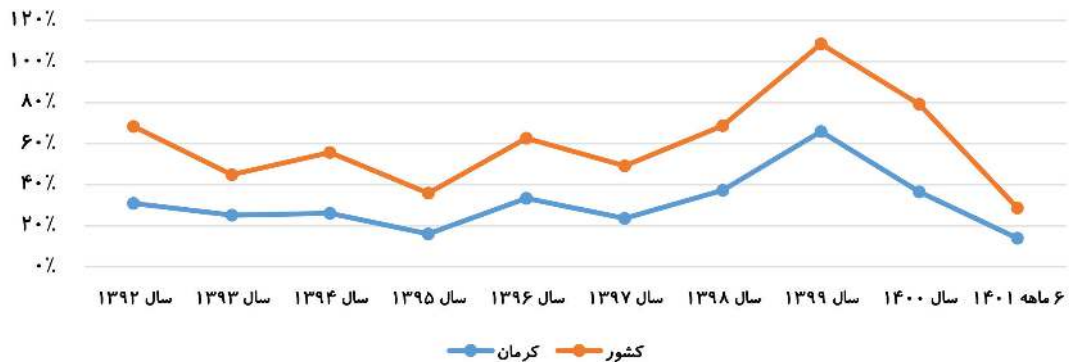
داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که در شهریورماه ۱۴۰۱ مانده سپرده‌های بانکی استان کرمان برابر با ۱۳۴ هزار و ۵۶۱ میلیارد تومان بوده که ۲٫۱ درصد از مجموع سپرده‌های کشور را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است که مانده سپرده‌های بانکی پایتخت برابر با ۳ هزار و ۳۷۶ هزار و ۵۳۰ میلیارد تومان بوده که بالاترین رکورد را در بین استان‌ها داشته است. یکی از علل مهم بالا بودن رقم مانده سپرده‌ها در استان تهران، استقرار دفاتر

مرکزی بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی سایر استان‌ها در این استان بیان شده و عمده فعالیت‌های بانکی آن‌ها از طریق شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری استان تهران انجام می‌شود؛ به طوری که بیش از نیمی از مانده سپرده‌های بانکی متعلق به استان تهران است. بنابراین جهت مقایسه بهتر استان‌ها از داده‌های مربوط به استان تهران صرف نظر می‌کنیم.

طی سالیان گذشته به طور میانگین استان کرمان از لحاظ سهم در تولید ناخالص داخلی کشور رتبه نهم را به خود اختصاص داده است. تولید ناخالص داخلی یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر حجم سپرده‌گذاری بانکی است و همان‌طور که در نمودار شماره (۲) مشاهده می‌کنید در مقطع زمانی شهریور ۱۴۰۱ استان کرمان از نظر مانده سپرده‌های بانکی، در رتبه هشتم و پس از استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، فارس، خوزستان، آذربایجان شرقی، مازندران و البرز قرار دارد. شایان ذکر است تشریح و تحلیل روند سپرده‌گذاری



نمودار شماره (۱): رشد سالانه سپرده های بانکی در ده سال اخیر



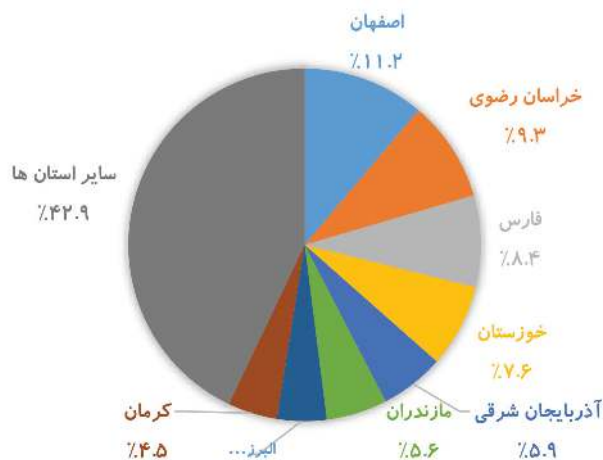
از رشدهای ۱۳ تا ۳۹ درصدی چهار دهه اخیر است. به دنبال این رشد بالای نقدینگی، تورم ۴۸ درصدی نقطه به نقطه نیز تحقق یافته و برخی اقلام خوراکی تا ۱۳۷ درصد رشد داشته است. با حذف اثر تورم در این سال و محاسبه سپرده گذاری به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰، مشاهده می کنیم که سپرده گذاری جدید از رقم ۳۴ هزار و ۳۸۵ میلیارد تومان به ۵ هزار و ۹۲۸ میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است. در این سال، شیوع ویروس کرونا و مشکلات اقتصادی ناشی از فشارهای خارجی و تحریم های ظالمانه و کاهش ظرفی پذیری فعالان اقتصادی برای راه اندازی واحدهای تولیدی و صنعتی که عمدتاً به دلیل تورم و افزایش هزینه تولید بوده، یکی از دلایل افزایش سپرده بانکی و بی رغبتی فعالان اقتصادی برای نقش کار آفرینی برای بهبود فضای کسب و کار است. افزایش قیمت زمین و

بر چگونگی تصمیم سازی برنامه ریزان در استان کمک بسزایی می کند، از همین رو به بررسی میزان سپرده گذاری در استان کرمان از سال ۱۳۹۲ تا کنون می پردازیم. اطلاعات بانک مرکزی نشان می دهد که در مجموع، میزان سپرده گذاری در هر سال نسبت به سال قبل (به جز سال های ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰) افزایشی بوده است؛ به طوری که مبلغ سپرده گذاری جدید آن از ۲ هزار و ۹۷۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ هزار و ۴۲۲ میلیارد ریال در ۶ ماهه ۱۴۰۱ رسیده است. گفتنی است میانگین رشد سالانه سپرده گذاری استان در ۱۰ سال اخیر بالغ بر ۳۰ درصد بوده است.

همان گونه که در نمودار شماره (۳) نمایان است، رشد سپرده گذاری از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۱ ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت ها (تورم) و همچنین افزایش تمایل افراد به سپرده گذاری بوده است. روند سپرده گذاری جدید (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ بسیار محدود افزایش یافته است و متوسط رشد سالانه آن ۹ درصد بوده است و از آنجایی که یکی از ابزارهای مهم تأمین مالی در هر اقتصاد منابع بانکی هستند، رشد کم این بخش می تواند تأمین مالی را با دشواری مواجه سازد. یکی از زمینه های بهبود سپرده های بانکی، افزایش تولید ناخالص داخلی است. طی سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۴ تولید ناخالص داخلی استان رشدهای ۷ درصدی را تجربه کرده است و طبیعتاً موجب افزایش سپرده گذاری طی این سال ها شده است، اما مجدداً روند رشد در سال ۱۳۹۷ نزولی بوده است که روند سپرده های بانکی را هم دچار مشکل نموده است.

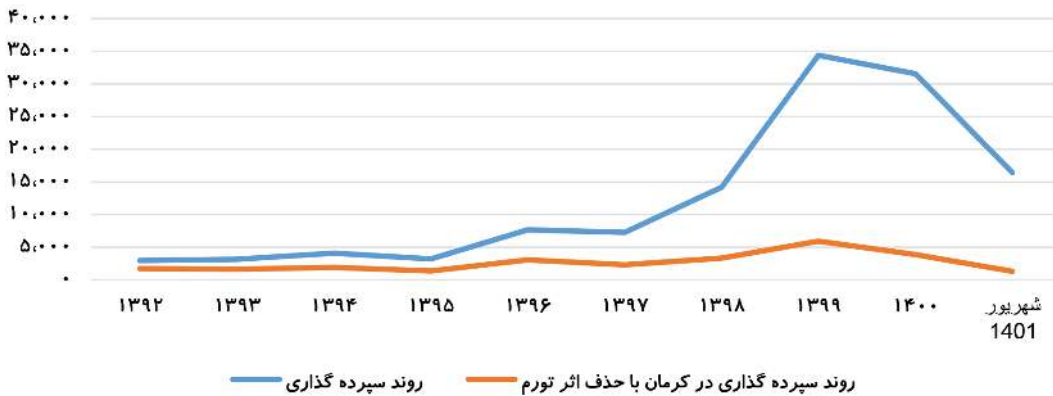
داده های آماری نشان می دهد که رشد نقدینگی در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۴۰ درصد بوده است که بسیار بالاتر

نمودار شماره (۲): مانده سپرده های بانکی در استان های کشور در شهریور ۱۴۰۱ - به جز تهران





نمودار شماره (۳): مقایسه روند سپرده گذاری با نرخ تورم و بدون نرخ تورم در استان کرمان در سال ۱۳۹۲ تا شهریور ۱۴۰۱ (میلیارد تومان)



(به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) تجربه کرده‌ایم که یکی از دلایل آن می‌تواند ریزش «شاخص کل» بورس اوراق بهادار و سرازیر شدن منابع از بازار سرمایه به بانکها باشد.

#### بررسی نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها در استان

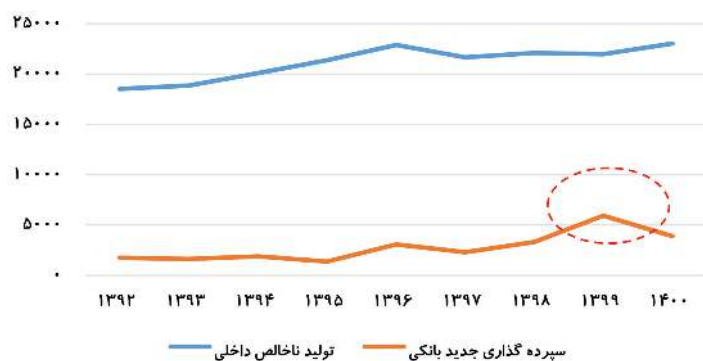
نسبت تسهیلات به سپرده‌ها از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که مدیریت منابع و مصارف بانکها را به تصویر می‌کشد. به عبارت دیگر، این نسبت میزان اتکا بر منابع سپرده‌ای بانکها برای اعطای تسهیلات به بخش غیردولتی را ارزیابی می‌کند. آمار کنونی (شهریور ۱۴۰۱) نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات پرداختی بانکها (مصارف بانکی) به سپرده‌ها (منابع بانکی) در استان کرمان ۷۷ درصد درحالی‌که متوسط این عدد در کشور ۸۱ درصد (کشور به جز استان تهران ۷۱ درصد) است.

بررسی نسبت مصارف به منابع در دهه گذشته در استان کرمان و کشور نشان می‌دهد که به‌طور متوسط این نسبت ۸۶ درصد بوده و در ۲ سال اخیر این نسبت افزایش و از متوسط کشور (به جز استان تهران) بالاتر رفته است. بدیهی است بهبود نسبت فوق باعث افزایش سطح فعالیت‌های اقتصادی و رونق اقتصاد می‌گردد. برخی کارشناسان اقتصادی نسبتی از مصارف به منابع بانکی که نشانگر «توازن» در پرداختها باشد را، در حدود ۸۰ درصد می‌دانند؛ یعنی زمانی که بانکها تا ۸۰ درصد از منابع و سپرده‌های خود را تسهیلات داده و به این طریق به مصرف برسانند، توازن را در عملکرد خود رعایت کرده‌اند. در سال ۱۳۹۹ و بر اساس سالنامه آماری کشور، روند

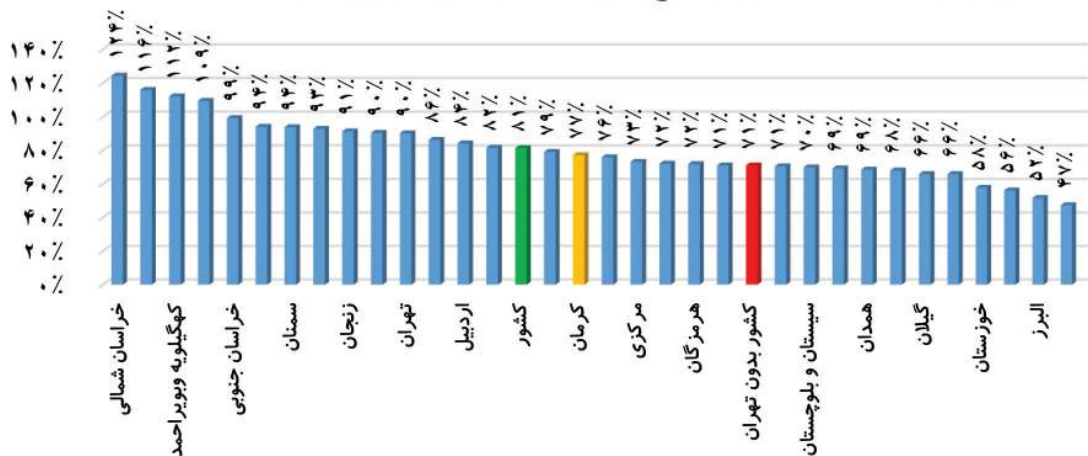
مسکن طی دو سال منتهی به سال ۱۳۹۹ باعث افزایش حجم نقدینگی می‌شود که این سرمایه به دلیل غیرمولد بودن دارندگان آن، موجب افزایش سپرده‌های بانکی (سپرده جاری و بلندمدت) در کشور و استان شده است در ادامه و در سال ۱۴۰۰، مجدداً سپرده‌گذاری با همان روند گذشته (قبل از ۱۳۹۹) افزایش یافت.

همان‌گونه که در نمودار شماره (۴) ملاحظه می‌کنید، روند تولید ناخالص داخلی و سپرده‌گذاری جدید بانکی در استان کرمان از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۰ تقریباً هم سو و هم جهت بوده و با افزایش و کاهش در تولید ناخالص داخلی حجم سپرده‌گذاری بانکی نیز افزایش و کاهش پیدا کرده است، اما در سال ۱۳۹۹ با وجود کاهش در تولید ناخالص داخلی، رشد ۷۸ درصدی را در میزان سپرده‌گذاری

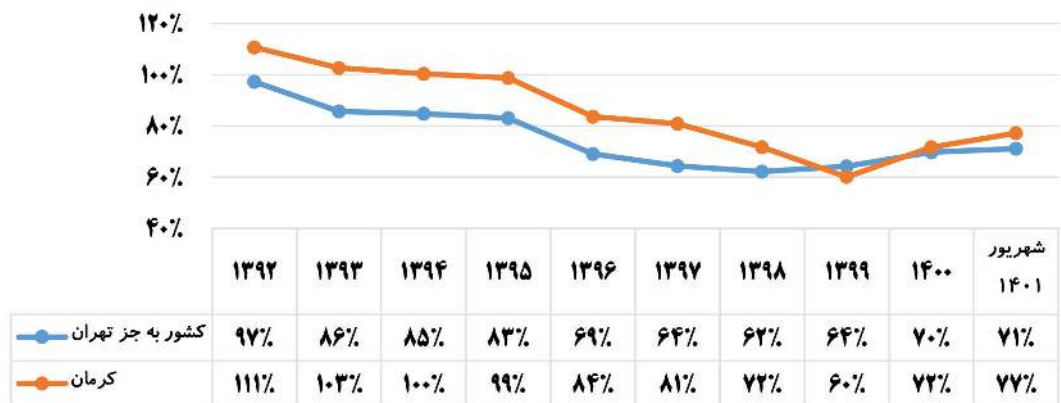
نمودار شماره (۴): روند تولید ناخالص داخلی و سپرده گذاری جدید بانکی در استان کرمان - قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ (میلیارد تومان)



نمودار شماره (۵): نسبت مصارف به منابع بانکی استان های کشور-شهریور ۱۴۰۱



نمودار شماره (۶): روند نسبت مصارف به منابع بانکی در کشور (به جزء تهران) و استان کرمان سال ۱۳۹۲ تا شهریور ۱۴۰۱ (درصد)



با توجه به اطلاعات اخذ شده از شورای هماهنگی بانک های استان کرمان در شهریور ۱۴۰۱، نسبت مصارف به منابع به تفکیک بانک های دولتی، خصوصی و مؤسسات غیر بانکی به ترتیب برابر با ۶۸ درصد و ۸۴ درصد می باشد که بر اساس تقسیم بندی فوق، این نسبت در بانک های خصوصی و مؤسسات غیر بانکی بیشتر از متوسط استان و بانک های دولتی است.

### بحث پایانی

تأمین منابع مالی، عاملی مهم در هر فعالیت اقتصادی است و نقش بانک ها در این زمینه بسیار تعیین کننده است. استان کرمان از لحاظ مانده سپرده های بانکی رتبه هشتم کشور (به جز استان تهران) را به خود اختصاص داده که این موقعیت با جایگاه استان از تولید ناخالص داخلی تناسب دارد. طی دهه گذشته سپرده گذاری در

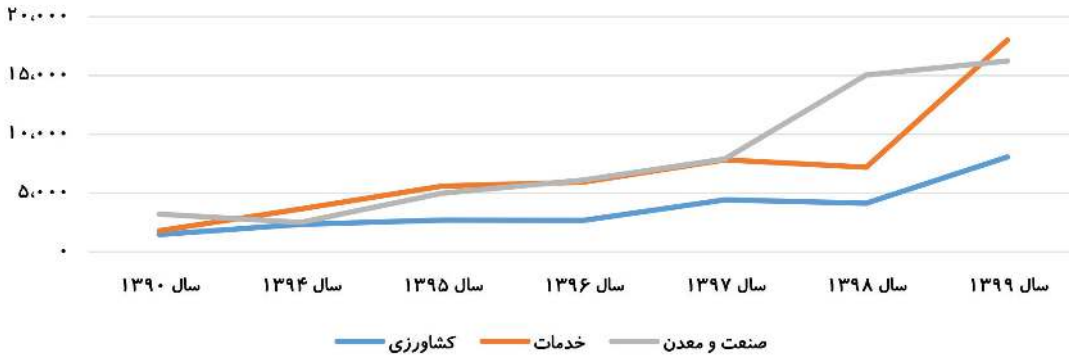
تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش های اقتصادی در حال افزایش بوده است و بخش خدمات در سال ۱۳۹۹ رشد ۱۵۰ درصدی در دریافت تسهیلات را داشته است. یکی از دلایل این رشد بالا، افزایش پرداخت تسهیلات کرونا در این سال به کسب و کارها و بخش های آسیب دیده بوده است. با توجه به نمودار شماره (۸) و همچنین سهم بخش های عمده اقتصادی از تسهیلات پرداخت شده (بخش کشاورزی ۱۹ درصد، صنعت و معدن ۳۸ درصد و خدمات ۴۳ درصد از تسهیلات پرداخت شده در بانک ها) مشاهده می کنیم که تا حدی تسهیلات پرداخت شده با سهم بخش های اقتصادی از تولید ناخالص داخلی استان همخوانی دارد. این امکان وجود دارد که به دلایلی از جمله استقرار دفاتر مرکزی شرکت های بزرگ صنعتی و معدنی در تهران، تسهیلات مورد نیاز این شرکت ها در پایتخت دریافت و در استان به مصرف رسیده است.

رشد سپرده گذاری  
از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۱  
ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت ها (تورم) و همچنین افزایش تمایل افراد به سپرده گذاری بوده است. روند سپرده گذاری جدید (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ بسیار محدود افزایش یافته است و متوسط رشد سالانه آن ۹ درصد بوده است و از آنجایی که یکی از ابزارهای مهم تأمین مالی در هر اقتصاد منابع بانکی هستند، رشد کم این بخش می تواند تأمین مالی را با دشواری مواجه سازد.





نمودار شماره (۷): مبلغ تسهیلات پرداختی بانک ها به بخش غیردولتی بر حسب بخش های عمده اقتصادی در استان کرمان (میلیارد تومان)



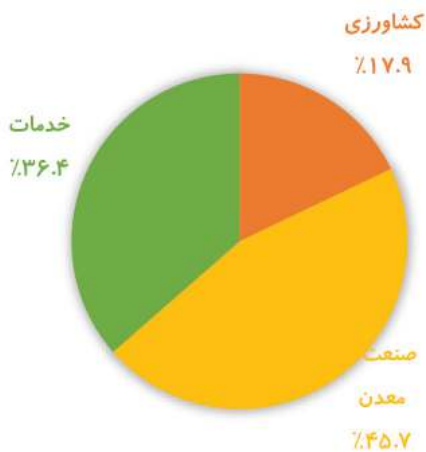
شاخص کل بورس بوده که خود موجب انتقال منابع از بازار سرمایه به بازار پول بوده است. همچنین یکی از معیارهای مهم در ارزیابی عملکرد بانکها، بررسی نسبت مصارف به منابع بانکی بوده که داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد طی دهه گذشته (به جز سال ۱۳۹۹)، این نسبت در استان از متوسط کشور (به جز تهران) بالاتر بوده است. بدیهی است بهبود این شاخص باعث افزایش قابل توجه فعالیت‌های اقتصادی و رونق اقتصاد می‌گردد. همچنین ایجاد مشوق‌های لازم برای ترغیب شرکت‌های بزرگ تولیدی جهت انتقال حساب‌های بانکی خود به داخل استان به همراه افزایش سطح اختیارات بانک‌های استان جهت اعطای تسهیلات کلان موردنظر این شرکت‌ها، می‌تواند موجب بهبود اقتصاد و تحقق منابع تأمین مالی موردنظر برای رشد هدف‌گذاری شده، شود. ♦♦

استان با حذف اثر تورم رشد ۹ درصدی را تجربه کرده و بیشترین رشد در سال ۱۳۹۹ اتفاق افتاده است که عمدتاً به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و ریزش



نمودار شماره (۸): سهم بخش های اقتصادی از

تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۹





## ریسک‌های تجارت در بازار رمز ارزها



♦ وحید سلطانی‌نژاد  
مدرس حوزه رمز ارزها

در دنیای امروز مبادلات مالی غیرمتمرکز روش‌های جدیدی را برای توسعه تجارت به وجود آورده است. این نوع از پرداخت‌ها و قراردادهای هوشمند تأثیرات شگرفی بر روند معاملات میان افراد و شرکت‌ها داشته به طوری که می‌توان میلیاردها دلار را در کسری از ثانیه، با کمترین میزان کارمزد و بدون واسطه منتقل نمود. این موضوع به جهت اثربخش بودن، سبب صعودی بودن روند حجم معاملات روزانه در این بازار شده و همواره در حال افزایش است.

رمز ارزها به دلیل استفاده از بسترهای بلاکچینی دارای ماهیت عدم مرکزیت هستند، یعنی تمامی اتفاقات درون شبکه‌ی آن تحت نظارت سازمان‌های خودگردان غیرمتمرکز بررسی و تأیید می‌شود، پس بسیاری از خطاهای محاسباتی و انسانی به‌طور کامل حذف می‌گردد، اما باین‌حال دلایلی وجود دارد که ممکن است حرکت سالم و صحیح این نوع تجارت‌ها را به مخاطره بیندازد و باعث به وجود آمدن ریسک‌هایی در این بین شود.



ابتدای راه‌اندازی آن نودها که وظیفه‌ی تأیید تراکنش‌های شبکه را به عهده دارند به ازای هر بلاک تعداد ۵۰ عدد بیت کوین از کیف پول اصلی شبکه که مقدار ۲۱ میلیون عدد در آن قفل شده پاداش دریافت می‌کردند. این میزان هر چهار سال یکبار طی رویدادی به نام هالوینگ که هدف آن کنترل تورم این سیستم است نصف می‌شود؛ بنابراین افرادی که زودتر از همگان در این بازار فعالیت کرده باشند، شانس این را دارند که با هزینه کمتر میزان بیشتری دارایی رمز ارزی در طول زمان به دست آورده که این موضوع می‌تواند به مرور موجب عدم توازن در این سیستم مالی گردد. اطلاعات این چنینی نشان‌دهنده دارایی یک میلیون بیت کوین ساتوشی ناکوموتو است که در زمان ارائه آن می‌تواند به شدت قیمت آن را تحت تأثیر قرار دهد، یعنی صاحبان این نوع کسب‌وکارها مانند ساتوشی ناکوموتو و یا بیت‌لیک بوتربین خالق اتریوم در صورتی که بخش اعظمی دارایی رمز ارزی در اختیار داشته باشند، زمانی که با بحران مالی مواجه شوند می‌توانند فشار فروش زیادی به بازار تحمیل کرده و آسیب بزرگی به سرمایه‌گذاران وارد نمایند.

از زمان راه‌اندازی اینترنت، روابط تجاری و فعالیت‌های روزمره مردم از آن تأثیر پذیرفت و میزان زیادی به سرعت رشد علوم مختلف در دنیا کمک نمود، اما از همان ابتدا افرادی با نفوذ در وبسایت و نرم‌افزارها به اطلاعات محرمانه دسترسی پیدا کردند که این موضوع موجب سوءاستفاده‌های ایزاری و مالی قرار گرفت. با توجه به ماهیت مجازی بودن این نوع مبادلات مالی در صورتی که اقدامات امنیتی را ساده انگاشته و نسبت به آن بی‌توجهی گردد به راحتی فضای کاربری شخصی در اختیار هکرها قرار خواهد گرفت و در کسری از ثانیه سرمایه افراد سرقت می‌شود. سابقاً بررسی کرده‌اند که شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی نیز به صورت ناشناس تأسیس شده که با سوءاستفاده از برند بلاک چین و رمز ارزهای سرشناس به صورت غیرقانونی درآمدزایی از این بستر را تبلیغ می‌کنند، اما حدود نودو هشت درصد این شرکت‌های پانزی کلاهبرداری بوده و با وعده سودهای کلان سرمایه مردم را به تاراج می‌برند.

شبکه بلاکچین به نوعی طراحی شده که بعد از راه‌اندازی، هیچ تغییر اساسی نمی‌توان در آن ایجاد کرد، فقط در برخی موارد هارد فورک‌هایی از شبکه اصلی برای رفع یکسری مشکلات تعبیه می‌کنند، اما در حالت عمده غیرقابل تغییر است. حال برخی تلاش‌های نفوذ به شبکه که یکی از آن‌ها با عنوان حمله ۵۱ درصد که به معنی کنترل اکثریت شبکه می‌باشد

به طور کلی می‌توان اتفاقات منفی و بحران‌ساز در زمینه‌ی تجارت ارزهای دیجیتال را به دو بخش داخلی (عوامل فردی) و خارجی (توسعه‌دهندگان و مالکان سیستم‌های رمز ارزی، مشکلات زیرساختی، بلایای طبیعی، اتفاقات بین‌المللی، سیاست‌های مالی بانک‌ها و نظام حاکم کشورها) تقسیم نمود.

اولین و مهم‌ترین موضوعی که اغلب موجب آسیب سرمایه‌گذاران می‌شود، عدم دانش و تجربه کافی در زمینه‌ی تجارت رمز ارزها است. در کنار ابعاد مختلف تجارت که نیازمند تحقیق و بررسی فراوان می‌باشد، استفاده از نرم‌افزارهای غیرمتمرکز و توانایی تحلیل اطلاعات درون شبکه نیز در تجارت رمز ارزها اهمیت بسیاری دارد. این نوع از مبادلات تجاری در عین سادگی دارای ابعاد پنهانی در بطن کار هستند و به دلیل جدید بودن بحث رمز ارزها در دنیا، محتوای علمی بسیار زیادی از آن موجود نیست پس در اکثر موارد تجربه است که می‌تواند راهگشای چالش‌های درون شبکه باشد. اگرچه متخصصان بسیاری در تلاش برای گسترش این نوع تکنولوژی هستند، اما هنوز مسیر طولانی برای رسیدن به نقطه مناسبی از استفاده عمومی قرار دارد. برنامه نویسان دنیاهای متاورس را به نوعی طراحی کرده‌اند که در آینده جایگزین تمام امور مهم زندگی مانند مشاغل، مراکز خرید و فضاهای تفریحی شوند، تضمینی است که در این دنیا پرداخت‌ها تنها با رمز ارزها امکان‌پذیر خواهد بود، پس آشنایی با این موضوع برای هر فرد در نسل آینده جزو اولویت‌های زندگی است و عدم آشنایی با آن می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

در بسیاری موارد معامله گران این بازار که با مفاهیم مدیریت سرمایه آشنایی کاملی ندارند با نوسانات شدیدی که تأمین‌کننده‌های نقدینگی ایجاد می‌کند مواجه شده و با ایجاد ترس و استرس موجب از بین رفتن مقدار قابل توجهی از سرمایه‌های آن‌ها می‌گردد. این نوع نوسانات شدید در برخی مواقع نیز با توجه به خبرهای منفی و مثبت نسبت به رمز ارزها اتفاق می‌افتد، البته باید اذعان داشت تمام این مسائل به دلیل کوچک بودن حجم کل بازار کریپتو کارنسی‌هاست که به آسانی تحت تأثیر قرار می‌گردد، اما سایر بازارهای جهانی این نوع نوسانات شدید را به ندرت تجربه می‌کنند. در واقع برای ورود به هر نوع سرمایه‌گذاری، آموزش و تجربه رکن ابتدایی است که با فقدان آن در این نوع تجارت به سرعت باعث از بین رفتن سرمایه‌ها می‌شود.

ساتوشی ناکوموتو نام فردی است که این انقلاب را در زمینه‌ی تجارت بین‌المللی آغاز کرد. نگرش کلی این فرد نسبت به بیت کوین به وجود آوردن یک سیستم مالی غیرمتمرکز بود که بدون واسطه به‌طور دقیق عمل کند. در

برنامه نویسان  
دنیاهای متاورس  
را به نوعی طراحی  
کرده‌اند که در  
آینده جایگزین  
تمام امور مهم  
زندگی مانند  
مشاغل، مراکز  
خرید و فضاهای  
تفریحی شوند،  
تضمینی است  
که در این دنیا  
پرداخت‌ها  
تنها با رمز ارزها  
امکان‌پذیر  
خواهد بود، پس  
آشنایی با این  
موضوع برای هر  
فرد در نسل آینده  
جزو اولویت‌های  
زندگی است و  
عدم آشنایی  
با آن می‌تواند  
مشکل‌ساز باشد.



جمعیت کره زمین دانش استفاده از این نوع مبادلات را دارند در برخی موارد به دلیل هزینه سرسام آور تراکنش‌های شبکه جابجایی دارایی مقرون به صرفه نیست. زمانی را تصور کنید که کل جمعیت مردم دنیا یعنی حدود هشت و نیم میلیارد نفر به‌طور کامل از این بستر استفاده نمایند، قطعاً باید به‌نوعی سیستمی تعبیه گردد که توانایی اجرای آن را بدون اشکال داشته باشد.

در نهایت بزرگ‌ترین تهدید برای سیستم‌های مالی غیرمتمرکز، توسعه تکنولوژی کوانتومی است. این تکنولوژی با سرعت پردازش غیرقابل باوری که دارد در کسری از ثانیه تمامی سؤالات بشر را پاسخ می‌دهد. نوعی تحلیل وجود دارد که استخراج تمامی بیت کوین‌های موجود در حدود صدسال دیگر زمان می‌برد، اما کامپیوترهای کوانتومی در چند دقیقه آن را به پایان می‌رساند. اکنون تحقیقات درباره بررسی استفاده از ابزارهای بلاکچینی بر پایه دانش کوانتومی را بیش از پیش دنبال می‌کند پس می‌توان گفت این نوع مبادلات مالی در آینده با تکنولوژی روز همراه شده و با قدرت بیشتری و قطعاً بخش گسترده‌تری از جریان مالی دنیا را تحت تسلط خود قرار خواهد داد.

### سخن آخر

سرعت رشد تکنولوژی در این دهه به بالاترین میزان خود رسیده و تمامی فعالیت‌های اصلی بشر از آن تأثیر پذیرفته است، بویژه مباحث مالی و تجاری که اقتصاددانان هر روز راهی برای تسهیل روند انتقال دارایی ارائه می‌کنند، سیستم رمز ارزی نیز تغییری شگرف در زمینه‌ی مرادوات مالی است. فرایند تبادل ارز در سیستم رمز ارزی کاملاً تسهیل شده به‌طوری‌که حتی کودکان نیز می‌توانند به‌آسانی آن را فرا گیرند؛ بنابراین فقط با اندکی توجه و دقت می‌توان از تمامی مخاطرات مصون ماند. میزان کسب سود بسیار زیاد سرمایه‌گذاری رمز ارزی در بلندمدت غالباً اتفاق می‌افتد و به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد می‌تواند مخاطبین گسترده‌ای جمع‌آوری کند اما در صورتی می‌توان به سودهای کلان امیدوار بود که افراد بتوانند در مواقع اضطراری از سرمایه خود محافظت نمایند پس با این تفسیر مهم‌ترین گام و اصلی‌ترین اقدام حفظ سرمایه از طریق ارتقا دانش و مشورت با افراد متخصص می‌باشد. در گام بعدی کسب سود با مدیریت سرمایه صحیح و روانشناسی دقیق بازار را می‌توان اولویت‌گذاری نمود. موضوعات ذکر شده انواع متنوعی از ریسک‌های اصلی موجود در زمینه‌ی تجارت رمز ارزهاست که با تمام این وجود در زمان‌های بحرانی با دقت عمل و تصمیم‌گیری به‌موقع برای نقد کردن دارایی‌های رمز ارزی به‌خوبی قادر به مدیریت حساب معاملاتی خواهیم بود. ♦♦

آن را تهدید می‌کند، به همین دلیل اعتقاد بر آن است هر چه سیستم در بین مردم شیوع پیدا کند و استفاده عمومی از آن بیشتر گردد، تسلط یک فرد و یا یک مجموعه خاص بر سیستم غیرممکن‌تر خواهد بود. برخی دیگر از انواع حملات هکری مانند داستینگ که انتقال مقداری از یک ارز ناشناس و فاقد اعتبار به افراد و پهن کردن دام برای نفوذ در اطلاعات آن‌هاست، همچنین فیشینگ و دابل اسپند نیز گونه‌های دیگری از حملاتی است که احتمال انجام آن توسط هکرها در سیستم رمز ارزها بسیار است.

برای استفاده از این نوع از تراکنش‌ها و مبادلات تجاری عموم مردم نیاز به زیرساخت زیادی ندارند و تنها با یک تلفن همراه و اینترنت همه چیز امکان‌پذیر است، اما اگر دسترسی به اینترنت از بین برود به‌طور کلی امکان استفاده از این شبکه غیرممکن می‌شود، اگرچه احتمال این موضوع تقریباً جود ندارد ولی در برخی مواقع حتی به‌صورت کوتاه‌مدت پیش‌آمده که دسترسی به اینترنت ممکن نیست و یا به دلایلی از سمت حکومت‌ها محدود می‌شود. جذاب بودن و سهولت استفاده بیش از پیش توسط نسل‌های جدید از این بستر باعث می‌شود تا در آینده حکومت‌ها برای کنترل مجاری ورود و خروج نقدینگی و کسب مالیات بر درآمد رمز ارزی قانون‌گذاری‌های متناسبی دهند، همچنین جایگزین شدن تبادلات مالی بانکی با رمز ارزها تبعات بسیاری برای مؤسسات مالی به همراه دارد؛ چرا که نوعی از کنترل مردم با تسلط بر روی اموال و نقدینگی آن‌هاست. بسترهای رمز ارزی کاملاً شخصی‌سازی شده و بدون وجود واسطه‌هایی مانند بانک‌ها عمل می‌کند پس ممکن است رقیب سرسختی برای سیستم‌های متمرکز همچون مؤسسات مالی باشد.

امور مالی غیرمتمرکز می‌تواند اجرای بهتری نسبت به سیستم مالی متمرکز داشته باشد، به این دلیل که تمامی روند آن بدون دخل و تصرف سلیقه افراد صورت می‌پذیرد؛ یعنی عملیات سپرده‌گذاری، وام‌دهی و تمام معاملات بر پایه بلاک چین هستند. این موضوع در حالت عادی بی‌نقص عمل می‌کند، اما در شرایط غیرطبیعی مانند ریزش یک استیبل کوین الگوریتمی به‌راحتی موجب افت عملکرد شدید بازار می‌گردد و گاهی رمز ارزها به این دلیل در چند ساعت ارزش کامل خود را از دست می‌دهند.

محققین بر این باورند که رمز ارزها به دلیل سهولت، سرعت و قابلیت عملکرد بسیار بالا جایگزین سیستم سنتی خواهند شد. مقیاس‌پذیری این سیستم دغدغه اصلی توسعه‌دهندگان است؛ چراکه حجم انبوهی از درخواست‌های متعدد در یک‌زمان خاص باعث کند شدن سیستم و افزایش هزینه کارمزد شبکه می‌گردد. اکنون درحالی‌که در حدود پنج درصد

شبکه بلاکچین  
به نوعی طراحی  
شده که بعد از  
راه‌اندازی، هیچ  
تغییر اساسی  
نمی‌توان در آن  
ایجاد کرد، فقط  
در برخی موارد  
هارد فورک‌هایی  
از شبکه اصلی  
برای رفع یکسری  
مشکلات تعبیه  
می‌کنند، اما در  
حالت عمده  
غیرقابل تغییر  
است. حال برخی  
تلاش‌های نفوذ  
به شبکه که یکی  
از آن‌ها با عنوان  
حمله ۵۱ درصد  
که به معنی کنترل  
اکثریت شبکه  
می‌باشد آن را  
تهدید می‌کند،  
به همین دلیل  
اعتقاد بر آن است  
هر چه سیستم  
در بین مردم  
شیوع پیدا کند و  
استفاده عمومی  
از آن بیشتر گردد،  
تسلط یک فرد و  
یا یک مجموعه  
خاص بر سیستم  
غیرممکن‌تر  
خواهد بود.

# آینده‌نگاری در گردشگری استان کرمان

## دوره پسا کرونا و سناریوهای محتمل آینده

♦ دکتر محمدحسین فروزان فر

عضو هیئت‌علمی گروه گردشگری و هتلداری مجتمع آموزش عالی بم



### مقدمه

تفکر در مورد آینده، نیازمند زمان مشخصی برای استفاده از ابزارهای برنامه‌ریزی دارد تا بتوان آینده را در قالب عناصر قابل پیش‌بینی و عدم قطعیت‌ها بیان کرد. این ابزارها، همان سناریوهایی هستند که در مورد عدم قطعیت‌های آینده بحث می‌کنند؛ بنابراین امروزه آینده‌نگاری به زمینه بحث‌های گوناگونی در خصوص برنامه‌ریزی برای آینده با علم مدون تبدیل شده است و بر روندهای گذشته، کشف و ابداع آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب تأکید می‌کند. یکی از این موضوعات مهم و اساسی که نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشورها، شهرها و روستا دارد و می‌تواند با آینده‌نگاری و طراحی سناریو منجر به بهبود رشد اقتصادی و بهبود زندگی افراد شود، مقوله صنعت گردشگری است. ارزش و اهمیت صنعت گردشگری امروزه تا آنجا است که سازمان جهانی گردشگری (WTO) از آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پُردرآمدترین صنایع دنیا نام برده است. لذا توسعه گردشگری صنعتی نیازمند شناخت و آگاهی کافی از مسائل و عوامل مؤثر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه است. بنابراین پیوند بین مطالعات آینده‌نگاری و توسعه صنعت گردشگری را می‌توان تحولی شگرف در عرصه برنامه‌ریزی منطقه‌ای مدرن دانست، به‌نحوی که از دهه ۱۹۷۰ علم آینده‌پژوهی به ابزاری کلیدی برای تدوین سیاست‌های منطقه‌ای بویژه در زمینه‌ی گردشگری تبدیل شده است تا از یک‌سو با تلاش در راستای اهداف آینده بلندمدت ضمن در بر گرفتن منافع اقتصادی و اجتماعی مردم، کمترین خسارات را نیز به ظرفیت‌های محیط گردشگری وارد نماید و از سوی دیگر با در نظر گرفتن الگوی توسعه پایدار، سناریوهای مطلوب گردشگری را نیز ارائه دهد؛ بنابراین، استفاده از رویکردهای آینده‌نگاری در مطالعات گردشگری، لزوم توجه به مقوله برنامه‌ریزی سناریو را امری ضروری جلوه می‌نماید.

### نقش آینده‌نگاری در توسعه پایدار گردشگری

امروزه برنامه‌ریزی و آینده‌نگاری توسعه پایدار گردشگری

کاهش ۲۲ درصدی تعداد گردشگران در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۱ و تهدید سقوط ۶۴ درصدی در کل سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سال قبل برخی از نشانه‌های ویرانی است که بیماری همه‌گیر کرونا می‌تواند برای صنعت گردشگری جهانی ایجاد کند. می‌توان گفت که بخش گردشگری یکی از بخش‌های مهمی است که در معرض بحران، بلا یا یا بیماری‌های همه‌گیر قرار گرفته است و بیشترین آسیب را در دوران بحران و بیماری‌های همه‌گیر متحمل شده است.

توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان در سراسر جهان را به خود معطوف کرده است تا زمینه آینده‌نگاری توسعه پایدار گردشگری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراهم شود. رویکرد توسعه پایدار و رونق مقصدهای گردشگری دارای اهمیت بسیاری است؛ چراکه توسعه پایدار گردشگری، به‌عنوان پارادایم غالب قرن حاضر، به یک هدف جمعی تبدیل شده و در پی مدیریت تعامل بین فضای زیست میزبانان، گردشگران و سایر ذینفعان با استفاده از منابع محیطی و فرهنگی می‌باشد که ضمن تأمین نیازهای حال حاضر افراد، حفظ منابع محیطی و طبیعی و حراست از آن را برای آیندگان در نظر دارد. واقعیت این است که در حال حاضر بدون توجه به اصول توسعه پایدار، ادامه حیات مقصدهای گردشگری با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود. مدیران مقصدهای گردشگری عموماً تلاش دارند حمایت‌های عمومی گسترده‌ای برای جذب سرمایه و توسعه گردشگری جلب کنند، به این دلیل که پایداری



محدودیت در سفر و فاصله اجتماعی با شکست‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده‌اند؛ بنابراین بقا در همه‌گیری بسیار دشوار است. گردشگری یکی از صنایعی است که بدون تحرک گردشگران نمی‌تواند جایگاه خود را حفظ کند. کاهش ۲۲ درصدی تعداد گردشگران در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۱ و تهدید سقوط ۶۴ درصدی در کل سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سال قبل برخی از نشانه‌های ویرانی است که بیماری همه‌گیر کرونا می‌تواند برای صنعت گردشگری جهانی ایجاد کند. می‌توان گفت که بخش گردشگری یکی از بخش‌های مهمی است که در معرض بحران، بلایا یا بیماری‌های همه‌گیر قرار گرفته است و بیشترین آسیب را در دوران بحران و بیماری‌های همه‌گیر متحمل شده است. برای صنعت گردشگری در سال ۲۰۲۱ رشد سالانه ۳ تا ۴ درصدی پیش‌بینی شده بود ولی به دلیل گسترش بیماری همه‌گیر کرونا رشد آن حتی تا ۳۰ درصد کاهش یافته است. شورای جهانی سفر و گردشگری تخمین زده است که ۷۵ میلیون شغل در سراسر جهان در معرض خطر هستند و ۲٫۱ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی سفر و گردشگری در سال جاری از دست خواهد رفت. همچنین ویروس کرونا، جامعه و بسیاری از مشاغل را مجبور کرده است که فرآیندهای خود را تغییر دهند تا با شرایط طبیعی جدید سازگار شوند. فعالیت بسیاری از بخش‌های گردشگری و تعداد زیادی از مشاغلی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اقتصاد بازدیدکننده بستگی داشتند به حالت تعلیق درآمده است و حتی امکان بازگشایی برخی از آن‌ها دیگر وجود ندارد. در پژوهش داخلی، طالاری و دهقانی قهنویه (۱۴۰۰) فراروندهای مؤثر بر آینده بازاریابی گردشگری پسا کرونا را مورد

زیست‌محیطی، پایداری اجتماعی و توسعه پایدار گردشگری برای توسعه مقصدهای گردشگری از اهمیت زیادی برخوردار است. در حال حاضر مسائل مرتبط با توسعه پایدار به‌عنوان موضوعات مهم و مورد توجه در رابطه با مقاصد گردشگری و شاخص‌های مدیریت مشارکتی به حساب می‌آید. در مجموع می‌توان گفت که توسعه پایدار گردشگری قصد جبران آثار منفی گردشگری انبوه را دارد و جایگزین‌هایی را ایجاد می‌کند که از نظر زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایدار است.

### آینده‌نگاری گردشگری در دوره پسا کرونا

با توجه به تأثیرات و عدم قطعیتی که کرونا بر اقتصاد، اجتماع و حیات صنایع گذاشته و مشکلاتی که بویژه برای صنعت گردشگری به همراه داشته است، آینده‌نگاری و شناسایی روندها و فراروندهای مؤثر بر آینده صنعت گردشگری پسا کرونا برای ادامه حیات این صنعت ضروری است. جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویایی شتابنده است. تغییرات چنان غافلگیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که کوچک‌ترین کم‌توجهی می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی منجر شود. دوره پاندمی کرونا به ما آموخت که چگونه یک ویروس می‌تواند همه چیز را ناگهانی، سریع و تند وارونه کند. کرونا بر کشورها و جمعیت‌های خاص اثرات کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل توجهی داشت. بنا بر اعلام سازمان ملل، تعداد افرادی که از پیامدهای اقتصادی شیوع کرونا از بین رفتند به احتمال زیاد بیش از تعداد افرادی بود که بر اثر ابتلا به خود بیماری فوت کردند. تعدادی از صنایع به دلیل



۵) استفاده از تکنیک‌های نوین بازاریابی و آموزش حرفه‌ای به ارائه‌دهندگان خدمات در صنعت گردشگری،  
۶) استفاده از هوش مصنوعی و فناوری‌های پیشرفته در ارائه خدمات به گردشگران.

### آینده‌نگاری گردشگری استان کرمان

استان کرمان یکی از استان‌های مهم و تاریخی ایران با جاذبه‌های گردشگری بسیاری است؛ به طوری که حدود ۷۰۰ اثر ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران دارد. استان کرمان در زمینه وجود آثار جهانی گردشگری در کشور رکورددار است. استان کرمان با پنج پرونده و هفت اثر، بیشترین تعداد آثار جهانی را در مقایسه با سایر استان‌ها در خود جای داده است، اما این گنجینه بزرگ گردشگری در استان کرمان تاکنون مغفول مانده است، درحالی‌که اقتصاد نوین گردشگری یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اقتصاد غیرنفتی محسوب می‌شود که با کمترین سرمایه‌گذاری بیشترین بازده را در کوتاه‌ترین زمان ممکن دارد. با وجود هفت اثر ثبت جهانی می‌توان گفت که بسیاری از این آثار به خوبی به گردشگران خارجی و حتی داخلی معرفی نشده است و مسیرهای گردشگری استان کرمان رونق نگرفته و اکثر گروه‌های گردشگری خارجی پس از ورود به اصفهان، کاشان، یزد، شیراز و اصفهان، کشور را ترک می‌کنند. با توجه به مباحث مطرح شده در مورد آینده‌نگاری گردشگری و همچنین پتانسیل‌های موجود در استان کرمان، سناریوهای زیر برای صنعت گردشگری استان کرمان قابل تصور است.

**سناریو اول: حالت ایده‌آل توسعه گردشگری پایدار؛ رقابت‌پذیری،**

#### برنامه محوری و توسعه متوازن

این حالت بهترین و مطلوب‌ترین شرایط ممکن برای توسعه پایدار گردشگری استان کرمان است. ویژگی این سناریو موقعیت‌یابی و برندسازی برای استان کرمان، فراهم کردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری، رفاه عمومی و افزایش درآمد برای جامعه محلی، ایجاد اشتغال پایدار، افزایش بازاریابی و تبلیغات در جذب گردشگر، توسعه امکانات تفریحی، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مناسب و توسعه امکانات حمل‌ونقل، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقامتی، تعامل و ارتباط جامعه میزبان و میهمان، تصمیمات مشارکتی، فرهنگ و هویت محلی، کاهش جرائم و افزایش امنیت، انسجام اجتماعی و خانوادگی، هویت‌سازی و تعلق اجتماعی می‌باشد. به‌طور کلی سناریوهای این گروه مشخص‌کننده حالت‌های مثبت و مناسب پیش روی گردشگری استان کرمان است.

**سناریو دوم: روند تغییرات بسیار کند و آرام؛ حفظ وضع موجود**

ویژگی‌های این سناریو شامل حفظ وضعیت موجود به‌عنوان قطب گردشگری منطقه‌ای جنوب شرقی کشور از نظر حجم

بررسی قرار دادند. روندهای مؤثر شناسایی شده عبارتند از: جهان مجازی، افزایش توجه به بهبود سبک زندگی مردم در توسعه فناوری، ارزش‌های اقتصادی، کانال‌های دیجیتال، مراقبت‌های بهداشتی، اینترنت اشیا، رشد ادغام بازارها، استقرار فناوری جدید، نگرانی اپیدمی مجدد، نوآوری به‌عنوان رشد پایدار، تغییر باورها، ارزش‌ها و اعتقادات، تحول اجتماعی و اقتصادی، اهمیت زنجیره تأمین، بازارهای در حال ظهور، دستیابی به فناوری پیشرفته، انعطاف‌پذیری، چابکی، هوش مصنوعی، تحول بخشی. این متغیرها به‌عنوان بازیگران اصلی در آینده گردشگری پسا کرونا محسوب می‌شوند. با توجه به فراروندها و روندهای راهبردی شناسایی شده، آینده گردشگری پسا کرونا می‌تواند به بهبود محیط‌زیست، نگرانی‌هایی که در زمینه‌های سلامت و بهداشت مطرح هست و بهبود سبک زندگی کمک نماید.

برنامه ریزان و سیاست‌گذاران صنعت گردشگری با در نظر داشتن عوامل مؤثر بر آینده گردشگری، می‌توانند برنامه‌ریزی مطلوبی انجام دهند و همچنین سناریوهایی که در آینده مطرح است را شناسایی کنند و برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدتی را برای موفقیت و بقا این صنعت در آینده تدوین نمایند. انتظار می‌رود با دیجیتالی شدن و افزایش فناوری خدمات گردشگری، سهم گردشگری الکترونیکی برجسته و افزایش یابد تا از این طریق در جهت موفقیت این صنعت برنامه‌های لازم را پیاده‌سازی کنند.  
**برای داشتن آینده مطلوب در صنعت گردشگری پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:**

- ۱) توسعه و بهسازی زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و بهره‌گیری از زیرساخت‌های گردشگری مجازی،
- ۲) استفاده از کانال‌های دیجیتال برای ارائه خدمات به گردشگران،
- ۳) استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی جامع برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های گردشگران،
- ۴) توجه بیشتر به گردشگری سلامت و مسائل بهداشتی گردشگران،



گردشگرپذیری، توسعه‌گند و تدریجی وضع موجود، بلاتکلیفی و عدم نوآوری در نحوه جذب گردشگر، ادامه وضع موجود و توسعه کند فضاهای گردشگری، آماده‌سازی ذهنی و اجتماعی جامعه در پذیرش گردشگر، فضاهای نامناسب اقامتی و زیرساخت‌های ضعیف گردشگری می‌باشد.

### سناریو سوم: شرایط بحرانی و نامطلوب؛ عدم امکان توسعه گردشگری پایدار

این سناریو معرف وضعیت بحرانی است که با موانع و مشکلات زیادی در توسعه گردشگری پایدار استان کرمان همراه است. از دست دادن بازارهای هدف، تخریب منابع گردشگری، اعمال محدودیت‌ها و رکود گردشگری، رشد منفی اقتصاد گردشگری، فرصت سوزی و جایگزینی شهرهای رقیب گردشگری، بورس‌بازی شدید، مخاطرات اکوسیستم حوزه مقصد، تخریب و زوال منابع طبیعی، تخریب زمین‌های کشاورزی، کاهش اشتغال و کاهش اثر تکثیری از جمله ویژگی‌های این سناریو می‌باشد.

با جمع‌بندی این سه سناریو می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که سناریوی اول مطلوب‌ترین شرایط برای توسعه گردشگری بر مبنای رقابت‌پذیری، برنامه محوری و توسعه متوازن ایجاد می‌کند و حرکت در فضای این سناریو امکان دستیابی به اهداف چشم‌انداز را بیش از دیگر سناریوها میسر می‌سازد. پیاده‌سازی این سناریو اثر قابل توجهی در تقویت رقابت‌پذیری گردشگری از طریق بخش‌های خصوصی و دولتی و افزایش سرمایه‌گذاری در گردشگری استان دارد. افزون بر آن، جذب سرمایه و سرمایه‌گذاران و اشتغال و کارآفرینی در بخش گردشگری افزایش می‌یابد و آثار توسعه‌ی اقتصاد گردشگری آشکار می‌شود. به دنبال افزایش رقابت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری، فضاها و زیرساخت‌های گردشگری به‌عنوان زیرمعیار بخش کالبدی در دو بخش زیربنایی و رونمایی توسعه می‌یابد و زمینه دسترسی به زیرساخت‌های ضروری چون تأسیسات اقامتی و پذیرایی، فرودگاه‌ها و حمل‌ونقل ریلی و زمینی فراهم می‌آید؛ واضح است توسعه‌ی زیرساخت‌ها و افزایش توان رقابت‌پذیری بخش گردشگری خود زمینه‌ساز حذف موانع سفر در آینده خواهد شد. از طرفی دو عامل مشارکت جامعه میزبان و تخریب محیط‌زیست در نتیجه‌ی ساخت‌وسازهای گردشگری عواملی هستند که به تداوم روند و وضعیت موجود در سیستم گردشگری دامن می‌زنند. پایین بودن ضریب مشارکت جامعه محلی به دلیل آگاهی اندک شهروندان از مزیت‌های اقتصادی گردشگری و ناشناخته بودن بخش گردشگری در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری است. تخریب زیست‌محیطی ناشی از ساخت‌وسازهای گردشگری بویژه در اراضی پیرامون شهرهای استان، اگرچه برای توسعه گردشگری مفید است، اما اثرات منفی زیست‌محیطی به دنبال دارد؛ بنابراین در برنامه‌ریزی برای سازمان‌دهی آینده

فضای گردشگری استان کرمان، توجه به این نکته ضروری است که پیش‌رسان‌های کلیدی و مؤثر همیشه در درون محیط سیستم گردشگری نیستند و در مواردی خارج از سیستم قرار دارند. این عوامل کلان شدیداً در سیستم گردشگری تأثیرگذارند و از آنجایی‌که قادرند تغییرات اساسی در گردشگری شهر ایجاد کنند وجودشان برای توسعه گردشگری حیاتی و ضروری است. به‌طورکلی با توجه به متغیرهای کلیدی و کلان وضعیت‌های احتمالی در افق ۱۴۱۰ و تأثیر آن‌ها بر بهره‌برداری از قابلیت‌های اولویت‌دار گردشگری پایدار استان کرمان انتظار می‌رود سناریوها، چشم‌اندازها، هدف‌گذاری‌ها، تاکتیک‌ها، راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های اقدام، به‌مراتب واقع‌بینانه، عاقلانه و اصولی‌تر شده و با درجه‌ی اعتبار بالاتری تدوین شوند. در واقع شناخت نظام‌مند این تأثیرات به‌مثابه بستر اصلی سناریونویسی، برنامه‌ریزان گردشگری و مدیران استان را قادر می‌سازد با کمترین ریسک در مواجهه با آینده پیش روی گردشگری تصمیم‌گیری کنند. ♦♦

### منابع

- طالاری، محمد؛ دهقانی قهنویه، عادل؛ (۱۴۰۱)، شناسایی فراروندهای مؤثر بر آینده بازاریابی گردشگری پسا کرونا (با رویکرد تحلیل ساختاری، تأثیرات متقابل)، نشریه علمی پژوهشی مدیریت کسب‌وکارهای بین‌المللی، دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۸، صفحه ۲۴۵-۲۶۲.
- علی‌اکبری، اسماعیل؛ مرصوصی، نفیسه؛ جلال‌آبادی، لیلیا؛ (۱۳۹۹)، تدوین سناریوهای مؤثر بر آینده گردشگری پایدار شهر کرمان با رویکرد آینده‌پژوهی، نشریه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۵، شماره ۵۰، صفحه ۶۰-۳۵.
- Buheji, M., & Founding, I. J. Y. E. (2020). Future foresight of post covid-19 generations. International Journal of Youth Economy, 4(1), 1-3.
- Sanches-Pereira, Alessandro. & Onguglo Bonapas. & Pacine, Henrique. & Coelho, ST. & Gomez, Maria F. & Galindo, Teixeira. & Muwanga K, Muwanga. (2017) Fostering local sustainable development in Tanzania by enhancing linkages between tourism and small-scale agriculture, Journal of Cleaner Production, Vol.162, No.20, pp.1567 - 1581.
- Buheji, M., & Founding, I. J. Y. E. (2020). Future foresight of post covid-19 generations. International Journal of Youth Economy, 4(1), 1-3.
- Yung, R., Khoo-Lattimore, C., & Potter, L. E. (2021). VR the world: Experimenting with emotion and presence for tourism marketing. Journal of Hospitality and Tourism Management, 46, 160-171.

گنجینه بزرگ  
گردشگری در  
استان کرمان  
تاکنون مغفول  
مانده است،  
درحالی‌که اقتصاد  
نویین گردشگری  
یکی از مهم‌ترین  
زمینه‌های  
اقتصاد غیرنفتی  
محسوب می‌شود  
که با کمترین  
سرمایه‌گذاری  
بیشترین بازده  
را در کوتاه‌ترین  
زمان ممکن دارد.  
با وجود هفت  
اثر ثبت جهانی  
می‌توان گفت که  
بسیاری از این  
آثار به خوبی  
به گردشگران  
خارجی و حتی  
داخلی معرفی  
نشده است  
و مسیرهای  
گردشگری  
استان کرمان  
رواق نگرفته و  
اکثر گروه‌های  
گردشگری  
خارجی پس از  
ورود به اصفهان،  
کاشان، یزد، شیراز  
و اصفهان، کشور  
را ترک می‌کنند.



## ظرفیت‌های اقتصاد گردشگری در بیابان لوت



### ♦ دکتر محسن پورخسروانی

دانشیار ژئومورفولوژی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید  
باهنر کرمان

ارتباط انسان با محیط طبیعی سابقه‌ای به درازای عمر بشر و دانش جغرافیا دارد، به‌طوری که این تأثیر و تأثر منجر به خلق فضاهای جغرافیایی متفاوتی شده است. واضح است که تکوین و تحول این فضاها ارتباط مستقیم با تکامل و پیشرفت دانش بشری و به‌تبع آن دستیابی انسان به ابزار و تکنولوژی دارد؛ به عبارت دیگر فضاهای جغرافیایی به‌عنوان عرصه عملکرد گروه‌های مختلف انسانی، عینیتی حاصل از نقش‌پذیری و اثرگذاری افراد و گروه‌های انسانی در مکان و یا به سخن دیگر، پیامد عملکردهای متعامل دو محیط طبیعی و اجتماعی هستند و می‌توان آن‌ها را نوعی تولید اجتماعی در مکان به شمار آورد که تغییرات فضایی را به دنبال دارد. امروزه رشد شتابان تکنولوژی موجب تأثیر این پدیده بر فضای جغرافیایی شده که توسط تکنولوژی و رسانه تعیین یافته و دیالکتیک اجتماعی - فضایی متفاوتی را آغاز می‌کند، به‌طوری که تأثیرات واقعی بر فضای جغرافیایی گذاشته و ساختار و کارکردهای آن را متحول می‌کند. لذا همان‌گونه که هایدگر بیان می‌کند، گفتمان عقلانیت ابزاری از رهگذر گشتل تکنولوژی، بازتولید



است محیط به شدت رقابتی صنعت، بنگاه‌های فعال در زمینه گردشگری را وادار می‌کند تا به دنبال روش‌های جدیدی برای بهبود مزیت‌های رقابتی خود باشند.

زنجیره تأمین گردشگری (TSCM)، یکی از استراتژی‌هایی است که بنگاه‌های فعال در زمینه گردشگری می‌توانند برای افزایش مزیت رقابتی خود مورد استفاده قرار دهند. مدیریت زنجیره تأمین گردشگری یکی از استراتژی‌های افزایش مزیت رقابتی است که شامل تمامی تأمین‌کنندگان محصولات مانند تور اپراتورها، عوامل خرد مانند کنترل‌کنندگان محصولات و یا تأمین‌کنندگانی مانند ارائه‌دهندگان محل اقامت که به‌طور مستقیم با گردشگران در ارتباط هستند می‌شود. به عبارتی زنجیره تأمین صنعت گردشگری شامل بسیاری از عوامل گردشگری مانند، هتل‌ها، حمل و نقل، رستوران‌ها، صنایع‌دستی، دفع زباله، زیرساخت‌های مقصد و تمامی کسب‌وکارهای مقصد مورد نظر به‌منظور ارائه خدمات و بهبود عملکرد پایدار در کنار بهبود عملیات‌های مالی مقصد می‌شود. به‌طور کلی عملکرد زنجیره تأمین در صنعت گردشگری با در نظر گرفتن چهار عامل مالی (هزینه‌ها، سهم بازار و...)، غیرمالی (شاخص‌های عملکرد از جمله رضایت مشتری، درجه نوآوری، رضایت کارکنان و جنبش‌های گردشگری و...)، عوامل زیست محیطی (توسعه پایدار) و مدیریت ریسک زنجیره تأمین بررسی می‌شود. از سوی دیگر زنجیره تأمین خدمات گردشگری شامل هفت فرایند اصلی کسب‌وکار، مدیریت ارتباط با مشتری، مدیریت خدمات به مشتریان، مدیریت تقاضا، انجام و تحقق سفارش، مدیریت جریان تولید، تهیه- توسعه محصول و بازار است. مجموعه این عوامل همچون پلی بین پتانسیل‌ها و جاذبه‌های گردشگری مناطق مختلف و جامعه هدف گردشگری، نقش انکارناپذیری در رشد و توسعه صنعت گردشگری در مناطق مختلف خواهد داشت.

#### ژئوسیستم لوت و اهمیت آن در توسعه صنعت گردشگری کشور

کشور ایران با دارا بودن مجموعه‌های متنوعی از پدیده‌های طبیعی، جاذبه‌های باستانی و تاریخی، موقعیت جغرافیایی و بسیاری موارد دیگر، ظرفیت بالایی برای جذب گردشگر و توسعه صنعت گردشگری دارد و استفاده مطلوب و مناسب از این ظرفیت‌ها می‌تواند به توسعه و رشد جامعه کمک شایانی نماید. در سند چشم‌انداز کشور نیز سهم ایران از برنامه جهانی گردشگری جذب ۱,۵ درصد گردشگران بین‌المللی یعنی حدود ۲۰ میلیون نفر و با درآمدی حدود ۲۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است که روند کنونی توسعه فعالیت‌های گردشگری با این پیش‌بینی فاصله زیادی دارد. رشد جمعیت کشور، طی چند دهه اخیر و افزایش جمعیت جوان آن لزوم توجه به راهکارهای جدید برای ایجاد اشتغال در کشور را نمایان می‌سازد. وجود توان‌های مختلف گردشگری در سطح کشور و استفاده از این توان‌ها در جهت ایجاد

می‌شود و فضای جغرافیایی را منبعی برای به دست آوردن سود فزاینده‌ی اقتصادی قرار می‌دهد؛ به‌طوری که کارکردهای اقتصادی و درآمد حاصل از آن منوط به کشف پتانسیل‌ها و فرصت‌های اقتصادی نهفته در آن فضا از یک طرف و ارائه آن به افراد و گروه‌های انسانی به نحو مطلوب از طرف دیگر می‌باشد. در همین راستا تحولات جمعیتی، تغییر الگوهای سکونتی و عملکردهای متفاوت گروه‌های انسانی، گردشگری را به‌عنوان رویکردی نوین در معادلات تجاری و اقتصادی بعد از انقلاب صنعتی مطرح نمود که هر روز نیز به اهمیت آن افزوده شده است؛ به‌طوری که امروزه گردشگری به‌عنوان یک صنعت، جایگاه و نقش تأثیرگذاری در اقتصاد کشورهای پیشرو ایفا می‌کند.

#### گردشگری سومین صنعت اقتصادی در جهان

از نیمه قرن بیستم به بعد عواملی چون جهانی‌سازی، توسعه سرمایه‌داری، پیشرفت ابزارهای حمل و نقل و توسعه ارتباطات تکنولوژیکی منجر به توسعه صنعت گردشگری شده است؛ به‌طوری که این حوزه امروزه به‌عنوان سومین صنعت اقتصادی در جهان شناخته می‌شود. به گزارش بانک جهانی در اواخر سال ۲۰۰۵ این صنعت با ایجاد حدود ۲۱۴ میلیون شغل در سطح جهانی نقش عمده‌ای ایفا کرده است. از سوی دیگر مطابق با جدیدترین گزارش سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) تعداد گردشگران بین‌المللی در سال ۲۰۱۸ با رشد ۶ درصدی همراه بوده و به تعداد ۱,۴ میلیارد نفر رسیده است. این رقم در حالی ثبت می‌شود که در سال ۲۰۱۷ مجموع ۱ میلیارد و ۳۲۳ میلیون سفر گردشگری انجام شده بود و نسبت به سال قبل از آن رشد ۸۴ میلیونی سفرها را نشان می‌داد. در عین حال پیش‌بینی می‌شود تعداد گردشگران بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ میلادی با رشدی بین ۳ تا ۴ درصد همراه شود؛ بنابراین می‌توان گفت که این حوزه چه تأثیری در درآمد ناخالص داخلی کشورهای پیشرو در این زمینه دارد. به‌طور کلی درآمد حاصل از گردشگری در سطح بین‌المللی سرعتی بیش از تجارت جهانی داشته و در حال حاضر از نظر ارزش صادراتی درصد بسیار بالایی را تشکیل می‌دهد. ۱۰,۹ درصد از کل تولید ناخالص جهانی متعلق به صنعت گردشگری است و ۱۱,۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های جهانی تقریباً معادل ۷۰۰ میلیارد دلار به صنعت گردشگری تعلق دارد. گردشگری با رقمی نزدیک ۳,۴ تریلیون دلار، سالانه به‌عنوان بزرگ‌ترین صنعت مطرح است و ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی را دربر دارد. علاوه بر این، این صنعت یکی از بزرگ‌ترین شاخه‌های ارزیابی پویایی یک ملت در سطح کلان و یا یک مکان در سطح خرد به شمار می‌رود. چرا که هم‌زمان می‌تواند بهترین داشته‌ها و میراث یک ملت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیکی به معرض نمایش بگذارد. لازم به ذکر

#### تحولات جمعیتی

#### تغییر الگوهای

#### سکونتی و

#### عملکردهای

#### متفاوت گروه‌های

#### انسانی،

#### گردشگری

#### را به‌عنوان

#### رویکردی نوین در

#### معادلات تجاری

#### و اقتصادی بعد

#### از انقلاب صنعتی

#### مطرح نمود که

#### هر روز نیز به

#### اهمیت آن افزوده

#### شده است؛

#### به‌طوری که

#### امروزه گردشگری

#### به‌عنوان یک

#### صنعت، جایگاه و

#### نقش تأثیرگذاری

#### در اقتصاد

#### کشورهای پیشرو

#### ایفا می‌کند.

بالایی در زمینه‌ی خلق مدل‌های طبیعی میکرو در علوم مختلف مثل زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی، نکتونیک، اقلیم‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ، هنر و ... ایجاد نموده؛ به طوری که در جهان از آن به‌عنوان آزمایشگاهی طبیعی جهت آموزش و پژوهش در رشته‌های مذکور یاد می‌شود. همچنین گرم‌ترین نقطه کره زمین در چاله لوت در کنار کشف آثار باستانی تمدن باشکوه خبیص و شهر کوتوله‌ها جایگاه منحصر به فردی را به شهادت و لوت بخشیده است.

### برگزاری سومین کنفرانس گردشگری بیابان لوت در کرمان

در همین راستا و با توجه به پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بی‌نظیر بیابان لوت در زمینه‌ی گردشگری از یک طرف و سهم ناچیز ایران و استان کرمان در زمینه‌ی اقتصاد گردشگری از طرف دیگر، بخش جغرافیای دانشگاه شهید باهنر کرمان سعی دارد با برگزاری سومین کنفرانس گردشگری بیابان لوت در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲، ضمن معرفی قابلیت‌ها و توانمندی‌های بیابان لوت در زمینه‌ی گردشگری و انرژی‌های تجدیدپذیر، نقش مهمی در رونق اقتصادی و توانمندسازی جوامع محلی در این منطقه ایفا نماید. در همین رابطه دبیرخانه کنفرانس، ضمن دعوت از سازمان‌ها و ارگان‌های دست‌اندرکار جهت برگزاری هرچه بهتر این کنفرانس، آماده دریافت مقالات ارزشمند پژوهشگران گرامی می‌باشد. ♦♦

لوت: [lut3conf.uk.ac.ir](mailto:lut3conf.uk.ac.ir)

آدرس ایمیل سومین کنفرانس بین‌المللی گردشگری بیابان لوت: [conf.uk.ac.ir@lut3](mailto:conf.uk.ac.ir@lut3)

#### منابع

- اطلس ملی گردشگری ایران، (۱۳۸۱)، انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور.
- Akadiri, S.S., Alola, A.A., Akadiri, A. Ch. (2019) The role of globalization, real income, tourism in environmental sustainability target. Evidence from Turkey. Science of The Total Environment, Volume 687, Pages 423-432.
- Hervani, A. A., Helms, M. M., & Sarkis, J. (2005). Performance measurement for green supply chain management. Benchmarking: An International Journal, 12(4), 330-353.
- Khadat al-Rasoul, Zahra and Reza Ghazavi and Seyed Hojat Mousavi (2016), Feasibility of Sustainable Desert Ecotourism Development in Shiraz Desert. Iranian Rangeland and Desert Research: 2016, Volume 23, Number 1, pp: 70-79.
- Yazdan Panah Shahabadi, Mohammad Reza and Hassan Sajjadzadeh, and Mojtaba Rafieian (2019), Explaining the Conceptual Model of Location Branding: A Review of Theoretical Literature. Bagh Nazar Journal, No. 16, pp: 13-33.

درآمد و اشتغال می‌تواند یکی از این راهکارهای اشتغال‌زایی باشد. واحد لوت از جمله ژئوسیستم‌های منحصر به فرد ایران و حتی جهان می‌باشد که سیر تکامل و تحول آن موجبات شکل‌گیری تنوع ذاتی آن را در کنار انحصار در خصوصیات محیطی فراهم نموده است. این دو ویژگی، یعنی تنوع و منحصر به فرد بودن، موجبات توانمندی‌های ذاتی این واحد در راستای توسعه گردشگری را فراهم نموده است. واحد لوت با وسعتی در حدود ۵۴ هزار کیلومتر مربع از گرم‌ترین و خشک‌ترین بیابان‌های ایران و بلکه جهان است. شکل آن تقریباً به صورت گودی بیضی شکل با امتداد شمالی-جنوبی می‌باشد. طول آن در حوالی نصف‌النهار ۵۹ درجه شرقی، بین شورگزر در جنوب تا کوه رحیمی در شمال حدود ۹۰۰ کیلومتر و بیشترین پهناي آن در امتداد مدار ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی بین کوه سور در مغرب و کوه ملک در مشرق حدود ۲۴۰ کیلومتر است. ارتفاعات کرمان با روند تقریباً جنوبی-شمالی از بم تا نای بند، از طرف مغرب دشت لوت را احاطه کرده‌اند. مشرق آن را کوه‌های کم ارتفاع‌تری با جهت شمالی-جنوبی، از نهبندان در شمال تا پیش کوه‌های آذرین بزمان در جنوب محدود کرده‌اند. در شمال نیز ناهمواری‌های کم ارتفاع آتشفشانی و رشته‌های چین خورده قوسی شکل با تحدب شمالی مانند کوه رحیمی و کوه سیاه دشت لوت را محدود ساخته‌اند. در سمت جنوب حد طبیعی دشت لوت به ظاهر مشخص است، ولی رشته‌کوه مهمی وجود ندارد. در اینجا جاده بم-زاهدان را می‌توان به‌عنوان مرز جنوبی دشت لوت در نظر گرفت، اما کمی به طرف جنوب، سد کوهستانی متشکل از رسوب‌های آذر-آواری و آتشفشانی از بارز تا بزمان، چاله توپوگرافی لوت را از چاله جازموریان جدا می‌کنند. به این ترتیب رشته‌کوه‌هایی که از همه طرف چاله لوت را احاطه کرده، انزوای محلی و محیطی متضاد و متفاوت را برای آن فراهم نموده‌اند. بطور مثال تضاد ارتفاعی، بالای ۳۵۰۰ متر (ارتفاعات سیرج) تا ارتفاعی حدود ۱۵۰ متر، شکل‌گیری نگره‌های طبیعی متنوع و متضادی را موجب شده است. از جمله:

- ارتفاعات پوشیده از برف، شهر بیلاقی سیرج و آبگرم سیرج در دل این ارتفاعات در مجاورت گرم‌ترین نقطه کره زمین در چاله لوت.

- موقعیت ساختاری چاله لوت و خلق فلات آتشفشانی گندم بریان، در کنار تنوع بی‌نظیر لندفرم‌های بادی همچون کلوت‌ها، برخان‌های متحرک، دشت ریگی منحصر بفرد، پهنه‌های ماسه‌ای گسترده، هرم‌های ماسه‌ای بی‌نظیر و ...

- تنوع جاذبه‌های گردشگری در حوضه لوت از جمله، توریسم باستانی و تاریخی، توریسم درمانی، اکوتوریسم، توریسم فرهنگی و ...

- تنوع پتانسیل‌های توریسم درمانی در حوضه لوت از جمله، شن درمانی، چشمه‌های آب گرم، نمک درمانی (هالوتراپی)، لجن درمانی، گیاهان دارویی و ...

از طرفی تنوع فرآیندهای عمل‌کننده در حوضه لوت، پتانسیل

**بخش جغرافیای**  
**دانشگاه شهید**  
**باهنر کرمان سعی**  
**دارد با برگزاری**  
**سومین کنفرانس**  
**گردشگری**  
**بیابان لوت در**  
**اردیبهشت‌ماه**  
**۱۴۰۲، ضمن**  
**معرفی قابلیت‌های**  
**و توانمندی‌های**  
**بیابان لوت**  
**در زمینه‌ی**  
**گردشگری و**  
**انرژی‌های**  
**تجدیدپذیر،**  
**نقش مهمی در**  
**رونق اقتصادی**  
**و توانمندسازی**  
**جوامع محلی در**  
**این منطقه ایفا**  
**نماید.**





# جامعه

- + اکولوژی صنعتی
- + جمعیت و آب؛ رابطه‌ای که باید از نو شناخت
- + وصف‌الحال منابع بی‌رمق آب
- + پازل مدیریت بحران
- + خطر بیابانی شدن
- + آینده شهرنشینی در کرمان
- + شهر دوست‌دار محیط‌زیست





## اکولوژی صنعتی

### چالش‌های تبدیل شهرک‌های صنعتی به اکو پارک‌های صنعتی در ایران



#### ♦ دکتر حسین وحیدی

عضو هیئت‌علمی گروه پژوهش محیط‌زیست پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه  
تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری‌های پیشرفته

#### مقدمه

امروزه راهکارهای بسیاری برای کاهش مصرف مواد اولیه، تولید پسماند و مصرف انرژی پیشنهاد شده و مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین این مفاهیم که در سطح صنایع و خصوصاً شهرک‌های صنعتی مطرح شده، اکولوژی صنعتی است. اکولوژی صنعتی در حدود سه دهه توسط رابرت ایرز معرفی شد. مفهوم اکولوژی صنعتی را با یک سؤال ساده می‌توان مطرح نمود؛ آیا می‌توان پسماند تولیدی توسط یک کارخانه را به‌عنوان مواد اولیه کارخانه دیگر مورد استفاده قرار داد؟ این سؤال از مدت‌ها پیش باعث شده تا مطالعات زیادی برای رسیدن به جواب صورت گیرد.

توسعه اکولوژی صنعتی عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته شکل گرفته و بعد از کسب نتایج مطلوب توسط آن‌ها، کشورهای در حال توسعه نیز به این مبحث و توسعه مفاهیم

## اکولوژی صنعتی و دولت

اکولوژی صنعتی در بخش دولتی به‌کندی در حال پیشروی است. از پیشرفت‌های موفق می‌توان به اروپا اشاره داشت که توانسته‌اند برخی از مفاهیم اولیه را در مراحل طراحی لازم‌الاجرا کنند. همچنین، یکی دیگر از موفقیت‌های آن‌ها، شروع حسابرسی جریان مواد (Material flow accounting) به‌صورت آمارهای حسابرسی ملی برای برخی از کشورهای عضو اتحادیه است.

از دیگر اقدامات مهم دولتی در این زمینه می‌توان به مجموعه استراتژی‌های تصویب شده در کمیته توسعه پایدار آمریکا و در نتیجه ایجاد سازمانی برای توسعه اکولوژی صنعتی از سال ۲۰۰۰ اشاره کرد. از دست‌آوردهای خوب این تصمیم می‌توان به Devens Eco-Efficiency Center با شروع به کار در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد که توانسته موفقیت‌های قابل‌توجهی تاکنون در توسعه اکولوژی صنعتی چه در صنایع و شهرک‌های صنعتی و چه در بخش‌های دولتی کسب کند. همچنین، در سال‌های اخیر شاهد تصویب نقشه راه ملی اقتصاد چرخشی و اکولوژی صنعتی در بیشتر کشورهای اروپایی هستیم؛ به‌عنوان مثال کشور نروژ در سال ۲۰۱۹ نسخه دوم نقشه راه ملی خود را با چشم‌انداز سال ۲۰۵۰ منتشر نموده است.

در ایران سیر تکاملی شهرک‌های صنعتی از مدت‌ها قبل شروع شده است. این سیر تکاملی بدون در نظر گرفتن مشکلات محیط زیستی و مفاهیم اکولوژی صنعتی بوده است. مهم‌ترین ارگان توسعه شهرک‌های صنعتی و کلیه مسائل مربوطه به آن توسط سازمان شهرک‌های صنعتی و صنایع کوچک (ISIPO) انجام می‌شود.

البته اکولوژی صنعتی توسط گروه‌های غیردولتی هم مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال بسیاری از دانشگاه‌های معتبر، دوره‌های آموزش تحصیلات تکمیلی با موضوع اکولوژی صنعتی به وجود آورده‌اند و مشغول مطالعه این موضوع هستند. موضوع آموزش اکولوژی صنعتی نیز همانند سایر مسائل آن در ایران مورد توجه قرار نگرفته و تنها به برخی مطالعات پراکنده محدود شده و هنوز مطالعات اساسی، پایه و تخصصی در این رابطه در صنایع ایران صورت نگرفته است. عمده مطالعات انجام شده در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد بوده و حتی در مقطع دکتری به آن توجه بسیار کمی شده است.

## تحلیل راهبردی: چالش‌ها و فرصت‌ها

با توجه به مطالعات انجام شده در شهرک‌های صنعتی با رویکرد اکولوژی صنعتی در ایران می‌توان چالش‌ها و فرصت‌های زیر را برای اکولوژی صنعتی بیان نمود:

آن در صنایع خود علاقه‌مند شدند. کشوری مانند ایران تاکنون به موضوع اکولوژی صنعتی نپرداخته و به‌تازگی با ایجاد بحران‌های اقتصادی و اتخاذ سیاست اقتصاد ریاضتی به اهمیت توسعه سیستم‌های صرفه‌جویی و بهینه‌پی برده است. از این‌رو، تلاش‌هایی در کشور شکل گرفته که در این مقاله سعی شده تا با مروری بر این تجارب، وضعیت کشور ایران با رویکرد اکولوژی صنعتی با در نظر گرفتن تجارب مشابه جهانی بررسی و چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو ارزیابی شوند.

اگرچه اکولوژی صنعتی به‌عنوان علوم توسعه پایدار عنوان شده است، اما همچنان این موضوع در مراحل ابتدایی خود به سر می‌برد. بسیاری از مطالعات اولیه، اکولوژی صنعتی را به‌عنوان مژده دهنده آینده‌ای بهتر در صنایع سبز دانسته‌اند. اکولوژی صنعتی در زمینه‌های مختلف قابل اجرا است ولی یکی از مهم‌ترین مکان‌های این سیستم، شهرک‌های صنعتی به‌عنوان مراکز عمده مصرف مواد و انرژی هستند. از این‌رو، مفاهیم اکولوژی صنعتی در شهرک‌های صنعتی پیاده‌سازی و موجب تشکیل اکو پارک‌های صنعتی شده‌اند. برخی از مقالات، توسعه اکولوژی صنعتی را به‌عنوان سناریو بُرد - بُرد - بُرد در زمینه‌های اقتصادی - محیط زیستی - اجتماعی بیان کرده‌اند که این موضوع خود تأییدی بر الزام این مفاهیم در شهرک‌های صنعتی دارد.

از دیگر موضوعات مطرح شده توسط اکولوژی صنعتی، مواردی چون محیط‌زیست، ارزیابی چرخه عمر محصولات، آلودگی‌های محیط زیستی، طراحی‌های مفهومی، طراحی محیط و حسابرسی سبز است. این موضوعات همگی سعی در کمک به تحلیل جریان‌های خطی فرایند تولید محصول در کارخانه‌ها و تغییر آن به یک فرایند بسته و حلقوی است. بایستی به این نکته اشاره داشت که بستر تمام این موضوعات پایگاه اطلاعاتی نظیر شاخص‌های چرخه عمر است. پایگاه‌های داده ارزیابی چرخه عمر (Life Cycle Assessment) در صنایع ایران بسیار اندک مطالعه شده‌اند و از مطلوبیت و جامعیت کافی به‌منظور طراحی‌های اکولوژی صنعتی برخوردار نیستند. نبود پایگاه اطلاعاتی LCI از بزرگ‌ترین مشکلات بر سر راه توسعه اکولوژی صنعتی در ایران است. هرچند سازمان استاندارد ایران اصول و چارچوب LCA را در اختیار صنایع گذاشته ولی هنوز مطالعه‌ای بر جمع‌آوری پایگاه داده LCI انجام نداده است.

به‌طورکلی می‌توان گفت که در کشور ایران برای اجرا و توسعه اکو پارک‌های صنعتی تاکنون اقدام جدی انجام نشده و لذا هیچ‌گونه اکو پارک صنعتی وجود ندارد؛ که این موضوع باعث هدر رفت قابل توجه انرژی و منابع کشور شده است.

توسعه اکولوژی صنعتی عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته شکل گرفته و بعد از کسب نتایج مطلوب توسط آن‌ها، کشورهای در حال توسعه نیز به این مبحث و توسعه مفاهیم آن در صنایع خود علاقه‌مند شدند. کشوری مانند ایران تاکنون به موضوع اکولوژی صنعتی نپرداخته و به‌تازگی با ایجاد بحران‌های اقتصادی و اتخاذ سیاست اقتصاد ریاضتی به اهمیت توسعه سیستم‌های صرفه‌جویی و بهینه‌پی برده است.

و تحریم‌های بین‌المللی با آن مواجه بود، عدم فعالیت و ساخت تعداد قابل‌توجهی زمین در شهرک‌های صنعتی بوده است. این زمین‌ها عمدتاً به‌صورت پراکنده مابین صنایع فعال قرار گرفته‌اند و در صورت بازبینی کاربری این زمین‌ها، بستر مناسبی برای احداث کارخانه جدید با توجه به اصول طراحی اکولوژی صنعتی، مدل جریان مواد و ایجاد کمترین فاصله برای انتقال مواد و انرژی بین واحدهای صنعتی خواهد بود. به‌عبارت دیگر این موضوع امکان پر کردن تکه‌های پازل اکولوژی صنعتی را به مدیران شهرک صنعتی خواهد داد و به نزدیک شدن به نتایج بهینه بسیار کمک خواهد کرد.

• عدم وجود پایگاه اطلاعاتی درست، کامل و دقیق به‌منظور انجام مطالعات اولیه اکولوژی صنعتی: اطلاعات لازم مطالعات اکولوژی صنعتی است. مطالعاتی که درباره پسماندهای تولیدی در برخی شهرک‌ها انجام شده است مطالعات جامع مدیریت پسماند است که از کیفیت و دقت لازم جهت تدوین مدل جریان مواد برخوردار نیست. اطلاعاتی مانند فرآیندهای تولیدی هر کارخانه، آنالیز پسماند، آنالیز مواد ورودی و انرژی مصرفی از مواردی هستند که اطلاعات لازم برای مطالعات اکولوژی صنعتی را فراهم می‌سازند. لذا تدوین نرم‌افزارهای تحت وب و پایگاه‌های داده آنلاین کمک قابل‌توجهی به بهبود این بخش می‌نماید.

• وجود صنایع مونتاژ و خدماتی در شهرک‌های صنعتی به‌عنوان واحدهایی که توان مصرف پسماند را ندارد و عدم وجود صنایع مادر و سنگین مانند صنایع فولاد، مس، پتروشیمی، پالایشگاه در نزدیکی شهرک‌های صنعتی: این عوامل باعث عدم استفاده از پسماندهای بسیار ارزشمند و هدررفت انرژی بالای این صنایع می‌شود. بهترین ترکیب

• عدم توجه به اکولوژی صنعتی در ایران: این امر مهم‌ترین چالش در این زمینه است؛ عدم ایجاد جریان مواد و انرژی در شهرک‌های صنعتی و در نتیجه هدررفت پسماند و انرژی بسیار زیاد است و هزینه‌های جانبی بسیاری از جمله هزینه دفع پسماند، انتشار آلودگی، افزایش بیماری‌ها خصوصاً سرطان در مناطق اطراف، هزینه‌های درمانی و غیره را به جامعه و مناطق اطراف متحمل می‌کند.

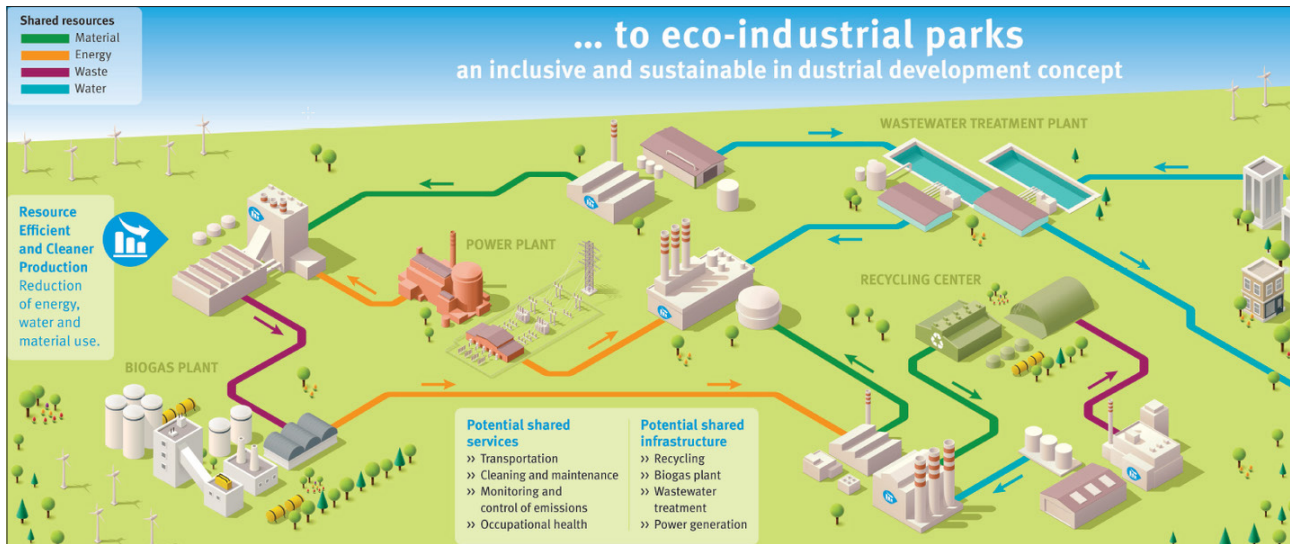
• عدم جانمایی مناسب واحدهای صنعتی بر اساس امکان ایجاد جریان پسماند و انرژی بین آن‌ها: مطالعات مفیدی درباره اصلاح خوشه‌بندی صنایع با رویکرد اکولوژی صنعتی وجود دارد که می‌توان از تجارب آن‌ها در بهبود این قسمت استفاده نمود؛ برای مثال خوشه‌بندی اصلاح شده در شهرک‌های صنعتی استرالیا می‌تواند الگوی مناسبی برای اصلاحات در شهرک‌های صنعتی ایران باشد.

• خوشه‌بندی نادرست صنایع و در نظر نگرفتن ارتباط تکاملی خوشه‌های صنعتی در صورت ایجاد جریان مواد بین آن‌ها: لازم به ذکر است، در صورتی که شهرک صنعتی در مرحله طراحی اولیه باشد می‌توان جانمایی و نحوه قرارگیری خوشه‌های صنعتی و واحدها نسبت به یکدیگر را به‌صورت بهینه بر اساس مدل جریان مواد در نظر گرفت؛ اما در صورتی که این امکان در شهرک‌های صنعتی ساخته شده وجود نداشته باشد. دو نکته در شهرک‌های صنعتی در حال بهره‌برداری در ایران قابل‌توجه است؛ نکته اول مدل جریان مواد ممکن با توجه به مکان کنونی واحدهای صنعتی نسبت به یکدیگر است و نکته دوم مربوط به واحدهای صنعتی نیمه‌کاره یا غیرفعال است. یکی از مشکلاتی که صنعت کشور در چندساله اخیر با توجه به بحران‌های اقتصادی



**اکولوژی صنعتی**  
در زمینه‌های  
مختلف قابل  
اجرا است ولی  
یکی از مهم‌ترین  
مکان‌های  
این سیستم،  
شهرک‌های  
صنعتی به‌عنوان  
مراکز عمده  
مصرف مواد و  
انرژی هستند.  
از این رو، مفاهیم  
اکولوژی صنعتی  
در شهرک‌های  
صنعتی  
پیاده‌سازی و  
موجب تشکیل  
اکوپارک‌های  
صنعتی شده‌اند.  
برخی از مقالات،  
توسعه اکولوژی  
صنعتی را  
به‌عنوان سناریو  
بُرد - بُرد - بُرد  
در زمینه‌های  
اقتصادی - محیط  
زیستی - اجتماعی  
بیان کرده‌اند  
که این موضوع  
خود تأییدی بر  
الزام این مفاهیم  
در شهرک‌های  
صنعتی دارد.





• آگاهی بسیار پایین صنایع از مفاهیم اکولوژی صنعتی و در نتیجه عدم همکاری آن‌ها در توسعه جریان مواد: با تمام مسائل گفته شده در مشکلات توسعه اکولوژی صنعتی در شهرک‌های صنعتی کشور، پتانسیل قابل توجهی در ایجاد جریان پسماند بین واحدهای صنعتی حال حاضر وجود دارد ولی دلیل اصلی عدم ایجاد جریان بین آن‌ها آگاهی کم این واحدها نسبت به یکدیگر است. عموماً واحدهای صنعتی در شهرک به صورت کاملاً جزیره‌ای عمل می‌کنند و هیچ‌گونه ارتباطی با واحدهای دیگر شهرک ندارند و تنها برخی پسماندها مانند کارتن، نایلون، آلومینیوم و پلاستیک توسط دوره‌گردها جهت بازیافت جمع‌آوری و به خارج شهرک انتقال داده می‌شود. در صورتی که با ایجاد ارتباط بین واحدها امکان ایجاد جریان مواد وجود دارد.

• قیمت نسبتاً پایین انرژی نسبت به سایر کشورها خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته: این امر باعث کاهش انگیزه برای صرفه‌جویی در انرژی و به‌موجب آن عدم توجه به مفاهیم اکولوژی صنعتی می‌شود. حتی با افزایش نرخ حامل‌های انرژی در چند سال اخیر، انگیزه استفاده از تکنولوژی‌های کاهش مصرف سوخت در کشور ایجاد نشده است؛ برای مثال کارخانه‌های سیمان که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های انرژی در کشور هستند می‌توانند با استفاده از سوخت‌های کمکی مانند RDF و SRF صرفه‌جویی قابل توجه اقتصادی داشته باشند و به دلیل حمایت‌های دولت از این صنعت، این جریان مواد بین شهرداری‌ها و کارخانه سیمان شکل نمی‌گیرد.

• اکولوژی صنعتی به دنبال خود فرهنگ صرفه‌جویی و مصرف دوباره مواد، پسماند و انرژی را به دنبال دارد: فرهنگی

ممکن برای یک شهرک صنعتی ترکیبی از صنایع بزرگ و کوچک در کنار یکدیگر است. در صورتی که یکدست بودن تجمع صنایع چه از نظر بزرگ و کوچک و چه از نظر نوع فعالیت باعث محدود شدن جریان مواد و انرژی بین آن‌ها می‌شود. برای مثال، این ترکیب مناسب را می‌توان در شهرک صنعتی کلان‌دیرگ (در دانمارک) مشاهده کرد.

• تمرکز زیاد بر یک صنعت خاص در شهرک‌های صنعتی: این امر باعث تولید یک پسماند خاص به مقدار زیاد و عدم توان ایجاد توازن بین جریان‌های مواد می‌شود. یکی از راهکارهایی که در فاز طراحی می‌توان برای حل این مشکل بیان کرد، استفاده از سیستم‌های بهینه‌سازی فرا ابتکاری جهت به دست آوردن ترکیب بهینه صنایع از نظر مکانی، حجم تولید و همچنین تعداد آن‌ها خواهد بود. همچنین، استفاده از هاب‌های بازیافتی و بازیابی مواد برای پیش‌پردازش و آماده‌سازی پسماندها (به‌عنوان یک واحد میانی) به‌منظور قابل استفاده شدن در صنعت دیگر قابل توجه است.

• تنوع کم واحدهای صنعتی و در نتیجه محدود بودن شرایط ایجاد جریان‌های مواد: در کشورهایمانند ایران که همچنان قسمت زیادی از نیاز جامعه از طریق واردات کالا تأمین می‌شود، دولت می‌تواند با هدایت سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌منظور ورود فناوری‌ها و صنایع جدید در شهرک‌های صنعتی کمک شایانی انجام دهد. لذا، یکی از فاکتورهای هدایت این صنایع می‌تواند تکمیل جریان مواد در شهرک‌های صنعتی با مفاهیم اکولوژی صنعتی باشد. برای مثال، صنعتی در اولویت ورود به شهرک صنعتی باشد که بتواند پسماند بیشتری از شهرک را به‌عنوان مواد اولیه خود استفاده کند و با اینکه اولویت ارائه کمک‌ها و یارانه‌های دولت به این صنایع باشد.

### کارخانه‌های

سیمان که

به‌عنوان یکی

از بزرگ‌ترین

مصرف‌کننده‌های

انرژی در کشور

هستند می‌توانند

با استفاده از

سوخت‌های

کمکی مانند

RDF و SRF

صرفه‌جویی

قابل توجه

اقتصادی داشته

باشند و به دلیل

حمایت‌های

دولت از این

صنعت، این

جریان مواد بین

شهرداری‌ها و

کارخانه سیمان

شکل نمی‌گیرد.

که لازمه آن دانش، اطلاعات و ارتباطات است. نبود این سه عنصر یکی از مشکلات اصلی کشور ایران در بخش صنعت و مصرف بیش از اندازه و غیر بهینه مواد و انرژی است.

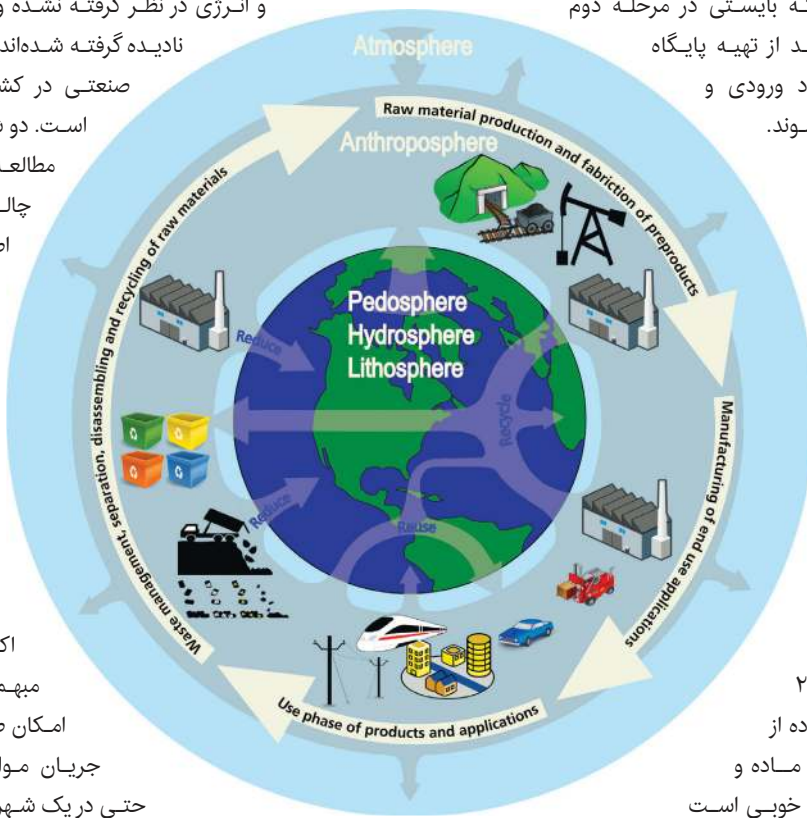
• بازچرخانی پساب صنایع: با بررسی‌های کلی درباره هدر رفت انرژی و مواد در صنایع ایران می‌توان اولویت‌های توجه در ایجاد جریان ماده و انرژی را بر روی مواردی چون پسماندهای پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها، پسماند شهری، پساب‌ها با دمای بالا، بخارآب و پساب صنایع جهت بازچرخانی قرارداد. این پسماندها بسیار باارزش و در دسترس هستند و هرگونه سیستمی که باعث استفاده مجدد یا بازیابی انرژی از آن‌ها شود بسیار لازم و ضروری خواهد بود.

• تمرکز بر طرح‌های اکولوژی صنعتی به‌عنوان راهکار مناسبی در توسعه اقتصاد ریاضتی و مقاومتی: با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور ایران و بحران‌های اقتصادی موجود، این امر به‌عنوان راهکار مناسبی در توسعه اقتصاد ریاضتی و مقاومتی به شمار می‌رود. کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی، بازیابی استفاده مجدد از پسماندها با رویکرد اکولوژی صنعتی می‌تواند وابستگی کشور را به واردات مواد اولیه کم کرده و اوضاع اقتصادی را در میان‌مدت بهبود بخشد.

• ارزیابی چرخه عمر (LCA) و تهیه پایگاه‌های اطلاعاتی آن نظیر LCI: این موارد از اساسی‌ترین نیازهای مطالعات اکولوژی صنعتی هستند که بایستی در مرحله دوم تکمیل پایگاه اطلاعات، بعد از تهیه پایگاه داده اولیه پسماند و مواد ورودی و فرایندها مطالعه و تهیه شوند.

### نتیجه‌گیری

در طی سال‌های گذشته سؤالات زیادی راجع به نتایج حاصل از طرح‌ها و مطالعات اکولوژی صنعتی توسط محققین بسیاری مطرح شده است. یکی از این سؤالات اساسی در رابطه با ماهیت اکولوژی صنعتی توسط Ehrenfeld در سال ۲۰۰۴ مطرح شده که آیا استفاده از چرخه‌های بسته ارتباطی ماده و انرژی در بین صنایع ایده خوبی است



یا خیر؟ با توجه به مطالب گفته شده در این پژوهش و بررسی مطالعات ۳۰ سال گذشته در جواب این سؤال، می‌توان در مجموع اکولوژی صنعتی را به‌عنوان یک ایده موفق و کارآمد در نظر گرفت. البته، بایستی این موضوع را هم در نظر گرفت که اکولوژی صنعتی در شهرک‌هایی که بر اساس آن طراحی و ساخته شده‌اند، نتیجه بهتری نسبت به شهرک‌های اصلاح‌شده نشان داده است. در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، اکولوژی صنعتی به‌نازگی مورد توجه قرار گرفته و پیش‌بینی می‌شود که در آینده اثرات مثبتی بر صنعت کشور بگذارد. به دلیل ارزانی سوخت و انرژی و عدم وجود پایگاه‌های اطلاعاتی صنایع، تاکنون تمایلی برای توسعه اکولوژی صنعتی در شهرک‌های صنعتی ایران ایجاد نشده است. این موضوع در حالی است که با بحران‌های اقتصادی اخیر کشور، اهمیت آن روزبه‌روز بیشتر شده و امید است که بسترهای مطالعاتی و عملیاتی آن به‌زودی فراهم گردد.

با بررسی اجمالی شهرک‌های صنعتی ایران می‌توان متوجه شد که چیدمان و خوشه‌بندی آن‌ها بر دو حالت تقسیم‌بندی شده است؛ شهرک‌های صنعتی با تمرکز بر یک صنعت خاص و یا شهرک‌هایی که بر اساس مراجعه سرمایه‌گذاران شکل گرفته‌اند. در هر دو حالت موضوع جریان مواد و پسماند و انرژی در نظر گرفته نشده و مفاهیم اکولوژی صنعتی نادیده گرفته شده‌اند. بازبینی قوانین خوشه‌بندی صنعتی در کشور بسیار لازم و ضروری است. دو شهرک صنعتی هم به‌عنوان مطالعه موردی بررسی شدند. چالش بزرگ دیگر، نبود پایگاه اطلاعاتی مناسب و جامع است. عملکرد ضعیف وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران از دلایل اصلی این نقصان به شمار می‌رود. بدون این پایگاه داده بومی (مخصوصاً پایگاه داده LCI)، طراحان اکولوژی صنعتی در محیط مبهم و ناآشنا به سر می‌برند و امکان طراحی و پیشنهاد بهینه مدل جریان مواد در مقیاس منطقه‌ای و حتی در یک شهرک صنعتی وجود ندارد. ♦♦





## جمعیت و آب؛ رابطه‌ای که باید از نو شناخت

♦ دکتر زهرا سلطانی

دکتری جمعیت‌شناسی از دانشگاه تهران و کارشناس اجتماعی شرکت مدیریت منابع آب ایران



طی سال‌های اخیر، برخی پیامدهای زیست‌محیطی نظیر خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها و کاهش ذخایر آب زیرزمینی، نگرانی‌های زیادی را در خصوص تبعات ناشی از استفاده از منابع آب تجدیدنپذیر کشور به وجود آورده است و حتی به تدوین سیاست‌های مختلفی برای کاهش بهره‌برداری از این منبع زیستی انجامیده است. با این وجود، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، این نکته است که لزوماً نیروهای محرک این میزان مصارف آب در مطالعات مرتبط با حوزه مدیریت منابع آب، قابل جستجو نیست و بدون درک عمیق از نیروهای محرک نظیر مؤلفه‌های جمعیتی (که علاوه بر رشد جمعیت، شامل متغیرهای مرتبط با ترکیب و توزیع جمعیت نیز می‌شود) که دانش جمعیت‌شناسی به آن می‌پردازد، نمی‌توان سیاست‌گذاری مطلوبی در حوزه مدیریت منابع آب داشت.

اصولاً جمعیت‌شناسی از بدو پیدایش خود به عنوان یک رشته علمی به دنبال تبیین جنبه‌های جمعیتی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر منابع زیستی مورد نیاز انسان بوده است؛ یعنی اگر انتشار اثر مهم توماس





طی دهه‌های  
گذشته عمده  
سیاست‌های  
توسعه و عمران  
روستایی مستقیم  
یا غیرمستقیم  
با فعالیت‌های  
حوزه کشاورزی  
گره خورده بود و  
حتی ما شاهد  
این هستیم که با  
چنین رویکردی،  
دو وزارتخانه  
جهاد سازندگی  
و کشاورزی با  
یکدیگر ادغام  
شده و در قالب  
وزارت جهاد  
کشاورزی تجدید  
حیات می‌کنند؛  
بنابراین در  
چنین فضای  
فکری، طبیعی  
است که در کنار  
نگاه نقادانه به  
سیاست‌های  
توسعه کشاورزی  
در کشور، برخی  
نگرانی‌های جدی  
دغدغه‌مندان  
حوزه آب،  
نگرانی از تشدید  
مهاجرت‌های  
روستا-شهری  
به واسطه  
کمبودهای  
محسوس آب  
موردنیاز بخش  
کشاورزی باشد.

مالتوس با عنوان رساله‌ای در خصوص اصول جمعیت در سال ۱۷۹۸ را نقطه پیدایش دانش جمعیت‌شناسی قلمداد کنیم. مهم‌ترین دغدغه جمعیت‌شناسی در بدو پیدایش بر ترسیم رابطه بین جمعیت و منابع زیستی متمرکز بوده است. هر چند در برخی برهه‌های زمانی، این رشته علمی بیشتر بر مدل‌سازی تحولات جمعیتی و مؤلفه‌های آن تمرکز داشته است، اما همچنان توسعه مفاهیم، نظریات و مدل‌های مهمی که امروزه در مدیریت منابع آب کارکرد دارند، نظیر توسعه پایدار، تراژدی منابع مشترک و ظرفیت تحمل یا (ظرفیت بُرد) به نوعی ریشه در دغدغه اولیه پیدایش دانش جمعیت‌شناسی یعنی بهم پیوستگی تحولات جمعیتی و منابع زیستی دارد.

صورت‌بندی مسائل کنونی آب کشور نیز بدون توجه به تحولات شدید جمعیتی قرن اخیر در کشور قابل احصا نیست. بدیهی است که به عنوان کشوری که در منطقه خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته است، محدودیت شدید منابع آبی در ایران همواره سایه سنگینی را بر حیات جامعه ما در طول تاریخ انداخته باشد. بنا بر آمار وزارت نیرو، میانگین بارندگی درازمدت کشور حدود یک سوم میانگین جهانی و پتانسیل تبخیر در کشور سه برابر متوسط جهانی و سالانه بیش از ۷۰ درصد حجم کل منابع آب ناشی از بارش در کشور از طریق تبخیر از دسترس خارج می‌شود. با وجود محدودیت‌های شدید منابع آبی، ایرانیان به منظور همزیستی پایدار و مسالمت‌آمیز با شرایط اقلیمی خود به خلق برخی شاهکارهای مهندسی نظیر قنات روی آورده بودند که می‌توانست علی‌رغم بروز برخی دوره‌های خشکسالی و قحطی، تضمین‌کننده حیات، جاری بودن رودخانه‌ها و برقراری تالاب‌ها در این سرزمین باشد. اما مسئله این است که کشور ایران در طی قرن گذشته تغییرات چشمگیری را در حوزه جمعیت تجربه کرده، به طوری که جمعیت کشور، از حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به حدود ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسید و همین امر زمینه‌ای برای کاهش سرانه دسترسی به منابع آبی در کشور شد. انگیزه جبران کاهش سرانه آب در کنار امکاناتی که آشنایی با تکنولوژی‌های نوین در عصر مدرنیزاسیون، در اختیار گذاشته بود، موجب گردید که تکیه بر روش‌های توسعه فناوریانه نظیر سدها و فناوری‌های حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق برای مواجهه با تقاضاهای فزاینده منبع آب، در دستور کار جامعه و نهادهای تأثیرگذار بر مدیریت آب کشور قرار بگیرد و عطش توسعه سبب شد سویه‌های منفی استفاده بیش از حد این تکنولوژی‌ها و الگوی ناپایداری که از بهره‌برداری از منابع آب در کشور شکل گرفته بود، نادیده بماند؛ اما امروزه بیش از هر زمان دیگری، ما درگیر تبعات ناخواسته بهره‌برداری ناپایدار از منابع آبی کشور هستیم و پیامدهایی نظیر فرونشست زمین، خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها، عیان‌تر از آن نمود پیدا کرده است که چشم‌انداز ناپایدار بهره‌برداری از منابع آب در کشور را بتوان نادیده گرفت. البته ما باید آگاه باشیم که مسئله ما در کشور فقط مسئله رشد جمعیت نبوده است. عوامل جمعیتی همواره در کنار عوامل اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی، تکنولوژیکی و فرهنگی که همگی با یکدیگر گره خورده‌اند، در تغییرات محیطی و دسترسی به منابع زیستی، نقش ایفا می‌کنند. برای نمونه ما می‌دانیم که رشد جمعیت ایران، در قالب نظریه گذار جمعیتی یعنی مهم‌ترین نظریه حوزه جمعیت‌شناسی تقریباً به طور کامل قابل توضیح است؛ یعنی ایران در طی قرن گذشته شاهد گذاری از یک وضعیت تعادل طبیعی یا بیولوژیک که در آن میزان مرگ‌ومیرها و مولید بالا بوده است (با امید زندگی بدو تولد حدود ۳۰ سال و فرزندآوری بیش از ۶ فرزند به ازای هر زن)، به یک وضعیت تعادلی جدید و ارادی که در آن سطوح مرگ‌ومیر و مولید پایین بوده است (با امید زندگی حدود ۷۵ سال و فرزندآوری کمتر از ۲ فرزند به ازای هر زن) رسیده. ولی در عین حال، برخی از پیش‌فرض‌های گذار جمعیتی یعنی گذار جامعه از یک نظام اقتصادی سنتی مبتنی بر کشاورزی به جامعه مدرنی است که در آن صنعت و شهرنشینی اهمیت فزاینده‌ای در اقتصاد یافته‌اند، علی‌رغم همه محدودیت‌های آبی در مورد جامعه ایران صدق نمی‌کند؛ یعنی زمینه‌های کلان اجتماعی- اقتصادی گذار جمعیتی در مورد جامعه ایران به طور کامل تحقق نیافته است.

مصدق دیگری از همین امر این است که علی‌رغم دگرگونی قابل توجه توزیع جغرافیایی جمعیت در ایران طی دهه‌های گذشته و کاهش میزان جمعیت روستایی و عشایر کشور از حدود ۷۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۵٫۹ درصد جمعیت در سال ۱۳۹۵، کشاورزی با اختصاص تقریباً ۱۲ درصد از سهم تولید ناخالص داخلی هنوز از بخش‌های عمده اقتصاد ایران است و حدود یک ششم شاغلان کشور علی‌رغم تمامی محدودیت‌های حاکم بر منابع آب کشور، در بخش کشاورزی مشغول فعالیت هستند و حتی حدود ۵ تا ۶ درصد جمعیت شهری ما هم در بخش کشاورزی اشتغال دارند.

مسئله مهم دیگری که در این میان وجود دارد این است که طی دهه‌های گذشته عمده سیاست‌های توسعه و عمران روستایی مستقیم یا غیرمستقیم با فعالیت‌های حوزه کشاورزی گره خورده بود و حتی ما شاهد این هستیم که با چنین رویکردی، دو وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی با یکدیگر ادغام شده و در قالب جهاد کشاورزی تجدید حیات می‌کنند؛ بنابراین در چنین فضای فکری، طبیعی است که در کنار نگاه نقادانه به سیاست‌های توسعه کشاورزی در کشور، برخی نگرانی‌های جدی دغدغه‌مندان حوزه آب، نگرانی از تشدید مهاجرت‌های روستا-شهری به واسطه کمبودهای محسوس آب موردنیاز بخش کشاورزی باشد. بنابر آنچه ذکر شد، به طرق مختلف، رابطه تعادلی بین جمعیت و آب در کشور چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم به واسطه برخی متغیرهای اقتصادی به سؤالی جدی برای بسیاری از متخصصین حوزه‌های آب، برنامه‌ریزی و توسعه کشور بدل شده است و محل بحث و گفتگوی فراوان است. علی‌رغم تمام آنچه ذکر شد، درک منطق تحولات جمعیت در دهه‌های پیش رو ممکن است از برخی نگرانی‌های موجود در خصوص برهم

خوردن بیش از پیش رابطه تعادلی آب و جمعیت بکاهد و نگاه متفاوتی را پیش‌روی فضای گفتگوهای علمی موجود بیفکند. برای ادراک بیشتر، بهتر است به روند تحولات شاخص رشد جمعیت در کشور نگاهی داشته باشیم. کشور ایران که پیش از اولین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۳۵، به واسطه کاهش سطح مرگ‌ومیر، وارد مرحله گذار جمعیتی شده بود، با یک تأخیر نسبتاً طولانی، از سال ۱۳۶۵ به بعد گذار باروری خود را با شیب تندی آغاز نمود؛ بنابراین نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و برآوردهای جمعیتی حاکی از آن است که ما برای چندین دهه متوالی رشد جمعیتی حدود ۳ درصد را تجربه کردیم و اوج تجربه رشد جمعیت کشور در بازه زمانی ۱۳۶۵-۱۳۵۵ با تجربه رشد ۳٫۹۱ درصدی رقم خورده است. این مقدار رشد جمعیت معادل آن است که کشور در هر ۱۸ سال جمعیتش دو برابر شود؛ بنابراین مشخص است که چه فشار زیادی در طول این سال‌ها، بر متولیان بخش آب کشور برای تأمین زیرساخت‌های مرتبط با آب‌رسانی به جمعیت در حال رشد، وارد شده است.

حتی در دهه ۱۳۷۰، دوره سازندگی که ایده احداث سد‌های بزرگ با جدیت دنبال می‌شد، علیرغم اینکه به واسطه آغاز گذار باروری، از میزان رشد جمعیت کاسته بود، اما همچنان ما شاهد رشد جمعیت حدود ۲ درصدی بودیم که معادل با دو برابر شدن جمعیت در بازه زمانی ۳۵ ساله تفسیر می‌شود. تحولات دهه‌های بعدی کشور را با دو مشخصه مهم می‌توانیم صورت‌بندی کنیم. یکی از این مشخصه‌ها، تغییرات جدی در ساختار سنی جمعیت کشور که به‌طور مشخص با ورود کشور به پنجره جمعیتی نمود پیدا کرد، یعنی دورانی که بیش از دو سوم جمعیت در سنین فعالیت قرار دارند. مشخصه مهم دیگر ورود به مرحله باروری در حدود ۲ فرزند به ازای هر زن و یا کمی پایین‌تر است که از آن تحت عنوان باروری زیر نرخ جانشینی یاد می‌شود. مشخصه اول یعنی جوان بودن درصد بالایی از جمعیت سبب می‌شود که علی‌رغم کاهش میزان فرزندآوری، هنوز موتور محرک رشد جمعیت فعال باشد و همچنان بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، کشور ایران رشد جمعیت ۱٫۲۴ درصدی را تجربه کند و بنابراین علی‌رغم به انتها رساندن گذار باروری باز هم فشار جمعیتی بر حوزه برنامه‌ریزان مدیریت آبی کشور، کم‌وبیش به‌طور محسوس وجود داشت.

سؤالی که می‌تواند وجود داشته باشد، این است که سیمای آینده جمعیتی کشور چگونه است و چگونه تحولات جمعیتی می‌تواند برنامه‌ریزی مدیریت منابع آب کشور را تحت تأثیر قرار دهد. در پاسخ به چنین پرسشی باید گفت، با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی، بعید به نظر می‌رسد که تجربه فرزندآوری بیش از ۲ فرزند به ازای هر زن در کشور، بتواند رقم بخورد. از آن مهم‌تر، ترکیب سنی جمعیت کشور به‌سرعت در حال تغییر است و با خارج شدن نسلی که بیشترین میزان تولد سالانه در کشور را به نام خود ثبت نمود یعنی متولدین

دهه ۱۳۶۰ از سنین فرزندآوری، رشد جمعیت کشور نیز به سرعت کاهش یافته و در بازه زمانی ۱۴۱۰ تا ۱۴۱۵ به کمتر از نیم تقلیل و پس از سال ۱۴۲۵ به صفر خواهد رسید. آخرین پیش‌بینی‌های مرکز آمار به‌طور کلی حاکی از آن است که در شرایطی که ما در حال حاضر جمعیتی ۸۴ میلیون نفری را تجربه می‌کنیم، در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۰، حدود ۶ میلیون نفر و ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۰، حدود ۳ میلیون نفر و از ۱۴۲۰ به بعد کمتر از یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود. این گفته به آن معنی است که فشار زیادی که صنعت آب کشور در طول دهه‌های متوالی برای تهیه زیرساخت‌های مرتبط با تأمین آب جمعیت در حال رشد کشور متحمل شده بود، رو به اتمام است. حتی برخی تحولات مرتبط با گذار سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی که با ورود نسل متولدین دهه ۶۰ به سنین بالای ۶۵ سالگی، نمود پررنگی پیدا می‌کند نیز احتمال دارد که به واسطه تغییر الگوی مصرف آب در سنین سالخوردگی در مصارف نظیر حمام و ...، به کاهش تقاضا برای آب بینجامد.

بنابر آنچه ذکر شد، ما در گذار جمعیتی ایران در دهه‌های گذشته با رشد فزاینده تقاضا برای آب مواجه بودیم و مرحله‌ای از کمبود را تجربه کردیم و بنابراین به‌ناچار عمده برنامه‌های مرتبط با دستگاه‌های سیاست‌گذار در حوزه آب، برنامه‌های احداث طرح‌های تأمین و ذخیره آب را دنبال می‌کردند. البته در کشور ما علاوه بر گذار جمعیتی مترادف شدن ایده‌آل‌های توسعه روستایی با اهداف توسعه کشاورزی از یکسو و برخی سیاست‌های مبتنی بر خودکفایی در تولید محصولات غذایی از سوی دیگر، سبب شد فشار مضاعفی بر منابع آب کشور وارد شود، اما از سرعت رشد جمعیت در سال‌های اخیر کاسته شده است و پیش‌بینی می‌شود رشد جمعیت تا دهه ۱۴۲۰ متوقف شود؛ بنابراین، لزوماً این روند تقاضای رو به رشد آب، دورنمای جمعیت کشور نخواهد بود، یعنی در شرایطی که گذار جمعیتی ما رو به اتمام است، می‌توانیم شاهد مرحله‌ای باشیم که در آن همسو با توقف رشد جمعیت، تقاضا برای تأمین آب بیشتر متوقف شود.

احتمالاً در این دهه، مرحله‌ای از گذار تطبیق آغاز شود که طی آن بتوانیم به‌نوعی سازگاری مجدد با منابع آب محدود در کشور دست یابیم. ضروری است برنامه‌ریزان آب کشور متوجه چنین دورنمایی از تحولات آبی کشور باشند. حتی ما می‌توانیم به استناد برخی نظریات حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای جمعیت و محیط‌زیست، به سیاست‌گذاران حوزه آب توصیه کنیم که با تغییر استراتژی‌های کلان از تمرکز بر طرح‌های تأمین آب (که روزگاری به واسطه تحولات جمعیتی ناگزیر می‌نمود) به سیاست‌های بهره‌وری تخصیص آب (که با دورنمای رشد جمعیت فعلی و حتی توقف رشد جمعیت بیشتر سازگار است)، مرحله نوینی از انطباق با شرایط کم‌آبی در کشور را رقم بزنند که در آن امکان بازسازی منابع طبیعی یا به بیان دیگر بهبود وضعیت وخیم رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آبخوان‌های کشور امکان‌پذیر باشد. ♦♦

### برآوردهای

#### جمعیتی حاکی

از آن است که

#### ما برای چندین

دهه متوالی

#### رشد جمعیتی

حدود ۳ درصد

#### را تجربه کردیم و

اوج تجربه رشد

#### جمعیت کشور

در بازه زمانی

۱۳۶۵-۱۳۵۵

#### با تجربه رشد

۳٫۹۱ درصدی

رقم خورده است.

#### این مقدار رشد

#### جمعیت معادل

آن است که کشور

در هر ۱۸ سال

جمعیتش دو برابر

#### شود؛ بنابراین

مشخص است

#### که چه فشار

زیادی در طول

این سال‌ها، بر

متولیان بخش آب

#### کشور برای تأمین

زیرساخت‌های

مرتبط با

آب‌رسانی به

#### جمعیت در حال

رشد، وارد شده

است.

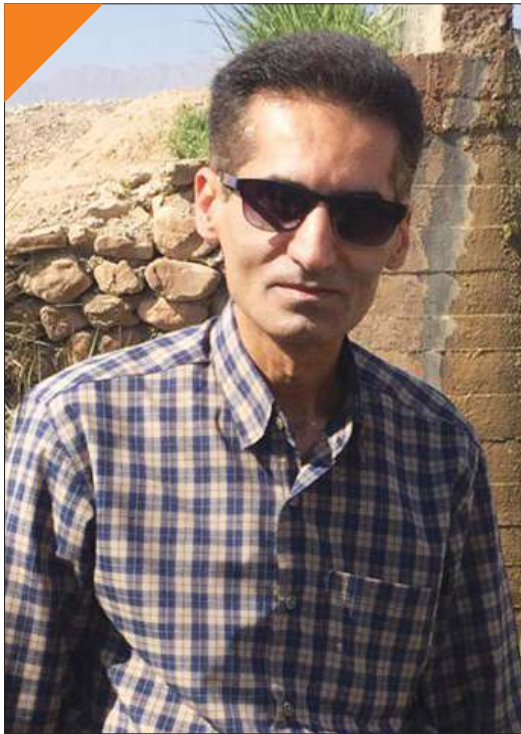


گفت‌وگو با دکتر «محمد مهدی احمدی» عضو هیئت علمی گروه مهندسی آب دانشگاه شهید باهنر کرمان

## وصف الحال منابع بی رمق آب

دکتر محمد مهدی احمدی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی آب در دانشگاه شهید باهنر در گفت‌وگو با ما می‌گوید که برداشت آب از منابع آب در ایران به ازای هر شخص در سال ۱۳۳۸ مترمکعب است، در حالی که متوسط مصرف دنیا ۵۰۶ مترمکعب به ازای هر شخص در سال است. این عدد بیانگر وضعیت قرمز ایران در برداشت آب از منابع آبی است. در بسیاری از مناطق کشور با توسعه کشاورزی و بویژه صنعتی غیراصولی، نیاز آبی را در کنار نداشتن منابع آبی ایجاد کرده‌ایم. بررسی شرایط نشان می‌دهد که کشور ما کاملاً در فقر آبی است. بنا به استاندارد فائو اگر سالانه کمتر از ده درصد آب تجدیدپذیر از منابع آبی برداشت کنیم در وضعیت مطلوبی هستیم، اما این مقدار در ایران ۶۷٫۷۱ درصد در سال ۲۰۱۰ بوده است که رقمی فاجعه‌بار است. منابع آبی دیگر رمقی برای تأمین نیاز بخش کشاورزی ندارند؛ باید فشار بخش کشاورزی بر روی منابع آبی کاهش پیدا کند که رسیدن به این هدف تنها با پیروی از اصول علمی در کشاورزی میسر است. در موضوع تخلفات حوزه آب، وضعیت بغرنجی ایجاد شده است که مهم‌ترین عامل آن نداشتن متولی مشخص است. مرور اقدامات دولت در راستای کاهش بحران آب، درک ناصحیح برنامه ریزان به مسائل آن را نشان می‌دهد. شرح کامل این گفت‌وگو را بخوانیم.





### بر اساس

داده‌های سازمان

غذا و کشاورزی

ملل متحد، فائو

میزان برداشت

آب در ایران از

منابع آب به ازای

هر شخص در

سال که همان

آب استفاده

شده (Water Use)

است،

۱۲۳۸ مترمکعب

است. متوسط

مصرف دنیا ۵۰۶

مترمکعب به

ازای هر شخص

در سال است.

این عدد بیانگر

وضعیت قرمز

ایران در برداشت

از منابع آبی

است. این مقدار

برای آمریکا ۱۵۵۰،

برای هلند ۶۴۲،

ژاپن ۷۰۸، آلمان

۳۹۲ و استرالیا

۱۱۴۹ مترمکعب به

ازای هر شخص در

هر سال است.

## ◆ فاصله مصرف روزانه آب در ایران با استاندارد جهانی

### چه میزان است؟

ابتدا باید یک توضیحی راجع به مصرف آب عرض کنم که برای پاسخ به این سؤال ضروری است. استفاده از آب به دو صورت قابل تعریف است و دو اصطلاح علمی برای توضیح این دو حالت داریم. یکی Water Use است که می‌توانیم به صورت آب استفاده شده ترجمه کنیم و بعدی Water Consumption است که ترجمه مناسب آن آب مصرف شده است. به میزان کل آبی که برای رفع نیاز در بخش کشاورزی، صنعت، شهری و ... از منابع آب اعم از سطحی و زیرزمینی برداشت می‌شود، آب استفاده شده گفته می‌شود. در این حالت درصدی از این آب مجدد به چرخه و سیکل آب برمی‌گردد و می‌توان با تصفیه مناسب مجدد هم برای رفع نیاز بخش‌های مختلف به کار گرفته شود. نمونه بارز این حالت استفاده شهری است که بخش زیادی از آب برداشت شده از منابع به صورت فاضلاب و به شکل صحیح‌تر بعد از تصفیه به طبیعت برمی‌گردد، اما آب مصرف شده بخشی از آب برداشت شده از منابع است که مصرف شده و دیگر قابل برگشت به منبع آب نیست؛ به عنوان نمونه آبی که در آبیاری محصولات کشاورزی تبخیر می‌شود و یا صرف تبخیر و تعرق گیاه می‌شود، دیگر قابل دسترس نیست.

بر اساس داده‌های سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، فائو میزان برداشت آب در ایران از منابع آب به ازای هر شخص در سال که همان آب استفاده شده (Water Use) است، ۱۲۳۸ مترمکعب است. متوسط مصرف دنیا ۵۰۶ مترمکعب به ازای هر شخص در سال است. این عدد بیانگر وضعیت قرمز ایران در برداشت از منابع آبی است. این مقدار برای آمریکا ۱۵۵۰، برای هلند ۶۴۲، ژاپن ۷۰۸، آلمان ۳۹۲ و استرالیا ۱۱۴۹ مترمکعب به ازای هر شخص در هر سال است. بیشترین استفاده را اگر در بخش کشاورزی در نظر بگیریم، کشور هلند که کاملاً متکی بر صادرات محصولات کشاورزی و دامی است، میزان استفاده‌اش نصف ایران است. آمریکا با جمعیتی ۴ برابر، سطح زیرکشتی در حدود ۸٫۵ برابر کشور ایران، تنها ۲۰ درصد بیشتر از ایران استفاده آب دارد؛ بنابراین در ایران واقعاً میزان برداشت از منابع آبی بسیار زیاد است.

## ◆ آیا کشور ما دچار فقر آبی است و یا هنوز به آن

مرحله نرسیده است؟ چگونه می‌توان وضعیت بحرانی را

پایان بخشید؟

فقر به معنی نداشتن یک چیز است. در امور مالی به‌عنوان نیاز هم تعریف می‌شود. کشور ما در منطقه نیمه‌خشک قرار دارد و بنابراین نداشتن منابع آبی قابل‌توجه در بسیاری از مناطق از جنبه اقلیمی جزء شرایط طبیعی است. از طرف دیگر در برخی از همین مناطق با توسعه کشاورزی و بویژه صنعتی غیراصولی، نیاز آبی را در کنار نداشتن منابع آبی ایجاد کرده‌ایم؛ به‌عنوان مثال یکی از بزرگ‌ترین صنایع مصرف‌کننده آب، صنعت سرامیک است و به‌طور متوسط جهت تولید هر مترمربع کاشی و سرامیک حدود ۱۵ لیتر آب لازم است که از این مقدار بسته به میزان وزن کاشی حدود ۱۳ لیتر آب مصرف شده و از طریق اسپری بخار شده و خارج می‌گردد. در منطقه خشک و کم آب یزد حدود ۸۶ کارخانه تولید کاشی و سرامیک داریم، مثال دیگر توسعه صنعت آب بر فولاد در بسیاری از مناطق کشور است. شهر همدان که در دامنه کوه الوند ساخته شده با سابقه تاریخی چندین هزار ساله دارای کمبود آب در بخش کشاورزی و شرب است. در آبان ۱۴۰۱ در تهران مصرف روزانه ۴۰ هزار لیتر و ورودی به شبکه ۳۳ هزار لیتر بوده است. با بررسی این شرایط باید گفت که کشور ما کاملاً در فقر آبی است. برای برون‌رفت از این وضعیت احتیاج به برنامه‌ریزی



## ◆ چرا عرصه آب برای جولان متخلفان، گسترده است، چه عامل یا عواملی موجب این وضعیت شده است و چه باید کرد؟

اصلی‌ترین عامل، نداشتن متولی مشخص است. در کنار این مسئله برای جلوگیری از تخلفات در بخش برداشت از منابع آب به‌جز دستگاه‌های مرتبط با بخش آب، سایر سازمان‌ها نیز باید اقداماتی انجام دهند و قوانینی را وضع و اجرا کنند، به‌عنوان مثال وقتی شهرداری یا دهیاری اجازه دیوارکشی در اطراف یک باغ یا زمین کشاورزی را بدهد، در این حالت حفاری غیرمجاز داخل این محدوده و به دور از چشم ضابطین راحت‌تر صورت می‌گیرد. تأمین برق برای یک منطقه ضروری است، اما همین تأمین برق می‌تواند پمپاژ آب از منابع آب را بسیار تسهیل کرده و برداشت غیرمجاز را در پی داشته باشد. بسیاری از پمپ‌هایی که در مسیر رودخانه‌ها به‌صورت غیرمجاز برداشت آب را انجام می‌دهند قابل‌حمل توسط خودرو، موتورسیکلت و حتی چهارپایان است و غالباً بنزینی هستند. وقتی نظمی برای خرید، حمل و جابجایی این موتورپمپ‌ها وجود ندارد، این‌ها که دارای کد شناسایی نیستند و مالک هم مشخص نیست و به‌راحتی می‌توان بنزین موردنیاز را از پمپ‌بنزین تأمین کرد، دیگر جلوگیری از برداشت آب بسیار مشکل خواهد شد. عدم سخت‌گیری در حفر چاه غیرمجاز و برداشت‌های بدون ضابطه از منابع آب سطحی باعث توسعه این برداشت‌ها شده و در صورت ازدیاد این برداشت‌ها، کنترل و مسدودسازی بسیار مشکل‌تر خواهد شد. به زبان ساده در این مورد «آب از سرچشمه بسته نشده است» بنابراین وضعیت بفرنجی ایجاد شده است.

## ◆ آیا ایجاد بازار آب به‌عنوان راهکار اساسی در ایجاد تعادل عرضه و تقاضا کارساز است، در مورد ایجاد این بازار، چه نقطه نظراتی دارید؟

ایران از دیرباز دارای طرح تجارت آب به شکل سنتی بوده است و هنوز نیز رواج دارد؛ بنابراین نمی‌توانیم بگوییم بازار آب را ایجاد کنیم؛ بهتر است عنوان شود که وضعیت قانونی بازار آب را قصد داریم اصلاح کنیم. آب یک نهاد است. اکنون شخصی می‌تواند زمین خود را بفروشد ولی همچنان دارای حق آبه باشد. شخص دیگری می‌تواند با تصحیح شیوه‌های آبیاری و افزایش راندمان نیاز آبی سطح زیرکشت خود را کاهش دهد، اما همچنان مالک تمام حق آبه خود است و می‌تواند بخش مازاد خود را

کاملاً علمی و اصولی داریم که فقط با توجه به مسائل آبی و بارندگی و ... قابل مرتفع شدن نیست. آموزش، توسعه فرهنگی، توجه به مسائل اجتماعی باید در کنار بیلان آب مورد توجه قرار داد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که در طی یک دوره زمانی روند تغییرات در آب به سمت کاهش تنش و فقر آبی حرکت کند.

## ◆ واقعاً ما چند درصد از منابع آب را می‌توانیم برداشت کنیم تا بدون نگرانی از کمبود آب و با رونق در زندگی ادامه حیات بدهیم؟

بر اساس استاندارد سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) اگر کمتر از ۱۰ درصد آب تجدیدپذیر به‌صورت سالانه از منابع آبی برداشت کنیم در وضعیت مطلوبی هستیم. این مقدار در ایران ۶۷،۷۱ درصد در سال ۲۰۱۰ بوده است که یک رقم فاجعه باری است. به جهت مقایسه این عدد در آلمان ۲۱ درصد، آرژانتین ۴ درصد، انگلستان ۹ درصد و آمریکا ۱۶ درصد است. نتیجه اینکه در کشور ما نه تنها درصد بسیار زیادی از منابع آب برداشت می‌شود، بلکه این برداشت منجر به رشد اقتصادی و افزایش قابل‌توجه در تولید ناخالص ملی نشده است. آلمان و آمریکا که تنها ۱۰ و ۶ درصد بیشتر از حد مجاز برداشت می‌کنند، تولید ناخالص ملی بسیار بالایی دارند و تا حدودی می‌توان این اضافه برداشت را توجیه کرد و این میزان درآمد می‌تواند بخشی از مشکلات این اضافه برداشت را در آینده مرتفع سازد، اما در کشور ما این‌چنین نیست.

## ◆ بویژه بخش کشاورزی در کشور تا کجا می‌تواند با وابستگی بیشتر به منابع آب درصدد رفع موانع تولید باشد؟

سهام کشاورزی از تولید ناخالص ملی در برآورد خوش‌بینانه حدود ۱۱،۷ درصد است، اما استفاده این بخش از منابع آبی بیش از ۸۰ درصد است. با توجه به اینکه در کشور توسعه‌نیافته هستیم و تولیدات صنعتی و تکنولوژیک قابل‌توجهی نداریم، این سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی با توجه به میزان استفاده از منابع آب به‌هیچ‌وجه نزدیک به تولید مصرف آب و نهاده‌های دیگر نیست. منابع آبی دیگر رمقی برای تأمین نیاز بخش کشاورزی ندارند. باید فشار بخش کشاورزی بر روی منابع آبی کاهش پیدا کند. رسیدن به این هدف تنها با پیروی از اصول علمی در کشاورزی میسر است.

سهام کشاورزی  
از تولید ناخالص  
ملی در برآورد  
خوش‌بینانه  
حدود ۱۱،۷ درصد  
است، اما استفاده  
این بخش از  
منابع آبی بیش  
از ۸۰ درصد  
است. با توجه به  
اینکه در کشور  
توسعه‌نیافته  
هستیم و  
تولیدات صنعتی  
و تکنولوژیک  
قابل توجهی  
نداریم، این سهم  
کشاورزی در تولید  
ناخالص ملی با  
توجه به میزان  
استفاده از منابع  
آب به‌هیچ‌وجه  
نزدیک به تولید  
بهرینه بر اساس  
کارایی مصرف آب  
و نهاده‌های دیگر  
نیست.

وانگهان در جمع گندم جوش کن»، مثال دیگر وضعیت کنونی دریاچه ارومیه است، علی‌رغم ایجاد کمیته سازمان احیا و حتی تأمین بخشی از هزینه‌های احیای دریاچه، به دلیل عدم توانایی در مدیریت برداشت‌های غیرمجاز و زیاد و مشکلات مربوط به مخازن متعدد ذخیره آب در حوضه، تلاش‌ها به نتیجه نرسید و روند کاهش تراز آب در این دریاچه همچنان ادامه دارد.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم میدانید عنوان فرمایید.

لزوم یکپارچه‌سازی مسائل مربوط به آب و محیط‌زیست کاملاً در کشور احساس می‌شود. تشکیل سازمان آب و محیط‌زیست و ترجیحاً ایجاد وزارتخانه آب و محیط‌زیست می‌تواند اولین اقدام اساسی برای توجه به این مسئله مهم و به‌روز کشور باشد. بازخوردهای مربوط به استفاده ناصحیح از منابع آبی دارای روند کندی هستند و طی چند سال و حتی یک یا چند دهه ممکن است مشکلات و بحران‌ها خود را نشان دهند. به‌عنوان نمونه بحث فرونشست زمین که ناشی از برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی است، باید توجه داشت که رفع مشکلات مربوط به آب صرفاً با توجه به روش‌های علمی قابل برطرف شدن است. ◆◆

بفروشد؛ بنابراین رفع مشکل آب صرفاً با توجه به یک بخش و موضوع نمی‌تواند راهگشای مسائل مربوط به آب باشد. تمام جنبه‌ها باید مورد توجه جدی قرار بگیرد. بازار آب می‌تواند منجر به ساماندهی در بخش عرضه و تقاضا شود، اما آیا می‌تواند مشکل برداشت غیرمجاز را حل کند؟ می‌تواند کارایی پائین مصرف آب را بهبود بخشد؟ بنابراین، این موضوع علی‌رغم فواید زیاد برای رفع مشکلات مربوط به آب لازم است اما کافی نیست.

#### ◆ دولت برای بحران آب چه اندیشیده است؟

با مرور اقدامات دولت در راستای کاهش بحران آب، صرفاً روش‌های متداول که قدمتی ده‌ها ساله دارند همچنان موردتوجه غالب مدیران و برنامه‌ریزان است. ساخت سد و خطوط انتقال آب غالب اقدامات دولت را تشکیل می‌دهد؛ اگر با یک مثال بخواهیم این راه‌حل‌ها را بررسی کنیم به شخصی توجه کنید که دارای جراحی است و خونریزی دارد. صرفاً با تزریق خون نمی‌توان مشکل این شخص را حل کرد باید جراحی ترمیم شود و مشکلات داخلی را نیز برطرف کرد. این قبیله طرح‌ها نشان از درک ناصحیح برنامه‌ریزان به مسائل آب دارد. به قول شاعر: «اول ای جان دفع شر موش کن،

رفع مشکل آب  
صرفاً با توجه  
به یک بخش و  
موضوع نمی‌تواند  
راهگشای مسائل  
مربوط به آب  
باشد. تمام  
جنبه‌ها باید مورد  
توجه جدی قرار  
بگیرد. بازار آب  
می‌تواند منجر  
به ساماندهی در  
بخش عرضه و  
تقاضا شود، اما آیا  
می‌تواند مشکل  
برداشت غیرمجاز  
را حل کند؟  
می‌تواند کارایی  
پائین مصرف آب  
را بهبود بخشد؟  
بنابراین، این  
موضوع علی‌رغم  
فواید زیاد برای  
رفع مشکلات  
مربوط به آب لازم  
است اما کافی  
نیست.







● عکس: اکبر قاسم پور ●

گفت‌وگو با دکتر «صادق کریمی» دانشیار اقلیم‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## پازل مدیریت بحران

### نقد حکمرانی و مدیریت بحران سیل در ایران و استان کرمان

در حقیقت سیل، حاصل رفتارهای طبیعت به‌اضافه عوامل ماشه‌ای انسانی و طبیعی است. لازمه برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح محیط، شناخت روندهای حاکم بر محیط و تلاش برای عدم تقابل رفتارهای بشری با این فرآیندهاست که در نهایت می‌تواند به اثربخشی اجرای برنامه‌های مدیریت بحران در کشور ختم شود. بهترین استراتژی در برابر سیلاب‌های ایران در وهله اول اصلاح ساختار مدیریت بحران با نگاه مدیریت بحران نوین در کشور است. باید پازل مدیریت بحران تکمیل شود. اقدامات مقابله با سیل و پیامدهای آن در استان کرمان تنها بخشی از پازل مدیریت بحران و محدود به زمان حین یا حداکثر پس از وقوع است، لذا ضمن هزینه‌بر بودن اثرات بلندمدت مؤثری به دنبال ندارد. حکمرانی سیلاب در ایران دارای چالش‌های فراوانی است که در رأس همه اقدامات راهبردی، یکپارچه‌سازی و اصلاح ساختاری- نهادی در مجموعه سیستم مدیریت بحران از سطح ملی تا استان‌ها و تقویت پشتوانه قانونی اقدامات پیشگیرانه و نظارتی در این نهاد مهم باید مورد توجه ویژه حکومت قرار گیرد. شرح کامل گفت‌وگو با دکتر صادق کریمی، دانشیار اقلیم‌شناسی دانشگاه شهیدباهنر کرمان را در ادامه می‌خوانیم.



### انسان با

فعالیت‌های

بدون برنامه و

دخالت آمیزش

در طبیعت

و بسترهای

حوضه‌ی آبریز

بویژه حوضه‌های

آبریز شهری و

روستایی باعث

تغییراتی در

این ویژگی‌ها

می‌شود که در

نهایت به صورت

ماشه‌ای، عامل

تسریع‌کننده و

تشدیدکننده‌ی

رخداد

رواناب‌های

تهاجمی و

سیلاب‌ها

هستند.

در حقیقت

سیل، حاصل

رفتارهای طبیعت

به‌اضافه‌ی عوامل

ماشه‌ای انسانی و

طبیعی است.

### ♦♦ لطفاً ابتدا تعریفی علمی بر سیل و سیل‌خیزی داشته باشید.

ابتدا لازم است به تعریف علمی و سیستماتیک از رواناب سطحی و سیل پردازیم تا حیطه‌ی موضوعی مورد مصاحبه دقیق مشخص شود. سیل، رخدادی طبیعی است که جوامع بشری آن را به‌عنوان بخشی از رخدادهای اجتناب‌ناپذیر زمین پذیرفته‌اند و یکی از فاجعه‌بارترین حوادث طبیعی است. در یک مفهوم کلی اضافه‌ی جریان آب نسبت به محدوده‌ی معمول رود، سیل نامیده می‌شود. با توجه به شرایط اقلیمی و محیطی مناطق مختلف، عوامل متنوعی در میزان سیل‌خیزی رودخانه‌ها نقش دارند. از دیدگاه هیدرولوژیست‌ها بستر عملکرد جریان‌ات سطحی در قالب محدوده‌ای تحت عنوان «حوضه‌ی آبریز یا آبخیز» قابل تبیین است. انواع مختلف حوضه‌های آبریز عبارت است از: حوضه‌ی آبریز اقیانوسی، حوضه‌ی آبخیز رودخانه‌ای، حوضه‌ی بسته.

هرگاه شدت بارندگی از ظرفیت نفوذ آب به داخل خاک، بیشتر باشد بخشی از آب حاصل از بارندگی در سطح حوضه باقی می‌ماند. این آب پس از پر کردن گودی‌های سطح زمین در امتداد شیب جریان پیدا کرده و از طریق شبکه‌ی آبراه‌ها؛ سپس رودخانه‌ی اصلی از حوضه خارج می‌گردد که ابتدا «رواناب سطحی»<sup>۱</sup> و در صورت مهیا بودن شرایط «سیلاب»<sup>۲</sup> را ایجاد می‌کند. به‌عبارت‌دیگر اضافه‌ی جریان آب نسبت به محدوده‌ی معمول رود یا حجمی از آب، سیل نامیده می‌شود. سیل ممکن است در اثر بروز یک بارندگی شدید و یا مستمر و یا ذوب ناگهانی برف‌ها در یک حوضه‌ی آبخیز و یا در نتیجه‌ی شکسته شدن یک سد به وقوع بپیوندد. به‌رحال وقوع سیل باعث تخریب و ایجاد خسارت به محیط‌زیست، تخریب سازه‌های مسیر سیلاب و تلفات جانی می‌شود.

**برحسب منشأ، سیلاب‌ها را حداقل به پنج گروه زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:**

- سیل‌های ناشی از آب شدن برف در نواحی کوهستانی که منجر به افزایش آب در دژه‌های پایین دست می‌شود،
- سیل‌های ناشی از هجوم امواج توفان‌های حازه‌ای در اقیانوس‌ها همراه با امواج دریا مانند توفان گونو در سواحل دریای عمان،
- سیل‌های ناشی از باران‌های شدیدتر از ظرفیت انتقال آب رودخانه‌ای و مجاری زهکشی طبیعی و مصنوعی دیگر،
- سیل‌های ناشی از تراکم و شکستگی یخ‌های بالای رودخانه موسوم به سیل‌های بهاری،
- سیل‌های ناشی از شکست سازه‌های ساخته شده مانند سدها، بندها، خاکریزها و سایر سازه‌های کنترلی.

از نظر (سرعت، زمان و مکان وقوع) نیز می‌توان سیل‌ها را به دو گروه مختلف تقسیم‌بندی نمود:

- سیل‌های ناگهانی: این سیل‌ها اغلب در شش ساعت نخست بارندگی شدید به وقوع می‌پیوندد؛ به‌طوری‌که با ابرهای کومولوس بزرگ، رعدوبرق، گردبادهای گرمسیری و عبور جبهه‌های هوای سرد همراه است. در این نوع از سیل‌ها برای کاهش خسارات، نیاز به یک اخطار منطقه‌ای سریع و واکنش سریع و فوری افراد منطقه است،

- سیل‌های ساحلی: تعدادی از سیل‌ها با گردبادهای گرمسیری که تندباد و توفان و باد همراهند، عوارض بدتر ایجاد می‌کنند.

سیلاب‌های رودخانه‌ای از جمله پدیده‌های طبیعی هستند که هر رودخانه‌ای می‌تواند مستعد آن باشد. آنچه آن را از حالت طبیعی خارج می‌کند و به‌صورت سانحه درمی‌آورد، دست‌اندازی انسان به طبیعت است. خسارت‌های مالی و جانی سیلاب به‌خصوص در طی دهه‌های گذشته در ایران افزایش یافته است؛ زیرا در کشور بحران‌خیز ما به دلیل کمبود آب، مناطق مسکونی در حاشیه‌ی رودخانه‌ها برپا شده‌اند و با طغیان رودخانه، سیلاب امکانات معیشتی ساکنان را از بین برده و خسارات زیادی به آن‌ها وارد می‌کند.



## ♦♦ مهم‌ترین عوامل طبیعی که در سیل خیز بودن یک منطقه مؤثرند، کدامند؟

باید توجه داشته باشیم که عوامل متعددی در افزایش میزان رواناب و به تبع آن سیل خیزی حوضه‌های آبخیز مؤثر هستند. بر همین اساس سیلاب تحت تأثیر عوامل اقلیمی، هیدرولوژیکی و ژئومورفولوژیکی یک منطقه شکل می‌گیرد. در این بین شبکه‌ی رودخانه‌ای و ویژگی‌های حوضه‌ی آبریز به‌عنوان بخش مهمی از ژئومورفولوژی یک منطقه در خرداد سیل مؤثر هستند. بر همین اساس با توجه به ارتباط نزدیک متغیرهای فیزیوگرافی در وقوع سیل، می‌توان بسیاری از خصوصیات و احتمالات وقوع سیل را با توجه به این متغیرها مورد بررسی و توجه قرار داد. عوامل مورفومتری حوضه که بر سیل خیزی یک منطقه تأثیرگذارند، عبارت است از: خصوصیات فیزیوگرافی حوضه، شبکه‌ی آبراهه‌های حوضه، تراکم شبکه‌ی آبراهه و نسبت انشعاب حوضه، ارتفاع متوسط حوضه، شیب حوضه، زمان تمرکز و فراوانی وقوع و دوره‌ی بازگشت بارش‌های سیل آسا.

## ♦♦ آیا عمل و حضور انسان‌ها را در بروز و تشدید خسارت زایی سیلاب‌های به وقوع پیوسته در ایران دخیل می‌دانید؟

بله دقیقاً. انسان با فعالیت‌های بدون برنامه و دخالت آمیزش در طبیعت و بسترهای حوضه‌ی آبریز بویژه حوضه‌های آبریز شهری و روستایی باعث تغییراتی در این ویژگی‌ها می‌شود که در نهایت به‌صورت ماشه‌ای، عامل تسریع‌کننده و تشدیدکننده‌ی رخداد رواناب‌های تهاجمی و سیلاب‌ها هستند. در حقیقت سیل، حاصل رفتارهای طبیعت به‌اضافه‌ی عوامل ماشه‌ای انسانی و طبیعی است. با چنین رویکردی سیل چیزی فراتر از یک رواناب بزرگ در بستر طبیعت نیست و اغلب این انسان است که خود و سرمایه‌هایش را در مسیر آن قرار داده؛ تا حدی که از آن به‌عنوان مخاطره‌ی سیل یاد می‌کند و آن را نیروی قهرآمیز طبیعت علیه خود تلقی می‌نماید. این دیدگاه متفاوت، ضمن آماده‌سازی شناخت بهتر رخدادهای طبیعی، به ما می‌آموزد آنچه تحت عنوان «مخاطره» رایج شده، بیشتر به‌واسطه‌ی نوع برخورد یک‌طرفه‌ی انسان با طبیعت و فرآیندهای آن شکل گرفته که در واقع این طرز تفکر، بیشتر ناشی از عدم به رسمیت شناختن محیط و رفتارهای آن و بعضاً برداشت‌های نادرست و غیرعلمی از علل و فرآیند ایجاد این رخدادهاست؛ بنابراین لازمه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح محیط، شناخت روندهای حاکم بر محیط و تلاش برای عدم تقابل رفتارهای بشری با این فرآیندهاست که در نهایت می‌تواند به اثربخشی اجرای

برنامه‌های «مدیریت نوین بحران» در کشور ختم شود. بررسی عوامل زیست‌محیطی نشان می‌دهد که دخالت انسان در چرخه‌ی طبیعی آب از طریق تخریب پوشش گیاهی در عرصه‌های آبخیز، کاربرد غیراصولی اراضی، توسعه‌ی سطوح غیرقابل نفوذ و امثال آن، پتانسیل سیل خیزی را در مناطق گوناگون افزایش داده و در نتیجه، پهنه‌ی جریان سیلاب‌ها گسترش یافته و زمین‌های بیشتری در هنگام طغیان سیل تحت تأثیر قرار می‌گیرند. عدم رعایت حریم رودخانه‌ها<sup>۳</sup> یکی از مسائلی است که در تبدیل رخداد رواناب به سیل نقش مؤثری را دارد. به‌طوری‌که انسان‌ها بدون توجه به حریم اطمینان رودخانه‌ها، در مسیل آن‌ها اقدام به ساخت‌وساز می‌نمایند. این موضوع هم به‌عنوان عامل ماشه‌ای با دست‌کاری ویژگی‌های فیزیوگرافی حوضه‌های آبریز<sup>۴</sup> بر شدت وقوع جریان‌های سطحی افزوده و در نتیجه باعث شکل‌گیری سیلاب‌های مهیب و خسارت‌زا می‌گردد و هم باعث افزایش تلفات جانی و مالی به انسان‌ها می‌گردد.

## ♦♦ به نظر شما سیل چه اثرات اقتصادی و اجتماعی در کشور به دنبال دارد؟

آمارها حاکی از آن است که سیلاب چه از نظر تلفات جانی و چه از نظر تلفات مالی، مقام نخست را در میان حوادث طبیعی به خود اختصاص داده است. گزارش دفتر سازمان ملل متحد در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۵ که برای کاهش خطر بروز حوادث<sup>۵</sup> منتشر کرده، نشان می‌دهد که در طول ۲۰ سال گذشته (از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ میلادی) حدود ۹۰ درصد از بلایای طبیعی مربوط به آب‌وهوا بوده که در این میان، سیل ۴۷ درصد از این بلایای آب و هوایی را به خود اختصاص داده و توانسته بر زندگی ۲٫۳ میلیارد از جمعیت جهان تأثیر گذاشته و باعث مرگ ۱۵۷ هزار نفر شود (UN News Center, ۲۰۱۵). تبعات سیل در عمل محدود به خسارات اولیه‌ی آن نبوده و عواقب بعدی آن، گاهی بسیار جدی‌تر است. از جمله شیوع انواع بیماری‌ها، بی‌خانمانی مردم، از دست دادن شغل و گسترش بیکاری و به تعویق افتادن پروژه‌های عمرانی. همین امر سبب توجه زیاد کارشناسان به مطالعات خاص در زمینه‌ی سیلاب‌ها، راه‌های کاهش خسارات و تلفات آن و پیش‌بینی احتمال وقوع دوباره‌ی آن شده است.

## ♦♦ بدیهی است که همه سیلاب‌ها قابل کنترل نیستند، چه ابزارها و راهکارهایی برای کاهش بحران‌های مالی پس از سیل در کشورمان وجود دارد؟

رخدادهای طبیعی زمانی به‌صورت مخاطره، بحران و

### ایران در منطقه

#### خشک و

#### نیمه خشک دنیا

#### قرار دارد. معمولاً

#### بارندگی‌ها در

#### مناطق خشک

#### و نیمه خشک

#### سیل آسا بوده

#### و در این میان

#### پوشش پراکنده‌ی

#### گیاهی از نظر

#### حفاظت خاک

#### نیز نقش زیادی

#### ایفا نمی‌کنند؛

#### به‌طوری‌که سرعت

#### نفوذ آب ناچیز

#### بوده و میزان

#### رواناب افزایش

#### پیدا می‌کند.

#### به‌عنوان مثال در

#### ۵۰ سال منتهی به

#### سال ۲۰۰۱، حدود

#### ۳۷۰۰ واقعه‌ی

#### سیل در کشور

#### گزارش شده که

#### حدود ۵۳ درصد

#### آن در سال‌های

#### نزدیک به ۲۰۰۱ رخ

#### داده بود.



اجرائی دارد. ضمن اینکه بیمه را باید به‌عنوان یک صنعت دید تا بتواند پوشش خود را گسترش داده و در هنگام بروز خسارت‌های مالی و جانی، با دست‌باز عمل نماید.

### ♦♦ بنا به تجربه‌ای که در تکرار سیلاب‌های مهیب در سال‌های مختلف در کشور و استان به‌دست آمده، بهترین استراتژی، روش و راهکار برای پاسخ به چالش‌های سیل در ایران نسبت به سایر کشورهای دیگر چیست؟

مهم‌ترین مسئله در زمینه‌ی آب، پراکندگی زمانی بارندگی است. بدین‌صورت که در کشور ایران بیشتر بارش‌های سالانه در ماه‌های زمستان و اوایل بهار اتفاق می‌افتد (البته حسب رژیم بارشی، هر ساله در مناطقی از کشور نیز شاهد بارش‌های سنگین تابستانه هستیم، از جمله مناطق جنوب شرق، جنوب و حتی جنوب‌غرب کشور). نکته‌ی حائز اهمیت آن است که بخشی از این بارش سالانه در کشور به‌صورت بارندگی‌های شدید و ناگهانی است که موجب بروز رواناب‌های سطحی حجیم می‌شود که با دست‌کاری انسان در تغییر یا انسداد مسیر حرکت، آن‌ها را تبدیل به سیل‌های مهیب می‌نمایند که از یک‌طرف خسارت‌های بسیاری برجای می‌گذارند و از طرف دیگر غالباً بدون مصرف به هدر می‌روند.

از طرفی باید توجه داشت ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک دنیا قرار دارد. معمولاً بارندگی‌ها در مناطق خشک و نیمه‌خشک سیل‌آسا بوده و در این میان پوشش پراکنده‌ی گیاهی از نظر حفاظت خاک نیز نقش زیادی ایفا نمی‌کنند؛ به‌طوری‌که سرعت نفوذ آب ناچیز

مصیبت درمی‌آیند که جان انسان‌ها را به خطر انداخته یا خسارت‌های مالی به همراه داشته باشند. شدت و میزان بحران با میزان تلفات جانی و خسارت‌های سنجیده می‌شود؛ همچنین بلایای طبیعی وقتی‌که در یک‌زمان بسیار کوتاه رخ می‌دهند، دارای شدت بیشتری خواهند بود، چرا که فرصت مقابله، دفاع و عکس‌العمل از انسان ساقط می‌شود. از سوی دیگر این بلایا زمانی دارای ابعاد و شدت بیشتر و غافلگیرکننده خواهند بود که غیرقابل‌پیش‌بینی باشند. بلایای طبیعی بویژه سیل عموماً بدون اخطار قبلی رخ می‌دهند؛ از این‌رو اغلب ترس و بی‌نظمی زیادی به بار می‌آورند؛ همچنین خسارت‌های بسیاری به زندگی وارد می‌آورند، فعالیت‌های اقتصادی را متوقف نموده و در یک دوره کوتاه‌مدت بر کل ناحیه‌ی آسیب‌دیده اثر می‌گذارند. یک واقعیت اساسی در مورد بلایای طبیعی آن است که در مواجهه با چنین سوانحی، در لحظه‌ی وقوع کار چندانی نمی‌توان انجام داد، درحالی‌که اثرات آن‌ها را با برنامه‌ریزی از قبل می‌توان خنثی نمود یا به حداقل رساند که لازمه‌ی این امر، مدیریت بحران نوین است که بر امر پیشگیری تأکید بیشتری نسبت به اقدام پس از وقوع دارد.

قطعاً یک اقدام مهم که برای جبران خسارت ناشی از سیل‌های بزرگ و غیرقابل‌کنترل می‌توان در نظر گرفت «بیمه‌ی بلایای طبیعی» است. در این میان مردم باید در این خصوص آگاهی و اطلاعات لازم را جهت بیمه کردن در برابر مخاطراتی نظیر سیل کسب نمایند. البته نقش دولت و توجه به بیمه‌ها در این بین نقش کلیدی‌تر و بااهمیت‌تری است که نیاز به پشتوانه‌ی قانونی و ضمانت



بوده و میزان رواناب افزایش پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال در ۵۰ سال منتهی به سال ۲۰۰۱، حدود ۳۷۰۰ واقعه‌ی سیل در کشور گزارش شده که حدود ۵۳ درصد آن در سال‌های نزدیک به ۲۰۰۱ رخ داده بود. بررسی عوامل زیست‌محیطی نشان می‌دهد که دخالت انسان در چرخه‌ی طبیعی آب از طریق تخریب پوشش گیاهی در عرصه‌های آبخیز، کاربرد غیراصولی اراضی، توسعه‌ی سطوح غیرقابل نفوذ و امثال آن، پتانسیل سیل‌خیزی را در مناطق گوناگون افزایش داده و در نتیجه، پهنه‌ی جریان سیلاب‌ها گسترش یافته و زمین‌های بیشتری در هنگام طغیان سیل تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

بهترین استراتژی در برابر سیلاب‌های ایران، در وهله‌ی اول اصلاح ساختار مدیریت بحران در کشور با نگاه مدیریت بحران نوین است تا در مسیر این نگاه هم قوانین بالادستی در رعایت حریم رودخانه‌ها و مسیل‌های سیل‌خیز نظارت دقیق شود و هم کنترل، هدایت و استفاده‌ی بهینه‌ای از این سیلاب‌ها صورت گیرد. قطعاً در کشور نیمه خشکی همچون ایران، ذخیره‌ی این هرزآب‌ها و بهره‌برداری درست از آن‌ها حکم طلا را دارد. در حال حاضر عدم پیاده‌سازی سیستم جامع مدیریت بحران با رویکرد مدیریت نوین بحران، خلأیی است که مانع از تحقق این اقدامات مفید و مؤثر بلندمدت می‌شود. این در حالی است که در کشورهای دیگر نظیر ژاپن و آلمان حکمرانی مدیریت بحران با تأکید بر رویکرد مدیریت نوین بحران و سیاست‌هایی است که در این رویکرد دنبال می‌شود.

♦♦ در مورد رویکردهای مدیریت سیل در کشورهای پیشرو، تجربه آن‌ها برای کاهش خسارت‌ها و افزایش تاب‌آوری شهرهای در معرض سیل است که می‌تواند برای ما به‌عنوان الگوهای قابل توجه باشد. در این باره توضیح دهید. یکی از جنبه‌های مهم در مخاطرات و بحران‌هایی نظیر

سیل، بحث آسیب‌پذیری و سپس تاب‌آوری شهروندان، ساختارها و سازه‌ها در برابر آسیب‌های احتمالی است. در رویکرد کلاسیک مدیریت بحران، آسیب‌پذیری موضوع جدی و دارای دستورالعمل اجرایی نیست. درحالی‌که آسیب‌پذیری هم پدیده‌ای ایستا نیست و باید به‌عنوان یک فرآیند پویا و تغییر و تحول جامعی در نظر گرفته شود که احتمال ضرر و زیان عوامل نامبرده را تغییر دهد و بر آن‌ها اثر بگذارد. به همین علت وقتی در معرض مخاطرات مختلف قرار می‌گیریم، وظیفه‌ی اصلی مدیران محیطی انتخاب روش یکپارچه و انعطاف‌پذیر برای ارزیابی آسیب‌پذیری با توجه به شاخص‌های موجود است؛ لذا قبل از ارزیابی آسیب‌پذیری ناشی از مخاطرات در مناطق مختلف، لازم است اقدامات لازم برای پاسخگویی به الگوهای مکانی شناسایی آسیب‌پذیری به‌عنوان بخشی از یک رویکرد انعطاف‌پذیر انجام شود. در همین راستا، در یک رویکرد مشارکتی، آسیب‌پذیری درجه‌ای است که یک سیستم یا بخشی از سیستم ممکن است در طی یک رخداد خطرناک یا پس از آن واکنش بدی نشان دهد. ابعاد مختلف آسیب‌پذیری که منعکس‌کننده‌ی حساسیت‌های مختلف سیستم‌هاست، به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

- آسیب‌پذیری فیزیکی که مربوط به تأثیر بر زیرساخت‌ها بر اساس ویژگی‌های زمین‌شناسی و انسان‌ساخت (ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها) است.
- آسیب‌پذیری اجتماعی که شامل موانع انعطاف‌پذیری مربوط به توانایی مقابله با ضعف مردم است.
- آسیب‌پذیری اقتصادی که شامل دارایی‌ها و زیرساخت‌های تجاری است.
- آسیب‌پذیری محیطی که شامل در نظر گرفتن تأثیر احتمالی خطرات در سیستم‌های سودمند و حساس طبیعی است.
- آسیب‌پذیری سیستماتیک که شامل دسترسی به خدمات پشتیبانی است.



دنبال استخراج درصد نسبت خطر است تا فرد، جامعه و محیط طبیعی را به‌طور نسبی از خطر و عوارض آن دور نماید. مخاطره‌شناسی به غنای اقتصادی می‌افزاید و مانع افزایش هزینه‌های فرد، جامعه و کشور می‌شود.

سومین اصطلاح، «بحران» است که سطح پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تری از مخاطره است. مفهوم عامیانه‌ی بحران، هاج و واج بودن و هرج‌ومرج است. معادل لاتین بحران، «Crisis» و بحرانی، «Critical» و به‌طور بحرانی، «Critically» است. معادل‌های فوق با مخاطره «Hazard» متفاوت است. بحران برآشفتگی و بی‌نظمی در

اوضاع و احوال فرد، جامعه یا کشوری خاص انطباق دارد. حیرانی و سردرگمی و بلاتکلیفی را در بردارد. مخاطره‌شناسی شامل هر نوع مطالعه، تصمیم و اقدامی برای ممانعت از ورود به مرحله‌ی بحرانی است. فرد و جامعه‌ای که بحران‌پذیر است یا سیاست‌ها و تصمیمات خود را بر مبنای ورود به بحران پایه‌ریزی می‌کند، از مخاطره‌شناسی بهره‌ای نبرده است. اگر جامعه‌ای ساختار مدیریتی و سیاست‌گذاری خود را بر مبنای «مدیریت نوین بحران» قرار نهد، رشد و پیشرفتی نخواهد کرد. توان اقتصادی و جسمی چنین جامعه‌ای رو به کاهش خواهد بود و بنابراین سبب افزایش هزینه‌های داخلی آن می‌شود.

تغییر دیدگاه کلاسیک به دیدگاه سیستمی در جغرافیا و بویژه هیدرولوژی، اقلیم‌شناسی و ژئومورفولوژی (به‌عنوان مهم‌ترین علوم مرتبط با سیلاب) باعث تحلیل مطلوب‌تر و دستیابی به نتایج چشمگیرتر در سیستم‌های تشکیل‌دهنده‌ی چشم‌اندازهای طبیعی شده است. این تغییر نگرش، منجر به تغییر تمرکز دیدگاه از جزء به کل و تمرکز بر ارتباطات بین اجزاء شده است. محور شناخت در دیدگاه سیستمی، کشف ارتباطات موجود در سیستم است. محیط اطراف ما دارای بارزترین نمونه‌ی سیستم‌های پیچیده است. وجود روابط متعدد بین اجزاء و عملکرد این سیستم‌ها همواره مورد توجه تعداد زیادی از محققان بوده است. همواره رخدادهای مختلف ژئومورفولوژیکی و اقلیمی مختلفی نظیر سیل، طوفان، خشکسالی و زلزله در طبیعت رخ می‌دهد که جزئی از ذات سیستم طبیعت بوده و رخ دادن آن‌ها نشانه‌ای از پویایی و شکوفایی آن است. نحوه‌ی برخورد و رفتار انسان با طبیعت با «رویکرد انسان‌محورانه» و «تقابل‌محور» باعث شده که بشر، بسیاری از این پدیده‌ها را در زمره‌ی بلایا، مخاطرات و بحران‌های طبیعی قلمداد نماید و درصدد مقابله با آن‌ها برآید؛ بنابراین بسیاری از برنامه‌های مدیریت بحران مبتنی بر این رویکرد عملاً ناکار هستند.

♦♦ شما چگونه هم‌پوشانی راهکارهای مورد استفاده در جریان سیل و پس از آن و توجه به پیامدهای سیلاب در بالادست و پایین‌دست در استان کرمان را چقدر مناسب یا نامناسب ارزیابی می‌کنید؟

اگرچه مجموعه‌ی تلاش‌ها، اقدامات و راهکارهای مورد استفاده در سطح استان در جریان وقوع سیل و پس از آن، در حقیقت در مرحله‌ی مقابله و امداد و نجات و مرحله‌ی پس از بحران یعنی مرحله‌ی بازسازی و بهبود خوب و ارزنده است، اما از آنجا که این اقدامات تنها بخشی از پازل مدیریت نوین بحران و محدود به زمان حین یا حداکثر پس از وقوع است، لذا ضمن هزینه‌بر بودن، اثرات بلندمدت مؤثری به دنبال ندارد و توسعه‌ی مناطق در معرض سیل را به دنبال ندارد.

به عبارتی هرساله این اقدامات انجام می‌شود ولی سال بعد سیل با شدت بیشتری این مناطق را آسیب می‌رساند؛ درحالی‌که باید این مناطق را در برابر سیل‌های احتمالی با تقویت مرحله‌ی قبل از بحران (مرحله‌ی پیش‌بینی، پیشگیری و آمادگی) توسعه داد و کار توانمندسازی جوامع و مناطق سیل‌خیز استان را در اولویت قرار داد و پازل مدیریت نوین بحران را در استان تکمیل کرد و این به ساختار ناکارآمد و رویکرد غیر کارآی سستی در مدیریت بحران کشور و استان برمی‌گردد که هرچه زودتر باید اصلاح گردد.

♦♦ در مجموع حکمرانی سیلاب در کشور را چطور ارزیابی می‌کنید و چه اصلاحاتی را در این زمینه پیشنهاد می‌نمایید؟

همان‌طور که عرض کردم، نگاه و رویکرد استراتژیک مدیریت بحران در ایران و حکمرانی سیلاب، مطابق رویکردهای نوین نیست. در این بین توجه شما را به چند واژه کلیدی استراتژیک در مدیریت بحران و حکمران جلب می‌نمایم که لازم است تعریف دقیق و کاربردی این اصطلاحات در سطح ملی، منطقه‌ای و سطوح مدیریت بحران استان‌ها، شهرها و روستاها مورد توجه ویژه قرار داد. اولین اصطلاح، «مخاطره» است. مخاطره، جریان یا واقعه‌ای است که به‌طور بالقوه توان ایجاد زیان در آینده را دارد، یعنی منبع متعارف خطر. مخاطره، مترادف با «نسبت خطر» است. مخاطره را می‌توان واقعه، پدیده، فرآیند، وضعیت یا فعالیتی که ممکن است برای فرد، جمعیت، جامعه و محیط، زیان جدی داشته باشد، تلقی کرد. هر اقدام یا رویداد یا فعالیتی که از نسبت سلامتی بکاهد و به نسبت خطر بیفزاید به‌نوعی مخاطره محسوب می‌شود. دومین اصطلاح، «علم مخاطره‌شناسی» است که به

### در یک

#### جمع‌بندی کلی

#### می‌توان مدیریت

#### بحران را ایجاد

#### آمدگی و فراهم

#### نمودن تمهیدات

#### و تدارکات لازم

#### سازمانی برای

#### رویارویی با

#### بحران و یا به

#### حداقل رساندن

#### آثار تخریبی آن

#### تعریف کرد. لذا

#### مدیریت نوین

#### بحران، علمی

#### کاربردی است

#### که به وسیله‌ی

#### مشاهده

#### سیستماتیک

#### بحران‌ها و

#### تجزیه و تحلیل

#### آن‌ها، در

#### جستجوی یافتن

#### ابزاری است

#### که به وسیله‌ی

#### آن بتوان از

#### بروز بحران‌ها

#### پیشگیری کرد

#### یا در صورت

#### بروز بحران،

#### به منظور کاهش

#### اثرات و بهبود

#### اوضاع، سریع‌تر

#### امداد رسانی کرد.





باید توجه داشت انسان توسعه‌یافته با «رویکرد زیست‌محورانه» و «تعامل محور» می‌تواند با اصلاح رفتار خود نسبت به طبیعت و طرح برنامه‌های کاربردی منطبق بر این رویکرد، از آثار زیان‌بار این رخدادهای طبیعی، جلوگیری و از طرفی از موانع آن نهایت استفاده را به عمل آورد. در این رویکرد رخدادهای طبیعی، زمانی به‌صورت بلیه، مخاطره، بحران و مصیبت درمی‌آیند که علیرغم رعایت اصول، قوانین و حقوق زیست‌محیطی، جان انسان‌ها را به خطر انداخته یا خسارات مالی جدی به همراه داشته باشند.

با چنین نگاه متفاوت و البته سیستماتیک به فرآیندها و فرم‌های ژئومورفولوژیکی که دائماً به‌صورت رخدادهای طبیعی در بسترهای محیطی اطراف ما در حال وقوع هستند، انسان هیچ‌گاه خود را در مقابل آن‌ها نمی‌بیند و سعی می‌کند در کنار طبیعت با تمام واقعیت‌هایش، مسالمت‌آمیز و تعاملی زندگی کند و کمتر به «تخریک ماشه‌ای» علیه فرآیندهای طبیعی بپردازد تا بیشتر و بیشتر از بازخورد و سینرژی تنش‌های محیطی علیه خودش بکاهد. تنها آن بخش از رفتارهای نامتعارف (خشن) طبیعت را که فراتر از آستانه‌های تحمل انسان و یا محیط‌زیست پیرامون است، به‌عنوان مخاطراتی قلمداد می‌کند که احتمال قوی می‌دهد خسارت جانی، مالی و یا محیط‌زیستی برایش به بار آورد و در این بین سعی می‌نماید با استفاده از علم، تکنولوژی و فناوری، ضمن شناخت این رفتارها، راه‌حلی برای گریز، همزیستی مسالمت‌آمیز و در مواردی معدود، مقابله با آن‌ها پیدا نماید. در این نگرش، طبیعت دوست انسان و گهواره‌ی تمدن وی تلقی می‌شود و انسان بر خود لازم می‌بیند، طبیعت را به رسمیت بشناسد و برای نیروهای طبیعت احترام قائل شود و از دست‌یازی قهرآمیز بر طبیعت به جد پرهیز نماید.

مدیریت بحران چهارمین اصطلاح مهمی است که باید به تعریف دقیق و امروزی آن توجه نمود. «مدیریت بحران» به‌نوعی تدبیری استراتژیک تعریف شده است که در آن نخبگان، با تحلیل واقع‌بینانه‌ی محیط‌های داخلی و خارجی بحران و کسب شناخت لازم نسبت به آن از طریق استراتژی‌های مدیریتی مناسب، خسارات ناشی از مخاطرات ایجاد شده را به حداقل می‌رسانند. کامل‌ترین تعریفی که شاید بتوان از مدیریت بحران ارائه داد، عبارت است از: «فرآیند برنامه‌ریزی برای رویارویی و پاسخ به عوارض سوانح که شامل پیشگیری، کاهش خسارات و آمادگی در برابر سوانح در زمان پیش از رخداد و

امدادرسانی، اسکان موقت و بازسازی در زمان پس از رخداد سانحه است».

در همین راستا برخی از صاحب‌نظران، مدیریت بحران را اقدامی شبیه «جنگ محدود» دانسته‌اند که هدفش نه محو کامل بحران بلکه تحدید و ممانعت از تکرار آن است. به بیان مک کارتی هدف اصلی مدیریت بحران برطرف کردن شرایط غیرعادی از طریق دستیابی به راه‌حلی معقول است، به‌گونه‌ای که منافع و ارزش‌های اساسی حفظ و تأمین گردد. به‌رغم تفاوت در دیدگاه‌ها، اندیشمندان و صاحب‌نظران امر، در این مسئله اجماع نظر دارند که هدف اصلی مدیریت بحران، بهینه‌سازی فعالیت‌های مقابله با بحران و به حداقل رساندن خسارات ناشی از آن است. از همین رو در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مدیریت بحران را ایجاد آمادگی و فراهم نمودن تمهیدات و تدارکات لازم سازمانی برای رویارویی با بحران و یا به حداقل رساندن آثار تخریبی آن تعریف کرد. لذا مدیریت نوین بحران، علمی کاربردی است که به‌وسیله‌ی مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، در جستجوی یافتن ابزار است که به‌وسیله‌ی آن بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری کرد یا در صورت بروز بحران، به‌منظور کاهش اثرات و بهبود اوضاع، سریع‌تر امدادرسانی کرد. علی‌رغم تمام اختلاف‌نظرها تقریباً تمام دیدگاه‌های مربوط به مدیریت نوین بحران در سه مرحله‌ی قبل از بحران (مرحله‌ی پیش‌بینی، پیشگیری و آمادگی)، مرحله‌ی حین بحران (مرحله‌ی مقابله و امداد و نجات) و مرحله‌ی پس از بحران (مرحله‌ی بازسازی، بهبود و توانمندسازی) اختصاص دارد، اتفاق نظر دارند. در همین راستا مدیریت بحران بویژه مدیریت سیلاب باید دربرگیرنده‌ی تمام این مراحل باشد. با مطالعات تاریخی پیشینه‌ی بحران‌ها می‌توان مدیریت بحران را به نحو مطلوب‌تری انجام داد.

و درنهایت اصطلاح «حکمرانی سیل» است که در سال‌های اخیر مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در چند دهه‌ی اخیر، به دلیل افزایش تلفات جانی و مالی در دنیا نگرانی‌های زیادی در مورد عملکرد برنامه‌های مواجهه با سیل به وجود آمده است. به عبارتی کاهش خسارات ناشی از سیل لزوماً فقط در گرو اقدامات سازهای نیست و باید اقدامات و برنامه‌هایی برای کاهش تلفات جانی و خسارات مالی ناشی از سیل را در ایران انجام داد. در این بین حکمرانی ریسک سیل در ایران دارای چالش‌های فراوانی از جمله عدم توجه و اهمیت به رودخانه در شهرسازی و طراحی زیرساخت‌ها، عدم انجام صحیح و به‌موقع مسئولیت‌های نهادی، تداخل ساختارهای

## کاهش خسارات

ناشی از سیل  
لزوماً فقط در

گرو اقدامات

سازهای نیست

و باید اقدامات

و برنامه‌هایی

برای کاهش

تلفات جانی و

خسارات مالی

ناشی از سیل را

در ایران انجام

داد. در این بین

حکمرانی ریسک

سیل در ایران

دارای چالش‌های

فراوانی از

جمله عدم

توجه و اهمیت

به رودخانه

در شهرسازی

و طراحی

زیرساخت‌ها،

عدم انجام

صحیح و به‌موقع

مسئولیت‌های

نهادی، تداخل

ساختارهای

مدیریتی در

شرایط بحران،

عدم استفاده

کارآمد از منابع

موجود و تأکید

بر مدیریت

دولت‌محور سیل

می‌باشد.

بهره‌برداری از آن بویژه اشغال و دست‌کاری در آن برای سکونت و استقرارهای موقت و ... توصیه نمی‌شود.

۴- ویژگی‌های فیزیوگرافی حوضه‌های آبخیز نظیر مساحت، محیط، طول، الگوهای فرمی، ضریب فشردگی، تراکم شبکه زهکش، شیب حوضه، زمان تمرکز و ... نقش مهمی را در میزان سیل‌خیزی رودخانه‌ها ایفا می‌کنند. به همین دلیل ارائه محاسبات و راهکارهای کاربردی از جمله موارد اساسی در اتخاذ روش‌های مناسب و برنامه‌ریزی اصولی جهت کاهش خسارت‌های ناشی از بروز سیلاب در مناطق مختلف محسوب می‌شود. از طرفی وقوع سیلاب در قالب روابط سیستماتیک و برهم‌کنش فرآیندهای محیطی و سطوح بالای جو میسر است که این امر در قالب کاربرد الگوی ساختار شبکه عصبی در شبکه‌های نرونتیک زهکش‌های رودخانه‌ای قابل بررسی است. هشدار و پیش‌بینی می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤثرترین روش‌های غیر‌سازه‌ای مدیریت سیلاب در کاهش خطرات و خسارات ناشی از آن مطرح شود.

5- UNISDR

6- Crisis Management

مدیریتی در شرایط بحران، عدم استفاده کارآمد از منابع موجود و تأکید بر مدیریت دولت‌محور سیل می‌باشد. به‌علاوه، در برنامه‌ها و اقدامات راهبردهای مدیریت سیل تنوع، همبستگی و همسویی کم‌رنگ است. همچنین، دو راهبرد دفاعی و آمادگی نسبت به دیگر راهبردهای پنج‌گانه طرح‌های مدیریت سیل نهادینه‌تر هستند.

#### ♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی برای جمع‌بندی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

با در نظر داشتن چالش‌هایی که بر سر راه حکمرانی ریسک سیل در ایران وجود دارد، اجرای سیاست‌های حکمرانی سیل مستلزم پیاده‌سازی و توجه به رویکرد نوین بحران در سیستم مدیریت بحران کشور است که پیش از این به آن اشاره شده است. همچنین قواعد، کنشگران و منابع آن‌ها و گفتمان متناظر با رویکرد تدابیر سیاستی بایستی در پنج راهبرد پیشگیری، دفاعی، کاهش، آمادگی و بازیابی، مدیریت ریسک سیل برای تحلیل سیستم حکمرانی ریسک سیل در ایران به کار گرفته شوند. در رأس همه‌ی اقدامات راهبردی، یکپارچه‌سازی و اصلاح ساختاری- نهادی در مجموعه‌ی سیستم مدیریت بحران (از سطح ملی تا سطوح استان‌ها) و تقویت پشتوانه‌ی قانونی اقدامات پیشگیرانه و نظارتی در این نهاد مهم باید مورد توجه ویژه‌ی حکومت و دولت قرار گیرد. ♦♦

#### پی‌نوشت‌ها:

1- Run off

2- Flood

۳- حریم اطمینان: مرزی است که در تاریخ رودخانه، هرگز عملکرد آن از این حد تجاوز نکرده است؛ لذا این حد می‌تواند مرز اطمینانی برای ایجاد سازه‌های زیرساختی بنیادی (نظیر جاده‌ها، شبکه‌های آب و ...) تلقی شود. به‌عبارت دیگر این حد، حد بالاترین تراس رودخانه است.

حد احتیاط: این حد می‌تواند مورد استفاده موقت و بهره‌مندی برای فعالیت‌هایی همچون کشاورزی، باغداری، پارک، تولید چوب، بیشه‌زار و دیگر فعالیت‌های موقت قرار گیرد. لازم به ذکر است که اگرچه سطح احتیاط، مورد بهره‌برداری انسانی قرار می‌گیرد ولی این بهره‌برداری‌ها باید با رعایت استانداردهای خاص صورت گیرد؛ به‌طوری که جریان آب‌های زیرزمینی و ارتباطات اکولوژیک منطقه آسیب نبیند.

حد اضطرار: این محدوده در مجاورت با رودخانه قرار می‌گیرد و شامل سطحی است که حریم رودخانه محسوب می‌شود؛ بنابراین اگرچه ساماندهی آن موضوع قابل‌تأملی است؛ اما





## خطر بیابانی شدن

### بیابان‌زایی و راه‌های جلوگیری از گسترش آن در استان کرمان



#### ♦ دکتر علی جان آبکار

عضو هیئت‌علمی گروه تحقیقات حفاظت خاک و آبخیزداری مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان

بیابان به زبان عربی (صحرا) و به انگلیسی (Desert) نامیده می‌شود. واژه بیابان مرکب از دو بخش ساده بی و آبان است و اصطلاحاً به مناطقی که دارای محدودیت اساسی منابع آب هستند، اطلاق می‌شود. در این مناطق علاوه بر پایین بودن میزان آب و رطوبت، شرایطی مانند کمبود بارش، افزایش یا کاهش درجه حرارت، تبخیر بالا، اختلاف زیاد دما در شب و روز، وزش بادهای سوزان، غالب بودن فرسایش بادی و محدودیت منابع زیستی گیاهی و جانوری حاکم است. برخلاف برخی تصورات، شاخصه اصلی مناطق بیابانی گرمای شدید نیست، بلکه اقلیم خشک است؛ بنابراین، بیابان می‌تواند گرم یا سرد (بیابان‌های قطبی) باشد. بیابان‌های جهان در مناطق مختلف (قاره آسیا، آمریکا، آفریقا و اقیانوسیه) پراکنده هستند. بیابان‌ها بیش از ۳۰ درصد سطح کره زمین را به خودشان اختصاص می‌دهند. بزرگ‌ترین بیابان دنیا، بیابان صحاری یا



هستند. مهم‌ترین استان‌های کشور از نظر سطح و شدت بیابان‌زایی عبارتند از: کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان، سمنان، خوزستان، اصفهان و مرکزی. متولی اصلی امور مربوط به مناطق بیابانی که وظیفه سیاست‌گذاری و ارائه برنامه‌های بیابان‌زدایی را به عهده دارد، دفتر امور بیابان زیرمجموعه معاونت آب‌خیزداری، امور مراتع و بیابان، سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری کشور است. کشور ایران با توجه به موقعیت مناطق بیابانی خود، از سال ۱۳۷۵ به عضویت کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی سازمان ملل متحد درآمده است. هدف کنوانسیون مقابله و کنترل بیابان‌زایی، کاهش اثرات خشک‌سالی و در نهایت کمک به استقرار توسعه پایدار در کشورهایی است که به‌طور جدی با خشک‌سالی و بیابان‌زایی مواجه هستند. این مهم از طریق اقدام مؤثر در سطح ملی و با حمایت‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی در جهت توقف تخریب سرزمین بویژه در مناطق دارای اکوسیستم‌های شکننده و آسیب‌پذیر، از جمله برنامه‌های اخیر کنوانسیون مذکور به شمار می‌رود.

### وضعیت استان کرمان از نظر بیابان‌زایی

استان کرمان با مساحت حدود ۱۸ میلیون هکتار و متوسط بارندگی سالانه ۱۲۹ میلی‌متر، به‌عنوان بزرگ‌ترین استان (از نظر مساحت) در جنوب شرقی کشور واقع شده است. تقریباً کل مساحت استان، دارای اقلیم فراهشک، خشک و نیمه‌خشک است. این استان به دلیل شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی حاکم بر آن مستعد بیابان‌زایی می‌باشد. در برگرفتن بخش اعظمی از بزرگ‌ترین بیابان کشور، دشت لوت، نیز بر شدت این آسیب می‌افزاید. مساحت بیابان‌های استان کرمان (کانون‌های فرسایش باد) حدود ۷ میلیون هکتار برآورد شده است. استان کرمان از نظر مساحت کانون‌های فرسایش باد (مساحت بیابان) اولین استان کشور و از نظر شدت کانون‌های فرسایش باد (شدت بیابان) چهارمین استان کشور محسوب می‌شود. شهرستان‌های بم و بردسیر به ترتیب، بیشترین و کمترین مناطق بیابانی را در استان به خودشان اختصاص می‌دهند. مهم‌ترین شاخصه مناطق بیابانی استان کرمان دشت لوت است که از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت ویژه‌ای است که در ادامه به اختصار اثرات آن را شرح می‌دهیم. در نوشته‌های جغرافیایی از واحد لوت گاهی بنام «چاله لوت» و گاهی به‌صورت «دشت لوت» یاد می‌شود. عامه‌ی مردم به دلیل برخی مشابهت‌ها با دشت کویر، آن را کویر لوت می‌نامند. در دشت لوت چاله‌ها یا حوضه‌های محلی متعددی وجود دارد که هرکدام دسته‌ای

صحرای بزرگ آفریقا است که بخش‌هایی از قاره آفریقا و آسیا را در برمی‌گیرد. مساحت این بیابان بالغ‌بر ۹ میلیون کیلومتر مربع است. اگرچه این زیست‌بوم‌ها، در نگاه اول به دلیل شرایط سخت اقلیمی مناطقی خشک، خشن و بلااستفاده به نظر می‌رسند، اما به دلیل دارا بودن شرایط خاص اکولوژی، پدیده‌های منحصربه‌فرد ژئومورفولوژی (شکل‌شناسی)، جاذبه‌های طبیعت‌گردی، معادن و... بسیار باارزش و حائز اهمیت هستند. به دلیل شرایط اقلیمی خاص حاکم بر عرصه بیابان، این زیست‌بوم در مقایسه با سایرین (بیوم‌های مرطوب، نیمه مرطوب و...) بسیار حساس و شکننده هستند. در دهه‌های اخیر به دلیل اثر جمعی سوء مدیریت و عوامل اقلیمی در بسیاری از مناطق جهان، از جمله ایران، مساحت مناطق بیابانی رو به افزایش است.

طبق تعریف سازمان ملل متحد (UNEP) کاهش و زوال زمین و اراضی در نواحی خشک و نیمه‌خشک بیابان‌زایی نامیده می‌شود. این پدیده عموماً با تخریب پوشش گیاهی و خاک شروع می‌شود، سپس به کاهش منابع آب، فرسایش بادی، وجود ریزگردها و هزاران معضل و مشکل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی می‌انجامد. در نهایت، اگر اقدام مؤثری صورت نگیرد، بیابان‌زایی به نابودی محیط‌زیست و انسان ختم می‌گردد. از مشخصه‌های اصلی این پدیده شوم، بطئی و سرعت کند آن است که معمولاً تا به بحران تبدیل نشود از چشم سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان پنهان می‌ماند.

### وضعیت بیابان، بیابان‌زدایی و تشکیلات سازمانی بیابان در ایران

با توجه به اینکه کشور ایران بر روی کمربند خشک جهان در مناطق حاره‌ای واقع شده است (۶۰-۳۰ درجه شمالی)؛ بخش فراوانی از آن بیابان است یا از پتانسیل بالایی برای بیابان شدن، برخوردار است. به عبارت دقیق‌تر، بیش از ۸۸ درصد مساحت کشور را مناطق خشک و نیمه‌خشک در برگرفته است که مستعد بیابانی شدن هستند. اکثر بیابان‌های کشور در بخش‌های مرکزی، جنوب شرق، جنوب غرب و شمال شرقی کشور واقع شده‌اند. کویر نمک و دشت کویر یا بیابان لوت (بیست و پنجمین بیابان دنیا) از مهم‌ترین بیابان‌های کشور محسوب می‌شوند. اگرچه در سایر نقاط کشور هم بیابان‌های داخلی فراوانی وجود دارند. در ایران با توجه به نقش و اهمیت کنترل فرسایش بادی، تقریباً کانون‌های فرسایش بادی معادل مناطق بیابانی محسوب می‌شود. به‌جز حاشیه شمال، سایر استان‌های کشور کم‌وبیش درگیر پدیده بیابان‌زایی

کاهش و زوال زمین و اراضی در نواحی خشک و نیمه‌خشک بیابان‌زایی نامیده می‌شود. این پدیده عموماً با تخریب پوشش گیاهی و خاک شروع می‌شود، سپس به کاهش منابع آب، فرسایش بادی، وجود ریزگردها و هزاران معضل و مشکل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی می‌انجامد. در نهایت، اگر اقدام مؤثری صورت نگیرد، بیابان‌زایی به نابودی محیط‌زیست و انسان ختم می‌گردد.

بزرگ در شرق، دشت‌های ریگی در شمال و جنوب و منطقه معروف گندم بریان (به عنوان گرم‌ترین نقطه جهان در چند سال متوالی)، از نظر ژئومورفولوژی (ریخت‌شناسی) و طبیعت‌گردی شاخص تلقی می‌شوند. در بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۹۵ این دشت با همت و پیگیری مسئولین وقت استان، به‌عنوان اولین میراث طبیعی کشور در فهرست جهانی یونسکو ثبت گردید.

### مهم‌ترین عوامل بیابان‌زایی در استان

همان‌طور که اشاره شد، استان کرمان به دلیل کاهش نزولات جوی، کمتر از یک‌سوم بارش کشور و یک‌ششم بارش جهان را دریافت می‌کند. درجه حرارت بالا، وزش بادهای سوزان، موقعیت جغرافیایی خاص (واقع شدن در کمربند خشک جهان) از کرمان، اقلیمی بیابانی و مستعد بیابان‌زایی ساخته است. با توجه به تعریف بیابان‌زایی از دیدگاه سازمان ملل متحد «کلیه مناطق خشک و نیمه‌خشک مستعد بیابان‌زایی هستند.» گرچه سطح بیابان‌های استان (کانون‌های بحرانی فرسایش بادی) تاکنون، حدود ۷ میلیون هکتار گزارش شده است (کتاب خشک‌سالی، چالش‌ها و راهکارهای تعدیل خسارات آن) اما کل مساحت استان کرمان در حال حاضر در معرض خطر بیابانی شدن است. ذکر این نکته ضروری است که بیابان‌زایی تنها به مفهوم گسترش مناطق بیابانی و نفوذ اثرات آن در مناطق هم‌جوار نیست بلکه، در صورت سوء مدیریت یا بهره‌برداری بی‌رویه در مناطق خشک، نیمه‌خشک و حتی نیمه مرطوب، امکان تبدیل این‌گونه مناطق به بیابان وجود دارد. لذا بهره‌برداری از منابع طبیعی موجود نظیر آب، خاک، پوشش گیاهی، معادن و ... در مناطق فراخشک، خشک و نیمه‌خشک باید بر اساس توان اکولوژی و منطبق بر اصول علمی صورت گیرد. هرگونه کم‌دقتی و بهره‌برداری بی‌رویه می‌تواند توان تولیدی این‌گونه مناطق را برای همیشه از بین ببرد و آن‌ها را تبدیل به کانون‌های بحران نماید.

### مهم‌ترین عوامل بیابان‌زایی در استان کرمان شامل موارد زیر است:

- عدم حساسیت و احساس مسئولیت دستگاه‌های اجرایی مرتبط با منابع طبیعی، خاک، آب و محیط‌زیست و همکاری در صدور مجوزهای معدنی، صنعتی و عمرانی، کشاورزی و ... خارج از توان اکولوژیکی سرزمین،  
- وابستگی بیش‌ازحد اقتصاد خانوارهای روستایی و عشایر به منابع طبیعی و محیط‌زیست که خود ناشی از فقر

از رواناب‌های سطحی اطراف را دریافت می‌کنند. پهنه‌های کویری عمدتاً در داخل یا حاشیه این حوضه‌ها (چاله‌های محلی) و یا در قسمتی از مسیر جریان‌های فصلی و موقتی پدید آمده‌اند. به‌طور کلی وسعت کویر (گودترین نقطه بیابان که یک عارضه ژئومورفولوژی محسوب می‌شود) در دشت لوت نسبت به زمین‌های ماسه‌ای و ریگی چندان زیاد نیست، یا به عبارتی تأثیری چشم‌انداز طبیعی ندارد. از این نظر، دشت لوت درست در مقابل دشت کویری قرار دارد که بیشتر وسعت آن را عارضه کویر تشکیل داده است. همان‌طور که محققان جغرافیا در نوشته‌های خود به کرات تأکید کرده‌اند، اطلاق کویر لوت بر این واحد صحیح نیست و باید از آن به‌عنوان دشت لوت یا بیابان لوت نام برد.

بیابان لوت در حدفاصل عرض جغرافیایی ۲۸ تا ۳۲ درجه‌ی شمالی، در گستره‌ای به طول ۹۰۰ کیلومتر و به مساحت حدود ۱۹۹ هزار کیلومترمربع قرار دارد. حد شمالی لوت به منطقه طیس، ارتفاعات نایبند و بیرجند، حد شرقی به نصرت‌آباد، غرب به راور و شهداد و حد جنوبی آن به نماشیر، ریگان و کوه بزمان محدود می‌شود. چهار عارضه طبیعی منحصربه‌فرد و مهم دشت لوت، شامل کلوت‌ها و نیکاهای معروف شهداد در غرب، مجتمع‌های ماسه‌ای



اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خلأهای آموزشی حاکم بر این‌گونه مناطق است،  
- عدم توجه مسئولان به پتانسیل‌ها و جاذبه‌های گردشگری و طبیعت‌گردی مناطق،

- عدم توجه متولیان امر به برنامه‌های آمایش سرزمین،  
- توسعه فعالیت‌های عمرانی و معدنی غیرسازگار با طبیعت،  
- عدم توجه مسئولان سیاسی استان به هشدارهای متخصصان و اساتید دانشگاهی در حوزه علوم آب، خاک و محیط زیست،

- ترجیح منافع زودبازده بر منافع دیربازده و توسعه پایدار،  
- بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب سطحی و زیرزمینی (سدسازی غیراصولی و خارج از توان اکولوژی مناطق) طبق گزارش‌های رسمی متولیان امر، سالانه بین ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد مترمکعب آب، مازاد بر ظرفیت سفره‌های زیرزمینی برداشت می‌شود،

- توسعه بی‌حدوحصر معادن و بهره‌برداری بی‌رویه مواد معدنی اکثر مناطق معدنی منطبق بر بهترین مناطق اکولوژیکی استان از نظر پوشش گیاهی و آبخیزداری هستند. معادنی نظیر مس تخت گنبد، درالو، سرچشمه و ... عموماً بدون ملاحظات زیست‌محیطی، توان اکولوژیکی و اصل توسعه‌ی پایدار از سرزمین بهره‌برداری می‌کنند،

- بهره‌برداری غیراصولی از پوشش گیاهی طبیعی مانند چرای بیش‌ازحد و خارج از فصل، بهره‌برداری از محصولات فرعی جنگل و مرتع خارج از چارچوب اصول علمی و تخریب جنگل‌ها که قبلاً به‌منظور ذغال‌سوزی و تهیه چوب موردنیاز ساختمان‌های روستایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروزه، اثرات این اقدامات ناخردانه در قالب‌هایی نظیر نشست زمین، خشک شدن سفره‌های آب زیرزمینی، نابودی هزاران هکتار اراضی کشاورزی، بیکاری جوانان روستایی، ایجاد کانون‌های فرسایش بادی، وجود ریزگردها به‌عنوان پدیده غالب هواشناسی اکثر شهرها، کاهش کمیت و کیفیت آب‌و‌خاک، وجود سیلاب‌های خانمان‌سوز، فرسایش خاک و هزاران مشکل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبلور یافته است.

### بیابان‌زدایی یا راهکارهای جلوگیری از گسترش بیابان

شرط اصلی و اساسی جلوگیری از پدیده بیابان‌زدایی، بهره‌برداری از منابع طبیعی بر اساس توان اکولوژیکی و بر مبنای اصل توسعه پایدار منابع است. پیش‌شرط این مهم، شناسایی توان اکولوژیکی مناطق مختلف استان است که در قالب طرح آمایش سرزمین در مقیاس ملی، منطقه‌ای، استانی، شهرستانی و یا حتی در مقیاس حوزه آبخیز بر

مبنای طرح مدیریت جامع حوزه آبخیز (پروژه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور که به‌صورت موردی در بخشی از حوزه‌های آبخیز استان در حال اجرا است) قابلیت اجرایی به خود می‌گیرد.

### برای سیاست کلان بیابان‌زدایی برنامه‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

- همسو و هماهنگ نمودن دستگاه‌های مختلف اجرایی متولیان منابع طبیعی و محیط‌زیست با متولیان مسائل اقتصادی و توسعه‌ی استان (نمایندگان، استاندار، فرمانداران، مقامات محلی، سازمان صنعت و معدن و ... ) در خصوص شناخت توان اکولوژیکی مناطق مختلف استان،  
- کاهش میزان برداشت آب‌های زیرزمینی در حد توان سفره‌های آب زیرزمینی،  
- تغییر الگوی کشت، متناسب با توان اقلیمی و اکولوژیکی استان،

- توانمندسازی و آگاه‌سازی بهره‌برداران مختلف از منابع طبیعی از طریق آموزش مستمر،  
- معیشت جایگزین پایدار کشاورزی و دامداری متکی بر محیط‌زیست در مناطق روستایی و عشایری مانند احیا کردن زیرساخت‌های گردشگری و اکوتوریسم، بسیاری از مناطق بیابانی استان از جاذبه‌های بالایی برای این هدف، برخوردارند (شگفتی‌های اقتصادی جهان نه معادن هستند و نه صنایع بلکه مناطق اکولوژیکی هستند که از پتانسیل بالای گردشگری برخوردار هستند و بعضی از آن‌ها در مناطق بیابانی واقع شده‌اند)،

- جایگزینی و تولید انرژی پاک به جای سوخت‌های فسیلی در مناطق بیابانی،  
- محدود نمودن فعالیت‌های معدنی در مناطقی از استان که از ارزش اکولوژیکی و اکوتوریسم بالایی برخوردار هستند و بهره‌برداری در سایر مناطق با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و احیا پوشش گیاهی (بیش از ۸۰ درصد معادن، اقدام جدی برای احیا پوشش گیاهی که در مسیر بهره‌برداری تخریب کرده‌اند، انجام نمی‌دهند)،

- اقدامات آبخیزداری، آبخوان‌داری و تغذیه مصنوعی با شیوه‌های مختلف علمی (بخش زیادی از ریزش‌های جوی در ترسالی‌ها، به‌صورت سیلاب‌های مخرب وارد کوبره‌های لم‌بزرع می‌شود)،

- ایجاد پوشش گیاهی و کمربند سبز در حاشیه مناطق بیابانی،

- برقراری تعادل بین دام و مرتع، به منظور احیا پوشش گیاهی طبیعی. ♦♦

#### در ایران با

توجه به نقش

و اهمیت کنترل

فرسایش بادی،

تقریباً کانون‌های

فرسایش بادی

معادل مناطق

بیابانی محسوب

می‌شود. به جز

حاشیه شمال،

سایر استان‌های

کشور کم‌و‌بیش

درگیر پدیده

بیابان‌زایی

هستند. مهم‌ترین

استان‌های کشور

از نظر سطح و

شدت بیابان‌زایی

عبارتند از: کرمان،

یزد، سیستان

و بلوچستان،

سمنان،

خوزستان،

اصفهان و مرکزی.



# آینده شهرنشینی در کرمان

## مهاجرت و نبود برنامه‌ی متناسب با ویژگی‌های هریک از بافت‌های گونه‌گون شهر کرمان

### ♦ دکتر نیما جهان‌بین

عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد کرمان



**بخشی از این  
مهاجرت که  
نگران‌کننده  
و مسئله‌ساز  
است، مهاجرت  
دایمی است که  
بارها ساختن  
همیشگی مبدأ  
و ماندگاری  
نابسامانی در  
مقصد همراه  
است. این‌گونه  
از مهاجرت چه  
در بخش رسمی  
زمین و مسکن رخ  
دهد و چه بسیار  
بدتر از آن خارج  
از بازار رسمی  
زمین و مسکن،  
در حال  
آسیب‌زننده به  
مبدأ و مقصد  
مهاجرت است.**

شایسته‌ی مدیریتی، هرگز از این تهدیدها برای توسعه و آینده‌ی شهر، فرصت‌هایی به سزا فراهم نیامده، نخست ضرورت مسئله است.

به نظر می‌رسد در درازای تاریخ معاصر شهر کرمان، مقوله‌ی مهاجرت بر سه دسته‌بندی استوار گردیده است:

### ۱-۱- مهاجرت در مقیاس فراسرزمینی

این مهاجرت که از ورای مرزهای کشور به شهر کرمان رخ داده است در نوع خود دارای انواعی است که هریک دلایل و ریشه‌های خود را هم دارد. به‌عنوان‌مثال پتانسیل‌های سرزمینی و جغرافیایی کرمان در درازای تاریخش، مهاجرت‌های گونه‌گونی را اعم از دائم تا موقت از دیگر کشورها به آن شکل داده است که در این میان از حضور میسیونرهای مذهبی، اتباع کشورهای استعمارگر و اقماران‌ها برای تثبیت روابط دیپلماتیک و تأسیس کنسولگری‌ها و نیز حمله‌ی سربازان قشون فاتح گرفته تا حضور نیروهای تخصصی و کار در بخش‌های گونه‌گون اقتصاد این شهر

در دو شماری گذشته این فصلنامه، حسب وظیفه‌ای که از سوی دست‌اندرکارانش به افتخار بر شانه‌ی نگارنده گذارده شده بود، نخست با برشماری آفات توسعه‌ی آتی شهر کرمان گفته شد که شوربختانه نمی‌توان چشم‌اندازی روشن برای آینده‌ی این شهر تصویر کرد و سپس با شرح به‌تفصیل نخستین سرفصل‌ها از آن آفات و در توضیح تفکر نامناسب حاکم بر مدیریت، برنامه‌ها و طرح‌های شهری، تلاش شد تا به وعده‌ای که در آغازین مطلب این سلسله یادداشت‌ها داده بودم، یعنی طرح مطالب مرتبط با هر سرفصل مطرح‌شده از آفات توسعه‌ی شهر کرمان به‌تفصیل و تشریح، جامه‌ی عمل ببوشانم. اینک اما به نظر می‌رسد از آنجاکه این مجله در قالب فصلنامه ارائه می‌گردد چنانچه این رویه بخواهد برای هریک از هفت محور و سرفصل یاد شده ادامه یابد و در هر فصل انتشار به یکی از آن‌ها بپردازد، اطالهی کلام در هفت شماری پیاپی از یک فصلنامه که لاجرم حدود دو سال از عمر آن را در برمی‌گیرد، شاید برای خوانندگان و مخاطبان، مایه‌ی دل‌تنگی ناشی از بی‌تنوعی گردد و از این‌رو نگارنده کوشش می‌کند تا دو سرفصل بعد، یعنی مسئله‌ی مهاجرت و مسئله‌ی نبود برنامه‌ی متناسب با ویژگی‌های هریک از بافت‌های گونه‌گون شهر کرمان را که واجد ارتباطی خاص از منظر ویژگی‌های اجتماعی بافت‌های شهر کرمان با یکدیگر نیز هستند را در این شماره و مسائل ناکامی تفکر اصلاح برنامه‌های جامع شهری، نگرانی از تأمین نیازهای حیاتی و نیز رخداد‌های محیطی را که واجد اشتراک از منظر مقیاس کلان برنامه‌ریزی هستند را در شماری بعدی فصلنامه به سرانجام رساند تا تمام مطلب به اجمال بیشتر و در نهایت طی چهار شماری نشریه سروسامان بگیرد. اگرچه این بسامانی بر پهنه‌ی کاغذ ممکن و آن نابسامانی در وادی عمل کماکان موجود خواهد ماند.

### ۱- مسئله‌ی مهاجرت و پیامدهای آن

در بررسی این مقوله، توجه به انواع مهاجرتی که حیات و آینده‌ی کرمان را تهدید می‌کند و همچون همیشه در غیاب تفکر



قابل ذکر است، اما یکی از گونه‌های دیرپای مهاجرت فرامرزی به کرمان که به سبب دلایل تلخ و غمبارش به ماندگاری این قشر مهاجران از دهه‌ی چهل خورشیدی تاکنون انجامیده است، مهاجرت هم‌میهنان تاریخی‌مان از سرزمین جدا مانده از دامان مادر وطن یعنی کشور افغانستان به کرمان است. این دسته از مهاجران که بسیاری‌شان به سبب ماندگاری چندین نسل در این شهر، متولد و متوطن کرمان محسوب می‌شوند زیر بار نگاهی درمانده، ناکارآمد و غیرانسانی، طی چندین دهه نهنها ثمرات و برکات وجودشان آن‌طور که باید دیده و دستگیر کرمان و کرمانیان نشده که شوربختانه پی آمدهای غم‌انگیزی را نیز برای این شهر رقم زده است.

#### ۱-۲- مهاجرت در مقیاس درون سرزمینی

این نوع از مهاجرت نیز همچون گونه‌ای که ذکر آن رفت دارای انواع و دلایلی است، همچون مهاجرت از دیگر شهرهای ایران به کرمان ناشی از دلایل عمدتاً اقتصادی و کاری، اما بویژه حجم عمده‌ای از آن متوجه مهاجران به اصطلاح جنگ‌زده‌ای است که در درازای طولانی‌ترین جنگ دو همسایه، در تاریخ معاصر جهان یعنی جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق به این شهر وارد شده و به دلایل قابل بررسی با پایان گرفتن جنگ نیز به زندگی خود در کرمان ادامه داده‌اند و با فرهنگ و شیوه‌ی خاص حیات و فعالیت خویش، بخشی از شهر را زیر تأثیر و نقش خود برده‌اند.

#### ۱-۳- مهاجرت در مقیاس درون سرزمین

منظور از این گونه مهاجرت، مهاجرت‌هایی است که به هر دلیل از شهرها و نقاط مختلف استان به شهر کرمان رخ می‌دهد. بدیهی است که شهر کرمان به‌عنوان مرکز استان بخش عمده‌ای از مهاجرت‌های دائم و موقت را به خود اختصاص می‌دهد.

چنان‌که بسیاری از افراد ساکن نقاط دیگر استان تمایل دارند خانه‌ای در مرکز داشته باشند و چند صباحی را برای بهره‌مندی از امکانات بیشتر در آن سپری کنند، اما بخشی از این مهاجرت که نگران‌کننده و مسئله‌ساز است، مهاجرت دائمی است که با رها ساختن همیشگی مبدأ و ماندگاری نا به سامان در مقصد همراه است. این‌گونه از مهاجرت چه در بخش رسمی زمین و مسکن رخ دهد و چه بسیار بدتر از آن خارج از بازار رسمی زمین و مسکن، در حلال آسیب زنده به مبدأ و مقصد مهاجرت است. چنان‌که بخش‌هایی از شهر کرمان که عمدتاً به رشد نامتوازن و پراکنده رویی شهری دامن زده است به اسکان مردمانی از قسمت‌های معین همین استان اختصاص دارد و بخش‌هایی نیز خارج از محدوده‌ی شهر، حلقه‌ی محاصره‌ای از سکونتگاه‌های غیررسمی برای کرمان ایجاد کرده که روزبه‌روز بیشتر گلوی شهر را می‌فشارد و نفس آن را تنگ می‌کند. درست است که هر نوع از مهاجرت، در غیاب مدیریت صحیح و نگاه شایسته به آن مقوله، پیامدهای ناگوار دارد و بویژه در حوزه‌ی اجتماعی، اختلاط‌های نامتناسب، فاجعه‌ها می‌آفریند، اما در این میان دو گونه از گوناگونی یاد شده، برای حیات شهری کرمان فاجعه بارتر بوده است:

نخست مهاجران افغانی و مقیم شدن بیشتر ایشان در بافت‌های تاریخی شهر کرمان، صرفاً به سبب ارزانی زمین و مسکن در این محدوده‌ی حساس و ارزشمند شهری که می‌توانست با تفکری درست نسبت به مقوله‌ی مهاجرت به فرصتی عظیم برای شهر کرمان تبدیل شود و امروز در غیاب آن فاجعه‌ای سترگ است. مهاجران افغان در قبال التفاتی اندک همچون فراهم کردن زمینه‌ی قانونی دریافت مدارک شناسایی و اقامت و نیز به رسمیت شمردن مالکیت بر اعیان و نه حتی عرصه، امروز با



الف) مناطقی که گروهی از واحدهای مسکن در زمینی ساخته شده‌اند که ساکنانش هیچ ادعای قانونی در مورد اراضی ندارند و اصولاً این اراضی به‌طور غیرقانونی اشغال شده‌اند.

ب) احداث مسکن در این سکونت‌گاه‌ها، مطابقتی با برنامه‌ها و مقررات ساختمانی موجود ندارد.

پ) این محدوده‌ها فاقد خدمات زیربنایی شهری هستند و یا این خدمات در آن حوزه قطع شده است. همچنین دارای مشکلات جدی و پایدار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی هستند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، سکونتگاه‌های غیررسمی و انباشت آسیب‌های اجتماعی) نهادهای بین‌المللی ریشه‌ها و دلایل شکل‌گیری این‌گونه از سکونتگاه‌ها را بر پایه‌ی عواملی همچون صنعتی شدن شهرها، اصلاحات اراضی اعمال شده توسط حاکمان، بحران‌های طبیعی و یا انسان‌ساخت همچون سیل، زلزله و جنگ و نیز آشفستگی‌های بازار زمین و مسکن می‌دانند. (همان)

بنا بر آمارهای ارائه شده یازده درصد کل جمعیت استان کرمان در ۴۸۴۶ هکتار از اراضی ذیل عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند که در این میان شهر کرمان نیز آمار فاجعه باری دارد و ۶ درصد کل جمعیت این شهر در این سکونت‌گاه‌ها که مساحتی معادل ۱۳ هکتار دارد، ساکن هستند. (حاجی‌زاده، علی، مدیرکل سابق اداره‌ی راه و شهرسازی استان، خبرگزاری خبر آنلاین، ۱۴۰۱/۳/۱۱)

سکونتگاه‌های غیررسمی کرمان محل شکل‌گیری فعالیت‌های خلاف عرف و قانون و مصداق جرم، آلوده‌کننده‌ی محیط‌زیست شهری به شیوه‌های گوناگون، بهره‌برداري غیراصولی و غیرقانونی از زیرساخت‌های شهر چون شبکه‌ی آب با اتصال لوله‌های نامناسب و استفاده از شیوه‌های غیر فنی و غیربهداشتی و نیز شبکه‌ی برق‌رسانی به همان روش هستند و بدتر از همه روزانه آمار بالایی از آسیب‌های اجتماعی را به خود و به شهر کرمان تحمیل می‌کنند که مصادیق آن نکدی‌گری، روسپیگری و نزاع‌های اجتماعی و هزار نکته‌ی ناگفته و غیرقابل‌گفتن دیگر است.

وقتی تصور کنیم که چنین شرایط ناگواری، در اراضی ملی و متعلق به عموم مردم که سرمایه‌ی بی‌بدیل کشور است رخ می‌دهد که آن را نه تنها به‌زور و عنف اشغال کرده، بلکه آلوده و غیرقابل استفاده در سال‌های آینده نیز می‌کند و بدتر که ساکنان آن در شرایط بد مسکنی، زشت‌کرداری، اشتغال به فعالیت‌های ضداجتماعی و گونه‌گونی تخلفات، هر روز در معرض آسیب‌های جدی قرار دارند و دیگر مردم شهر را هم ناگزیر با آن مواجه می‌کنند، آنگاه به این باور می‌رسیم که شبکه‌ای از آلودگی اعم از اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، کارکردی، زیست‌محیطی و بصری بر گرداگرد شهر کرمان تنیده است که با توسعه‌های مداوم و در

تبحری که عمدتاً در کارگل دارند، همراه با ارائه‌ی الگوهای درست و حداقلی از سوی نهادهای متولی همچون میراث فرهنگی، می‌توانستند به سرمایه‌ی شخصی خود، کاری کنند که سقف بافت‌های تاریخی کرمان، چنان‌که بر سرمان آوار شده است، نشود و هنوز پابرجا مانده باشد.

از دیگر سو چنان‌که در شهرهای بزرگ جهان همچون نیویورک می‌توان دید که به کار و تلاش و به دست خود مهاجران چینی، دیدار یک چین کوچک درون مرزهای ایالات‌متحده به گردشگران هدیه شده است، ما نیز می‌توانستیم امکان تعامل و دیدار با یک «کابلک» را در مرزهای کرمان مقدور و مهیا کنیم و از پرتو آن درآمدهای سرشاری را نصیب خود و هم‌میهنان رنجیده‌مان سازیم، اما نه تنها چنین نکرده‌ایم، بلکه با سیاست‌های نادرست مهاجرتی، سالانه میلیون‌ها دلار را صرف تلاش‌های بیهوده‌ای همچون بازگرداندن ایشان به کشور خود می‌کنیم که نه تنها با برگشت دوباره‌شان به‌جای اول، همه‌ی رشته‌ها پنبه می‌شود، بلکه با شیوه‌ها و نگاه‌های غیرانسانی به‌جای گذاردن مرهمی بر زخم‌های انسانیت، نمک هم بر جراحات آن می‌پاشیم!

دوم مهاجرت از نقاط روستایی به شهر و ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی که چنانچه یاد آن پیشتر رفت، حلقه‌ی تنگ محاصره‌ای بر گرداگرد کرمان فراهم کرده است. سکونتگاه‌های غیررسمی محل جمعیت مهاجر و یا جمعیت محروم شهرها خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و در بیرون یا درون محدوده‌ی قانونی شهری تعریف شده‌اند که بر پایه‌ی قواعد و قول قرارهای خود ساخته به دست ساکنان خویش، شکل گرفته‌اند و بر پایه‌ی تعریف ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد دارای سه ویژگی هستند:





امید ثمری هست. (عرفی شیرازی)

شهر کرمان را به حق از آن سو داعیه‌ی یگانه بودن در میان داعیه‌داران، رواست که تعلق شهرهای مدعی همچون یزد و اصفهان صرفاً به دوره‌ای از حیات تاریخی پس از اسلام همچون سلجوقیان و صفویان است، اما کرمان تنها در یک گذر از گذارهای تاریخی‌اش، مقطعی از حیات سرزمینی در تمامی ادوار پس از اسلام را ارائه می‌دهد و از اهم دوره‌ها در خویش آثاری فاخر دارد و نیز تفاوت سبک پردازش و آفرینش معماری مسکونی‌اش تا بدانجاست که پاره‌ای اهل فضل، آن را سبکی متمایز به نام سبک کرمان در تاریخی سبک‌شناسی معماری ایران شناخته‌اند، اما این گوهر ارزشمند در دامن کویر کرمان را چونان بر سر بی‌مهری پاس نداشته‌ایم که نه تنها جایگاه شایسته‌ی خویش را نیافته، بلکه بیم نابودی کامل آن در آینده، خاطر هر اهل دلی را می‌آزارد. بافت تاریخی کرمان نیازمند برنامه‌ی بازآفرینی با نگاهی نو به مسائلی است که در آن کالبد و کارکرد همچون روساختی بر دامنه‌ی زیرساختی مسائل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی دیده شوند. برای دمیدن خون تازه‌ای به رگ‌های آن، سیاست‌گذاری برای انتقال کاربری‌های متناسب شهری و نهادهای مرتبط با بافت تاریخی، همچون دانشکده‌ها و محافل سنتی به درون کالبد تاریخی بافت ضروری است. دوران حفاظت از بافت‌ها با نگاه موزه‌ای سپری شده است و سال‌هاست که اهل فن به دنبال جاری کردن زندگی امروز در کالبد دیروزند که باید با ملاحظات ویژه‌ی حفظ و مرمت آثار تاریخی همراه باشد، اما شوربختانه نه تنها از این همه سخنی در میان نیست بلکه مدیریت شهری کرمان با همان سیاست‌هایی که توسعه‌ی بد و نامتناسب بافت‌های جدید را در پی داشته است، به بافت‌های تاریخی هم می‌نگرد. سیاست‌های به اصطلاح تشویقی ساخت‌وساز در بافت تاریخی در قالب اعطای پروانه‌های با تخفیف، دامن زدن به تخریب و پیگیری نوسازی بافت تاریخی است و بدتر از آن ضوابطی که بر مبنای آن ساخت‌وساز در بافت‌های تاریخی انجام می‌گیرد، هیچ سازگاری با آنچه باید در این گونه زمین‌ها به آن توجه کرد، ندارد و بالاتر از همه وجود عزمی راسخ برای بازگرداندن فعالیت و نفس انسان به درون کالبد متروکه‌ی بافت است که با عنایت به سختی‌های زندگی امروزی درون کالبدی قدیمی، باید مشوق‌ها و تسهیلات خاص خود را به همراه داشته باشد و گرنه با خروج انسان از بناها، جز کالبدی بی‌روح که در خود مستهلک و مضمحل می‌شود، چیزی بر جای نخواهد ماند.

## ۲-۲- بافت میانی شهر کرمان

مقصود از این بافت، مجموعه‌ی مستحدثات شهری است که خارج از محدوده‌ی تاریخی شهر و در فاصله‌ی سال‌های آغازین حکومت پهلوی دوم تا پایان دهه‌ی نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ در کرمان شکل گرفته است و از شرق به مرزهای بافت تاریخی

لحظه، مدام گلوی شهر را بیشتر و بیشتر می‌فشارد. چنان‌که اشغالگران تازه از راه رسیده به راهنمایی اسلاف خود ظرف تنها دقایقی، چنان آثاری از تصرف ایجاد می‌کنند که گویی حکایتی است از سال‌ها زیست و تصرف مالکانه و این تازه شرحی از ماجرای اسفبار به اجمال است و تمام و مفصلش، قصه‌ی پر غصه ایست که تشریح آن، مثنوی هزار من کاغذ می‌طلبد.

## ۲- گونه گونی بافت شهری در غیاب برنامه‌هایی از جنس هر گونه

پیشتر گفته شد که در شهر کرمان سه گونه بافت قابل تشخیص است که هم به لحاظ محتوایی، هم مکانی و هم نقشی که در توسعه و شکل‌گیری حیات شهری کرمان داشته‌اند، کاملاً متفاوت و متمایزند:

### ۱-۲- بافت تاریخی شهر کرمان

این‌گونه بافت که درون حصار تاریخی شهر با شش دروازه می‌زیسته است، در آخرین دهه‌ی قرن سیزدهم هجری خورشیدی از نظر جهات جغرافیایی تحدید شده در حدود زیر است:

حد شمالی آن دیوار حصار و برج و باروهایی بوده که پس از تخریب و تسطیح خندق‌ها در محل آن خیابان ابوحامد فعلی کشیده شده است و نقطه‌ی پایینی حد شمالی شهر از غرب محدود به تقاطع فعلی ابوحامد با خیابان عباس صباحی می‌شده و از شرق نیز پس از عبور از دروازه‌ی خراسان (گبری) واقع در محل فعلی خیابان ابوحامد و خیابان مهدیه به دروازه‌ی ناصری (تقاطع خیابان ابوحامد و خیابان ناصریه) می‌رسیده و سپس در امتداد خیابان میرزا رضا تا میدان فابریک پیش می‌رفته و به آن منتهی گشته است. حد جنوبی شهر هم از میدان فابریک آغاز و در امتداد خیابان احمدی به محل فعلی چهارراه احمدی محدود می‌گشته و حد غربی شهر از محل چهارراه احمدی در مسیر میدان قرنی به چهارراه باغ‌ملی فعلی می‌رسیده است. بافت تاریخی کرمان درون حصار و باروهای شهر و شش دروازه به نام‌های دروازه‌ی ریگ‌آباد، دروازه‌ی باغ، دروازه‌ی سلطانی، دروازه‌ی گبری، دروازه‌ی ناصری و دروازه‌ی مسجد محاط بوده است. (جهان‌بین، نیما، ص ۱۵۶)

بافت تاریخی شهر کرمان در درازای حیات خویش دستخوش تغییرات زیادی شده است تا امروز که از آن بافت شهری جز اسمی و از معدود عناصر و دانه‌های ارزشمند آن مگر رسمی به‌جا مانده است، با این وجود عناصر ارزشمند ساختاری بافت، همچون بازار بزرگ قدیم و تعدادی دانه‌های ارزشمند در دل محدوده‌ها و محله‌های مسکونی اعم از خانه‌ها، تکایا و مساجد و نیز گذرهای بارزشی که گاه در کنار خود از عناصر بسیار یگانه‌ای چون قبه سبز و خواجه خضر حکایت دارند، کماکان بارقه‌ای از امید در دل آگاه اهل فن زنده می‌سازد که تا ریشه در آب است،

بنا بر آمارهای

ارائه شده

یازده درصد کل

جمعیت استان

کرمان در ۴۸۴۶

هکتار از اراضی

ذیل عنوان

سکونتگاه‌های

غیررسمی ساکن

هستند که در

این میان شهر

کرمان نیز آمار

فاجعه باری

دارد و ۶ درصد

کل جمعیت این

شهر در این

سکونتگاه‌ها که

مساحتی معادل

۱۳ هکتار دارد،

ساکن هستند.



و از غرب به میدان آزادی می‌رسد و بنابراین توسعه‌های جدید شهر را باید از میدان آزادی تا محدوده‌ی فرودگاه دانست که البته مرزهای دقیقی بویژه از شمال و جنوب نمی‌توان به‌سادگی برای آن متصور بود، بویژه که در برخی محدوده‌ها درهم‌آمیختگی به لحاظ سن ساخت بناها نیز به چشم می‌خورد. اصلی‌ترین رویکردی که در مقوله‌ی توجه به حیات بافت‌های گوناگون شهری باید مورد توجه قرار گیرد، فراموشی ترکیب میراث فرهنگی و جایگزینی تلقی ثروت‌های فرهنگی به‌جای آن است. (فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۸۴، ص) چراکه واژه‌ی میراث اصولاً در ذات خود توجه را به هر آنچه از گذشته به ارث رسیده است، معطوف می‌دارد، درحالی‌که هر بنای ساخته شده و در واقع هر معماری‌ای که رخ می‌دهد، جزئی از ثروت‌های فرهنگی مردمان یک سرزمین است و از این‌رو توجه به ساخت و شکل‌دهی درست به تمامی آثار و ساخت‌وسازها در حدی که ارزشی به‌عنوان یک ثروت فرهنگی داشته باشند، از یک‌سو و از دیگر سو توجه به حفاظت و نگهداری این ثروت‌ها، امری مهم و قابل توجه است. در این میان بافت میانی شهر کرمان نیز گذشته از دارا بودن دانه‌هایی ارزشمند همچون خانه‌ی شهر، کاخ جوانان، کاخ دادگستری، سینماها، سردر دانشکده‌ی فنی، مجموعه بناهای دانشگاه باهنر، بیمارستان ارجمند و ... و نیز تعدادی خانه‌ی بسیار ارزشمند و جالب توجه، دارای چند پهنه‌ی واحد شایستگی و ارزش فراوان همچون محله‌های کوی فرهنگیان، کوی‌های سرچنگلداری، مجتمع ذغالسنگ، کوی استانداری، پانصد دستگاه و ... نیز هست که با توجه به تلقی بی‌اهمیتی ساخت‌وسازهای این دوره، با تخریب‌های جدی مواجه بوده است، چنان‌که از محدوده‌ای بسیار زیبا و پر از خاطره‌های شهری مردمان، همچون خانه‌های سازمانی واقع در ناحیه‌ی پیرامونی میدان شورای امروزی، هیچ اثری به جا نمانده است. درحالی‌که مجموعه‌ی ساخت‌وسازهای این بافت نیز به‌عنوان آثار دوره‌ای از معماری شهر کرمان باید به‌طور جدی مورد توجه و حفاظت و حراست در خور با شیوه‌های خلاقانه و به‌روز قرار گیرد. یکی از این شیوه‌ها که پیشتر نیز در قالب طرحی پیشنهادی توسط نگارنده به شهرداری کرمان ارائه شده است حفظ بافت میانی شهر در قالب شناخت پهنه‌هایی در مقیاس محله و ناحیه با رویکرد رونق بخشی به بورس‌های کالا و خدمات شکل گرفته در آن‌هاست. چنان‌که بورس تعمیر مبل و روبه‌کوبی مبل در انتهای خیابان عطار و محله‌ی بسیار زیبایی که در این محدود بوده و هر روز در حال تخریب و نوسازی است، یک نمونه از این ایده پردازی است و رونق بخشی به محدوده‌ی پانصد دستگاه با رویکرد اشاعه‌ی اماکن، ارائه‌ی کالا، صنایع‌دستی، خدمات و موسیقی مردمان عرب ایرانی ساکن در این محدوده برای فراهم کردن تعاملات

فرهنگی سازنده و لذت به‌رهمندی از محیطی متفاوت درون مرزهای شهر کرمان، نمونه‌ای دیگر است.

### ۲-۳- بافت جدید شهر کرمان

توسعه‌های جدید شهری کرمان نیز دچار آسیب‌ها و مسائلی عدیده است که از آن جمله‌اند:

(الف) رشد نامتوازن شهری و پراکنده‌رویی ناشی از بی‌توجهی به ارائه‌ی پروانه‌های ساخت در اراضی دور از مرکز شهر،

(ب) محله مینا نبودن توسعه‌ها و بروز آسیب‌های فراوان اجتماعی ناشی از کاهش سرمایه‌های اجتماعی و عدم امنیت ناشی از آن،

(پ) عدم تخصیص و تأسیس کاربری‌های شهری برابر با سرانه‌ها و استانداردهای شورای عالی معماری و شهرسازی و فراوانی ناگزیر

سفرهای درون‌شهری در جستجوی خدمات نابوده‌ی ضروری،

(ت) عدم توجه به مسائل زیست‌محیطی و آلودگی‌های فراوان ایجاد شده به‌عنوان پیامد توسعه‌ی نادرست،

(ث) تحمیل مسائل ناشی از ازدحام خودروها به دلایل گونه‌گون از جمله عدم رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و فضای،

(ج) زشتی‌های ظاهری و آلودگی بصری ناشی از نبود تعریف مناسبی از سبک‌های معماری و تنوع مصالح،

(چ) عدم شکل‌گیری بخش‌های قابل‌توجهی از ساخت‌وسازهای جدید بر مبنای اصول فنی ساخت و رعایت مقررات ملی ساختمان.

مسائل فراوان توسعه‌های جدید شهری کرمان نیز نیازمند طرح‌های گونه‌گون موضوعی و موضعی برای این بافت‌ها،

بویژه در پی تدوین برنامه‌ی جامع راهبردی شهر کرمان و هدایت برنامه‌های خرد بر مبنای اصول و راهنمایی‌های کلی سیاست‌های آن برنامه است.

توسعه‌های جدید شهر کرمان با آن‌که ملجأ و پناهی برای

گریزندگان از مسائل بی‌شمار دیگر بافت‌های شهر است، خود

در زمره‌ی بافت‌های هزار مسئله‌ی شهری و تحمیل‌کننده‌ی بسیار

مسائل تازه بر شاهانه‌های نحیف شهر کرمان است که:

♦♦ دگر بدین گرانی، نتوان کشید باری... ♦♦

#### منابع

• جهان‌بین، نیما، ۱۴۰۰، صدسالگی شهرداری کرمان (صده)، مقاله‌ی روند تغییرات و گسترش کالبدی کرمان در یک‌صد ساله‌ی شکل‌گیری نهاد

مدیریت مدنی، موسسه مفرغ، کرمان

• فلامکی، محمد منصور، ۱۳۸۴، حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران،

نشر فضا، تهران

#### شبکه‌ی جهانی

• سایت خبر آنلاین، مصاحبه‌ی علی حاجی‌زاده، ۱۴۰۱/۳/۱۱

• سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی، یادداشت سکونتگاه‌های غیررسمی و

انباشت آسیب‌های اجتماعی

#### کرمان تنها در یک

گذر از گذارهای

تاریخی‌اش،

مقطعی از حیات

سرزمینی در

تمامی ادوار پی

از اسلام را ارائه

می‌دهد و از اهم

دوره‌ها در خویش

آثاری فاخر دارد

و نیز تفاوت

سبک پردازش و

آفرینش معماری

مسکونی‌اش تا

بدانجاست که

پاره‌ای اهل فضل،

آن را سبکی متمایز

به نام سبک

کرمان در تاریخی

سبک‌شناسی

معماری ایران

شناخته‌اند، اما

این گوهر ارزشمند

در دامان کویر

کرمان را چونان

بر سر بی‌مهری

پایس نداشته‌ایم

که نه تنها جایگاه

شایسته‌ی خویش

را نیافته، بلکه بیم

نابودی کامل آن

در آینده، خاطر

هر اهل دلی را

می‌آزارد.



## شهر دوست دار محیط زیست

مقایسه شهر کرمان با الگوی شهر دوست دار محیط زیست

مرجان شاکری  
کارشناس محیط زیست



تغییرات زیست محیطی حاصل از فعالیت های انسانی دائماً تکرار می شود و به همین جهت نیاز است که توسعه شهرها بر اساس الگوهای دوست دار محیط زیست پایه ریزی شود. در ایده های جدید علاوه بر حفظ محیط زیست و سیاره زمین بر بهبود کیفیت زندگی افراد نیز تأکید شده است. در دنیا تعداد زیادی شهر دوست دار محیط زیست وجود ندارد، اما در همان ها هم که در این زمره دسته بندی شده اند، نقص هایی وجود دارد که تلنگری برای بشریت است و ما هنوز راه درازی برای رسیدن به این مطلوب در پیش داریم.

شهر کرمان با جمعیت تقریبی ۸۰۰ هزار نفر به عنوان مرکز استان کرمان چقدر با الگوی شهر دوست دار محیط زیست فاصله دارد؟ برای اینکه به این موضوع پی ببریم، شاخص های مدنظر در تشخیص این شهرها را با یکدیگر مرور می کنیم.



کم نیست، اما عدم گسترش فضای سبز در محله‌های جدیدالتأسیس، یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف برای رسیدن به الگوی شهر دوست‌دار محیط‌زیست در کرمان محسوب می‌شود.

### شناسایی چالش‌ها

شهرها به جهت برقراری ارتباط بین مردم به وجود می‌آیند و ساختار و تراکم یک شهر نشان‌دهنده چگونگی برقراری این ارتباط است. هرچه شهر متراکم‌تر، به‌هم‌پیوسته‌تر و منسجم‌تر باشد، تجارت و تبادل ایده‌ها و اطلاعات، افزایش بهره‌وری اقتصادی و رفاه مردم امکان‌پذیر و آسان‌تر خواهد بود. شاید بزرگ‌ترین چالش شهر کرمان نداشتن الگوی استقرار واحدهای مسکونی و گسترش بیش‌ازاندازه فضای فیزیکی با جمعیت محدود باشد. مسلماً این نحوه قرارگیری، در تردد جمعیت و توزیع خدمات توسط مسئولان شهری اثرگذار خواهد بود.

فقدان مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری ایمن، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های شهر کرمان برای استفاده از این سوخت‌های پاک است و همچنین نبود برنامه‌های تشویقی به‌عنوان ابزار فرهنگی در تفکیک پسماندها شاید چالش جدی باشد.

### شناسایی ظرفیت‌ها

خوشبختانه هنوز شهر کرمان در زمره شهرهای آلوده از نظر آلودگی هوا دسته‌بندی نشده و شاید هنوز با استفاده از یک برنامه مدون بتوان مسیرهایی برای تردد افراد توسط دوچرخه طراحی نمود تا در آینده علاوه بر جلوگیری از آلودگی، بر سلامت شهروندان نیز تأکید نمود.

همچنین تشویق مردم به استفاده از انرژی پاک و استفاده از انرژی خورشیدی برای تأسیسات شهری را در دستور کار قرار داد. فرهنگ غنی مردم و آمادگی پذیرش برای رسیدن به الگوی شهر دوست‌دار محیط‌زیست از ظرفیت‌های مهم شهر کرمان است.

### ارائه راهکار

افزایش سرویس‌های حمل‌ونقل عمومی، تشویق به استفاده بیشتر از کاربری زمین و توسعه فشرده استفاده از انرژی‌های نوین، افزایش مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، آموزش و فرهنگ‌سازی برای جمع‌آوری و تفکیک زباله، استفاده از مصالح ساختمانی سازگار با اقلیم در ساخت منازل مسکونی، تدوین برنامه برای افزایش فضای سبز می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور از کرمان یک شهر دوست‌دار محیط‌زیست بسازد. ♦♦

### دوچرخه‌سواری

در شهرهای دوست‌دار محیط‌زیست، تأکید بر استفاده از سوخت‌های سبز وجود دارد به‌طوری‌که در گپنهاگ دانمارک و آمستردام هلند اکثر مردم از دوچرخه برای تردد استفاده می‌کنند. دوچرخه‌سواری نه‌تنها به بهبود سلامت افراد کمک می‌کند بلکه انتشار کربن و آلودگی را به میزان قابل‌توجهی کاهش می‌دهد، اما در شهر کرمان دوچرخه‌سواری برای انجام کارهای روزمره در موارد اندکی مشاهده می‌شود، حتی یک درصد برای محاسبه در این مورد رقم زیادی محسوب می‌شود.

### تمیزی شهر

در شهری مثل استکهلم سوئد به‌ندرت زباله‌ای در پیاده‌روهای شهر مشاهده می‌شود. این شهر در زمره شهرهای دوست‌دار محیط‌زیست دنیا قرار گرفته است. شاید مقایسه شهر کرمان با استکهلم منطقی نباشد، اما برای رسیدن به الگوی جهانی با نگاهی منطقی می‌توان دریافت که فاصله بسیار است. در کمتر خیابانی از شهر کرمان زباله یافت نمی‌شود، درحالی‌که حتی گاهی شاهد پرتاب زباله از خودروهای عبوری هستیم.

### سیستم حمل‌ونقل عمومی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شهرهای دوست‌دار محیط‌زیست، داشتن سیستم حمل‌ونقل عمومی با کارکرد صحیح و منظم است. در شهر کرمان که دارای حاشیه‌نشینی وسیع در اطراف است، مردم ساکن در این مناطق برای دسترسی به خدمات مجبوره استفاده از خودروهای شخصی هستند که مسلماً این تردها سبب آلودگی هوا و افزایش کربن خواهد بود. در شهر کرمان تنها سیستم حمل‌ونقل عمومی، اتوبوس است که ناوگان اتوبوس‌ها هم قدیمی و هم دارای ایرادات جدی در بحث تردها می‌باشد.

### استفاده از انرژی‌های پاک

در آفریقای جنوبی، شهر کیپ‌تاون استفاده از انرژی‌های پاک را چنان گسترش داده که این شهر در زمره شهرهای دوست‌دار محیط‌زیست قرار گرفته است، اما مسئولان شهری کرمان با داشتن ظرفیت مناسب برای استفاده از انرژی خورشیدی، تاکنون برنامه قابل‌قبولی برای استفاده از این نعمت خدادادی حتی در روشنایی شهر ارائه ننموده‌اند و این یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف سیستم محسوب می‌شود.

### فضای سبز عمومی

شاید به دلیل وجود جنگل پردیسان قائم در محدوده شهر کرمان بتوان ادعا کرد که سرانه فضای سبز شهری در کرمان

### در شهرهای

#### دوست‌دار

#### محیط‌زیست،

#### تأکید بر استفاده

#### از سوخت‌های

#### سبز وجود دارد

#### به‌طوری‌که در

#### گپنهاگ دانمارک

#### و آمستردام هلند

#### اکثر مردم از

#### دوچرخه برای

#### تردد استفاده

#### می‌کنند.

#### دوچرخه‌سواری

#### نه‌تنها به بهبود

#### سلامت افراد

#### کمک می‌کند بلکه

#### انتشار کربن و

#### آلودگی را به میزان

#### قابل توجهی

#### کاهش می‌دهد،

#### اما در شهر کرمان

#### دوچرخه‌سواری

#### برای انجام

#### کارهای روزمره

#### در موارد اندکی

#### مشاهده می‌شود،

#### حتی یک درصد

#### برای محاسبه

#### در این مورد رقم

#### زیادی محسوب

#### می‌شود.

# رویدادها







شب  
نکودا  
همایش پذیران  
مسئولیت اجتماعی  
گام اول توسعه





# در همایش نکوداشت «مسئولیت پذیران اجتماعی، گام اول توسعه» چه گذشت

همایش نکوداشت «مسئولیت پذیران اجتماعی، گام اول توسعه» با حضور مسئولان ملی و استانی و با تجلیل نمادین از مسئولیت پذیران اجتماعی در حوزه‌های محیط زیست، کارآفرینی، کتابخوانی، قضاوت، ورزشی و پزشکی برگزار شد.



## اگر استان توسعه یافته می‌خواهیم باید به تک تک انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد بپردازیم

در ادامه این نشست رئیس سابق اتاق ایران و کرمان بیان کرد: فعالیت‌های اتاق کرمان در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی از دوره پنجم در مسیر خوبی قرار گرفت، چند دهه در اتاق کرمان دنبال شده و امروز به تکامل رسیده است. محسن جلال پور، اظهار کرد: سال‌ها پیش به این نتیجه رسیدیم که اگر استان توسعه یافته می‌خواهیم باید به تک تک انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد بپردازیم تا رشد کنند و این اندیشه در انجام مسئولیت‌های اجتماعی به خوبی نمود داشت.

وی با تأکید بر اینکه جامعه رشد نمی‌یابد مگر با پرداختن به اصلی‌ترین نیازهای جامعه، افزود: هر کاری که با عنوان مسئولیت اجتماعی انجام می‌دهیم خیر و برکت آن به خود انسان برمی‌گردد و اگر به آن نپردازیم ضرر آن را نیز مشاهده می‌کنیم. جلال پور، در پاسخ به این پرسش که خیران چطور مالی را از خود جدا می‌کنند و می‌بخشند؟ گفت: چطور کشاورزی دانه گندم که ثروت اوست را در زیر خاک می‌کارد؟ چون می‌داند هفتاد برابر آن را برداشت می‌کند، ما نیز بارها مشاهده کرده‌ایم که بیش از ۷۰ تا ۷۰۰ برابر آنچه بخشیده‌ایم به ما بازگشته و اگر دریغ کرده‌ایم، ضرر دیده‌ایم. این فعال اقتصادی کشور و کرمان ادامه داد: به‌عنوان مثال، راه‌اندازی بنیاد نفیس و بخش پیوند اعضای بیمارستان افضل پور کار بزرگی بود که در

## بنگاه، جامعه و محیط زیست، سه بعد انجام هر مسئولیت اجتماعی هستند

رئیس اتاق کرمان در این همایش با بیان اینکه هر فرد و سازمانی باید مسئولیت خود را در برابر دریافتی‌های مردم انجام دهد که در اتاق کرمان این کار در ادوار گذشته بنا گذاشته شده، گفت: سعی کردیم در ایفای وظیفه خود به‌خوبی تلاش کنیم که امیدوارم موفق عمل کرده باشیم. سیدمهدی طبیب زاده، افزود: مسئولیت اجتماعی در ذهن بسیاری از افراد پرداختن به امور خیر برای بهداشت، درمان و یا تغذیه افراد نیازمند است در حالی که می‌توان در این حوزه مسئولیت‌های اجتماعی بیشتری را احصا و ایفا کرد.

وی بنگاه، جامعه و محیط‌زیست را سه بعد انجام هر مسئولیت اجتماعی دانست و گفت: هدف ما تبلیغ و ترویج انجام بیشتر مسئولیت‌های اجتماعی در جامعه است.

رئیس اتاق کرمان با تأکید بر اینکه ما در قبال نسل آینده مسئول هستیم، بیان کرد: اتاق در ادامه مسیر خود در حال برنامه‌ریزی و ارائه طرح برای ۲۰ تا ۳۰ سال آینده توسعه استان، با وضعیت فعلی کشاورزی، معدن، آب و انرژی، محیط‌زیست و... است. طبیب‌زاده تصریح کرد: کمتر کسی شناخت روشنی از انجام مسئولیت‌های اجتماعی دارد زیرا اگر این‌گونه بود کمتر نگران آینده بودیم.



### باید اطلسی از اقدامات در راستای مسئولیت اجتماعی تهیه کرد

مشاور عالی کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران نیز در ادامه این نشست گفت: ضرورت بحث مسئولیت اجتماعی بدیهی، عقلی و انسانی است و اگر نباشد فعالیت‌های ما ابتر خواهد ماند. اردشیر گراوند، اظهار کرد: داشتن پیوست محیط‌زیست و پیوست اجتماعی، فرهنگی فعالیت بنگاه‌های اقتصادی پیش از راه‌اندازی است و اگر این پیوست‌ها وجود نداشته باشد تکلیف مسئولیت اجتماعی به خوبی مشخص نیست. وی با تأکید بر اینکه پیش از انجام هر اقدامی باید چرایی آن را بررسی کرد، افزود: باید اطلسی از اقدامات در راستای مسئولیت اجتماعی تهیه و مسیر را مشخص کرد زیرا گاهی برخی کارها را انجام ندادن خود نوعی مسئولیت است.

### چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید

در ادامه همایش چهره ملی حوزه مسئولیت اجتماعی که تجربه کار با قشرهای آسیب‌پذیر را طی پنجاه سال گذشته در سازمان‌های مختلف دارد، در تأکید ضرورت بحث مسئولیت اجتماعی گفت: نیکوکاری یک نیاز فطری است، اینجانب مددکار اجتماعی هستم و فعالیت‌های بسیاری داشته‌ام، اما نهایتاً به این نتیجه رسیده‌ام که چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. خسرو منصوریان با اشاره به این‌که به همراه همسر و دوستان، دو سازمان غیرانتفاعی، غیردولتی و عام‌المنفعه در تهران بنیان‌گذاری نموده‌اند (انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توان‌یاب که خدمات توان‌پزشکی رایگان را تا ۱۵ سالگی به خانواده‌ها ارائه می‌دهد و انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی (احیاء) به‌منظور مهار آسیب‌های اجتماعی)، خاطر نشان کرد که بهشت جایی است که انسان در آن دل‌خوش دارد و ما اکنون به دلیل اعتمادی که مردم به ما دارند، دل‌خوش داریم و آماده خدمت به مردم هستیم.

گفتنی است در این همایش از محمد سالاری فعال محیط‌زیست منطقه کلمرز کهنوج، وحید معاضد فوق تخصص خون و سرطان، حسین مولا فعال در حوزه ورزش ناشنوایان، امین ادهمی کارآفرین جوان، متولیان کتابخانه فاطمه‌ها و معصومه راسخ فعال کتاب‌خوانی در روستای دهگان کهنوج و روستای دهگری بم، مجتبی نیکوکاری رعد و علی میرزاییگی و محمد اطمینان قضات استان کرمان، به‌عنوان مسئولیت پذیران اجتماعی تجلیل شد. در حاشیه این همایش کارگاه آموزشی «تبیین مدل‌ها و سازوکار همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد در پروژه‌های مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی» برگزار گردید. ♦♦

دوره پنجم اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، به کمک خیرین وقت انجام شد، از آن پس به بعد حدود ۱۰ نفر از پرسنل ما و اخیراً خود من از خدمات این مجموعه‌ها استفاده کردیم.

### انجام مسئولیت اجتماعی، در راستای عمل به اخلاق و اقدامات بشردوستانه است

در ادامه این همایش رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران گفت: کرمان در همه حوزه‌ها و عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی پیش‌تاز بوده و هیئت نمایندگان اتاق کرمان مؤثرترین افراد در بین اتاق‌های کشور هستند. محمود اولیایی، با اشاره به اینکه یک حکمرانی مطلوب سه رکن حاکمیت، مردم و بخش خصوصی دارد که هر یک وظایفی بر عهده دارند، افزود: وقتی مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی مطرح می‌شود موضوعات خیریه به ذهن می‌رسد زیرا در طول تاریخ و فرهنگ ما همیشه بازاریبان و تجار امور خیر را رهبری می‌کردند. وی ادامه داد: از دهه ۹۰ به بعد مفهوم جدید در حوزه بنگاهداری و مسئولیت جدید بنگاه‌ها آمده و چهار سطح برای مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها مطرح شده که علاوه بر ایجاد اشتغال و تأثیرگذاری در میزان درآمد ناخالص داخلی و رعایت الزامات قانونی، به رعایت موضوعات اخلاقی و اخلاق‌مداری و همچنین پرداختن به امور بشردوستانه در بالاترین سطح مسئولیت‌های اجتماعی تأکید شده است. رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران اظهار کرد: نکته کلیدی اینجاست که انجام مسئولیت‌های اجتماعی تا یک دهه پیش لطف بنگاه‌ها محسوب می‌شد اما اکنون جزء مسئولیت‌های آنهاست که در راستای عمل به اخلاق و اقدامات بشردوستانه است.

وی تصریح کرد: در ۸ سال اخیر این رویکرد در دنیا پیشرفت کرده و بحث توسعه پایدار انسان و محیط‌زیست در انجام مسئولیت‌های اجتماعی و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی مطرح شده که مبنای آن متعهد بودن در استفاده از ماشین‌آلات و کیفیت محصولات تولید شده است. اولیایی، خاطر نشان کرد: پیوند بین سازمان‌های مردم‌نهاد و بنگاه‌های خصوصی به‌صورت سیستماتیک و فرآیندی از جمله اهداف ما در اتاق ایران بوده که این موضوع قدرت حکمرانی را افزایش می‌دهد.







با هدف آشنایی بیشتر دانش‌آموزان نونهال با مسئولیت‌های اجتماعی و وظایف خود در قبال جامعه، مسابقه انشایی برگزار گردید و همزمان نفرات اول تا دهم پایه‌های مختلف شرکت‌کننده در این مسابقه معرفی و جوایزی به آن‌ها اهدا گردید.



♦ فرزاد اسعدی

دانش آموز پایه پنجم، مدرسه غیرانتفاعی مانی شاد



مسئولیت پذیری

در هر جامعه برای مردم مسئولیت‌ها طبقه بندی شده است. طبقه‌ها عبارت هستند: مسئولیت «خانواده، محله، شهر یا روستا، کشور». در هر جامعه مسئولیت‌های مختلفی در نظر گرفته شده است. مثال: جامعه‌ی مورچه‌ها، در جامعه‌ی مورچه‌ها برای هر مورچه مسئولیت و وظیفه در نظر گرفته شده است. مثال دیگر: لانه‌ی زنبورها است در آن هم هر زنبور وظیفه‌ی خود را دارد. ما زمانی در یک جامعه مسئولیت داریم که عضو آن جامعه باشیم و اگر در آن جامعه عضو نباشیم در آن جامعه مسئولیت نداریم. اگر در جامعه‌ای



جامعه عمومی به جامعه‌هایی می‌گویند که همه در آن عضو هستند و ما هم عضو جامعه عمومی هستیم مثال: شهر یا محله. ما در جامعه عمومی زندگی می‌کنیم و باید مسئولیت‌هایش را بپذیریم و اگر به مسئولیت‌ها عمل نکنیم کسانی که در آن جامعه هستند اذیت می‌شوند.

♦ آناهیتا احمدی

دانش آموز پایه چهارم، مدرسه دخترانه شهید مهدوی



تعهد درونی

مسئولیت‌پذیری در جامعه به پیشرفت انسان در زندگی فردی و اجتماعی بسیار کمک می‌کند. واژه‌ی مسئولیت‌پذیری به معنای تعهد درونی است که انتظار می‌رود انسان آن را انجام دهد. من به عنوان یک دانش‌آموز ابتدایی وظایف و تعهداتی در جامعه دارم که اگر به آن‌ها به خوبی عمل کنم به آبادانی کشورم کمک خواهم کرد. من به خوبی می‌دانم جنگل‌ها ریه‌های سرزمین ما هستند هوا را تصفیه می‌کنند و به ما انسان‌ها قدرت تازه می‌بخشند، پس من هرگز به ریه‌های زمین آسیب نمی‌زنم. من هرگز به خاطر یک ساعت تفریح درختان را به آتش نمی‌کنم، دریاچه‌هایش را آلوده نمی‌کنم و مراقبم تا محیط زیست اطرافم را تمیز نگه دارم که با این کار میراث زیبایی برای آیندگان خواهیم گذاشت.



من به خوبی می‌دانم اگر خوب درس بخوانم درجه اول فرد مفیدی در جامعه‌ام تبدیل می‌شوم به علاوه دوست دارم پدر و مادرم به من افتخار کنند. ما آینده‌سازان کشورمان ایران هستیم و موفقیت و پیشرفت وطن من در گروی تلاش من در تحصیل است. من به خوبی می‌دانم لازم نیست که برای تمرین مسئولیت‌پذیری از دیگران شروع کنیم. از خودمان که شروع کنیم مطمئن هستم نفعش هم به دیگران می‌رسد. به این هم فکر نمی‌کنم کاری که مسئولیت‌اش را به عهده می‌گیرم چقدر می‌تواند مهم باشد. حتی کارهای کوچک را هم می‌توان با حس مسئولیت بزرگ انجام دهیم. من به خوبی می‌دانم اگر به اموال بیت‌المال که در جامعه من برای استفاده همه می‌باشد، آسیبی بزنم احساس عذاب وجدان خواهم داشت؛ بنابراین تعهد دارم که از اموال بیت‌المال در جامعه به خوبی استفاده کنم و مراقب آن‌ها باشم. زمانی حال من خوب و عالی است که وظایف، تعهدات





### ◆ الناز بحرینی

دانش آموز پایه پایه پنجم، مدرسه شاهد



«ما عضوی از جامعه هستیم» پس باید وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال جامعه آشنا باشیم. جامعه‌ای پویا و خلاق است که افراد آن جامعه وظایف و مسئولیت‌های خود را بدانند و به آن عمل کند. جامعه افراد متفاوتی دارد که هرکدام عقاید و ادیان متفاوتی دارند، همچنین پوشش و زبان متفاوتی دارند. ما به عنوان یک فرد جامعه وظیفه داریم که به آداب و رسوم و عقاید جامعه احترام بگذاریم تا خدای ناکرده باعث دلخوری و رنج آن‌ها نشود

### جامعه پویا و خلاق

و با هم دوست و برادر باشیم. اگر کسی از افراد جامعه نیاز به کمک داشت مانند افراد پیر و ناتوان یا نابینا به آن‌ها کمک کنیم و به حقوق شهروندان احترام بگذاریم و با بوق زدن بی‌مورد در خیابان یا بلند کردن صدای ضبط و رادیو ماشین آلودگی صوتی ایجاد نکنیم. در رانندگی پشت خط عابر پیاده توقف کنیم و مراقب افراد نابینا باشیم. در تمیز نگه داشتن شهرومون کوشا باشیم تا زحمت رفتگران زیاد نشود. زباله‌ها را در منزل تفکیک کنیم تا بازیافتی‌ها دوباره به چرخه برگردند و بارها از آن‌ها استفاده شود. در مصرف آب برق گاز صرفه جویی کنیم جامعه‌ای که هم مسئولیت و وظایف خود را بشناسد و به آن عمل



کنند بسیار زیبا و لذت بخش است که برای خود و دوستانم این نوع زندگی را آرزو دارم.

### ◆ آنیثا ترک آبادی

دانش آموز پایه پایه پنجم، مدرسه شهید مهدوی



من آنیثا ترک آبادی هستم؛ دانش آموز کلاس پنجم، امروز که می‌خواستم درباره‌ی مسئولیت‌های خودم در اجتماع انشا بنویسم؛ خیلی فکر کردم؛ که چه مسئولیت‌هایی تا به امروز داشته‌ام. یاد یک خاطره افتادم که به نظر خودم مسئولیت مهم من در قبال اجتماع و دوستانم بود. من کلاس دوم بودم و هنوز بیماری کرونا شروع نشده بود. زنگ تفریح در گوشه‌ی حیاط مدرسه دوستم را دیدم که گریه می‌کرد؛ و از رفتار یکی از همکلاسی‌هایمان ناراحت بود. کنار او رفته و از او خواستم که اگر دوست دارد؛ درباره‌ی علت ناراحتی‌اش با من صحبت کند. وقتی او ماجرا را برایم تعریف کرد؛ یاد حرف‌های مادرم افتادم که برایم کنترل خشم و احساسات و همدلی گفته بود. او این روش‌ها را در کلاس‌های مشاوره مدرسه یاد گرفته بود.

### مسئولیت من در قبال جامعه

به دوستم روش تنفس دیافراگمی را یاد دادم و همچنین از او خواستم بلند شود و همراه من کمی قدم بزند. در هنگام قدم زدن درباره‌ی احساس و ناراحتی او با او همدلی کردم؛ و به او گفتم من هم این تجربه و احساس را داشته‌ام و این روزهای سخت را تجربه کردم با حرف‌های من حال دوستم، بهتر شده بود. بعد از چند روز با دوستم پیش آن همکلاسی رفتم و دوستانه با او صحبت کردیم؛ و متوجه شدیم که او هم ناراحت است؛ و نمی‌خواسته این اتفاق پیش آید. ما هنوز در یک کلاس هستیم و هر سه دوستان خیلی خوبی هستیم. من هنوز آن احساس خوب را به یاد می‌آورم. خوشحالم که نسبت به ناراحتی دوستم بی‌تفاوت نبودم و توانستم به او کمک کنم. از آن روز یاد گرفتم که همیشه می‌توانم کلی آدم باشم؛ و به همه تا جایی می‌توانم کمک کنم. می‌توانم در جامعه در نقش دوست، هم‌کلاسی، همدل و همراه باشم. وقتی من نسبت به جامعه و اجتماع بی‌تفاوت نباشم و واقعاً «کلی آدم باشم» دیگر



مهم نیست کوچک باشم؛ مهم این است بتوانم برای همه‌ی انسان‌ها و موجودات زنده، فقط یک آنیثا نباشم؛ بلکه کلی آنیثا در نقش‌های مختلف باشم؛ تا هم حال خودم خوب باشد و هم حال دیگران. این بود خاطره و انشاء من درباره‌ی مسئولیت‌پذیری من در اجتماع؛ امیدوارم همیشه کلی آدم و کلی آنیثا باشم.



رضا تقاصی

دانش‌آموز پایه ششم، مدرسه آرمان دانش



ما و مسئولیت اجتماعی

یعنی چه؟ پدرم پاسخ داد مسئولیت اجتماعی یعنی وظیفه‌ی ما در قبال افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم. مثلاً ما وظیفه داریم از محیط‌زیست اطرافمان مواظبت کنیم و به آن آسیب نزنیم و این موضوع را به دیگران هم تذکر دهیم. حقوق دیگران را رعایت کنیم. به نیازمندان کمک کنیم در مصرف آب صرفه‌جویی کنیم و چیزهایی از این قبیل. اگر این کارها را انجام ندهیم کسی ما را تنبیه یا جریمه نمی‌کند ولی ما با این رفتار شخصیت خود را در اجتماع نشان می‌دهیم. من هم به‌عنوان یک دانش‌آموز وظیفه دارم مدرسه‌ی خود را تمیز نگه دارم، وسایل مدرسه را مانند وسایل خود حفظ کنم و آن‌ها را خراب نکنم. در مسیر مدرسه تا خانه زباله نریزم.



بر روی دیوارهای مدرسه و خیابان چیزی ننویسیم و این‌گونه وظیفه‌ی اجتماعی خود را در قبال جامعه‌ام به‌عنوان دانش‌آموز نشان دهیم.

سلام من رضا هستم دانش‌آموز کلاس ششم دبستان. پدر من در اداره‌ای کار می‌کند که بخشی از وظایف او رسیدگی به امور نیازمندان است. یک روز که پدرم برای سرکشی به یک خانواده‌ی نیازمند می‌رفت من هم یکی از عروسک‌هایی را که تازه خریده بودم و آن را خیلی دوست می‌داشتم به او دادم و از او خواستم آن را از طرف من به کودک آن خانواده هدیه بدهد. آن روز پدرم گفت: «آفرین پسر! تو امروز یکی از مسئولیت‌های اجتماعی خود را در قبال نیازمندان انجام دادی.» من پرسیدم مسئولیت اجتماعی

علی دریجانی

دانش‌آموز پایه ششم، مدرسه پیام هدایت بم



جامعه و مسئولیت ما

شخص و بعد برای جامعه بسیار مضر است. یکی از مسئولیت‌های شخصی که من در جامعه به آن اعتقاد دارم کمک به طبقه‌ی فقیر و آسیب‌پذیر جامعه است من دوست دارم به هر نحوی که می‌توانم قشر ضعیف در جامعه را کمک کنم از جمله اینکه بتوانم به بچه‌هایی که هم سن خودم یا کوچک‌تر هستند سواد بیاموزم یا اینکه در حد توانم امکانات تحصیلی را برای آن‌ها فراهم کنم زیرا دوست دارم آن‌ها سواد کافی داشته باشند. اگر همه‌ی ما در قبال دیگر همشهریانمان احساس وظیفه و مسئولیت داشته باشیم قطعاً ما جامعه‌ای با امکانات بسیار خوب و همشهریانی با افکار و فرهنگ بسیار عالی خواهیم داشت.



هر شهروندی که در یک جامعه زندگی می‌کند یک مسئول محسوب می‌شود. مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک چهارچوب و قانون اخلاقی شخص را متعهد می‌سازد که به امور اجتماعی که منفعت آن‌هم به شخص و هم به جامعه می‌رسد را به خوبی انجام دهد. پس یک فرد یا یک شهروند مسئول باید مشکلات و مسائل اجتماعی را به‌عنوان حیات اجتماعی خویش بپذیرد و نسبت به مسئولیت خود در جامعه سهل‌انگاری نکند زیرا آسیب‌های این سهل‌انگاری اول به



### علی دهقان پور

دانش آموز پایه چهارم، مدرسه شاهد عنبرآباد



من علی دهقان پور پایه چهارم از دبستان پسرانه شاهد عنبرآباد هستم. پدرم معلم است و مادرم خیاط. هر دو نفر والدینم به شغلشان خیلی اهمیت می دهند زیرا در قبال شغلشان احساس مسئولیت فراوانی دارند. همه ما در قبال مسئولیتی که در جامعه بر عهده مان است وظایفی داریم که باید تمام تلاشمان را برای درست انجام دادن این وظایف به کار ببریم. مهم نیست که ما چه مسئولیتی در جامعه داریم مهم انجام دادن درست وظایفمان می باشد. در حال حاضر که من دانش آموز هستم سعی در درس خواندن دارم تا در آینده

### جامعه و ما

نزدیک فرد مفیدی برای جامعه ام باشم. همیشه سعی کرده ام مسئولیت پذیری را از مادرم که شغلش خیاطی است یاد بگیرم. او همیشه کارش را با عشق و علاقه انجام می دهد و شب ها تا دیروقت خیاطی می کند. بارها به خودم گفته ام کاش همه مثل مادرم به شغلشان اهمیت می دادند. من برای اینکه بتوانم خستگی را از دور کنم سعی می کنم در انجام کارهای خانه به او کمک کنم تا در قبال زحماتی که برای من می کشد از او سپاس گذاری کرده باشم.

همیشه ما رفتار شهروندی است. پسرش سید می گوید پدرم شبها تا دیروقت مشغول جارو زدن زباله هایی است که عابرین در خیابان می ریزند. وقتی که شب ها به خانه می آید من دست های پینه بسته اش را کرم می زنم تا پدرم دردتش را



تحمّل کند. من همیشه آرزو می کنم مردم به وظیفه اجتماعی خودشان عمل کنند و آشغال هایشان را در سطل زباله بریزند تا پدر سعید شب ها زودتر به خانه برگردد و بتواند با سعید و خواهر کوچکترش بازی کند. در پایان انشایم آرزو می کنم که همه مردم به درستی وظایف خود را انجام دهند تا ما شاهد ایرانی آباد باشیم.

### پارسا ذوالعلی

دانش آموز پایه چهارم، مدرسه گل های معلم



یک روز صبح که با مامانم به مدرسه می رفتم چند تا بچه هم سن و سال خودم را دیدم که بدون کفش و با سر و وضع نامرتب توی خیابون بودند یکی مشغول زباله جمع کردن بود، یکی چند تا شاخه گل دستش بود و به ماشین هایی که از خیابان رد می شدن گل می فروخت و یکی هم یک آپایش و دستمال دستش بود و هر بار که چراغ راهنمایی قرمز می شد یک قسمت از شیشه ماشین ها را تمیز می کرد و بعضی ماشین ها هم برای این کار به او پول می دادند. خیلی دلم برآشون سوخت مگر این بچه ها نباید الان مدرسه باشند، کار کردن خیلی برایشان زود بود. توی این هوا لباسشان هم اصلاً مناسب نبود و ممکن بود سرما بخورند خیلی دلم گرفت، از مادرم پرسیدم مامان این بچه ها

### جامعه و مسئولیت ما

مگر پدر و مادر ندارند که الان اینجا هستند و در این هوا کار می کنند؟ مادرم گفت امروز وضعیت این بچه ها این شده چون یک روزی یک نفر در این شهر باید کاری انجام می داده که نداده است. خیلی نفهمیدم منظورش چی بود برای همین از او خواستم که بیشتر برای من توضیح دهد. مادرم گفت بین عزیزم همه ما در مقابل شهر و کشور و جامعه خودمان مسئولیت داریم که اگر آن را انجام ندهیم جامعه مان به هدف خود نمی رسد و رشد نمی کند به این وظیفه، مسئولیت اجتماعی می گویند. من مقابل جامعه خودم مسئولم چون من مثل یک چرخ از یک ماشین هستم که اگر وظیفه خود را ندانم کل ماشین به مقصد نمی رسد. اگر قرار است کشور من ۲۰ سال آینده به جای بالاتری برسد من باید بدانم که امروز وظیفه ام چیست و چه کاری باید انجام دهم تا نتیجه آن بیست سال دیگر دیده شود. پدر بزرگم که الان پیش خداست گاهی شعری زیر



لب می خواند: تو که از محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهنند آدمی راستش آن روزها منم این را درست نمی فهمیدم روزی از معلم مان پرسیدم گفت یعنی همه آدمها باید مثل خودم

نادیا معاذالهی

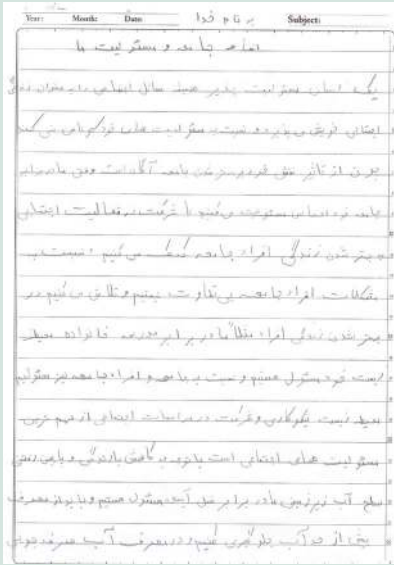
دانش آموز پایه چهارم، مدرسه شاهد



جامعه و مسئولیت ما

ما در برابر مدرسه، خانواده و محیط زیست خود مسئول هستیم و نسبت به جامعه و افراد جامعه نیز مسئولیم. محیط زیست نیکوکاری و شرکت در مراسمات اجتماعی از مهم ترین مسئولیت های اجتماعی است با توجه به کاهش بارندگی و پایین رفتن سطح آب زیرزمینی ما در برابر نسل آینده مسئول هستیم و باید از مصرف بیش از حد آب جلوگیری کنیم و در مصرف آب صرفه جویی کنیم و همچنین نباید مواد مضر را وارد آب کنیم و همچنین آلودگی هوا باعث به خطر افتادن سلامتی می شود ما نباید هوا را آلوده کنیم سوزاندن و قطع درختان باعث آلودگی و کاهش اکسیژن هوا می شود ما نباید درختان را قطع کنیم.

یک انسان مسئولیت پذیر همیشه مسائل اجتماعی را به عنوان زندگی اجتماعی خویش می پذیرد و نسبت به مسئولیت های خود کوتاهی نمی کند چون از تأثیر نقش خود بر بهتر شدن جامعه آگاه است وقتی ما در برابر جامعه خود احساس مسئولیت می کنیم با شرکت در فعالیت اجتماعی به بهتر شدن زندگی افراد جامعه کمک می کنیم و نسبت به مشکلات افراد جامعه بی تفاوت نیستیم و تلاش می کنیم در بهتر شدن زندگی افراد مثلاً



امیرمهدی مهدی زاده

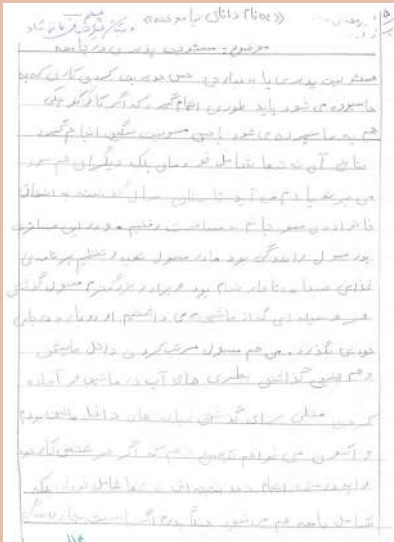
دانش آموز پایه پنجم، مدرسه غیرانتفاعی مانی شاد



حسن خوب انجام وظیفه

گذشتن زباله های داخل ماشین بودم و اکنون می خواهم توضیح دهم که اگر هر شخص کار خود را به درستی انجام دهد نتیجه اش نه تنها شامل خودش بلکه شامل جامعه هم می شود مثلاً پدرم اگر با سرعت مجاز رانندگی نمی کرد چه اتفاقی می افتاد هم خودش و خانواده اش دچار مشکل می شدند ممکن بود در حین رانندگی به تابلوهای راهنمایی و رانندگی آسیب بزند و با این کار بقیه ی رانندگان در مسیر دچار مشکل می شدند. یا اگر هر کدام از ما زباله ها را از ماشین بیرون پرت می کردیم به محیط زیست آسیب می رساندیم می خواهم این را بگویم همین مسئولیت های کوچک را اگر به درستی انجام دهیم می شود حسن خوب انجام وظیفه پس در جامعه ای که ما زندگی می کنیم افرادی که به عنوان مسئول برگزیده می شوند باید با تمام قوا انجام وظیفه کنند تا هم کشور و هم جامعه

مسئولیت پذیری یا به عبارتی حسن مدیریت کردن کاری که به ما سپرده می شود باید طوری انجام گیرد که اگر کار کوچکی هم به ما سپرده می شود با حسن مسئولیت سنگین انجام گیرد نتایج آن نه تنها شامل خودمان بلکه دیگران هم سود می برند یادم می آید تابستان سال گذشته به اتفاق خانواده ی عمو جانم به مسافرت رفتیم؛ و در این مسافرت پدر مسئول رانندگی بود مادر مسئول تهیه و تنظیم برنامه ی غذایی صبحانه = ناهار و شام بود و برادر بزرگترم مسئول گذاشتن هر وسیله ای که از ماشین برمی داشتیم او دوباره در جای خودش بگذارد. من هم مسئول مرتب کردن داخل ماشین و همچنین گذاشتن بطری های آب در ماشین و آماده کردن محلی برای



چهره ی خوبی را به دیگران نشان دهد به قول یک ضرب المثل قدیمی که می گوید به خاطر میخی نعلی افتاد به خاطر نعلی اسبی سواری جنگی شکست خورد و همه ی این ها به خاطر کسی بود که میخ را خوب نکوبیده بود.



## فرصت های تجاری کرمان و پاکستان بررسی شدند



در این نشست استاندار کرمان با اشاره به پژوهشی بین‌المللی گفت: سهم برق در تولید انرژی در سال ۲۰۲۰ میلادی ۲۰ درصد بوده که در سال ۲۰۵۰ میلادی به ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت که در این بین سهم انرژی خورشیدی ۶ برابر خواهد شد و همین موضوع نشان می‌دهد که در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر هر چه دیرتر اقدام کنیم فاصله ما با برخی کشورها بسیار بیشتر خواهد شد. رئیس اتاق کرمان همچنین گفت: استان کرمان از نظر برخورداری از انرژی خورشیدی شرایط مناسبی دارد و مسئولان استان نیز اراده و علاقه‌مندی جدی در این زمینه دارند، اما چرا این ظرفیت‌ها منجر به جایگاه مناسب استان در این حوزه نشده است؟

## تشکل جدید در اتاق کرمان راه‌اندازی می‌شود

(۱۲ مهر، ۱۴۰۱)



مدیر دفتر تشکل‌های اتاق کرمان با اشاره به اینکه در حال حاضر ۱۶ تشکل رسمی در حال فعالیت هستند، از تشکیل ۷ تشکل دیگر با عناوین شرکت‌های بیمه استان، جوانان کارآفرین، کسب‌وکارهای خانگی، اخلاق حرفه‌ای، برند و بسته‌بندی و مدیران کنترل کیفیت



(۰۲ مهر، ۱۴۰۱)

فرصت‌های تجاری کرمان و پاکستان در نشستی با حضور رئیس و اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، رئیس اتاق مشترک ایران و پاکستان و جمعی از فعالان اقتصادی استان بررسی شد.

رئیس اتاق کرمان در این نشست گفت: از حدود یک میلیارد دلار صادرات ایران به پاکستان فقط ۳۴ میلیون دلار سهم استان کرمان است که باید اقدامات لازم برای افزایش مبادلات تجاری صورت گیرد. سیدمهدی طیب زاده، با اشاره به اینکه رشد اقتصادی پاکستان بیش از ۳ درصد و فراتر از میانگین جهانی است، افزود: تأمین برخی کالاهای مصرفی پاکستان در استان کرمان امکان‌پذیر است و می‌توان از بازار این کشور برای صادرات کاشی و سرامیک، سیمان، مواد غذایی، محصولات کشاورزی، انرژی، زغال‌سنگ و... استفاده کرد.

در ادامه این نشست رئیس اتاق مشترک ایران و پاکستان گفت: پاکستان با ۲۳۰ میلیون نفر جمعیت، ۲۲ میلیارد دلار صادرات و ۴۵ میلیارد دلار واردات دارد و در حال حاضر نرخ رشد ۳/۹ درصد، نرخ تورم ۸/۸ درصد، نرخ بیکاری ۶ درصد و نرخ بهره ۷ درصد را تجربه می‌کند. عبدالحکیم ریگی افزود: ایران کالاهایی مانند برنج، گوشت و دام، کنجد و میوه‌های گرمسیری را از پاکستان وارد و در مقابل کاشی، سرامیک، سیمان و سایر مصالح ساختمانی را به پاکستان صادر می‌کند و هیچ ممنوعیت گمرکی برای کالای وارداتی به پاکستان وجود ندارد.

## رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: انرژی‌های تجدیدپذیر از وزارت نیرو خارج شوند

(۰۲ مهر، ۱۴۰۱)

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه درگیری‌های درون‌گروهی در وزارت نیرو جریان انرژی کشور را زمین گذاشته است، گفت: پیشنهاد می‌شود انرژی‌های تجدیدپذیر از وزارت

## نحوه تشخیص واحدهای بحرانی برای تقسیط بدهی تأمین اجتماعی بررسی شد (۱۹ مهر، ۱۴۰۱)



نشست هم‌اندیشی برای بررسی نحوه تشخیص واحدهای بحرانی برای تقسیط بدهی تأمین اجتماعی توسط مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان با حضور عباس جبالبارزی عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان و نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی، خانه صنعت و معدن و سازمان صنعت، معدن و تجارت استان برگزار شد.

در این نشست پیشنهاد شد بدهی واحدها یا بنگاه‌های اقتصادی تا سقف ۶۰ میلیون تومان از طریق خوداظهاری و ارائه مدارک از جمله تقسیط نامه سابق از طریق سامانه الکترونیک اتاق بررسی شود. همچنین برای تقسیط بدهی واحدها یا بنگاه‌های اقتصادی از ۶۰ میلیون تومان تا ۱۲۰ میلیون تومان، علاوه بر مدارک مذکور، نامه کتبی از دستگاه‌های متولی مانند فرمانداری، بخش‌داری و دهیاری مربوطه مبنی بر بحرانی بودن بنگاه ارائه شود.

## اتاق کرمان آمادگی خود را برای همکاری با مرکز کشاورزی و غذا ایران اعلام کرد (۱۹ مهر، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان گفت: اتاق کرمان به‌ویژه کمیسیون کشاورزی و فعالان این حوزه آمادگی خود را برای همکاری با کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌الملل (ICC) در زمینه راه‌اندازی هاب بین‌المللی کشاورزی و غذا اعلام می‌کند.

سیدمهدی طیب زاده در نشست جمعی از فعالان اقتصادی حوزه کشاورزی کرمان با دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌الملل افزود: با عضویت در این مرکز به شبکه گسترده‌ای از اقتصاد دنیا متصل خواهیم شد و بستری برای توسعه ارتباطات اقتصادی بین‌المللی و اعتباربخشی به شرکت‌ها فراهم می‌شود.

جنوب استان کرمان خبر داد. در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان گفت: ما به تشکیل‌گرایی به‌عنوان قرار داشتن در مسیر توسعه پایدار، هم‌افزایی و مشارکت در خرد جمعی اهمیت می‌دهیم به‌طوری که مدیریت و ساختمان جدا برای تشکلهای استان در نظر گرفتیم. سیدمهدی طیب زاده بیان کرد: اگر چه استقبال فعالان اقتصادی از عضویت در تشکلهای مطلوب نیست اما همین تعداد تشکل نیز بر اساس آسیب‌شناسی و نیاز تشکیل شده است. گفتنی است در این نشست روسا و اعضای تشکلهای زیرمجموعه اتاق کرمان مواردی مانند تسهیل در شرایط عضویت در تشکلهای، رفع مشکل داشتن مدرک تحصیلی برای عضویت در تشکلهای، تعامل بیشتر با انجمن‌های استانی و ... را خواستار شدند.

## دستورالعمل استفاده از معافیت‌های مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور استان تهیه می‌شود (۱۴ مهر، ۱۴۰۱)



در دهمین نشست تجمیعی کمیته تسهیل کسب‌وکار، اشتغال آفرینی و حمایت قضایی استان با حضور اعضای کمیته، مقرر شد دستورالعمل مربوط به تبصره «س» ماده ۳۱ قانون تسهیل و رفع موانع تولید با موضوع استفاده شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور از معافیت‌های مالیاتی در استان کرمان تهیه شود.

دبیر اجرایی مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان در این نشست گزارشی از روند پیگیری و میزان پیشرفت فعالیت‌های کمیته ارائه کرد. عباس عسجدی گفت: بر اساس مصوبات نشست گذشته، برای اجرایی شدن سه مصوبه، نیازمند پیگیری در سطح ملی هستیم. وی افزایش فرصت تکمیل مدارک برای دریافت تسهیلات، تعیین امین بانک و سرعت بخشیدن در ارزش‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان را از جمله این مصوبات عنوان کرد. عسجدی، همچنین از توافق اولیه برای اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به شرکت‌های دانش‌بنیان با یکی از بانک‌های استان خبر داد.



در ادامه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه در قانون جدید اتاق بازرگانی مشکلات و معضلات قبلی کنار گذاشته شده و ظرفیتها لحاظ شده است، گفت: اتاق کرمان بازوی توانمندی برای اتاق ایران است و در همه حوزهها مانند تعداد اعضا، حجم فعالیتهای اقتصادی، درآمدزایی، پژوهش و تحقیق جز ۵ اتاق برتر کشور محسوب می‌شود و کمتر سرفصلی در چهار وزارتخانه مطرح حوزههای اقتصادی وجود دارد که اتاق کرمان به صورت تخصصی و کارشناسی به آن نپرداخته باشد.

گفتنی است در این نشست برخی فعالان حوزههای صنعت و معدن از بخش خصوصی و دولتی به بیان مسائل و مشکلات خود پرداختند.

### پایون اتاق کرمان در نمایشگاه تخصصی دانش بنیان (۲۴ مهر، ۱۴۰۱)



پایون اتاق کرمان در اولین نمایشگاه تخصصی دانش بنیان، معدن، صنعت و حمل و نقل از ۲۳ تا ۲۶ مهرماه در محل دائمی نمایشگاههای بین‌المللی جنوب شرق دایر گردید.

پنج شرکت از شرکتهای زیرمجموعه انجمن شرکتهای دانش بنیان

در ادامه این نشست دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی با بیان اینکه نگاه اتاق کرمان به برخی مسائل در سطح بین‌المللی است، اظهار کرد: با عضویت اتاق کرمان در ICC تاکنون سه دوره آموزشی برای این مجموعه برگزار شده و زمینه همکاری با اتاق کرمان بسیار خوب است. رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان همچنین گفت: با عضویت در مرکز هاب بین‌المللی کشاورزی و غذا می‌توانیم برای اجرای بهینه‌سازی مصرف، تغییر الگوی کشت، اطلاع از آخرین قوانین و مقررات و فناوری‌های نوین مربوط به صادرات و بسته‌بندی از جدیدترین اطلاعات و راهکارها استفاده کنیم. وی ادامه داد: استان کرمان در تولید محصولات مختلفی مانند پسته، خرما، گردو و ... رتبه‌های خوبی در کشور یا دنیا دارد، اما برای استفاده بهتر از این ظرفیتها باید بهره‌وری را افزایش داد و به فکر کشت‌های فراسرزمینی بود.

گفتنی است شرکتها و مجموعه‌های مختلف بخش خصوصی می‌توانند با عضویت در کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی از خدماتی مانند مشاوره‌های حقوقی، حمل و نقل، گمرکی، بانکی، بیمه، مالیاتی و سایر موارد بهره‌مند شوند.

### رئیس اتاق کرمان: صنایع کوچک و متوسط رها شده‌اند (۲۳ مهر، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان با اشاره به اینکه صنایع کوچک و متوسط از زیرمجموعه سازمان صنعت، معدن و تجارت خارج شده‌اند و به شرکت شهرک‌های صنعتی پیوسته‌اند، گفت: شرکت شهرک‌های صنعتی به دلیل نداشتن امکانات، توان اداره صنایع را ندارد و رهاشدگی صنایع در کرمان بسیار مشهود است.

سیدمهدی طیب زاده در نشست بررسی مسائل و مشکلات فعالان حوزه صنعت و معدن افزود: تمرکز فعالیت‌های صنعتی در چهار شهرستان شهربابک، رفسنجان، سیرجان و زرنده است و همچنین عمده ارزش افزوده در حوزه‌های فولاد، مس و خودروسازی ایجاد می‌شود.



## نایب‌رئیس اتاق ایران: فرصت‌های سرمایه‌گذاری کرمان در اتاق ایران ارائه شود

(۲۷ مهر، ۱۴۰۱)



نایب‌رئیس اتاق ایران گفت: همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان را در تهران و اتاق ایران برگزار کنید زیرا هم شرکت‌های مختلف می‌توانند آسان‌تر در آن شرکت کنند و هم زمینه معرفی فرصت‌ها بیشتر فراهم است. حسین سلاح ورزی، در پنل تخصصی معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان در نمایشگاه کیش اینوکس ۲۰۲۲ با حضور استاندار و معاون اقتصادی استانداری کرمان، رئیس و اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان و برخی مدیران دولتی حوزه اقتصاد استان افزود: باید برای جذب سرمایه‌گذار نوآوری در ابزارهای تأمین مالی داشته باشیم و با تشکیل شرکت‌های سهامی پروژه در روند سرمایه‌گذاری تسهیل و تسریع ایجاد کنیم.

## سه شرکت کرمانی صادرکننده نمونه ملی شدند

(۰۴ آبان، ۱۴۰۱)



سه شرکت کرمانی صنایع مس ایران، توسعه آهن و فولاد گل‌گهر و بازرگانی زرگرزاده در بیست و ششمین سالروز ملی صادرات به‌عنوان

استان در غرفه اتاق کرمان و با محوریت انجمن به ارائه خدمات و معرفی بیشتر فعالیت‌های خود پرداختند. رئیس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان در حاشیه این نمایشگاه با اشاره به اینکه ۶۹ شرکت دانش‌بنیان در استان داریم که ۲۰ تا ۳۰ درصد آن‌ها غیرفعال هستند، گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان از نظر فنی پیشرفته و فعالند اما در مارکتینگ و تجاری‌سازی با مشکلاتی روبرو هستند که برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی می‌تواند در این زمینه به آن‌ها کمک کند.

## پایون استان کرمان در نمایشگاه سراسری کیش اینوکس برپا شد

(۲۶ مهر، ۱۴۰۱)



پایون استان کرمان متشکل از اتاق کرمان، شهرداری کرمان، منطقه ویژه اقتصادیرفسنجان، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری و ارگ بم با هدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان در نمایشگاه کیش اینوکس برپا گردید.

استاندار کرمان در حاشیه نمایشگاه کیش اینوکس و در نشست با اعضای هیئت نمایندگان و برخی مدیران دولتی استان گفت: در سال جاری محتواسازی خوبی برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان صورت گرفته و هر چقدر در این حوزه پروژه‌ها با توضیحات کامل، اطلاعات از همه جنبه‌ها، مشاوره دادن و توجیه‌های اقتصادی و فنی در اختیار شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران قرار گیرد، امکان جذب سرمایه‌گذار بیشتر خواهد شد.

در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان گفت: نمایشگاه کیش اینوکس با حضور سرمایه‌گذاران، هلدینگ‌های بزرگ، بانک‌ها و بیمه‌ها هر ساله برگزار می‌شود و در ادامه فعالیت‌ها پس از برگزاری همایش کرمان آیدکس تصمیم گرفته شد، فرصت‌های کرمان در سطح سراسری در این نمایشگاه ارائه شود. گفتنی است در این نشست در رابطه با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های احداث مرکز دیابت و دهکده‌های گردشگری و توسعه صنایع جانبی مواردی مطرح شد.

## امیدواریم نمایشگاه گردشگری آغازی برای کشف شگفتی‌های پنهان استان باشد

(۰۷ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان با اشاره به جمله «کرمان سرزمین شگفتی‌های پنهان» که در اطلاع رسانی‌های پنجمین نمایشگاه گردشگری به کار برده شده بود، گفت: امیدواریم برگزاری پنجمین نمایشگاه گردشگری و چهاردهمین نمایشگاه صنایع‌دستی استان کرمان بتواند آغازی بر کشف این شگفتی‌ها باشد.

سیدمهدی طبیب زاده در آئین افتتاح نمایشگاه گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمان که با همکاری اتاق کرمان، شهرداری کرمان و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان برگزار شده، افزود: باید در استان به این دو حوزه توجه و احکامی تدوین شود تا همه استان بتواند منتفع شود. وی با اشاره به اینکه با همکاری اتاق کرمان پنج شهر استان در فهرست شهرهای ملی صنایع‌دستی ثبت شد، ادامه داد: اتاق کرمان بنا به رسالت خود در حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، تلاش خود را برای کمک به گردشگری و صنایع‌دستی استان به کار گرفته زیرا معتقد است این حوزه‌ها می‌توانند از پیش‌رسان‌های اقتصادی استان باشند.

گفتنی است در این آئین علاوه بر مدیران و فعالان حوزه گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمان، مدیرکل دفتر حمایت از تولید صنایع‌دستی و مدیرکل دفتر تسهیلات و کارآفرینی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و سایر هنرمندان از ۲۷ استان کشور حضور داشتند. در نمایشگاه گردشگری ۷۵ نفر از جامعه تورگردانان کشور حضور دارند و سه رویداد گردشگری سلامت، گردشگری مقاومت و گردشگری طبیعت با محوریت کویر لوت برگزار گردید. همچنین هنرمندان ۱۸۰ رشته در ۱۸۵ غرفه نمایشگاه صنایع‌دستی با زیربنای ۲۰ هزار متر محصولات خود را ارائه نمودند.

صادرکننده نمونه ملی در سال ۱۴۰۱ معرفی و توسط رئیس‌جمهور تقدیر شدند.

در بیست و ششمین مراسم روز ملی صادرات، از ۵۷ صادرکننده نمونه سال ۱۴۰۱ کشور توسط رئیس‌جمهور تقدیر شد که این شرکت‌ها از میان ۶۱۲ شرکت در ۶۹ گروه کالایی انتخاب شده‌اند. این مراسم با حضور مسئولان ارشد اجرایی کشور از جمله رئیس‌جمهور، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، وزیر صنعت، معدن و تجارت و معاونان وی، رئیس اتاق ایران و صادرکنندگان نمونه و ممتاز برگزار شد.

## استفاده از برخی ظرفیت‌های قانونی اشتغال ایجاد می‌کند

(۰۷ آبان، ۱۴۰۱)



سیدمهدی طبیب زاده در هفتاد و هشتمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع مهارت‌آموزی افزود: بیشتر اوقات گمان می‌شود که ایجاد اشتغال صرفاً با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ممکن است در حالی که استفاده از ظرفیت‌های قانونی، افزایش بهره‌وری و دانش‌بنیان کردن کسب‌وکارها می‌تواند به ایجاد اشتغال‌های ارزان نیز منجر شود.

در ادامه این نشست سرپرست معاونت اقتصادی استانداری کرمان، پشتیبانی تسهیلاتی و لجستیکی را برای فعالیت‌های مهارتی لازم عنوان و بیان کرد: مجلس شورای اسلامی در برنامه‌های نظارتی خود، موضوع هدف‌گذاری برنامه ششم را برای تحقق سهم ۳۰ درصدی آموزش‌های مهارتی در آموزش عالی پیگیری کند. حسین مهرابی افزود: همچنین موضوع تسهیلات مربوط به تبصره ۱۸ برای دانشگاه‌ها و سازمان فنی و حرفه‌ای در سال گذشته محقق نشده که امیدواریم امسال پیگیری شود.

گفتنی است در این نشست گزارش‌هایی با موضوع ارائه نتایج پروژه نیازسنجی آموزشی واحدهای صنعتی کرمان، واکاوی علل استقبال ضعیف کسب‌وکارهای استان از دستورالعمل مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی و اقدامات در خصوص پیاده‌سازی نظام صلاحیت حرفه‌ای در استان و راهکارهای پیشنهادی ارائه شد.



کرمان افزود: فردی که به هر دلیلی دچار محکومیت شده پس از آن، برای پیدا کردن شغل به دلیل سوء پیشینه دچار مشکلاتی می‌شود که این مسئله می‌تواند اعتماد به نفس فرد، خانواده و آینده وی را تحت تأثیر قرار دهد. وی ادامه داد: اتاق کرمان آماده همکاری در زمینه ایجاد اشتغال برای آسیب دیدگان اجتماعی است که در این مسیر باید امکانات جمع‌آوری و در مسیر نیاز اساسی هدایت شوند. در ادامه کارآفرین برتر اجتماعی با بیان اینکه آمده‌ام پناه افراد بی‌کس شوم و برایشان شغل ایجاد کنم، افزود: در مجموعه ما هزار و ۵۷ نفر با سابقه در ۹ جرم خشن، مشغول به کار هستند، با هم زندگی می‌کنند زیرا این افراد قربانی هستند، مجرم نیستند؛ به اظهار کرد: ایران نیاز به کمک دارد و آمده‌ام بگویم همه ما خیلی زود خاطره و قصه می‌شویم و تا زمانی که فرصت داریم باید به فردی که از مسیر برگشته کمک کنیم. وی با اشاره به اینکه به معادن کرمان کار ندارم، با کلمه و قوتو می‌توانم اقتصادش را بسازم، افزود: کشور ما چیزی از منابع کم ندارد اما دیوارها نمی‌گذارد کار کنیم، دیوارهایی که ما را از هم جدا کرده و نمی‌توانیم حرف بزنیم.

### رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان: آزاد شدن واردات نهاده‌های کشاورزی در مقابل ارز حاصل از صادرات را خواستاریم

(۱۱ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان گفت: درخواست ما آزاد شدن واردات نهاده‌های کشاورزی در مقابل ارز حاصل از صادرات است زیرا معتقدیم که ورود کالاهای با کیفیت به تولید ما کمک می‌کند. سیدمحمدرضا ترابی موسوی در اجلاس تجارت محصولات کشاورزی و غذا در اتاق ایران، افزود: پایین بودن بهره‌وری و قیمت بالای تمام شده محصول، قدرت رقابت را از صادرکنندگان می‌گیرد که باید در

### پاویون استان کرمان در رویداد اقتصادی کیش اینوکس

برتر شد

(۰۹ آبان، ۱۴۰۱)



براساس اعلام ستاد برگزاری رویداد کیش اینوکس، پاویون استان کرمان در بزرگترین رویداد اقتصادی کشور به‌عنوان غرفه برتر در زمینه ارائه برنامه‌های جانبی و حضور مدیران ارشد انتخاب شد. پاویون استان کرمان متشکل از اتاق کرمان، شهرداری کرمان، منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری و ارگ بم با هدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان در نمایشگاه کیش اینوکس از ۲۵ تا ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱ دایر بود.

### توجه به اشتغال آسیب دیدگان اجتماعی بهترین کار است

(۱۰ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان گفت: توجه به ایجاد اشتغال برای آسیب دیدگان اجتماعی پس از بهبود و درمان، کار خیر بزرگ و بهترین کار است. سیدمهدی طبیب زاده در نشست مجمع خیرین یاریگران زندگی در



دانش بنیان را در نمایشگاه کراچی ارائه دهد زیرا ما معتقدیم حضور در نمایشگاهها و اعزام و پذیرش هیئت‌های تجاری یکی از بهترین ابزارهای توسعه تجارت است. محمدعلی محمدمیرزائی‌ان افزود: نبود بستر مناسب در نقل و انتقال ارز بین دو کشور ایران و پاکستان، طولانی بودن زمان صدور روادید و عدم تدوین تعرفه‌های ترجیحی بین دو طرف از جمله مسائل در توسعه همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور است.

کنار استفاده از علم و تکنولوژی، مسائل را به دست خود حل کنیم. وی با اشاره به مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب در رابطه با حفظ مالکیت اراضی کشاورزی ادامه داد: متأسفانه فقط به دلیل اینکه اراضی باید آبیاری شوند و سرسبز باشند تا مالکیت آنها حفظ شود، آب‌های با کیفیت را در اراضی بی‌کیفیت و کم‌بهره مصرف می‌کنیم در حالی که می‌توان با اصلاح قانون این آب را به اراضی پربازده انتقال داد.

## پایگاه تجاری کرمان در ارمنستان افتتاح می‌شود

(۱۴ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان گفت: در ادامه پیگیری امضای تفاهم‌نامه با وزارت صنعت، معدن و تجارت، استانداری کرمان و اتاق کرمان در سال ۱۳۹۹ که قرار است ۶ پایگاه تجاری در کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا راه‌اندازی شود، پایگاه تجاری کرمان در ارمنستان راه‌اندازی خواهد شد. سیدمهدی طبیب زاده، در نشست با شهردار آرماویر ارمنستان افزود: در حال برنامه‌ریزی برای اعزام یک تیم کارشناسی برای بررسی میدانی تأسیس پایگاه تجاری کرمان در ارمنستان هستیم که امیدواریم بتوانیم به‌من‌ماه سال جاری این پایگاه را افتتاح کنیم. وی با اشاره به اینکه کرمان یکی از بزرگترین استان‌های اقتصادی ایران است، بیان کرد: در توسعه همکاری‌های اقتصادی کرمان با کشورهای همسایه ایران، بازار ارمنستان یکی از مقاصد اصلی ماست که به‌عنوان یکی از اعضای مهم اوراسیا به آن توجه داریم.

شهردار کرمان در ادامه این نشست گفت: اولین اولویت ما افزایش رفت‌وآمد مردم ایران و ارمنستان به‌ویژه کرمان و آرماویر خواهد بود که این ارتباط از طریق برگزاری رویدادهای مشترک اقتصادی و فرهنگی برای هنرمندان و تجار در کرمان و ارمنستان محقق خواهد شد. گفتنی است هیئت ارمنستانی به سرپرستی شهردار آرماویر با حضور در کرمان ضمن بازدید از ظرفیت‌های مختلف کرمان، تفاهم‌نامه خواهرخواندگی را با شهرداری کرمان امضا کردند.

## صادرات فولاد به پاکستان جدی گرفته شود

(۱۴ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان گفت: کرمان به‌عنوان یکی از قطب‌های تولید فولاد کشور مطرح است و باید به صادرات این محصول و مشتقات آن به پاکستان توجه جدی شود.

سیدمهدی طبیب زاده در نشست توسعه همکاری‌های اقتصادی استان کرمان و کشور پاکستان افزود: نمایشگاه اختصاصی جمهوری اسلامی ایران در کراچی پاکستان دی‌ماه سال جاری برگزار می‌شود که حضور فعال و جدی بخش خصوصی استان کرمان در این نمایشگاه با برنامه‌ریزی لازم برای معرفی بیشتر توانمندی‌های حوزه‌های مختلف و توسعه روابط اقتصادی مورد تأکید است.

وی با اشاره به اینکه ایران جز ۲۰ کشور اول واردکننده کالا به پاکستان نیست، ادامه داد: کرمان در سال ۲۰۲۱ تاکنون ۳۴ میلیون دلار صادرات به پاکستان داشته در حالی که هیچ محصولی از پاکستان وارد کرمان نشده است. طبیب زاده، تصریح کرد: از ایجاد مرکز تجاری کرمان به‌صورت مستقل یا به‌طور مشترک با استان‌های دیگر کشور در پاکستان استقبال می‌کنیم که امیدواریم این مهم برای تجارت استان مؤثر واقع شود.

در این نشست رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان گفت: کرمان می‌تواند محصولاتی مانند خرما، پسته، سیمان، مصالح ساختمانی، فولاد، مس، صنایع‌دستی، گیاهان دارویی و برخی تولیدات

رئیس مرکز داوری اتاق کرمان در ادامه این نشست با اشاره به اینکه مرکز داوری سال ۹۶ راه‌اندازی شده است، گفت: مرکز داوری اتاق با هدف کاهش پرونده‌های قضایی و کمک به سیستم قضایی در راستای حمایت از فعالان اقتصادی با مصوبه مجلس شورای اسلامی تشکیل شده که امیدواریم فعالیت‌های این مرکز به بهبود فضای کسب‌وکار استان کمک کند.

### نهضت کتاب‌خوانی راه‌اندازی شود (۱۵ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان گفت: فرهنگ کتاب‌خوانی باید ترویج شود که در این زمینه راه‌اندازی نهضت کتاب‌خوانی ضروری است. سیدمهدی طیب زاده، در اختتامیه هشتمین جشنواره ملی روستاها و عشایر دوستدار کتاب در روستای دهبکری افزود: کسب افتخار روستای دهبکری به‌عنوان روستای برگزیده دوستدار کتاب ایران بسیار ارزشمند است و از همه افرادی که در این مسیر تلاش کردند به‌ویژه «معصومه راسخ» مدیر کتابخانه عمومی این روستا قدردانی می‌کنیم. وی ادامه داد: میزان سرانه مطالعه هر روستا و هر شهر میزان توسعه‌یافتگی آن را نشان می‌دهد و باید برای افزایش سرانه کتاب‌خوانی همت مضاعف نمود. روستای زیبا و گردشگری دهبکری از توابع شهرستان بم در ۵۰ کیلومتری غرب بم در جاده ارتباطی بم به جیرفت واقع شده است. فاصله بم تا مرکز استان کرمان نیز ۱۹۵ کیلومتر است.

### نبود بیمه‌های بازرگانی آسیب‌زدایی به خسارت دیدگان وارد می‌کند (۱۵ آبان، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان با اشاره به خسارت بیش از ۹۰ درصدی سرمازدگی به محصول پسته امسال که معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان (۱۰ درصد اقتصاد استان) است، گفت: نبود بیمه‌های بازرگانی آسیب‌زدایی به خسارت دیدگان وارد کرده است.

### رئیس کل دادگستری کرمان: نیاز جدی کشور، حمایت از تولید و اشتغال است (۱۵ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس کل دادگستری استان کرمان گفت: نیاز جدی کشور ما حمایت از تولید و اشتغال و رفع موانع و مسائل بر سر راه تحقق این موارد است و هر کس در این حوزه مسئولیت دارد، باید کار خود را به‌عنوان تکلیف شرعی، قانونی و سازمانی انجام دهد. حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی، در سومین گردهمایی قضات و فعالان اقتصادی استان با عنوان «مانع‌زدایی اقتصادی، پشتیبانی قضایی» افزود: اگر چه هر یک از ما موظف به انجام مسئولیت‌ها در چارچوب قوانین و مقررات هستیم اما آنچه مهم است وجود حس حمایت از تولیدکنندگان است که اگر این حس وجود داشته باشد، نیمی از مشکلات حل می‌شود. در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان با اشاره به اینکه در شرایط سخت اقتصادی، فعالان اقتصادی تقاضای حمایت از تولید را دارند، گفت: در استان از فعالیت‌های سالم اقتصادی حمایت می‌کنیم و خوشبختانه در استان بیشتر مجموعه‌ها بویژه دستگاه قضا عزم جدی برای حمایت از تولید را دارد. نایب‌رئیس اتاق کرمان گفت: رتبه فضای کسب‌وکار نشان می‌دهد که مالیات ستانی دغدغه اصلی فعالان اقتصادی بوده که اتاق کرمان طی ۸ سال گذشته تلاش کرده قوانین مزاحم و محل در مالیات ستانی را احصا و پیگیری کند. جلیل‌کاربخش افزود: در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی نیز نمایندگان بند ۲ یا در جلسات هیئت‌ها حضور ندارند و یا تسلط لازم را نسبت به مباحث مالیاتی ندارند. کاربخش اظهار کرد: سیاست دولت اداره کردن کشور با مالیات است که اخیراً گزارشی ۶ ماهه منتشر و اعلام شده که ۵۵ درصد بودجه کشور از محل مالیات‌ها اداره شده است که باید به این موضوع توجه ویژه شود که با افزایش پایه‌های اقتصادی اجحافی در حق فعالان اقتصادی نشود.

مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان پس از انجام هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های اجرایی عضو کمیته، طرح را تهیه و ظرف مدت هشت روز کاری، سامانه را با آدرس <https://3632.kccim.ir> در دسترس قرار داد.



## مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران: اتاق کرمان به توسعه صنایع جانبی مس کمک کند

(۲۲ آبان، ۱۴۰۱)



مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران، با اشاره به اینکه کرمان قطب تولید مس کشور است، گفت: از اتاق کرمان درخواست داریم برای تحقق توسعه صنایع پایین‌دستی، ایجاد ارزش افزوده بیشتر و جلوگیری از خام‌فروشی و واردات، یکسری از پروژه‌های پایین‌دستی مس را هدف‌گذاری و سرمایه‌گذاران را برای مشارکت در اجرای این طرح‌ها دعوت کند.

علی رستمی، در نشست با رئیس اتاق کرمان بیان کرد: طی سال‌ها فعالیت، تولید مس از ۱۴۰ هزار تن به ۲۵۰ هزار تن رسیده اما تولیدات صنایع جانبی مس از ۷۰ هزار تن به ۴۰ هزار تن کاهش یافته که به همین دلیل برنامه‌ریزی برای گسترش تولیدات جانبی مس ضروری است و به همکاری اتاق کرمان برای راه‌اندازی سه تا چهار پروژه ذوب برای ایجاد ارزش افزوده بیشتر نیاز داریم. وی اظهار کرد: همچنین از مرحله اکتشاف تا پایین‌دست، ضعف اساسی



سیدمهدی طیب زاده، در نشست مؤسسان انجمن نمایندگان شرکت‌های بیمه‌ای استان کرمان افزود: در حالی که این خسارت سرمایه‌داری به باغات پسته استان ممکن است بحران‌های اقتصادی و امنیتی ایجاد کند اما از ابتدای سال تاکنون هیچ خسارتی به باغداران پرداخت نشده و یا بسیار کم پرداخت شده است. وی ادامه داد: یکی از حلقه‌های توسعه‌یافتگی هر منطقه بیمه‌های بازرگانی هستند و سهم بیمه‌ها در اقتصاد هر منطقه متناسب با میزان پیشرفت آن کشور است که به‌عنوان مثال می‌توان به سهم ۳۷ درصدی بیمه ژاپن و سهم دو درصدی بیمه ایران در تولید ناخالص داخلی این کشورها اشاره کرد.

در ادامه این نشست نماینده هیئت مؤسس انجمن نمایندگان شرکت‌های بیمه‌ای استان کرمان اظهار کرد: ۲۱ شرکت فعال بیمه با هزار و ۱۰۰ نماینده فروش بیمه عمر و سلامت در سطح استان فعال هستند اما تاکنون هیچ نهاد و گروهی از آن‌ها حمایت نکرده است. مجتبی نیرو افزود: این انجمن برای اولین بار در سطح کشور تشکیل می‌شود و تاکنون ۱۴ شرکت برای حضور در آن نماینده معرفی کردند که امیدواریم مابقی نیز به ما بپیوندند. گفتنی است در پایان این نشست اعضای هیئت‌مدیره این انجمن انتخاب شدند.

## سامانه ثبت درخواست متقاضیان تقسیط بدهی به تأمین اجتماعی فعال شد

(۱۶ آبان، ۱۴۰۱)

مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان سامانه ثبت درخواست تقسیط بدهی کارگاه‌های بحرانی به سازمان تأمین اجتماعی را طراحی و در دسترس قرار داده که فعال است.

پس از ابلاغ مصوبه کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید شمال استان مبنی بر تشکیل کمیته تقسیط بدهی کارگاه‌های بحرانی به تأمین اجتماعی با محوریت اتاق کرمان، این کمیته تشکیل و در نخستین نشست هماهنگی آن، طراحی و راه‌اندازی سامانه‌ای برای دریافت و بررسی مدارک متقاضیان توسط اتاق مصوب شد. بر همین اساس



احداث ایستگاه آتش‌نشانی در خیابان شهید صدوقی کرمان به‌عنوان ایستگاه مادر را به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی شهر عنوان کرد و گفت: با امکانات و تجهیزات متناسب با نیاز شهر کرمان در حوزه آتش‌نشانی می‌توان از جان و مال مردم محافظت کرد.

## راه‌اندازی قطار سبز از جنگل‌های هیرکانی گیلان تا بیابان لوت در کرمان

(۲۶ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان از تشکیل دبیرخانه مشترک کمیسیون‌های گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان و کمیسیون گردشگری و خدمات اتاق رشت با هدف برنامه‌ریزی برای انجام فعالیت‌های مشترک به‌ویژه راه‌اندازی قطار سبز ویژه گردشگری از جنگل‌های هیرکانی گیلان تا بیابان لوت در کرمان و برعکس آن خبر داد.

محمدرضا بهرامی، در نشست با رئیس کمیسیون گردشگری و خدمات اتاق رشت و جمعی از فعالان گردشگری کرمان گفت: با راه‌اندازی این قطار سبز ضمن کاهش هزینه‌های سفر و جذب گردشگر، می‌توان جاذبه‌های متفاوت و تجربه‌های جدیدی را به گردشگران نشان داد. وی ادامه داد: در این دبیرخانه مشترک همچنین قرار است مسیر کویر نورد اتریشی (آلفونس گابریل) در پیمایش بیابان لوت بازسازی و یک مسیر ژئوتوریستی تعریف شود.

## آینده توسعه استان در گرو توجه به اقتصاد دانش بنیان است

(۲۹ آبان، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان گفت: آینده توسعه استان در گرو توجه به اقتصاد دانش بنیان است و بایستی با میانبرهای دقیق به سمت پربارترکردن موضوع پیش رویم. سیدمهدی طبیب زاده در هفتاد و نهمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان، افزود: با توجه به نام‌گذاری

در دستگاه‌های حفاری وجود دارد که در این زمینه فقط دو شرکت مهندسی و حفاری اکتشافی فعال هستند و باید برای راه‌اندازی تعداد بیشتر این شرکت‌ها برنامه‌ریزی کرد.

در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان گفت: اتاق کرمان در بخش‌های مختلف با کمک فعالان اقتصادی فعالیت‌های عام‌المنفعه انجام داده و در ادامه پویش کرمان دانا با توجه به کمبودهای آموزشی شهر و استان کرمان تشکیل شد و قرار است ۱۲۰ مدرسه با کمک فعالان اقتصادی ساخته شود.

در پایان رئیس اتاق کرمان از شرکت ملی صنایع مس ایران درخواست کرد برای احداث ۱۰ مدرسه در پویش کرمان دانا مشارکت نماید.

## حفظ جان و مال مردم جزء اولویت‌های مسئولیت اجتماعی است

(۲۲ آبان، ۱۴۰۱)



سیدمهدی طبیب زاده، در نشست با مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و برخی مدیران این سازمان ضمن تقدیر از تلاش‌های نیروهای خدمتگزار این سازمان افزود: در ابعاد مختلف می‌توان حوادث آتش‌سوزی را کم کرد که مهم‌ترین آن آگاهی بخشیدن به جامعه با هدف پیشگیری از آتش‌سوزی با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی به‌ویژه برای کودکان و بانوان است که باید این موضوع بسیار جدی دنبال شود. وی ادامه داد: تشویق کردن مردم برای دریافت بیمه آتش‌سوزی نیز در زمینه جبران خسارت‌های وارد شده ناشی از آتش‌سوزی نیز بسیار مهم است زیرا هزینه کمی برای مردم دارد اما در شرایط بحران تأثیرگذار است.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی کرمان نیز در ادامه این نشست افزود: ۱۰ ایستگاه عملیاتی با ۱۸۰ نیرو در سطح شهر کرمان فعال هستند که هر شبانه روز به‌طور میانگین ۱۳ عملیات انجام می‌شود که این میزان عملیات بیشتر از توان و امکانات آتش‌نشانی شهر کرمان است. ابراهیم بابایی، درخواست مشارکت و همکاری فعالان اقتصادی برای

واقعی آب مصرف شده برای این محصول ۲۴۰ هزار میلیارد تومان است.



در ادامه عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان گفت: صندوق بیمه محصولات کشاورزی در حال از دست دادن کارکرد خود است زیرا میزان پرداختی‌ها در مقابل خسارت‌های ناشی از عارضه‌های ایجاد شده در کشاورزی به‌ویژه بسیار کم است. محمدحسین اکبری، از مجلس شورای اسلامی درخواست کرد تا چند روز دیگر که بودجه سال آینده برای بررسی به مجلس شورای اسلامی می‌رود نمایندگان مردم استان تلاش کنند تا سهم دولت در صندوق بیمه افزایش پیدا کند و سهم بیمه‌گذاران افزایش داشته باشد تا بتوان پرداخت‌های مناسبی به خسارت دیدگان محصولات کشاورزی داشته باشیم. این جشنواره با برگزاری نمایشگاهی از خرمای تولیدی جنوب کرمان و انجام برنامه‌های جانبی در عنبرآباد دایر گردید.

### وضعیت زغالسنگ کرمان با اصلاح ساختار بهبود می‌یابد (۳۰ آبان، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان گفت: وضعیت زغالسنگ کرمان با اصلاح ساختار در شرکت زغالسنگ بهبود می‌یابد که این اصلاح با تکیه بر پرداخت حقوق کارگران و بازنشستگان، اصلاح قیمت زغال، ایجاد اشتغال جدید و افزایش بهره‌وری ممکن خواهد بود.

سال و تأکید بر فعالیت‌های دانش‌بنیان می‌توان با همراهی همه به‌ویژه دانشگاهیان و اعضای شرکت‌های دانش‌بنیان نتایج ملموس‌تری را بگیریم. وی ادامه داد: در استان کرمان استاندار، نمایندگان مجلس و مدیران تأکید فراوانی بر اقتصاد دانش‌بنیان دارند که با توجه به اهمیت موضوع باید در این مسیر موانع برداشته شود و به سمت حل آن‌ها و توسعه استان باشیم.



محمد مهدی فداکار، با بیان اینکه در حوزه دانش‌بنیان باید از کارشناسان رسمی بهره‌مند شد، تصریح کرد: بین شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری تفاوت وجود دارد و باید هر بخش را در جای خود دید. وی پیشنهاد راه‌اندازی مرکز مشاوره در حوزه‌های حقوقی، مالی، مالیاتی و تأمین اجتماعی برای شرکت‌های دانش‌بنیان را مطرح کرد. گفتنی است در این نشست گزارش‌هایی با موضوع تحلیل فضای کسب‌وکار در شرکت‌های دانش‌بنیان، اکوسیستم نوآوری بر مبنای حل چالش‌ها در سند توسعه فناوری و نوآوری استان، بررسی موانع و چالش‌های پیش روی شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شد.

### جشنواره خرمای کلوته آغازی برای توسعه جنوب کرمان (۲۹ آبان، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان گفت: امیدواریم برگزاری دومین جشنواره ملی خرمای کلوته جنوب کرمان آغازی بر تفکر سیستمی برای توسعه شهرستان‌های جنوب استان باشد. سیدمهدی طیب زاده در آئین افتتاح دومین جشنواره ملی خرمای کلوته جنوب کرمان در عنبرآباد افزود: میزان مصرف آب در جنوب کرمان ۲/۸ میلیارد مترمکعب است و این در حالی است که قیمت هر مترمکعب آب منتقل شده از خلیج فارس به کرمان سه دلار و با تخفیف ۸۸ هزار تومان است. وی ادامه داد: اگر همه محصول کاشته شده در جنوب استان به خوبی برداشت شود و به بازار برسد ۹۰ هزار میلیارد تومان درآمد محصول حاصل می‌شود در حالی که ارزش

«مهدی آگاه» راهاندازی شود تا افراد مستعد، شناسایی و در این مرکز مطابق با تجربه‌ها و مدیریت آگاه آموزش داده شوند. در ادامه رئیس سابق اتاق کرمان و اتاق ایران در این نشست گفت: مهدی آگاه به تنهایی یک اندیشه و منش را در همه زمینه‌ها دنبال کردند و پایه نهادند که در مورد هر یک از آن‌ها ساعت‌ها می‌توان سخن گفت. محسن رشیدفرخی، رئیس انجمن ملی خرمای ایران نیز در این نشست مرحوم آگاه را فرد خیر، نخبه و مطالبه‌گر عنوان کرد و گفت: این مطالبه‌گری را به شاگردانش به خوبی یاد داد و در پروراندن شاگردان خود واقعاً مسئولیت اجتماعی را به خوبی انجام داد. محمدحسین کریمی پور؛ فعال و تحلیلگر اقتصادی در این آئین، مرحوم آگاه را تحلیلگر و تیزفکر دانست و بیان کرد: مهمتر از همه ویژگی‌های بارز آگاه، انسانیت و اخلاق ایشان بسیار نمایان بود، همان‌گونه که ادیان مختلف هدف را این دو مورد عنوان کرده‌اند.

مدیرعامل پرورشگاه صنعتی کرمان نیز در این نشست از حمایت‌های مرحوم آگاه از این مجموعه گفت و اظهار کرد: پرورشگاه صنعتی ۳۷۰ فرزند را تحت پوشش خود دارد و این فرزندان از ۱۵ سالگی در رشته‌های مختلف به فن آموزی می‌پردازند. محمود صنعتی خاطرنشان کرد: پرورشگاه صنعتی اولین مرکز خیریه کشور است که از سازمان فنی و حرفه‌ای مجوز درون‌سازمانی دارد به طوری که این فرزندان پس از یادگیری مهارت‌های مختلف با دانش و تجربه قابل قبول در کارخانجات و مشاغل مختلف مشغول به کار می‌شوند. وی ادامه داد: پرورشگاه صنعتی در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی بنیان گذاشته شد، در سال ۱۳۱۸ به عنوان اولین مجموعه به طور رسمی ثبت شد که اکنون ۱۰۶ سال از تأسیس این مجموعه می‌گذرد و در دوران دفاع مقدس ۲۴ شهید و آزاده تقدیم انقلاب کرده است.

### دفتر هیئت صلح اتاق کرمان افتتاح شد

(۰۷ آذر، ۱۴۰۱)

دفتر هیئت صلح اتاق کرمان در آئینی با حضور رئیس و اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، رئیس کل و برخی مدیران دادگستری استان با هدف رفع نگرانی فعالان اقتصادی، حمایت از اقتصاد، تولید و اشتغال افتتاح شد.

رئیس اتاق کرمان در این آئین با اشاره به اهتمام ویژه دستگاه قضا مانند دولت و نمایندگان مجلس در استان در زمینه حمایت از فعالان اقتصادی و همچنین قدرانی از آن‌ها گفت: موضوع صلح و سازش پیش از این در اتاق کرمان وجود داشته به طوری که در موردی از اختلاف، با همت جلیل کاریبخش نایب رئیس اتاق کرمان و علی نظری از پیشکسوتان صادرکننده پسته، طی چندین ماه برگزاری جلسات صلح و سازش، مشکل برطرف و از تشکیل حدود ۳۰۰ پرونده قضایی جلوگیری شد.

سیدمهدی طبیب زاده، در نشست بررسی مسائل و مشکلات صنعت زغال کرمان افزود: در مقطع فعلی باید درمان‌های کوتاه‌مدت برای رفع مشکلات در نظر گرفته شود اما برای بلندمدت باید تصمیمات جدی برای حل ریشه‌ای مسائل اتخاذ شود. وی اظهار کرد: زغالسنگ کرمان شرایط و موقعیت خوبی دارد و می‌تواند اشتغال خوبی نیز ایجاد کند اما گرفتار مسائل متعدد است. طبیب زاده، تصریح کرد: مسائل و مشکلات این بخش طی سال‌ها و دهه‌های گذشته وجود داشته و تکرار شده اما چاره‌ای اساسی برای آن اندیشیده نشده و از سوی دیگر شرکت زغالسنگ نیز تولید را کاهش داده است. استاندار کرمان در ادامه این نشست گفت: برطرف کردن خلاءهای بیمه‌ای، پرداخت حقوق و حقوق کارگران، ایجاد اشتغال، افزایش سرمایه، بهره‌برداری معادن جدید و نوسازی ساختار در شرکت زغال سنگ مورد تأکید است.

### بزرگداشت مرحوم «مهدی آگاه» برگزار شد

(۰۵ آذر، ۱۴۰۱)



آئین بزرگداشت مرحوم مهدی آگاه از اقتصاددانان فقید دیار کریمان، همزمان با زادروز این استاد گرانقدر، با حضور پیشکسوتان و فعالان بخش خصوصی استان و خانواده وی، با همکاری پرورشگاه صنعتی در اتاق کرمان برگزار شد.

رئیس اتاق کرمان در این آئین با اشاره به اینکه انسان توسعه یافته به عنوان حلقه مفقوده توسعه پایدار استان و مدیریت سطح پنجم مبنای توسعه یافتگی است، گفت: انگار ویژگی‌های انسان توسعه یافته و مدیر سطح پنجم را از روی تمامی مشخصات و صفات مرحوم مهدی آگاه تعریف کرده‌اند. سیدمهدی طبیب زاده، با بیان اینکه مرحوم آگاه، مدیریت و رهبری متواضع، تیزهوش، کارآمد، بانفوذ و فوق‌العاده داشت، افزود: با توجه به اینکه ایشان میل شدیدی به یادگیری و یاد دادن علم و تجربه خود به صورت خالصانه و صمیمانه به دیگران داشتند، پیشنهاد می‌شود مرکز آموزشی و پژوهشی به نام



## ارمنستان دروازه ورود به سایر کشورهاست

(۰۸ آذر، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان با بیان اینکه علاوه بر اینکه می‌توان محصولات مختلف استان را در ارمنستان عرضه کرد، گفت: این کشور می‌تواند دروازه ورود کالاهای ایرانی به مقاصد دوم صادراتی ما باشد و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. سیدمهدی طبیب زاده در نشست بررسی همکاری‌های تجاری ایران و ارمنستان با اشاره به سنخیت فرهنگی دو کشور افزود: در مرز ایران و ارمنستان منطقه‌ای اقتصادی ایجاد شده که می‌توان برخی تولیدات را در آنجا انجام داد و صادر کرد. وی ادامه داد: ما در اتاق کرمان آماده دریافت نظرات و پیشنهادهای فعالان اقتصادی و اعضای تشکلهای اقتصادی برای اعزام هیئت و حضور در نمایشگاه و همچنین راه‌اندازی مرکز تجاری کرمان در ارمنستان هستیم. رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان در ادامه این نشست گفت: ارمنستان به دلیل جمعیت کم این کشور شاید بازار چندان پرونقی برای صادرکنندگان نباشد اما سکوی پرتاب خوبی برای صادرات محصولات به روسیه است. محمدعلی محمدمیرزاییان افزود: برای صادرات مستقیم محصول از ایران به روسیه حدود ۲۸ درصد مالیات باید پرداخت شود در حالی که بیشتر این صادرات به‌صورت غیرمستقیم از ایران به ارمنستان و قرقیزستان صادر و از آنجا به مقصد روسیه صادرات مجدد می‌شوند.

مدیر توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق کرمان در ادامه این نشست بیان کرد: ارمنستان تنها کشور عضو اتحادیه اوراسیاست که مرز مشترک با ایران دارد و ما می‌توانیم از این فرصت در کنار روابط مناسب دو کشور بهترین استفاده را انجام دهیم. معصومه سعید خاطر نشان کرد: رتبه آغاز کسب‌وکار در ارمنستان در بین ۱۹۰ کشور دهم است و این کشور دسترسی به دریای سیاه و کشورهای غربی را فراهم می‌کند.

## استان ما صادرکننده ارزش افزوده است

(۰۹ آذر، ۱۴۰۱)

رئیس اتاق کرمان گفت: استان ما صادرکننده ارزش افزوده است زیرا اقلام صادراتی ما به‌طور عمده به‌صورت خام صادر می‌شود و سرمایه‌گذاری در

فرآوری محصولات انجام نشده است.

سیدمهدی طبیب زاده، در نشست مدیران واحدهای تابعه امور اقتصادی و دارایی استان با فعالان اقتصادی افزود: سال‌هاست که تعداد صادرکننده، بازارها و نوع کالا و محصول صادراتی کرمان مشابه و یکسان بوده و کمتر به فکر ایجاد ارزش افزوده بیشتر بوده‌ایم. وی با اشاره به اینکه گمرک بسیار می‌تواند به توسعه صادرات استان کمک کند، اظهار کرد: به بیمه‌های تجاری در استان چندان توجهی نمی‌شود در حالی که نقش مهمی در آرامش، امنیت و اشتغال استان دارند و می‌توان با اصلاح برخی قوانین و مقررات بیمه‌های تجاری را بهتر اجرا کرد.



عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان با بیان اینکه اتاق متولی پیش محیط کسب‌وکار است، گفت: محیط کسب‌وکار باید قابل پیش‌بینی باشد و بتوان برای آن برنامه‌ریزی کرد، اما متأسفانه در شرایطی هستیم که نمی‌توانیم برای روز بعد نیز برنامه‌ریزی کنیم به‌طوری که به‌عنوان مثال نرخ ارز از شهریورماه سال جاری تاکنون تغییر ۲۰ درصدی داشته است. عباس جبالبارزی افزود: در این شرایط آیا بانک‌ها سقف تسهیلات سرمایه در گردش را ۲۰ درصد افزایش می‌دهند و یا در قراردادهای ریالی این تغییرات را اعمال می‌کنند؟ که قطعاً پاسخ خیر است.

گفتنی است در این نشست برخی مدیران سازمان‌های تابعه اداره کل اقتصاد و دارایی استان و برخی فعالان اقتصادی به بیان نظرات خود پرداختند.

## شب گردشگری کرمان برگزار شد

(۱۶ آذر، ۱۴۰۱)

شب گردشگری کرمان با حضور استاندار و معاونان وی، رئیس اتاق کرمان، مدیران کل دستگاه‌های مختلف و فعالان بخش خصوصی حوزه گردشگری کرمان برگزار شد. رئیس اتاق کرمان در این نشست گفت: گردشگری در اقتصاد جهان پیشرو است اما در ایران و به‌ویژه استان کرمان به این باور نرسیده‌ایم و باید این موضوع آن‌قدر تکرار شود تا در اذهان همه مسئولان و مردم نهادینه شود. سیدمهدی طبیب زاده افزود: گردشگری کرمان با وجود همه ظرفیت‌ها مورد غفلت بسیاری قرار گرفته که آثار این غفلت بسیار روشن است در حالی

منسجم‌تر، هدفمندتر و نتیجه‌گراتر بین دانشگاه و اقتصاد شکل گیرد، به توجه به وسعت و تنوع همکاری بین دو طرف باید چارچوبی توسعه‌یافته برای آن در نظر گرفته شود.

گفتنی است، در جشنواره تجلیل از پژوهشگران و فناوران برتر سال ۱۴۰۱ استان کرمان از ۶۶ نفر پژوهشگر و فناور برتر در ۱۱ بخش تجلیل شد.

## تاکنون هیچ‌کدام از وعده‌های جبران خسارت سرمایه‌گذاری پسته محقق نشده است

(۲۶ آذر، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان گفت: پس از سرمایه‌گذاری باغات پسته استان در فروردین‌ماه سال جاری و بازدید مسئولان بلافاصله بعد از این رخداد، جلسات متعددی برگزار و وعده‌هایی برای جبران خسارت این سرمایه‌گذاری به کشاورزان داده شد که تاکنون هیچ یک از آن‌ها محقق نشده است.

سیدمهدی طبیب زاده در هشتمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی مسائل مربوط به خسارت سرمایه‌گذاری باغات پسته، افزود: باید همه دست‌اندرکاران مربوطه مانند مرکز تحقیقات پسته، دانشگاه باهنر و... با همکاری یکدیگر اقدامات مناسب و پیشگیرانه‌ای را برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری در آینده انجام دهند. وی ادامه داد: با وجود اینکه ۹ ماه از سال می‌گذرد اما در زمینه پرداخت غرامت‌ها، تمدید تسهیلات کشاورزان و پرداخت تسهیلات جدید کاری انجام نشده با بسیار کم انجام شده است که این مسئله باید پیگیری شود. طبیب زاده، با بیان اینکه هیچ توجهی به هشدارهای علمی پیش از ایجاد بحران‌ها نمی‌شود، اظهار کرد: متأسفانه در برخی موارد مسئولان استان اختیاری در اجرای برخی قوانین و مصوبات ندارند.

در ادامه استاندار کرمان، از اختصاص بیش از ۱۵ هزار میلیارد ریال از سوی شرکت ملی صنایع مس ایران به بانک کشاورزی برای پرداخت تسهیلات به کشاورزان پسته‌کار شمال استان کرمان خبر داد و گفت: چون تاکنون پرداخت تسهیلات و غرامت‌ها تأمین اعتبار نشده بود، این هماهنگی با شرکت مس برای اعطای تسهیلات به باغداران پسته شهرستان‌های کرمان، رفسنجان، انار، سیرجان و شهربابک انجام شد.

که پرداختن به گردشگری، صنعت و اشتغال را متحول می‌کند. وی با اشاره به اینکه در دنیا صنایع نسل پنجم و ششم فعالیت دارند، اما در کرمان صنایع ما نسل اول و دوم هستند، ادامه داد: دوره‌های زمانی تغییرات در گردشگری نیز مانند سایر حوزه‌ها بسیار سریع اتفاق می‌افتد و دانشگاه نیز به‌تازگی از پژوهش محور به کارآفرینی روی آورده است. طبیب زاده اظهار کرد: در گزارشی پژوهشی این‌گونه بیان شده که در رشد گردشگری، رشد فناوری بیشتر از زیرساخت‌ها و تأمین مالی تأثیرگذار است که برای تحقق این رشد باید طرح جامع گردشگری و نقشه راه گردشگری تدوین شود.



## برای حل معضلات پیچیده استان به دانشگاه نسل پنجم نیاز داریم

(۱۷ آذر، ۱۴۰۱)



رئیس اتاق کرمان با اشاره به اینکه کشور به فارغ‌التحصیلان متخصص، دانشمند، کارآفرین، ارزش‌آفرین، جامع‌نگر و مؤثر بر محیط و حافظ محیط‌زیست نیاز دارد، گفت: برای حل معضلات پیچیده استان نیاز داریم تا دانشگاه به‌سوی نسل پنجم حرکت کنند.

سیدمهدی طبیب زاده، در آئین نکوداشت پژوهشگران و فن‌آوران برگزیده سال ۱۴۰۱ استان کرمان با حضور مدیران دانشگاهی و اجرایی استان، در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر کرمان افزود: برای اینکه همکاری‌های

مقابله با سرمازدگی بیان کرد و افزود: کشاورزان در زمان‌هایی که خطر سرمازدگی وجود دارد، از سوزاندن لاستیک خودداری کنند. سرپرست پژوهشکده پسته، با اشاره به دو نوع سرمازدگی انتقالی و تشعشعی، بیان کرد: در سال‌های اخیر ما با سرمازدگی تشعشعی روبرو بودیم که معمولاً در هوای آرام، بدون باد و ابر رخ می‌دهد و در سرماهای خشک بیشتر خسارت می‌زند. وی ادامه داد: در سایر مناطق پسته‌کاری عمده دنیا به دلیل بالا بودن رطوبت معمولاً خسارت این نوع سرمازدگی کمتر است. محمدی با بیان اینکه خسارت سرمازدگی تشعشعی در گیاه پسته خیلی متنوع است، گفت: آنچه در شدت سرمازدگی بسیار اهمیت دارد، میزان دمایی که کاهش پیدا می‌کند، مدت زمان قرار گرفتن در معرض هوا و سرعت کاهش شبکه فیزیولوژیک است.

### بررسی عوارض عدم اجرای ماده ۲۵ قانون بهبود محیط کسب و کار؛ ضربه کاری به تولید و اشتغال

(۲۸ آذر، ۱۴۰۱)



عباس جبالبارزی نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران با انتقاد از عدم اجرای ماده ۲۵ قانون بهبود محیط کسب و کار و قطع گاز و برق صنایع گفت: این وضع نتیجه‌ای جز زیان تولیدکننده و بیکاری کارگر و افت تولید ناخالص ملی ندارد.

ماده ۲۵ قانون بهبود محیط کسب و کار دولت را از اولویت قرار دادن صنایع برای قطع گاز، برق و خدمات مخابرات منع کرده و همچنین دولت را مکلف کرده که اگر در شرایط اضطرار مجبور به قطع این خدمات به صنایع شد، باید خسارات آن‌ها را جبران کند. با وجود گذشت ۱۰ سال از تصویب این ماده، اما هنوز اجرایی نشده است. در همین رابطه عباس جبالبارزی نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران گفت: نهادهای نظارتی باید بررسی کنند دلایل عدم اجرای این ماده چیست. معنای جبران خسارات ناشی از قطع برق و گاز واحدهای تولیدی به معنای پرداخت مابه‌ازای قیمت برق یا گاز قطع شده نیست. بلکه منظور از آن این است که به میزانی که کارخانه زیان می‌کند، باید خسارات آن پرداخت شود؛ اما این اتفاق نیفتاده است.

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان در این نشست گفت: در ابتدای امسال به‌منظور نگهداری و اصلاح باغات پسته، مصوب شد تسهیلات «کشاورز کارت» به کشاورزان پسته کار داده شود که تاکنون هیچ تسهیلاتی پرداخت نشده است. گفتنی است در این نشست گزارش‌هایی با عناوین «تبیین نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در پیش‌بینی وقوع سرمازدگی و پیشگیری از خسارت ناشی از آن»، «جمع‌بندی خسارات وارد شده و پیگیری‌های صورت گرفته»، «اقدامات و برنامه‌های علمی-اجرایی پژوهشکده فناوری تولیدات گیاهی دانشگاه باهنر» و «راهکارهای پیشنهادی پژوهشکده پسته برای پیشگیری از عارضه سرمازدگی» ارائه شد.

### چند راهکار جهت کاهش خسارت سرمازدگی در باغات

پسته

(۲۶ آذر، ۱۴۰۱)



سرپرست پژوهشکده پسته، در هشتمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان، با موضوع بررسی خسارت وارده بر باغات پسته، راهکارهای کاهش خسارت سرمازدگی در باغات پسته استان را تشریح کرد.

امیرحسین محمدی، مهم‌ترین عامل مقابله با سرمازدگی را پیش‌بینی دمای هوا دانست و گفت: اگر بهترین شرایط را برای کنترل سرمازدگی داشته باشیم اما نتوانیم دما را کنترل کنیم، همه‌چیز از دست می‌رود. وی تأکید کرد: به کار گرفتن تمامی راهکارهای تحقیقاتی، مستلزم داشتن اطلاع از زمان وقوع سرمازدگی است که باید برای آن چاره‌اندیشی اساسی شود. محمدی، با اشاره به تحقیقات صورت گرفته برای کمک به کشاورزان و کاهش میزان خسارت سرمازدگی در باغات پسته، از کشاورزان خواست در اولین گام از هرس زودهنگام درختان خودداری کنند و این کار را تا اواخر بهمن‌ماه به تأخیر بیندازند. وی، عدم شخم زدن زمین در محدوده زمانی وقوع سرمای بهاره، انجام آبیاری‌های سبک و جمع‌آوری علف‌های هرز را از دیگر راهکارهای

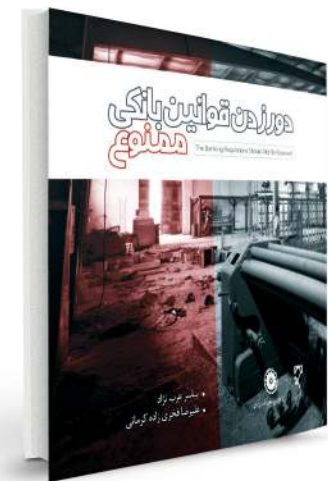
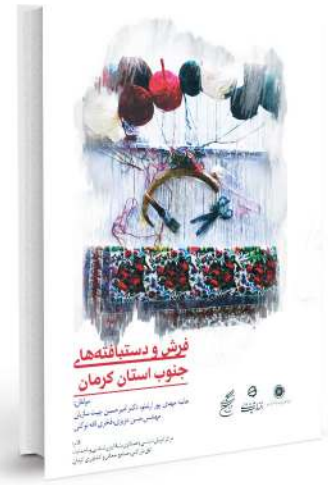
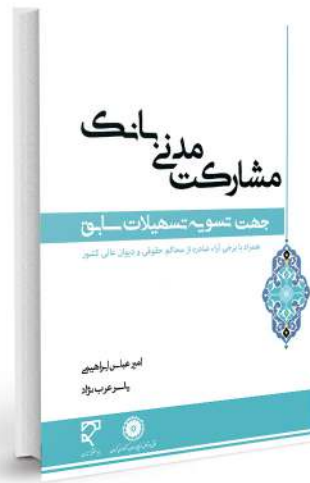
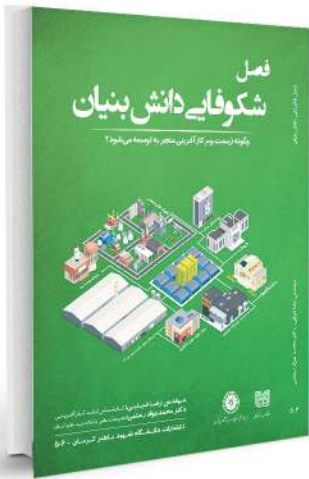




اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

جهت تهیه کتاب‌ها  
با شماره‌های ۰۳۴۳۲۴۴۲۳۲۴  
و ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹  
تماس حاصل فرمایید.

# کتاب‌های منتشر شده در اتاق کرمان







# سومین کنفرانس بین المللی

## گردشگری بیابان لوت

(فرصت های محلی و بین المللی)



دانشگاه شهید باهنر کرمان



مهلت ارسال مقالات: ۵ آذر تا ۱۵ اسفند ۱۴۰۱

برگزاری: ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲

### اهداف کنفرانس:

۱. معرفی میراث جهانی بیابان لوت و چاره جویی برای ایجاد وحدت رویه در مدیریت گردشگری و حفاظت از اکوسیستم ارزشمند آن.
۲. برندسازی میراث جهانی بیابان لوت در حوزه گردشگری.
۳. شناسایی ظرفیت های گردشگری بیابان لوت در سطح ملی و بین المللی.
۴. استفاده از ظرفیت های بین المللی، ملی و محلی برای توسعه جوامع محلی در حوضه بیابان لوت.
۵. تشکیل زنجیره ارزش گردشگری از دستگاه های دولتی و خصوصی دخیل و ذینفعان مؤثر در بیابان لوت.
۶. افزایش نقش دانشگاه های سه استان کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی در تحقیقات بیابان لوت.
۷. همکاری و هم افزایی دانشگاه های سه استان با دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی در توسعه گردشگری بیابان لوت.
۸. معرفی تخصصی حرم های مختلف لوت و ظرفیت های مختلف در آنها برای امکان سنجی توسعه گردشگری های متنوع متناسب با حرم ها.

### محورهای اصلی کنفرانس:

۱. فناوری ها و ظرفیت های نوین در توسعه گردشگری بیابان لوت.
۲. زمین بوم های اجتماعی و توسعه گردشگری در بیابان لوت.
۳. توسعه انرژی های تجدیدپذیر در بیابان لوت.
۴. اقتصاد گردشگری و بوم گردی در بیابان لوت.
۵. طبیعت گردی، اکوتوریسم و اقلیم معماری در بیابان لوت.
۶. کاستی ها، مولف و چالش ها در مسیر توسعه گردشگری بیابان لوت.

### برنامه های جانبی کنفرانس:

۱. سخنرانی استادان برجسته ایرانی و خارجی در حوضه لوت شناسی در پتل های مختلف کنفرانس.
۲. بازدید از کلوت ها، برخان ها و جاذبه های طبیعی در بیابان لوت.
۳. بازدید از صنایع دستی مردم محلی روستاهای اطراف شهداد.
۴. بازدید از نمایشگاه سنگ های تزئینی، شهاب سنگ ها و گوهرسنگ های اکتشاف شده از بیابان لوت در موزه سنگ بخش زمین شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۵. بازدید از نیکاها (گلدان های طبیعی) بیابان لوت.
۶. بازدید از شهر تاریخی آرنا (شهر صنعتگران عهد باستان در شهداد).
۷. رصد آسمان در یک شب به یادماندنی در لوت.
۸. بازدید از منطقه گندم بریان و بقایای کاروانسراهای تاریخی و قنات ها تاریخی در عمق بیابان لوت (در صورت مساعد بودن شرایط آب و هوایی و فراهم بودن امکانات لازم).
۹. بازدید از قلعه باستانی کشیت، آبشار زیبای کشیت و رود شور (در صورت مساعد بودن شرایط آب و هوایی و فراهم بودن امکانات لازم).
۱۰. بازدید از نمایشگاه آثار و پژوهش های مرتبط با بیابان لوت (دستاوردها، ابزار آلات کاوشگران و محققان بیابان لوت همچون استاد احمد مستوفی و استاد پرویز کردوانی).



۰۲۲۲۱-۴۳۸۶۵



تاسیس مرکز تخصصی گردشگری و صنعت در استان کرمان



تعاون بازرگانی میان سازمان کشتاری کرمان



دبیرخانه کنفرانس: کرمان - میدان پژوهش - دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - بخش جغرافیا

شماره دبیرخانه: ۰۳۴-۳۱۳۲۲۳۶۷ آدرس سایت: lut3conf.uk.ac.ir @ پست الکترونیکی: lut3@conf.uk.ac.ir